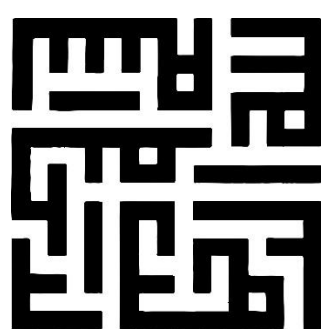




کتاب شهرهای جدید (۵)

**«سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ
شهری در شهرهای جدید»**

گردآورنده و ویراستار علمی:

سعید معیدفر

(هیأت علمی دانشگاه تهران)

مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

شرکت عمران شهرهای جدید

۱۳۹۶

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست

شابک
وضعیت فهرستویی
یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناس

: معیدفر، سعید، ۱۳۳۵ -، گردآورنده، ویراستار
: سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ شهری در شهرهای جدید / گردآورنده و ویراستار علمی سعید معیدفر؛ زیر نظر کارگروه تدوین کتاب شهرهای جدید حبیب‌الله طاهرخانی... [و دیگران] ؛ به سفارش شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید.
: تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۶.
: ر. ۱۵۹ ص. مصور، جدول، نمودار.
: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، شماره نشر: ک-۷۷۴ ؛
مجموعه کتابهای شهرهای جدید: ۵.
: ۸-۱۶۰-۱۱۳-۶۰۰-۹۷۸
: فیبا
: زیر نظر کارگروه تدوین کتاب شهرهای جدید، حبیب‌الله طاهرخانی، همت‌علی عبدی‌نژاد، غزال راهب، خلیل حاجی‌پور، میثم بصیرت، مهدیه عابدی، اعظم ادهمی‌خامنه
: عنوان دیگر: مجموعه کتاب شهرهای جدید «سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ شهری در شهرهای جدید»
: مجموعه کتاب شهرهای جدید «سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ شهری در شهرهای جدید»
: شهرهای جدید -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
: New towns -- Iran -- Addresses, essays, lectures
: جامعه‌شناسی شهری -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
: Sociology, Urban -- Iran -- Addresses, essays, lectures
: شهرنشینی -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
: Urbanization -- Iran -- Addresses, essays, lectures
: توسعه پایدار شهری -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
: Sustainable urban development -- Iran -- * Addresses, essays, lectures
: طاهرخانی، حبیب‌الله،
: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی
: Road, Housing and Urban Development Research Center
: شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید. کارگروه تدوین کتاب شهرهای جدید
: شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید
: ۱۳۹۶ ه.س. ۵/۷/۱۹۹۹ HT
: ۳۰۷/۷۶۸۰۹۵۵
: ۶۸۰۹۹۰۰



وزارت راه و شهرسازی
مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی



وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهری جدید

نام کتاب: مجموعه کتاب شهرهای جدید «سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ شهری در شهرهای جدید»
گردآورنده و ویراستار علمی: سعید معیدفر

زیر نظر: کارگروه تدوین کتاب شهرهای جدید (مهندس حبیب‌الله طاهرخانی، مهندس همت‌علی عبدی‌نژاد، دکتر غزال راهب، دکتر خلیل حاجی‌پور، دکتر میثم بصیرت، دکتر مهدیه عابدی، اعظم ادهمی‌خامنه)

شماره نشر: ک-۷۷۴

ناشر: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی به سفارش شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: اداره انتشارات و چاپ مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-113-160-8

شابک: ۸-۱۶۰-۱۱۳-۶۰۰-۹۷۸

مسئولیت صحت دیدگاه‌های علمی بر عهده نگارندگان محترم می‌باشد.

کلیه حقوق چاپ و انتشار اثر برای مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی محفوظ است.

نشانی ناشر: تهران، بزرگراه شیخ فضل... نوری، رویروی فاز ۲ شهرک فرهنگیان، خیابان نارگل، خیابان شهید علی

مروی، خیابان حکمت صندوق پستی: ۱۶۹۶-۱۳۱۴۵ تلفن: ۸۸۲۵۵۹۴۲-۶ دورنگار: ۸۸۳۸۴۱۳۲

فروش الکترونیکی: [http:// pub.bhrc.ac.ir](http://pub.bhrc.ac.ir)

پست الکترونیکی: pub@bhrc.ac.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	ز
مقدمه	م
نقش فرهنگ در هویت بخشی و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی شهرهای جدید / عبدالوهاب شُهلای بُر	۱
کیفیت زیست شهری و رضایت از زندگی در شهرهای جدید / حسین ایمانی جاجرمی	۱۵
چالش‌های موجود در پایداری اجتماعی شهر جدید هشتگرد / افشین خاکی نجف‌آبادی	۳۹
جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند با تأکید بر منشأ و اثرات اجتماعی آن / هدی توحیدی	۷۹
پتانسیل آنومی اجتماعی در شهرهای جدید / مریم زارعیان	۹۹
بررسی جامعه‌شناختی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر جدید پردیس / سپیده امیرکافی	۱۱۳
بررسی و تحلیل الگوهای فضایی-مکانی وقوع بزه سرقت در ارتباط با مؤلفه‌های کالبدی در شهرهای نوبنیاد: نمونه موردی محله عطار شهر شاهین شهر / مهین نسترن، محمود محمدی، محمدکاظم جباری، رضا دیانی	۱۳۷

پیشگفتار

در نگاه اول به ویژه قانون ایجاد شهرهای جدید و آیین نامه اجرایی آن به نظر می‌رسد شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید صرفاً موظف به مکان‌یابی و عمران کالبدی شهرهای جدید است. اما ایجاد و عمران یک شهر چگونه امکان‌پذیر است؟ برای پاسخ به این سوال لازم است ابتدا شهر تعریف شود.

مرلین شهر را مکان اسکان گروهی انسانها و محل فعالیت آنها می‌داند (Merlin, 1973: 18). توسلی شهر را مکان انسانها، گروه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده‌ها و مانند آنها تعریف می‌کند و معتقد است شهر صرفاً مکان تراکم ساختمان‌ها نیست (توسلی، ۱۳۷۴: ۴). در اکثر تعاریف، مفهوم شهر با توجه به سه جنبه اساسی مطرح است: ۱- گروه‌ها و طبقاتی که در شهر زندگی می‌کنند ۲- سابقه و قدمت شهر که معرف تمدن انسانی است ۳- شیوه سکونت که برگرفته از فرهنگ شهروندان است (ربانی، ۱۳۸۵: ۱). از نظر رمی نیز شهر دارای نظم و انسجام فرهنگی همراه با نوآوری و پیشرفت است (Remy, 1992: 9). از نظر ماکس وبر، شهر، نه تنها مجموعه‌ای از افراد انسانی، امکانات اجتماعی، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های برق، متروها، نهادها، بیمارستان‌ها و مدارس است، بلکه قلمرو و منطقه‌ای روانی شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های کاربردی، نگرش‌های سازمان‌یافته و احساسات است. در واقع، شهر دارای دو جنبه توأمان کالبدی و ماهیت انسانی است. از جنبه ماهیت انسانی، شهر بازتاب تفکرات سازمان‌یافته در یک منطقه فرهنگی، فضایی همراه با قوانین خاص است (وبر، ۱۳۷۰: ۳۸). در جمع‌بندی نهایی باید گفت شهر یک پدیده طبیعی شامل مجموعه‌ای از مواد، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مانند آن و یک پدیده انسانی شامل ظرفیت تفکرات افراد، فرهنگ‌ها و الگوهای زندگی و مانند آن است.



با این وصف به نظر می‌رسد برای ایجاد و عمران یک شهر صرفاً توجه به ابعاد کالبدی آن کفایت نمی‌کند و با ایجاد ساختمان‌ها و خیابان‌ها و پارک و ادارات و مدارس و مانند آن چیزی به نام شهر در معنای کامل آن رخ نمی‌دهد. اتفاقی که در طراحی و ساخت بسیاری از شهرهای جدید دولت‌ساز افتاده است و در مکان‌هایی، مجموعه‌های بزرگی از ساخت و ساز ایجاد شده و جمعیت‌هایی در آن اسکان داده شده‌اند. در حالی که بعد دیگر پدیده شهر تحقق نیافته است. چقدر در چنین مکان‌هایی از زیست جمعیت‌های متکثر، به بعد انسانی و اجتماعی و فرهنگی شهر توجه شده است؟ ممکن است تحت همین عناوین نیز ساخت و سازهایی ایجاد شده باشد اما این ساختمان‌ها و تاسیسات نیز ظروفی هستند بدون محتوای اصلی آن. نتیجه چنین رویکرد کالبدی به شهر، بی‌هویتی، بیگانگی، ضعف سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در این سکونتگاه‌هاست. با این وصف برای عمران شهرهای جدید نیازمند توجه به ابعاد و ماهیت انسانی شهر و ایجاد فرصت‌های لازم برای شکل‌گیری اجتماعات مدنی، تعاملات انسانی، گسترش ارتباطات، جریان یافتن فرهنگ و تبادل آن از طریق گفتگوها و کنش‌های فرهنگی و اجتماعی، اجرای مراسم آیینی گروه‌های مختلف قومی ساکن، نوآوری و خلاقیت و هر فرصت دیگر برای رشد فرهنگی و تمدنی در شهر است.

با عنایت به این امر، انتشار کتب و نشریات تخصصی در حوزه فعالیت‌های شرکت عمران شهرهای جدید، می‌تواند در حوزه تولید و انتقال دانش در زمینه شهرها و شهرک‌های جدید و عملیاتی نمودن این خواسته موثر باشند. بر اساس جمع‌بندی صورت گرفته در شرکت عمران شهرهای جدید و با عنایت به سوابق و تجاربی که پیش از این در مجموعه وجود داشته است، انتشار "مجموعه کتب شهرهای جدید" با ماهیت مجموعه مقالات نظری و کاربردی موثر در حوزه فعالیت‌های شرکت با همکاری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی مد نظر قرار گرفته است. هدف از انتشار کتاب شهرهای جدید، تولید و ترویج دانش در حوزه فعالیت‌های شرکت عمران شهرهای جدید است که ضمن بهره‌مندی از تجارب جهانی، فرصت تحلیل و نقد تجارب شهرهای جدید ایران و ارتقاء کیفی این تجارب را فراهم نماید.

شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید با چنین رویکردی در صدد برآمده است تا از اندیشمندان در حوزه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری برای تبیین ابعاد انسانی، اجتماعی شهر و مشکل شهرهای جدید در فقد توجه به چنین ابعادی از زندگی شهری مدد جوید. مجموعه پیش رو که شامل هفت مقاله است در همین راستاست.



در مقاله اول آقای عبدالوهاب شهلی بر پژوهشگر بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی درباره «نقش فرهنگ در هویت بخشی و توسعه سرمایه اجتماعی شهرهای جدید» سخن گفته است. از نظر نویسنده، شهرهای جدید مشکلاتی جدی در «جذب جمعیت»، «احساس تعلق»، «هویت شهری»، «تعاملات اجتماعی»، «آسیب‌های اجتماعی» و مانند آن دارند که به نوعی نمودهایی از ضعف هویت و سرمایه اجتماعی آنهاست. «فرهنگ» عاملی است که می‌تواند با اتکاء به معانی و ارزش‌های مشترک‌اش به فضای کارتوگرافیک شهرهای جدید و نیز انبوه انسان‌های ناشناس و بیگانه، معنا و هویت بخشیده و کیفیت زندگی اجتماعی‌شان را ارتقاء بخشد.

مقاله دوم از آقای دکتر حسین ایمانی جاجرمی دانشیار دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با عنوان «کیفیت زیست شهری و رضایت از زندگی در شهرهای جدید» است. نویسنده این پرسش را مطرح کرده است که آیا شهرهای جدید توانسته‌اند کیفیت زیست مناسبی را برای ساکنان خود فراهم آورند؟ در پاسخ گفته است: احداث شهرهای جدید و تضمین کیفیت سکونت در آنها به ظرفیت‌های سازمانی و انسانی متفاوت با نظام اداری کنونی نیاز دارد و غفلت از مساله جامعیت شهر و خطای تقلیل شهر به مسکن، محل کار و حمل و نقل می‌تواند پیامدهای جدی برای کیفیت زیست شهری و رضایت از زندگی داشته باشد.

مقاله سوم از آقای افشین خاکی نجف‌آبادی پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران با عنوان «چالش‌های موجود در پایداری اجتماعی شهر جدید هشتگرد است». به نظر او ماندگاری و تمایل به سکونت در شهرها، خصوصاً در شهرهای جدید به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های موفقیت شهرها و پایداری اجتماعی آنها محسوب می‌شود. اما رسیدن به پایداری اجتماعی مستلزم تحقق چهار بعد اساسی اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و نهادی با کارکرد مناسب آنها در این شهرهاست. وی سپس به تحلیل و ارزیابی وضعیت اجتماعی شهر جدید هشتگرد در هریک از ابعاد مذکور پرداخته است.



مقاله چهارم از خانم هدی توحیدی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر اجتماعی با عنوان «جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند؛ با تأکید بر منشأ و اثرات اجتماعی آن» است. از نظر او جدایی‌گزینی از جمله مسائلی است که در بسیاری از شهرهای جهان وجود دارد و جامعه‌شناسی شهری به آن پرداخته و به عنوان مساله به آن توجه شده است. جدایی‌گزینی به معنای تمرکز گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف شهری است. بدین صورت که محلات، نواحی و یا مناطق مختلف شهری، محل اسکان گروه‌های اجتماعی خاصی می‌شود. این جدایی مکانی در نتیجه عملکرد نیروهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود می‌آید و می‌تواند تبعات اجتماعی مخربی داشته باشد. او با این توضیح، وضعیت جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند و آثار و تبعات آنرا مورد بررسی قرار داده است.

مقاله پنجم از خانم دکتر مریم زارعیان دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با عنوان «پتانسیل آنومی اجتماعی در شهرهای جدید» است. از نظر او جمعیت شهرهای جدید را مهاجران از مناطق مختلف کشور تشکیل می‌دهند که می‌تواند سر منشأ بروز آسیب‌های اجتماعی باشد. در زمان انباشت مهاجران در مدت زمانی کوتاه در یک مکان، اختلال‌های اخلاقی، ارزشی و عدم تطابق در هنجارها، مجال بروز یافته و تعادل معمول حیات اجتماعی به مخاطره می‌افتد. در نتیجه آن، نیز نابسامانی در جامعه حادث می‌شود و نظم موجود را از بین می‌برد و پدیده آنومی، مجال بروز می‌یابد. در هر حال خصوصیات ویژه‌ای در شهرهای جدید هست که آنها را مستعد وضعیت آنومیک می‌کند. نویسنده سپس با تحلیل عوامل شکل‌گیری ناهنجاری در شهرهای جدید، راهکارهایی را برای مهار و کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه می‌کند.

مقاله ششم از خانم سپیده امیرکافی پژوهشگر و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر جدید پردیس» است. وی در این مقاله پیوندهای اجتماعی ساکنین پردیس را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اصلی سرمایه اجتماعی شهر، در قالب سه الگوی ارتباطی: الگوهای ارتباطی زنان، الگوهای ارتباطی دختران و الگوهای ارتباطی پسران مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است و به‌ویژه مشکلاتی را که بر سر تحکیم پیوندهای اجتماعی در میان زنان و دختران شهر پردیس وجود دارد را تبیین کرده است.



مقاله هفتم کار مشترک خانم‌ها و آقایان دکتر مهین نسترن، دکتر محمود محمدی، محمدکاظم جباری و رضا دیانی است که دو نفر اول اعضای هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان و نفر سوم و چهارم به ترتیب دانشجوی دکتری و کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی هستند. عنوان مقاله «الگوهای فضایی، مکانی وقوع جرم در شاهین شهر» است و نویسندگان مقاله با استفاده از مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، فضایی و مولفه کاربری، پراکندگی نقاط جرم‌خیز جرایم هشتگانه مرتبط با سرقت و احساس امنیت در شهر را بررسی کرده و سپس اقدام به شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌زا در شاهین شهر کرده‌اند.

ضمن تشکر از همکاری اساتید و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و توسعه شهری که با ارسال مقالات ارزشمند خود ما را در انتشار این کتاب یاری نمودند، از آقای دکتر سعید معیدفر دانشیار محترم گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و رئیس بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی که سردبیری این مجموعه مقالات را به عهده گرفتند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

محسن نریمان

معاون وزیر

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل

شرکت عمران شهرهای جدید

مقدمه ویراستار

در جهان انسان‌ها یا جامعه بشری، همه امور از جامعه اعتبار می‌گیرد. یعنی هرچند انسان‌ها هر کدام فردی هستند با تمایلات، خواست‌ها، غرائز و اهداف ویژه فردی خودشان، اما با این حال، هیچ‌گاه به صورت منفرد زندگی نکرده‌اند. آن‌ها به دلیل نقص‌هایی که در برابر طبیعت داشته‌اند و برای اینکه مشکلات و ضعف‌های خودشان را در برابر این طبیعت سرسخت و این جهان دشوار برطرف کنند تلاش کرده‌اند ابتدا با مداخله عقل و سپس، همکاری‌های جمعی گلیم خود را از آب بیرون کشند. این دو ابزار مهمی است که انسان‌ها از آغاز هستی داشته‌اند و بر اساس این دو ابزار امروز به قدرتمندترین موجود روی کره زمین تبدیل شده‌اند و توانسته‌اند عالم را به تسخیر خودشان درآورند. همین نفس جمعی‌زیستن و برقراری ارتباط از طریق تعامل با دیگران، پیدایش بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی از جمله زبان و به گردش افتادن معارف، اندیشه‌ها و نگرش‌ها را به دنبال داشته که همگی به تقویت یک اجتماع پُرمایه و آن لوازمی که انسان برای زیست خودش نیاز دارد منتهی شده است. بنابراین، تقریباً همه چیز در جامعه انسانی رنگ و بوی این حیات جمعی را دارد. زبانی که ما الان داریم با آن صحبت می‌کنیم، محصول مشترک آدم‌هایی بوده که در این سرزمین قرن‌ها می‌زیسته‌اند، دائماً آن را با نیازهایشان تکمیل کرده، به اشتراک گذاشته و امروز با همدیگر از طریق این زبان، ارتباط برقرار می‌کنند. این زبان بدون این جامعه اساساً هیچ نبوده، نه تولید می‌شده و نه کارکردی داشته است.

هیچ چیز در جهان انسانی نیست که رنگ و بو، انگ و نشان «اجتماع» نخورده باشد؛ طرز لباس پوشیدن، طرز آرایش، شیوه زندگی کردن، سلوک ما، شیوه غذا خوردن و هر چیزی دیگری را که بنگریم رنگ اجتماعی دارد و به این واسطه است که اصالت و اهمیت و اعتبار پیدا کرده است. بدون این رنگ اجتماعی هیچ چیزی در جامعه انسانی اعتبار ندارد. منِ انسانی



برای رفع نیازها و حوائج اولیه‌ام به یک چنین انگي، به چنین مُهر اجتماعی نیاز داشته‌ام. بر این اساس، رفتارهای ما قاعده‌مند می‌شود و هر کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. باصطلاح نظم و قاعده‌ای شکل گرفته و انسان‌ها توسط قرارداده‌ها و هنجارهای اجتماعی با همدیگر پیوند برقرار کرده‌اند و همه چیز بر اساس نقش‌های اجتماعی برجسته شده و اهمیت پیدا کرده است.

اما در شهرهای امروز مخدوش شدن هویت جمعی یا به عبارتی، نادیده گرفته شدن آن رواج یافته است. در گذشته هر یک از ما اهل محله‌ای بودیم که همه اهالی نسبت به آن حساس بودند، اگر غریبه‌ای واردش می‌شد برای احراز هویتش احساس مسئولیت می‌کردند، اگر قرار بود کاری انجام شود همه با هم تشریک مساعی می‌کردند و همه باید به نحوی مداخله و مشارکت می‌کردند. در حالی که امروز عملاً شهرهای ما بی‌هویت شده‌اند. جایی که هویت محله‌ای از بین رفته، هویت شهروندی از بین رفته و شهر به یکسری خانه، خیابان، ساختمان و اندک فضایی سبز تبدیل شده که فاقد روح جمعی است و یک مدیر شهری هر تغییری دلش می‌خواهد در آن ایجاد می‌کند. در واقع، در بسیاری از شهرها، هویت‌های جمعی که مرکز اعتبار برای همه رفتارها و افعال بودند از اعتبار ساقط شده است.

البته جابجایی‌های جمعیتی به دلایل اقتصادی و اجتماعی، جنگ، سایر عوامل سیاسی و مسائل مشابه، می‌تواند روی هویت‌های جمعی و کم‌تأثیر کردن آنها تأثیر گذار باشد و این مسئله در جای خودش قابل تأمل است. اما در شهرهایی مانند اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز که سوابق تاریخی و سنت‌های دیرین شهرنشینی داشته‌اند، هرچند جمعیت‌شان در دوران معاصر چند برابر شده ولی همین بنیان‌های تاریخی شهرنشینی، تا حدودی جمعیت‌های جدید مهاجران را در خود مستحیل کرده است. در این نوع شهرها تا حد زیادی شاهد انتقال هویت از جامعه میزبان به جمعیت مهاجران و ادغام آنها در یکدیگر هستیم. در نتیجه، شاکله‌های اصلی شهرنشینی و هویت محلی تا حدودی در این شهرها وجود داشته و باقی مانده است.

در تهران پنجاه سال قبل نیز اگر نظری بیافکنیم ملاحظه می‌شود که در این شهر نوپا، اتفاقات جالبی افتاده است. تهران خیلی سابقه شهری نداشته و تنها از دویست و چند سال پیش، همزمان با دوره قاجار در ایران اهمیت پیدا کرده است، اما در همین دوران نسبتاً کوتاه نیز ما اشکال گوناگونی از شهرنشینی را تجربه کرده‌ایم. در پنجاه سال پیش در تهران هر دسته از مهاجران، در محله یا منطقه‌ای از شهر سکونت داشته و با یکدیگر زندگی می‌کردند و هویت‌های جمعی مبدأ مهاجرت را در آن محله یا منطقه زنده نگاهداشته و تداوم بخشیده‌اند.



در تهران آن زمان، محله کاشانی‌ها را داریم که حتی حسینیۀ خاص خودشان را دارند، محله شهرستانکی‌ها، محله اصفهانی‌ها، محله یزدی‌ها، محله تبریزی‌ها و سایر محلات نیز به همین ترتیب موجود بودند. پس تهران چهل، پنجاه سال پیش تقریباً تهرانی است که در آن هویت‌های محله‌ای وجود دارد که تقریباً مینیاتوری از ملل و اقوام مختلف کشور هستند. هر بخشی از تهران یک هویت جداگانه‌ای دارد، در عین حال که این هویت‌های متکثر در یک هویت بزرگتری به اسم شهر تهران ادغام شده‌اند.

اتفاقی که در سال‌های پس از آن افتاد این بود که متأسفانه عده‌ای با مساعدت مدیریت‌های شهری، بورس‌بازی زمین و مسکن راه انداختند. اقدامی که در نتیجه آن، این هویت‌های جمعی دچار زیان‌های جبران‌ناپذیری شدند. سودجویان در بیرون این شهر، زمین‌های بایری که وجود داشت را به شیوه‌های نامشروع در اختیار گرفتند و قیمت زمین و مسکن را با پول‌های کلانی که به جیب زدند، بالا بردند و با ابزارهای متعدد رسانه‌ای موج خرید و فروش زمین، ملک و ساخت‌وساز به راه انداختند و عملاً باعث شدند نسل‌های جدیدتر افرادی که در محله‌های مختلف زندگی می‌کردند به این مناطق تازه‌ساز انتقال پیدا کنند. اینها مناطقی بودند که حالت شهرکی داشتند و آن هویت‌های جمعی محلات سابق نمی‌توانست در آنها استمرار پیدا کند. در نتیجه مثلاً در هر شهرک تعدادی از محله کاشانی‌ها، تعدادی از محله شهرستانکی‌ها، تعدادی از محله تبریزی‌ها، تعدادی از محله اصفهانی‌ها و دیگر محله‌ها در مناطق مسکونی مختلف همه با یکدیگر هم‌زیست شدند اما در نهایت همگی ساکنانی بی‌هویت شدند. در این شهرک‌ها جایی است که افراد بر اساس ناشناختگی اهمیت پیدا می‌کنند. شما در اینجا به همان میزان که ناشناخته باشید، بیگانه باشید، کاری به کار کسی نداشته و بی‌هویت باشید، دارای اعتبار هستید. اینجا دیگر اعتبار بر اساس وابستگی شما به جمع تعریف نمی‌شود، اعتبار به این است که شما کاری به کار کسی نداشته باشید. شهرک‌های مسکونی ما اغلب چنین وضعی دارند. همسایه از همسایه خبر ندارد، شما به عنوان یک شهرک‌نشین، کاری به کار کسی ندارید. حتی اگر کسی در همسایگی‌تان بمیرد، به شما ارتباطی پیدا نمی‌کند. در اینجا ارزش شما به این است که کاری نداشته باشید در همسایگی‌تان یا در محله‌تان چه می‌گذرد. بنابراین عملاً و به تدریج مکان‌هایی در شهرها گسترش و اهمیت پیدا کرد که بی‌هویت بودند و افراد در آن مکان‌ها کاملاً احساس انزوا و غریبگی داشتند. در این جاها غریبگی عنصر اصلی به حساب می‌آید.

در آغاز سخن گفته شد که اگر جامعه نباشد هیچ چیز هویت ندارد. هیچ سازمانی هویت ندارد. متأسفانه در شهرهایی زندگی می‌کنیم که آنقدر هویت‌های جمعی‌اش فروپاشیده و از



بین رفته است که فقط یک سری خانه، ساختمان، خیابان و اتومبیل هویت شهر را تعیین می‌کند. جامعه شهری کجاست؟ نسل‌های جدید باید نسبت به کدام مولفه جمعی حساس و مقید شوند؟ کدام هویت جمعی باقی مانده که دور آن جمع شویم؟ شهروندان نمی‌توانند بگویند «من فلان جایی‌ام» اگر هم بگویند منظورشان این است که من متعلق یا متولد فلان مکان جغرافیا هستم، نه به این عنوان که من متعلق به شهری هستم که یک هویت و فرهنگ ویژه‌ای دارد. در چنین وضعیتی امیدواری بیجا نباید داشت. هویت فردی ما باید با دیواره سخت مسائل و مشکلات برخورد کند تا برای رفع این مشکل به همکاری جمعی روی آوریم. نتیجه فقد روح جمعی، هویت و سرمایه اجتماعی در شهرها، بیگانگی، فردگرایی افراطی و رقابت کشنده بر سر منافع، رواج خشونت و گسترش آسیب‌های اجتماعی است. وقتی احساس می‌کنید عضو فعال یک خانواده‌اید، دنبال کلاه سر هم گذاشتن نیستید، تنها به دنبال این هستید که وظایف‌تان را انجام دهید و به یکدیگر متعهد باشید. می‌دانید اگر خلاف این اتفاق بیفتد، شیرازه خانواده از هم می‌پاشد. وقتی آن خانواده شیرازه‌اش از هم بپاشد، هیچکس امنیت نخواهد داشت. بنابراین همگی به یک امر جمعی اعتماد می‌کنید، متعهد هستید و نتیجه آن یک اجتماع سالم است که اعضا از با هم بودن و در کنار هم زیستن لذت می‌برند. اگر در خانواده به هر دلیلی بی‌اعتمادی رخنه کرده باشد، مثلاً مرد یا زنی به همسرش خیانت کند و یا کارهایی انجام دهد که مطابق شئون آن خانواده نیست. به تدریج این بی‌اعتمادی باعث ورود فساد به ارکان دیگر خانواده خواهد شد، اموال آن خانواده به غارت خواهد رفت، چون هر کسی این قدرت و جسارت را می‌یابد که به آن دست‌درازی کند. بنابراین تمام نظم، دارایی و سرمایه اجتماعی و اقتصادی آن خانواده به باد فنا خواهد رفت. این امر در مورد شهر نیز مصداق دارد. وقتی افراد در این شهر زندگی کنند اما احساس شهروند بودن نکنند، احساس تعلق به آن شهر نداشته باشند و نوعی بی‌اعتمادی حاکم باشد هر کسی درگیر منافع شخصی خودش خواهد شد و فساد به مراودات شهری راه پیدا می‌کند. افراد معمولی به عنوان کارمند، ارباب رجوع، کارگر، سواره‌رو، عابر به یکدیگر احترام نگذاشته و هر کاری که بخواهند می‌کنند و مقررات شهری را رعایت نمی‌کنند. افراد قدرتمندتر هم به فراخور موقعیت و توان‌شان در جهت منافع شخصی خود هرآنچه از دستشان برآید مضایقه نخواهند کرد. مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان در برابر یکدیگر برای داشتن یک شهر خوب به فراموشی سپرده می‌شود. هر کسی به سهم خود در این گسیختگی فعال است و مشارکت می‌کند. اما متقابلاً در شرایطی که جامعه شهری هویت و انسجام داشته باشد و ارتباط مستمر میان شهروندان در هویت‌های محلی، صنفی، شغلی، مدنی و در فضاهای عمومی برقرار باشد



و از این طریق سرمایه اجتماعی آن شهر ارتقا یابد، همه در صدد تقویت ارکان شهر خواهند بود. ولی وقتی این فضای تعاملی از بین برود، هر کسی ممکن است برای نیل به اهداف شخصی خودش آسیبی به جامعه شهری برساند. بنابراین فساد هم یکی از محصولات جامعه از هم گسیخته است.

نکته دیگر در شهرهای امروز ما فرهنگ‌زدایی و بیگانگی نسبت به شرایط اقلیمی است. اجتماعات انسانی در مقایسه با اجتماعات حیوانی از تنوع فراوانی برخوردارند و متناسب با اقلیم و فرهنگ‌های مختلف، متنوع و رنگارنگ هستند. به عبارت دیگر، انسانها تنها موجوداتی در عالم هستند که به تمام امور پیرامون خود رنگ فرهنگ زده‌اند و حتی ابزارها و ساخته‌های دست خود را نیز از آن بی‌بهره نگذاشته‌اند. تاکنون بیش از ۴۰۰۰ گونه فرهنگی از اجتماعات انسانی کشف شده است و در هر گونه نیز نمونه‌های دیگری از رنگارنگی زندگی وجود دارد. در هر گونه فرهنگی، زبان یا لهجه، آداب و رسوم، دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات، نوع معیشت، ابزارها و حتی نوع مسکن متفاوتی دیده می‌شود که در عین حال بهترین سازگاری را با اقلیم دارد.

سابقاً وقتی وارد مناطق شمالی کشور می‌شدیم خانه‌هایی می‌دیدیم متفاوت از خانه‌های مناطق کویری و کوهستانی و در هر منطقه نیز این خانه‌ها با فرهنگ و آداب و رسوم مردم آن منطقه نیز سازگار بودند. حتی می‌شد تفاوت خانه‌ها را در نوع نگاه آن مردم به دین و درک دینی آنان نیز مشاهده نمود. خانه‌ها هم در مصالح بکار رفته و شکل بیرونی و هم در چینش اتاقها، محل نشیمن، آشپزخانه و سایر مکانهای دیگر رنگ فرهنگ آن مردم را به خود گرفته و از هم تمایز یافته‌اند. اما انسان امروز با تسلطی که تکنولوژی بر او پیدا کرده است دارد خود را از اقتضائات فرهنگی و اقلیمی رها نموده و پروژه یکدست‌سازی محیط زیست انسانی را ترویج می‌نماید. متأسفانه این امر به ویژه در شهرهای جدید رواج دارد و یکی از این اقدامات در سالهای اخیر، که پروژه یکدست‌سازی را به اعلا درجه رسانده، پروژه مسکن مهر است. مهر یک عنصر فرهنگی است و باید بیشترین تاثیر را از اجتماعات متنوع انسانی داشته باشد. اما آنچه که بر آن مسکن مهر نامیده شده است سرشار از عناصر تکنولوژیک است که اگر نگوییم بی‌بهره اما کمترین بهره را از تنوع زیستگاه و فرهنگ اقوام و ملل بسیار متکثر ایرانی برده است. به هر کجای ایران که سر می‌زنی این بی‌مهری به فرهنگ و آداب و رسوم ملل متنوع ایرانی و ستیز با شرایط اقلیمی را در پروژه مسکن مهر می‌بینی. صرف نظر از شرایط اقلیمی و فرهنگی، همه جا، هیولاهایی مشابه با رنگی متفاوت از سایر مکانهای شهری



و با فاصله از اجتماع شهرنشینان دیده می‌شود که پر از بیگانگی با فرهنگ و محیط‌زیست است.

از سوی دیگر، مسکن مهر در مقطعی از زمان به شهرهای جدید راه یافته که خود این شهرها هنوز با مشکلات هویتی، اجتماعی و فرهنگی رو به رو بوده و نتوانسته‌اند هویت و موقعیت پایدار شهری خود را با تمام لوازم آن پیدا کنند و درست در چنین وضعیتی، پروژه‌های دولتی‌سازی در شهرهای جدید کلید خورده که الزامات اجتماعی و فرهنگی و بعضاً زیست محیطی برای آنها پیش‌بینی نشده است و در واقع، این پروژه بزرگ بدون تناسب مکانی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده است. به این ترتیب رفتاری‌های شهرهای جدید، در حال حاضر با افزوده شدن مسکن مهر و ساکنان آن به مراتب بیش از رفتاری‌هایی است که در گذشته این شهرها با آن مواجه بودند. هر چند افراد گوناگونی از گروه‌ها و قومیت‌های مختلف در واحدهای مسکن مهر ساکن شده‌اند، اما آنها در یک جنبه یعنی فقر اقتصادی مشترک هستند. با این رویکرد، مسکن ارزان قیمت یا مسکن انبوه به‌صورت مجتمع‌هایی برای سکونت افراد فقیر یا اقشار متعلق به گروه‌های پایین درآمدی ساخته شده است که می‌تواند فرایند بی‌هویتی و ضعف سرمایه اجتماعی در شهرهای جدید را تقویت کند.

مساله دیگری که بر پیچیدگی مشکلات هویتی شهرهای جدید می‌افزاید و هم‌اکنون در تعاملات بین مردم شهرهای جدید دیده می‌شود، برچسب خوردن افرادی است که به‌تازگی و طی سال‌های اخیر در نتیجه افتتاح واحدهای مسکن مهر در این شهرها ساکن شده‌اند، به طوری که هم‌اکنون ساکنان قبلی این شهرها که هنوز خودشان هویت و احساس تعلق و تعامل اجتماعی لازم با دیگر ساکنان شهر را ندارند، با ایجاد مرزبندی و تفکیک میان خود و ساکنان جدید، آنان را «مسکن مهری» نامیده و نوعی طرد اجتماعی نسبت به آنان در حال شکل‌گیری است. رواج این گونه برچسب‌های اجتماعی نیز تهدید بزرگی برای این شهرها محسوب می‌شود. اینکه ساکنان قبلی شهرهای جدید در تلاش هستند ساکنان جدید را از خود تفکیک کنند نشان می‌دهد متأسفانه مشکل شهرهای جدید با مسکن مهر چند برابر شده است و این بی‌هویتی و فقدان بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی منسجم که باعث پایداری مکانی می‌شود در شهرهای جدید و به‌خصوص در مسکن مهر تا حد زیادی وجود دارد.

در هر حال، به نظر می‌رسد ما نتوانسته‌ایم تعادل محیط‌زیست، جامعه و عقلانیت را که میراث ارزشمند نیاکان‌مان بوده است حفظ کنیم و در نتیجه، شهری ناپایدار و ناآرام ساخته‌ایم. ضمن اینکه صورتی بزک‌کرده از یک زندگی مدرن داریم، اما کمتر کسی در آن احساس آرامش می‌کند. البته برخی کشورهای توسعه‌یافته چند دهه است که این بحران را



ر / سرمایه اجتماعی، هویت و فرهنگ شهری ...

درک کرده‌اند و دارند به سمت ایجاد تعادل میان این عناصر پیش می‌روند. آنها در پی ایجاد شهری پایدار هستند، شهری که در آن محیط‌زیست هم یک موضوع اساسی باشد، شهری که در عین حال که انباشتگی جمعیت در آن وجود دارد، اما اجتماعات انسانی، حس مشارکت و مسئولیت اجتماعی شهروندان نسبت به یکدیگر از بین نرود. شهری که تا این حد نابرابری در آن وجود نداشته باشد و سرمایه‌های اجتماعی‌اش را از دست نداده باشد. مجموعه مقالات پیش رو درصدد است این دغدغه‌ها را واکاوی نموده و ضمن شناخت عمیق مشکلات موجود در شهرها به ویژه شهرهای جدید، راههای برون رفت از آن را در راستای توسعه پایدار شهری پیشنهاد کند.

دکتر سعید معیدفر

هیأت علمی دانشگاه تهران

نقش فرهنگ در هویت بخشی و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی شهرهای جدید

عبدالوهاب شهلی بُر^۱

چکیده

این همان پنداری تولید فضای کالبدی با تولید فضای اجتماعی یکی از نگرش‌های اشتباه در خصوص شهرهای جدید است که منجر به شکست تعداد زیادی از آنها در کشورهای مختلف شده است، بطوریکه نتوانسته‌اند در عمل به اهداف مطرح در هنگام طراحی‌شان دست یافته و در جذب جمعیت و ساختن زندگی پویای اجتماعی، موفق عمل کنند. این معضل در مورد شهرهای جدید ایران هم، که بخشی از سیاست توسعه‌ی مسکن هستند، صدق می‌کند. این سنخ از شهرها مشکلاتی جدی در «جذب جمعیت»، «احساس تعلق»، «هویت شهری»، «تعاملات اجتماعی»، «آسب‌های اجتماعی» و... دارند که به نوعی نمودهایی از ضعف هویت و سرمایه اجتماعی آنهاست. «فرهنگ» عاملی است که می‌تواند با اتکاء به معانی و ارزش‌های مشترک اش به فضای کارتوگرافیک شهرهای جدید و نیز انبوه انسان‌های ناشناس و بیگانه، معنا و هویت بخشیده و کیفیت زندگی اجتماعی‌شان را ارتقاء بخشد. در این نوشتار پس از طرح مباحث نظری، (۱) تولید و مبادله زبان نشانه‌ای شهر، (۲) تولید بسترهای نهادی فرهنگ مردمی و (۳) بهره‌گیری از فرهنگ‌های منطقه‌ای، به عنوان چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای جدید، مطرح شده‌اند که عملیاتی شدن آنها می‌تواند منجر به هویت بخشی و ارتقای سرمایه اجتماعی شهرهای جدید، به مثابه‌ی یک استراتژی توسعه شود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، هویت، سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی فرهنگی، شهرهای جدید

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار



مقدمه

شهرهای جدید که در درجه‌ی اول به منظور جلوگیری از رشد فراتر از ظرفیت بزرگترین شهرها و جذب جمعیت مازاد آنها، طراحی و اجرا شدند، برآمده از یک ایده‌ی مدرنیستی و عقل‌گرایانه‌اند که معتقد است با اتکاء به تکنولوژی و پول می‌توان در بیابان، جامعه و زندگی اجتماعی را بنا نهاد که کیفیت اش به مراتب بهتر از کلان شهرهای از قبل موجود است. «شهرجدید، عنصر نوظهوری که به خصوص در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم و برای پاسخگویی به نیازهای فوری مسکن و بازسازی شهری شکل می‌گیرد، با مدد گرفتن از نهضت نوگرایی و نوپردازی ناشی از آن، مفهومی جدید از شهر را مطرح می‌کند که با مفهوم کهن شهری در تقابل قرار می‌گیرد. شهر جدید در پاسخگویی به فوریت‌ها و الزامات ناشی از آنها با سرعتی حیرت آور سر از خاک برآورده و مبتکر نوعی جدید از روابط شهر با شهروند، شهروند با شهروند، و این دو با فضای شهری شده است» (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

شکل‌گیری شهرهای جدید ایران هم بی‌ارتباط با افکار مدرنیستی و هژمونیک شدن تفکر فن‌سالار در جامعه و دولت نیست. اما نکته‌ی ظریف در خصوص تجربه‌ی ایرانی شهرهای جدید تک‌تازی تفکر فن‌سالاری است که در غرب حداقل از دهه‌ی ۱۹۷۰، به دلیل ظهور کاستی‌ها و پیامدهای منفی اش و نیز مطرح شدن جنبش‌های جدید اجتماعی که مطالبه‌ی معنا، هویت و عدالت داشتند، به افول گرایید و از آن زمان به بعد، علوم اجتماعی حضوری جدی در پروژه‌های عمران و توسعه بطور عام و شهرسازی بطور خاص یافت. این وضعیت منجر به تولید شهرهای جدیدی شده است که از انواع و اقسام مشکلات اجتماعی رنج می‌برند که مدت‌هاست در شهرهای جدید خیلی از کشورها موضوعیت‌شان را از دست داده‌اند. البته در کنار عقب‌ماندگی ادبیات نظری طراحی و برنامه‌ریزی شهرهای جدید کشور، بخش بزرگی از مشکلات اجتماعی آنها منتج از رانتی بودن اقتصاد و نیز جولان بورژوازی مستغلات است که عملاً امکانی برای در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی شهرسازی نگذاشته است و همه چیز به کسب سود تقلیل یافته است.

هرچند که در شهرهای جدید ایران، فضای فیزیکی حداقلی تحقق یافته است و ساختمان‌هایی سر از خاک برآورده‌اند اما غفلت از فرهنگ، هم منجر به بی‌مایه بودن این بناها و ملال‌انگیز بودن‌شان شده و هم فضای اجتماعی‌شان به شدت فقیر و غیرپویایی دارند. شهرهای جدید در بعد ساختمانی و کالبدی توفیقانی قابل توجه داشته‌اند اما در شکل دادن فضای اجتماعی چالش‌هایی جدی دارند. این سنخ از شهرها که محصولی تکنوکراتیک، دولت-



ساخت و مهندسی محوراند به خوابگاه‌های عظیم انسانی می‌مانند که ساکنان‌شان عمدتاً افراد و خانواده‌هایی‌اند که برای داشتن سرپناهی حداقلی به آنها پناه آورده و تعلق خاطر قابل توجهی نسبت به آنها ندارند. زندگی اجتماعی در شهرهای جدید کشور چالش‌هایی جدی دارد و انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی در آنها مطرح است.

اندیشیدن در خصوص نقشی که فرهنگ می‌تواند در توسعه‌ی هویت اجتماعی و نیز سرمایه اجتماعی شهرهای جدید ایران داشته باشد، ضرورتی بنیادی به نظر می‌رسد؛ چون این نوع از شهرها، پهنه‌های نوظهوری‌اند که نه برآمده از یک فرایند زایش و رشد طبیعی و تدریجی، بلکه تولیدهایی تکنوکراتیک، برنامه‌ریزی شده و دولت-ساخت‌اند که در درجه‌ی اول به دنبال ایجاد مکان‌هایی برای ساخت انبوه مسکن بودند. در واقع شکل‌گیری شهرهای جدید ایران تا حدود زیادی برآمده از همان منطق فکری و اجتماعی است که شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم به منظور پاسخ فوری به نیازهای تأمین مسکن، در اروپا ظهور کردند: لذا فرهنگ آن عنصری می‌شود که می‌تواند هم فضای کالبدی و معماری شهر را به گذشته پیوند زند، هم پیوندهایی را میان ساکنانش شکل دهد و هم نسبت میان شهروندان و شهر را تعریف کند.

ضرورت‌ها و فشار اجتماعی مسئله‌ی مسکن، که فلسفه‌ی وجودی شهرهای جدید کشور است منجر به غفلت ساختاری از امر فرهنگ در آنها شده است. در این پهنه‌های سکونت گاهی، انبوهی از مصالح ساختمانی روی هم انباشته شده‌اند تا مسکن‌هایی را شکل دهند که نه سنخیتی با اقلیم دارند و نه با فرهنگ جامعه؛ بلکه کالبدهایی هستند بی ریشه که به دور از متن زندگی شهری‌اند. چیزی که چالش فرهنگی شهرهای جدید کشور را مضاعف می‌کند محروم بودن آنها از فضاهای اشتغال و کار است که در جهان مدرن مهم‌ترین عرصه‌های تولید فرهنگ و اعتماد اجتماعی‌اند. در واقع برخلاف شهرک‌هایی که در گذشته برای کارگران و پرسنل مشاغل مشخصی ساخته می‌شدند و محیط کار مشترک، ساکنان را در هم ادغام می‌نمود، در شهرهای جدید عمدتاً افرادی ساکن شده‌اند که نه در محیط‌های مشترکی کار می‌کنند و نه فضاهای عمومی فرهنگی تولید شده‌اند که امکان تعامل و مراوده اجتماعی میان آنها را فراهم کنند تا منجر به تولید معانی و ذهنیت‌های مشترک شود.



فرهنگ، هویت و سرمایه اجتماعی

برخلاف تحلیل‌های ارتدوکس مارکسیستی که ساحت فرهنگی یا ایدئولوژیک زندگی اجتماعی را امری «روبنایی»^۱ تلقی می‌نمودند که زائیده‌ی روابط تولیدی است، فرایندهای فرهنگی و نمادین، همانقدر زندگی انسانها را تعیین می‌بخشند که فرایندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چنین کاری را می‌کنند. علاوه بر این، فرایندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نه بیرون از موقعیت فرهنگی و ایدئولوژیک، بلکه درون فرهنگ عمل کرده و در آن سکنی گزیده‌اند (هال، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷).

«فرهنگ»^۲ یکی از دشوارترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است و به گونه‌های بسیار متفاوتی تعریف می‌شود (هال، ۱۳۹۱: ۱۶). در مباحث و نظریه‌های مربوط به فرهنگ، پنج تعریف و یا رویکرد مختلف تاریخی وجود دارد. نخستین و قدیمی‌ترین معنای فرهنگ را می‌توان در نوشته‌های سده‌ی پانزدهم جست. در آن زمان این واژه به معنای پرورش و مراقبت از محصولات یا نگه داری از حیوانات بود. دومین معنای فرهنگ در آغاز سده‌ی شانزدهم شکل می‌گیرد. در این معنا، مفهوم «پرورش» از حوزه‌ی جانوران و گیاهان به حوزه‌های انتزاعی‌تری از جمله ذهن انسان گسترش می‌یابد. در سده‌ی هجدهم، تحت تاثیر اندیشه‌ی روشنگری، سومین تعریف از فرهنگ شکل می‌گیرد که اشاره به روند عام دنیوی توسعه‌ی اجتماعی دارد که همه جوامع با محوریت غرب و اروپا آن را طی می‌کنند. در معنای چهارم، تحت تاثیر انسانشناسان، فرهنگ به معنای شیوه‌های متمایز زندگی، ارزش‌ها و معنای مشترک رایج در دوره‌های تاریخی و گروه‌های مختلف، بکار می‌رود. و تعریف متأخر فرهنگ، که در سال‌های اخیر تاثیر به سزایی بر علوم انسانی داشته است، مانند تعریف چهارم دلالت بر معنای مشترک میان گروه‌ها و ملت دارد؛ اما تفاوت آن با تعریف چهارم در نقطه‌ی تاکید آن است و با عطف توجه به بعد نمادین فرهنگ به جای تمرکز بر «چیستی» فرهنگ، به «کاری که فرهنگ می‌کند» می‌پردازد (باکاک، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۰). در این نوشتار، تعاریف چهارم و پنجم از فرهنگ، که تعاریف مدرن‌تر آن هستند، مدنظر است.

بنابراین، فرهنگ در معنای مدرن‌اش دلالت بر «معناهای مشترک» دارد و این امکان را فراهم می‌آورد که اعضای یک فرهنگ، رویدادهای پیرامون خود و جهان را به صورت همسانی درک و فهم کنند. چنین درک و فهم مشابهی از خود و جهان بنیان «هویت اجتماعی»^۳ است.

1. super structural

2. culture

3. social identity



در علوم اجتماعی تعاریف متعددی از هویت اجتماعی مطرح شده است، که تعریف ریچارد جنکیز از این مقوله، مناسب به نظر می‌رسد: « هویت اجتماعی ... به شیوه‌هایی که به واسطه آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها، و میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت و تفاوت با هم ... اصول پویای هویت، و کنه زندگی اجتماعی هستند» (جنکیز، ۱۳۸۱: ۷). بنابراین، فرهنگ آن عنصری است که محتوی و فرم هویت را می‌سازد.

در مورد اینکه هویت چگونه شکل می‌گیرد دو رویکرد عمده تاریخی در علوم اجتماعی وجود دارد که به ترتیب تقدم عبارتند از: رویکرد ذات‌گرایانه^۱ی هویت و رویکرد گفتمانی^۲ هویت. در رویکرد ذات‌گرایانه، که رویکرد غالب در علوم اجتماعی کلاسیک است، هویت‌های اجتماعی همچون قومیت و جنسیت مقوله‌های ذاتی، طبیعی و جوهری تلقی می‌شدند که ریشه در ویژگی‌های ثابت و غیرقابل تغییر ژنتیکی و زیست‌شناختی داشتند. در این رویکرد بدلیل وجود تصورات بیولوژیکی، انسانها به گونه‌ای سلسله‌مراتبی و بطور طبیعی به برتر و پست تقسیم می‌شدند و اساساً واژه‌ی نژاد^۳ که اصالتاً واژه‌ای زیست‌شناختی و بیولوژیکی است کاربرد وسیع‌تری نسبت به واژه‌ی قومیت^۴ دارد. در علوم اجتماعی اخیر، تحت تاثیر «چرخش پسامدرن» که متأثر از متفکران پساساختارگرایی فرانسوی همچون میشل فوکو شکل گرفت، رویکرد ذات‌گرایانه^۵ی هویت به کلی کنار گذاشته می‌شود و به جای آن رویکرد گفتمانی^۶ هویت مدنظر قرار می‌گیرد. در این رویکرد جدید، که در ابتدای امر میشل فوکو آنرا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم مطرح کرد، تصور مبنی بر ذاتی، طبیعی و ازلی بودن هویت کنار گذاشته شده و در عوض، هویت مقوله‌ی برساخته‌ای تلقی می‌شود که درون گفتمان‌ها شکل می‌گیرد و خود گفتمان‌ها نیز در ظرف جامعه شکل می‌گیرند. بنابراین، در این رویکرد «هویت‌ها و ساختارها پدیده‌هایی تلقی می‌شوند که در زمینه‌ی اجتماعی خاصی ساخته شده و وابسته به شرایط تاریخی خاصی هستند» (نش، ۱۳۸۰: ۵۶) و فرهنگ سهمی جدی در محتوای آنها دارد.

1 . essentialism

2 . discursive

3 . race

4 . ethnic

5 . essentialism

6 . discursive



در فرایند ساخته شدن هویت‌های جمعی، نمادهای^۱ فرهنگی از موقعیتی بنیادین برخوردارند. همانطوری که آنتونی کوهن^۲ مردم شناس بیان می‌کند: اولاً، نمادها احساسی از تعلق مشترک را بر می‌انگیزند، ثانیاً، هویت‌ها و اجتماعات به خودی خود سازه‌هایی نمادین‌اند که مردم به طور لفظی و نیز راهبردی از آن بهره می‌گیرند و ثالثاً، تعلق به یک هویت به معنای آن است که شخص با دیگر هم هویتی‌هایش فهم مشترکی از چیزها داشته باشد و در قلمروی نمادین مشترکی مشارکت بورزد (جنکیز، ۱۳۸۱: ۱۷۸-۱۸۰). علاوه بر این از آنجایی که «مرزهای جغرافیایی-اجتماعی در اثر تمرکزگرایی و ادغام سیاسی رنگ می‌بازند، مرزهای نمادین-مرزهایی که در ذهن و قلب اعضا وجود دارند- اهمیت بیشتری می‌یابند. این روند پاسخی است به یکسان سازی فرهنگی و اجتماعی منبعث از فرایند ملت سازی و نیز جذب و ادغام مناطق پیرامونی در مراکز کلان شهری. افزون بر این، هرچه فشار بر اجتماع‌ها بیشتر باشد تا دگرگون شوند و جزیی از این فرایند گردند، از آن سو مرزها با شدت بیشتری نمادینه می‌شوند...» (همان: ۱۸۳). بنابراین، ساخته شدن هویت منوط به ساحت نمادینی است که همگان قادر باشند آن را بر چهره زنند و زیر سایه آن به مثابه‌ی چتری از همبستگی همگانی، پناه گیرند.

«فرهنگ» به همان سان که محتوای «هویت» را شکل می‌دهد، یکی از بن مایه‌های «سرمایه اجتماعی» را هم تدارک می‌بیند؛ با تامین نظام نمادین گسترده‌ای که شهروندان با استفاده از آن نوعی زبان نسبتاً قابل فهم جهت گفتگو و مفاهمه پیدا می‌کنند تا در خصوص منافع جمعی‌شان اندیشیده و عمل کنند. چنین نگاهی به فرهنگ در راستای نظریه‌ای است که رابرت پاتنام^۳ در مورد سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند: «پاتنام (۱۹۹۳، در فلدمن و اساف؛ ۱۹۹۹ به نقل از: شریفیان ثانی، ۱۳۸۰) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی بین افراد می‌بیند که همکاری جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می‌کند» (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۲).

وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز

«پیمایش ملی ارزشها و نگرش‌ها» که در سال ۱۳۸۰ در دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲۸ استان کشور انجام گرفت، سطح نازل «سرمایه اجتماعی» را نشان

1 . symbols

2 . Anthony Cohen

3 . Robert Putnam



می‌دهد. هر چند در این پژوهش سنجش سرمایه اجتماعی بصورت مجزا نیامده است اما داده‌های کسب شده مرتبط با عناصر سرمایه اجتماعی همچون «آگاهی»، «اعتماد» و «مشارکت»، حکایت از پایین بودن آنها دارد. مثلاً براساس داده‌های این پژوهش در متغیر اعتماد، بهترین وضعیت در حوزه‌ی اجتماعی چون خانواده است که به محض خارج شدن از حیطه‌ی خانواده‌ی هسته‌ای، با افت اعتماد روبرو هستیم (تاجبخش و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۱۵۸).

«پیمایش سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی» که در سال ۱۳۹۴ در معاونت اجتماعی وزارت کشور توسط غلامرضا غفاری انجام گرفته است نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ایران اعتماد خاص گرایانه (اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به خویشان و اقوام و نیز اعتماد به دوستان) خیلی زیاد اما اعتماد عام گرایانه (اعتماد به همسایگان و افراد غیرهمشهری) به شدت پایین است. در واقع استنباط می‌شود که رابطه معکوسی میان اعتماد درون گروهی و فراگروهی وجود دارد، در حالیکه یکی از این دو بسیار قوی است، دیگری بسیار ضعیف است (غفاری، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

بنابراین هم در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) و هم در پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۴) «اعتماد عمومی» در ایران وضعیت خوبی ندارد. در پیمایش اول، اعتماد عمومی در قالب این پرسش که به طور کلی فکر می‌کنید مردم تا چه حد قابل اعتماد هستند، بررسی شده است. آمارها نشان می‌دهد ۲۸/۸ درصد پاسخ‌گویان قابل اعتماد بودن دیگران (مردم) را کم، ۵۶/۹ درصد متوسط و فقط ۱۴/۳ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند. همین پرسش در پیمایش دوم نیز مطرح شده است که ۹/۸ درصد پاسخگویان اعتماد به مردم را خیلی کم، ۱۰/۹ درصد کم، ۵۰/۷ درصد تا حدودی (متوسط)، ۱۷/۶ درصد زیاد و ۱۰/۹ درصد خیلی زیاد عنوان داشته‌اند (همان: ۱۴۶).

تاکنون پیمایش مستقلی برای سنجش سرمایه اجتماعی در شهرهای جدید کشور انجام نگرفته است. اما در مطالعه‌ی تدوین «سند راهبردی و اجرایی ارتقای شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرهای جدید پردیس، پرند و هشتگرد»، که با استفاده از یک روش‌شناسی عمدتاً کیفی در سال ۱۳۹۴ در شرکت عمران شهرهای جدید صورت گرفته است، پایداری اجتماعی شهرهای مورد مطالعه در پنج بعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نهادی و فضایی-کالبدی سنجش شده‌اند که مولفه‌های بعد اجتماعی تا حدود زیادی مرتبط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی اند:



ابعاد و مولفه‌های پایداری اجتماعی

ابعاد	مولفه‌ها
اجتماعی	همبستگی، تعلق، سرمایه اجتماعی، وجود ظرفیت توانمندسازی و بروز خلاقیت، پایین بودن میزان آسیب‌های اجتماعی، احساس امنیت، رضایت و امید به زندگی، قشربندی، اختلاط اجتماعی، عدالت اجتماعی، تاب‌آوری، متناسب بودن هرم سنی، بعد خانوار
فرهنگی	سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین و هویت جمعی
اقتصادی	تنوع اقتصادی، مولد بودن اشتغال، دوام سکونت، آسایش ناشی از سکونت در شهر جدید، وجود خدمات مورد نیاز
نهادی	توانایی نهادی، دانش نهادی و یکپارچه بودن نهادها
فضایی - کالبدی	دسترسی، سرزندگی، حس مکان، انعطاف‌پذیری، معناداری، یکپارچگی و انسجام کالبدی

بر اساس تحلیل سوات انجام گرفته در این پژوهش، شهرهای جدید پرنده و هشتگرد در موقعیت تدافعی (ضعف-تهدید) قرار دارند و شهر جدید پردیس در موقعیت رقابتی (ضعف-فرصت). به عنوان مثال، مهم‌ترین تهدیدهای اجتماعی موجود در شهر جدید هشتگرد مواردی چون: مهاجر بودن ساکنان و پایین بودن مناسبات عاطفی و مفاهیم مشترک بین آنها، نبودن عناصر هویت بخش مهم همچون نمادها، فضاهای خاطره انگیز، آرامستان و همچنین صدور شناسنامه به اسم شهر جدید، پایین بودن اعتماد مردم به دستگاه‌های مختلف خدمات‌رسان و مدیریت شهری و فقدان تنوع در قشریندی و طبقات اجتماعی ساکن، مطرح شده‌اند. یا مسائل اجتماعی شهر جدید پردیس مواردی چون: احساس طردشدگی، محرومیت و ناامنی بین ساکنان مسکن مهر، ضعف نهادهای مدنی، احساس عدم امنیت ساکنین شهر و ضعف فضاهای عمومی موجود اعم بوسستان‌ها و تجاری‌ها در جذب جمعیت به منظور گذران اوقات فراغت ساکنین و تبدیل نشدن آنها به مکان‌های خاطره‌انگیز، عنوان شده‌اند (موسسه مطالعات اجتماعی ایرانمهر، ۱۳۹۴: ۲۲-۳۵). بنابراین، یافته‌های اجتماعی پژوهش فوق، حکایت از معضل‌دار بودن سرمایه اجتماعی در سه شهری دارد که موضوع مورد مطالعه پژوهش بوده‌اند؛ البته از آنجایی که سایر شهرهای جدید کشور هم محصول رویکرد و نظام برنامه‌ریزی واحدی بوده‌اند، می‌توان برآوردی از وضعیت اجتماعی آنها داشت.

چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای جدید

با مشخص شدن نقش اساسی فرهنگ در ساخته شدن هویت و سرمایه اجتماعی، اینک می‌توانیم وارد بحث چیهستی فرهنگ شهرهای جدید کشور جهت رسیدن به مدلی واقع‌بینانه



برای برنامه‌ریزی فرهنگی مختص به این سنخ از شهرها، شویم. اولین پرسشی که در این راستا مطرح می‌شود این است که این شهرها، با توجه به ساختار اجتماعی و اقتصادی که دارند چه نوع فرهنگی می‌توانند داشته باشند؟ پاسخ به چنین پرسشی در گام نخست مستلزم تمرکز بیشتر بر خود معنای فرهنگ و نیز چگونگی تولید آن است.

قبل از این اشاره شد که فرهنگ، «معناها و نقشه‌های مفهومی مشترک» است که در دل زندگی اجتماعی و کنش متقابل آدم‌ها زاده شده و با فراهم نمودن زبانی مشترک، امکان ارتباط و گفتگو میان جهان‌های شخصی مختلف را فراهم می‌کند. چنین نگاهی به فرهنگ، شاید باعث شود که آن امری بسیار یکدست در نظر آید. در حالی که در هر فرهنگی همیشه معنای بسیار گوناگونی درباره‌ی هر موضوع و بیش از یک راه و روش برای تفسیر یا بازنمایی آن موضوع وجود دارد. همچنین فرهنگ، افزون بر احساسات، تعلقات و علائق، مفاهیم و تصورات را نیز در بر می‌گیرد. مهم‌تر از همه، معناها و فرهنگی فقط «در مغز و ذهن» قرار ندارند، بلکه اعمال اجتماعی را نظم و سامان می‌بخشند، در رفتارهای ما تاثیر می‌گذارند و در نتیجه آثار واقعی عملی دارند (هال، ۱۳۹۱: ۱۸). در ادامه، عناصر کلی سیاست فرهنگی شهرهای جدید را بر مبنای «رهیافت برساخت گرایانه» بر می‌شماریم تا نقشه مفهومی لازم برای برنامه‌ریزی فرهنگی آنها فراهم گردد.

رهیافت برساخت گرایانه قلمرو نمادین زندگی را که در چارچوب آن واژه‌ها و چیزها به منزله‌ی نشانه‌ها عمل می‌کنند، کانون خود زندگی اجتماعی تلقی می‌کند نه اینکه آنرا امری درجه دوم و صرفاً بازتاب زندگی اجتماعی بداند. قائل شدن نقش سازندگی معنا برای زبان و تلقی آن به مثابه‌ی یک سیستم که تابع واقعیتی نیست که آن را بازتاب می‌دهد بلکه محصول قرارداد و روابط همنشینی و جانشینی است، ریشه در زبان‌شناسی ساختارگرا دارد. زبان‌شناسی ساختارگرا، محصول روشنگری‌های آرای پیشروی سوسور در ابتدای قرن بیستم است (ضمیران، ۱۳۸۲: ۳۰).

تولید و مبادله زبان نشانه‌ای شهر

فرهنگ، صرف داشتن نقشه‌ی مفهومی مشترک نیست، بلکه بیان و مبادله معانی و مفاهیم هم هست که از طریق زبان مشترک قابل فهم همگان، ممکن می‌شود. نقشه‌ی مفهومی مشترک باید به زبان مشترک تبدیل شود تا ما بتوانیم مفاهیم و تصوراتمان را با «واژه‌های نوشتاری»، «اصوات گفتاری» و «تصاویر دیداری» متناظر و بیان کنیم. اصطلاح کلی که ما برای واژه‌ها، اصوات و تصاویر حامل معنا به کار می‌بریم «نشانه» است (هال، ۱۳۹۱: ۳۷).



«معماری بنا و منظر»، «طراحی معابر و میادین»، «تابلوه‌های تبلیغاتی»، «دیوار نوشته‌ها»، «نقاشی‌های دیواری»، «یادمان‌ها»، «مجسمه‌ها»، «موسیقی‌ها»، «مبلمان شهری» و ... عرصه‌های زبان نشانه‌ای شهر را تشکیل می‌دهند که متشکل از سه زبان نوشتاری، گفتاری و دیداری، است. این زبان، هم معانی و مفاهیم را بازنمایی کرده و هم آنها را می‌سازد؛ تا نقشه‌ی مفهومی مشترکی در شهر شکل گرفته و با بین‌الذهانی شدن اش، هویتی برای شهر ساخته شود و ارتباط معنایی میان ساکنان شکل گیرد.

وضعیت شهرهای جدید کشور، از منظر زبان نشانه‌ای، به شدت آشفته و تهی از هر گونه نظام‌های جدی معنایی در جهت فرهنگی کردن محیط شهری و کیفیت بخشی به زندگی روزمره ساری و جاری در آنهاست. بنابراین، با «جدی گرفتن معماری منظر»، «نصب یادمان‌ها و مجسمه‌های فاخر در میادین و فضاهای عمومی شهری»، «اجرای موسیقی در پارک‌ها و سالن‌ها»، «برپایی گالری‌های هنری»، «دایر نمودن نمایشگاه‌های غیرمتمرکز کتاب و محصولات فرهنگی»، «ساخت سالن‌های سینما و تئاتر» و ... می‌توان به زبان نشانه‌ای شهر و ذهنیت مشترک ساکنان اش شکل داد.

تولید بسترهای نهادی فرهنگ مردمی

فوکو با طرح مفهوم گفتمان، بستری فراتر از زبان برای فرهنگ مطرح می‌کند. رویکرد فوکویی به گفتمان، به جای بررسی قواعدی که شکل‌گیری معنا را ممکن می‌سازند، بر قدرت ملازم در زبان تمرکز می‌کند و به دنبال درک این است که چگونه منابع قدرت که بصورت تاریخی و اجتماعی، بنیان نهاده شده‌اند، جهان اجتماعی گسترده‌تر را از طریق زبان، می‌سازند. به عنوان مثال، محققانی که رویکرد فوکویی را برای تحلیل گفتمان بکار می‌گیرند، بیشتر علاقه مندند که ببینند چگونه زبان توسط پزشکان، والدین، رسانه و دولت استفاده می‌شود تا دیدگاه‌های نوجوانان را مطیع کرده و به حاشیه برانند. آنها همچنین به گفتمان نوجوانان بعنوان یک فرم از مقاومت در مقابل گفتمان‌های هژمونیک جریان مسلط فرهنگی، نگاه می‌کنند. لذا، تحلیل گفتمان فوکویی با تمرکز بر این موضوع که قدرت چگونه از طریق زبان، عملیاتی^۱ می‌شود، رویکرد انتقادی‌تری را بر عهده می‌گیرد (Given، ۲۰۰۸: ۲۱۷).

اگر به دنبال فرهنگی پویا و زایش‌گر در شهرهای جدید کشور هستیم باید در کنار نهادهای رسمی فرهنگی که تولید‌کننده و مبلغ گفتمان رسمی‌اند، فضاها و نهادهای

1 . operationalized



دموکراتیک فرهنگی، برنامه‌ریزی و تولید شوند که مردم معمولی بتوانند با حداقل قواعد و محدودیت‌ها، فرهنگ خودشان را تولید کرده و به زندگی‌شان معنا دهند. این فضاها و نهادهای فرهنگی می‌تواند مواردی چون «فستیوال‌های مردمی»، «فضاهای تجمع و گفتگو»، «انجمن‌های هنری»، «پاتوق‌های فکری»، «انجمن‌های ادبی»، و مواردی از این قبیل باشند که در سیاست‌گذاری و مدیریت آنها مردم نقشی پررنگ داشته باشند. در فراهم نمودن بسترهای نهادی برای مشارکت مردم در تولید فرهنگ، ضروری است که ناهمگونی اجتماعی، که مهم‌ترین مشخصه‌ی شهر است (سوندرز، ۱۳۹۱: ۱۶۶)، در نظر گرفته شود و به اقشار و طبقات مختلف اجتماعی امکان کنشگری فرهنگی داده شود.

فضای کالبدی و فیزیکی شهر فقط با بهره‌گیری از فرهنگ‌های مردمی است که زیست‌پذیر می‌شود و امکان شکل گرفتن تعلق فضایی را فراهم می‌کند. در نبود فرهنگ و یا هژمونیک شدن فرهنگی یکدست، شهر بر ملال ساکنان خواهد افزود و زندگی اجتماعی را سرکوب‌گرانه خواهد نمود. بنابراین، تنوع فرهنگی طبقات اجتماعی ساکن در شهرهای جدید را باید گرامی داشت و به آنها امکان تولیدگری و عرضه‌ی فرهنگی داد تا از وجه تکنوکراتیک و فنی این سنخ از شهرها کاسته شده و وجه اجتماعی و مردمی‌شان افزوده شود.

بهره‌گیری از فرهنگ‌های منطقه‌ای

فرایند یکنواخت شدن فضای کالبدی شهرهای ایران، اعم از جدید یا کهن، یکی از بحران‌های شهرسازی کشور است که منجر به هویت‌زدایی و گسست از زیست بوم، اقلیم و مهم‌تر از همه فرهنگ شده است. این معضل از آنجایی اهمیت مضاعف می‌یابد که ایران تنوعی از اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها است که هر کدام از آنها عملکرد و زیبایی‌شناسی خاص خودشان را دارند. این مشخصه‌ی جامعه‌ی ایرانی ایجاب می‌کند که شهرهای جدید نباید محیط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی یکسانی داشته باشند.

از منظری دیگر، فرهنگ شهری در ایران به شدت متأثر از فرهنگ روستایی است و حتی شهرهای قدیمی ایران چالش‌های جدی در تولید فرهنگ شهری دارند. همانطوری که لوئیس ویرث می‌گوید سرسختی فرهنگ روستایی و تداوم حیات آن در شهر امری جدی است: «ممکن است هنوز شیوه‌های زندگی قومی در شهرها وجود داشته باشد؛ زیرا رشد شهری هنوز نتوانسته است الگوهای در گذشته مسلط روابط انسانی را کاملاً از بین ببرد» (همان). لذا آیین‌ها و سنت‌های منطقه‌ای می‌توانند نقشی جدی در شکل دادن به حیات فرهنگی و هویت فرهنگی شهرهای جدید در مناطق مختلف کشور، داشته باشند.



موفقیت برنامه‌ریزی فرهنگی شهرهای جدید کشور، منوط به بهره‌گیری از «معماری منطقه‌ای»، «مناسک و آیین‌های محلی»، «روش زندگی محلی»، «فرهنگ فولکلوریک»، «زیبایی شناسی منطقه‌ای» جغرافیایی است که در آن بنا شده‌اند. در خصوص شهرهای جدیدی که جایگاه ملی داشته و جمعیت پذیری‌شان از مناطق مختلف کشور است می‌بایست به دنبال فرهنگ‌های تلفیقی رفت که از عناصر فرهنگی مناطق مختلف کشور، الهام گرفته باشند.

سخن پایانی

هویت بخشی و توسعه‌ی سرمایه اجتماعی شهرهای جدید کشور منوط به بهره‌گیری هر چه بیشتر از خرد اجتماعی در برنامه‌ریزی و طراحی این سنخ از شهرها و دخیل نمودن مردم در آنهاست. اتخاذ چنین رویکردی منوط به گذر از پارادایم کلاسیک توسعه و روی آوردن به پارادایم توسعه‌ی شهری پایدار است که به جای صرف تولید سود به تحقق کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی، می‌اندیشد. چنین تغییر پارادایمی هم، منوط به شکل‌گیری فضای اجتماعی در جهت مطالبه کردن «حق به شهر» است.

منابع

- باکاک، رابرت، (۱۳۸۶)، صورت بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن، ترجمه‌ی مه‌رمان مهاجر، تهران: انتشارات آگه.
- تاجبخش، کیان، و همکاران، (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی» (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی: صص ۱۹۹-۱۵۵).
- جنکیز، ریچارد، (۱۳۸۱)، «هویت اجتماعی»، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حبیبی، محسن، (۱۳۸۵)، شهرجدید، آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری، در مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید، صص ۱۵۱-۱۴۵.
- سوندرز، پیتر، (۱۳۹۱)، «نظریه اجتماعی و مسئله شهری»، ترجمه‌ی محمود شارع پور، تهران: تیسرا.
- شریفیان ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱، شماره ۲: صص ۱۸-۵.
- ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، «درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر»، تهران: نشر قصه.
- غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۴)، «اعتماد اجتماعی و امید به آینده»، در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، جلد سوم، غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: وزارت کشور، مرکز امور



اجتماعی و فرهنگی، دبیرخانه شورای اجتماعی: وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- موسسه مطالعات اجتماعی ایرانمهر، (۱۳۹۴)، «سند راهبردی و اجرایی ارتقای شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرهای جدید پردیس، پزند و هشتگرد»، جلد ششم، تهران: شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید.
- نش، کیت، (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی سیاسی معاصر»، جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- هال، استوارت، (۱۳۸۶)، «پیشگفتار» در صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن، رابرت باکاک، ترجمه‌ی مه‌ران مهاجر، تهران: انتشارات آگه.
- هال، استوارت، (۱۳۹۱)، «معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی»، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

- Given, Lisa M (2008) The Sage encyclopedia of qualitative research methods, los angeles & London & New Delhi & Singapore: Sage Publications.

کیفیت زیست شهری و رضایت از زندگی در شهرهای جدید

حسین ایمانی جاجرمی^۱

چکیده

در ایران رشد شتابان شهرها از دهه ۱۳۴۰ و افزایش جمعیت شهرنشین کشور به ضرر روستائیشینی به ویژه تمرکز بخش عمده‌ای از جمعیت در تهران و چند کلان شهر عمده همراه با تحقق وعده‌های خوش بینانه شهر یعنی زندگی بهتر و رفاه بیشتر نبود. شهرنشینی وابسته پدید آورنده مشکلات آشنای شهری جهان در حال توسعه مانند بدمسکنی، ترافیک، آلودگی‌های مختلف و نابرابری فضایی-اجتماعی بود. این مشکلات به ویژه در سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰ چهره کریه خود را در قالب زاغه‌نشینی و فقر شدید جمعیت مهاجر نشان دادند. یکی از راه حل‌های مشکلات مذکور سیاست ایجاد «تله‌های جمعیتی» و اسکان «سریز جمعیت» در پیرامون شهرهای جاذب جمعیت یعنی پایتخت و کلان شهرها بود. بخشی از این سیاست ساخت شهرهای جدید در اطراف آن شهرها بود. اگرچه در آغاز شهرهای جدید به عنوان بخشی از راه حل مهار مهاجرت به شهرها محسوب می‌شدند و با خوش‌بینی تصور می‌شد این شهرها می‌توانند شرایط زندگی خوب و با کیفیت را برای ساکنان خود فراهم کنند تا آن‌ها سودای مهاجرت به شهر بزرگ را از سر خارج کنند، اما به نظر می‌رسد آنها به ویژه با تحمیل ساخت چند صد هزار واحد مسکن مهر در اواخر دهه ۱۳۸۰ با مشکلات گوناگونی مواجه‌اند. این مقاله به دنبال فهم و پاسخ به این پرسش مهم است که آیا شهرهای جدید توانسته‌اند کیفیت زیست مناسبی را برای ساکنان خود فراهم آورند؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند پاسخ به پرسش‌های دیگری مانند وضعیت رضایت از سکونت و وضعیت احساس

۱. دکترای جامعه‌شناسی، دانشیار دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی



تعلق به شهر جدید را تعیین کند. تحلیل یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که احداث شهرهای جدید و تضمین کیفیت سکونت در آنها به ظرفیت‌های سازمانی و انسانی متفاوت با نظام اداری کنونی نیاز دارد و غفلت از مساله جامعیت شهر و خطای تقلیل شهر به مسکن، محل کار و حمل و نقل می‌تواند پیامدهای جدی برای کیفیت زیست شهری و رضایت از زندگی داشته باشد.

واژگان کلیدی: زیست شهری، کیفیت زندگی، شهرهای جدید، شهرنشینی، مشکلات شهری، رضایت از زندگی، توسعه شهری.

طرح مساله

شهرها در طول تاریخ همواره مکان‌هایی برای پیشرفت و ترقی به شمار می‌آمده‌اند اما در سال‌های اخیر، شهرنشینی فزاینده و فقیر شدن شهر موجب شده است تا بسیاری از شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه، تبدیل به مکان‌هایی آلوده به فقر، فساد و شکاف‌های طبقاتی شوند. شهرهای گرفتار چنین مسائلی باید برای حل یا کاهش مشکلات ساختاری خویش مانند فقر و در راه تحول اجتماعی و نهادی، توسعه زیرساخت‌ها و خدمات، و نیز مدیریت و ساماندهی انواع آلودگی‌ها بکوشند. اما انجام چنین اقداماتی نیازمند مطالعات عمیق شهرها و کیفیت زیست شهری است تا در پرتو داده‌ها و یافته‌های حاصله بتوان سیاست‌گذاری بهتری داشت.

در ایران نیز رشد شتابان شهرها از دهه ۱۳۴۰ و افزایش جمعیت شهرنشین کشور به ضرر روستانشینی به ویژه تمرکز بخش عمده‌ای از جمعیت در تهران و چند کلان شهر عمده دیگر کشور مانند مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز، همراه با تحقق وعده‌های خوش‌بینانه شهر یعنی زندگی بهتر و رفاه بیشتر نبود. علت اصلی این اتفاق را می‌تواند نوع تحول شهری ایران دانست. واقعیت آن است که رشد شهرها و جمعیت شهرنشین نه در چارچوب نیروهای تکامل یافته درون جامعه بلکه به سبب «شهرنشینی وابسته» و متکی به درآمدهای رانتی با ویژگی‌هایی مانند مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری، رشد شهر به هزینه مازاد اقتصادی ناشی از صادرات نفتی و با پیامدهای مهمی مانند بیش شهرنشینی و قطع پیوندهای منطقه‌ای روستا و شهر اتفاق افتاد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵). شهرنشینی وابسته پدید آورنده مشکلات آشنای شهری جهان در حال توسعه مانند بدمسکنی،



ترافیک، آلودگی‌های مختلف و نابرابری فضایی-اجتماعی است. این مشکلات به ویژه در سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰ چهره کریه خود را در قالب زاغه‌نشینی و فقر شدید جمعیت مهاجر نشان داده بود و رفع آن‌ها از خواسته‌های انقلابیونی بود که در سال ۱۳۵۷ رژیم شاهی را سرنگون کردند.

یکی از راه‌حل‌هایی که برای حل این مشکلات طرح شد، سیاست ایجاد «تله‌های جمعیتی» و اسکان جمعیت در پیرامون شهرهای جاذب جمعیت یعنی پایتخت و کلان‌شهرها بود. این سیاست‌ها هدف «اسکان بخشی از سرریز جمعیتی» را دنبال می‌کرد که بر اساس الگوی «اسکان جمعیت در شهرک‌های خوابگاهی، اقماری، سازمانی و استقرار جمعیت در شهرهای جدید» عملی شدند (صفابخش، ۱۳۷۲). البته برای از بین بردن عوامل بازدارنده و موانع موجود بر سر راه رشد و توسعه مناطق محروم کشور و ایجاد «عدالت سرزمینی» اقدام موثری نشد و همین مساله سبب شد تا شتاب جابجایی‌های جمعیتی از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ و از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات بیشتر شود (همان). به نظر می‌رسید سیاست اسکان سرریز جمعیت به دنبال انتقال مشکلات شهری به بیرون از شهرهای بزرگ باشد و قصد داشت تا با ایجاد «تله جمعیتی»، مانع از رسیدن مهاجرین به شهرهای مقصد برای کار و زندگی شود. بخشی از این سیاست ساخت شهرهای جدید در اطراف پایتخت و چند شهر بزرگ کشور بود. این شهرها از لحاظ عملکرد به سه گونه کلی قابل تقسیم هستند:

- شهرهای سازمانی/صنعتی؛
- شهرهای اقماری/خوابگاهی؛ و
- شهرهای جدید با هویت مستقل (زارع، ۱۳۷۳: ۳۲۱؛ زیادلو، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

خوش بینانه می‌توان گفت آن چه دولت به دنبال آن بود، شهرهای جدید با هویت مستقل بود. برای تحقق سیاست مذکور دولت از طریق تاسیس «شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید» ۱۷ شهر جدید در مناطق مختلف کشور احداث کرده است که برخی از مهمترین آن‌ها مانند پردیس، پرند و هشتگرد در اطراف تهران و کرج و برخی دیگر مانند سهند و گلبهار در اطراف تبریز و مشهد قرار دارند. اگرچه در آغاز شهرهای جدید به عنوان بخشی از راه حل مهار مهاجرت به شهرها محسوب می‌شدند و با خوش بینی تصور می‌شد این شهرها می‌توانند شرایط زندگی خوب و با کیفیتی برای ساکنان خود



فراهم کنند تا آن‌ها سودای مهاجرت به شهر بزرگ را از سر خارج کنند اما به نظر می‌رسد احداث و فعالیت آنها همراه با مشکلات زیادی مانند عدم تحقق سقف‌های جمعیتی و احساس تعلق پایین به شهر بود، مشکلاتی که به ویژه با تحمیل ساخت چند صد هزار واحد مسکن مهر در اواخر دهه ۱۳۸۰ تشدید و مشکلات جدیدی هم به آن‌ها افزوده شد. شاید یکی از مهمترین این مشکلات اهداف متفاوتی بود که شهرهای جدید و مسکن مهر دنبال می‌کردند. بی‌توجهی به این نکته مهم سبب شده تا اکنون شهرهای جدید مهم مانند هشتگرد، پرند و گلبهار دو قطبی فضایی-طبقاتی شوند. گروهی از ساکنان اولیه و متعلق به طبقه متوسط و بالا که در منازل گران قیمت ویلایی و بزرگ زندگی می‌کنند و گروه جدیدی از طبقات کم درآمد که به دنبال سیاست ساخت مسکن مهر باید در برج‌های پرتراکم و ارزان قیمت استقرار یابند. همین مساله عاملی است که سبب می‌شود تا تحلیل وضعیت شهرهای جدید را به دو دوره پیش از مسکن مهر و پس از مسکن مهر تقسیم کرد.

تعدادی از مطالعاتی که در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ در باره شهرهای جدید انجام شده نشانگر مسائل جدی این شهرها در حوزه‌های مختلف است. برای مثال مطالعه زیاری (۱۳۷۴) در باره نقش شهرهای جدید در روند شهرنشینی منطقه اصفهان نشان می‌دهد که شهرهای جدید آن منطقه در برقراری «تعادل فضایی» در استان و منطقه شهری اصفهان ناتوان بوده و تنها کارکرد آن‌ها «خوابگاهی» است. زبردست و جهانشاهلو (۱۳۸۶) در مطالعه خود در مورد بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرزیر جمعیت به این نتیجه می‌رسند که با وجود عقب ماندگی شهر جدید هشتگرد از نظر زمانی از برنامه‌های پیش‌بینی شده اما این شهر به کندی در حال تحقق نقش و عملکرد پیش‌بینی شده برای آن در جذب سرریز جمعیت کلان شهر تهران و کرج و تامین مسکن برای جمعیت مذکور است. آن‌ها دریافتند نیمی از خانوارهای ساکن در شهر جدید هشتگرد سرریز جمعیت تهران و کرج هستند. «ارزان بودن مسکن» در هشتگرد از دلایل مهم مهاجرت خانوارهای ساکن به آن جاست. همچنین آن‌ها میزان رضایت خانوارهای ساکن در شهر جدید هشتگرد را در حد متوسط ارزیابی کردند. محققان مذکور دریافتند که تمایل خانوارهای ساکن برای ماندن در شهر جدید نیز در حد متوسط قرار دارد. قرخلو و پناهنده خواه (۱۳۸۸) نیز به ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب جمعیت کلان شهرها پرداختند. آن‌ها با مطالعه شهرهای جدید اطراف تهران یعنی هشتگرد، پردیس،



پرنده و اندیشه به این نتیجه رسیدند که این شهرها در زمینه جذب جمعیت موفق نبوده‌اند و نقش اصلی آن‌ها تامین نیاز خوابگاهی شاغلان شهرهای بزرگ بوده است. در مقاله‌ای دیگر قرخلو و عابدینی (۱۳۸۸) میزان توفیق شهر جدید سهند را ارزیابی کردند. شهر جدید سهند با هدف کاستن از مشکلات جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کلان شهر تبریز در حوزه نفوذ این شهر احداث شده است ولی به نظر محققان مذکور این شهر در عمل نتوانسته است از مشکلات کلان شهر تبریز با توجه به اهدافش بکاهد و اهداف از پیش تعیین شده آن در زمان مشخص عملی نشده است. شالوده اقتصادی این شهر بر پایه اشتغال صنعتی و خدمات دانشگاهی استوار است که هنوز صنعت و دانشگاه تاثیر مثبتی بر این شهر نگذاشته‌اند و شهر جدید سهند خود با مشکلات و چالش‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی و برنامه‌ریزی بسیار مواجه است. خاکپور و امیری (۱۳۸۸) هم در مطالعه خود به سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید پرداختند و به این نتیجه رسیدند که طرح ایجاد شهرهای جدید ناموفق بوده است. به نظر آن‌ها ساخت شهرهای جدید در ایران پراشتباه‌تر از نمونه‌های اجرا شده در جهان بود و مهمترین عوامل این مساله نبود نگاه کلان آمایشی در مکان‌یابی این شهرها، مشخص نبودن جایگاه حقیقی شهرهای جدید در نظام سلسله مراتب شهری کشور و عملکرد ضعیف این شهرها است. آن‌ها تدوین سیاست ملی شهرنشینی همراه با یک برنامه جامع آمایش سرزمین را یک ضرورت برای حل یا کاهش این مشکلات می‌دانند.

تحلیل وضعیت شهرهای جدید می‌تواند در قالب ابعاد: الف) سیاسی-اداری، ب) کالبدی-زیربنایی و پ) اجتماعی-فرهنگی و ت) اقتصادی انجام گیرد. در این نوشتار آن چه روی آن تمرکز داریم وضعیت زیست شهری و رضایت از زندگی در شهرهای جدید است که تقریباً تمامی ابعاد مذکور را در بر می‌گیرد. از آن جا که شهرها ساخته دست انسان‌ها هستند مشکلات شهری را می‌توان با سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌های مناسب مبتنی بر رویکردی مشارکتی حل یا کاهش داد. اما هر گونه اقدام در این زمینه نیازمند آگاهی از وضع موجود شهر و تلاش برای بهبود آن است. سیاست‌گذاران و مدیران شهری نیازمند آگاهی از وضعیت «کیفیت زندگی» و «رضایت از زندگی» هستند تا بتوانند با تشخیص شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوب به تنظیم سیاست‌ها و تدوین برنامه‌های مناسب دست بزنند. برای آگاهی از وضعیت کیفیت زندگی در شهر و شناسایی دقیق‌تر مسائل و مشکلات و نگرش‌هایی که شهروندان نسبت به زندگی دارند، «سنجش کیفیت



زیست شهری» به یک ابزار کارآمد برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری تبدیل شده است. این ابزار اجازه می‌دهد تا با بررسی دقیق موضوعات مختلف شهری، داده‌های جامعی از وضعیت زندگی در شهر برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بهتر بدست آورد. همچنین یافته‌های حاصل از مطالعات به اداره کنندگان شهر کمک می‌کند تا به ارزیابی اثرات سیاست‌های خود بپردازند و برای بهبود خدمات رسانی و توزیع برابر منابع میان مناطق مختلف شهر تلاش کنند.

مقاله حاضر می‌خواهد تا نخست درک نظری و مفهومی از کیفیت زندگی و زیست شهری داشته باشد. از همین رو بخش نخست مقاله به این موضوع اختصاص دارد. در بخش دوم مقاله می‌خواهد تا با مرور برخی از مطالعات انجام شده در خصوص کیفیت زندگی و رضایت‌مندی در شهرهای جدید مهمترین یافته‌های آن‌ها را استخراج کند. پایان مقاله جمع بندی و تحلیل یافته‌هاست و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری بهتر برای افزایش کیفیت زیست در شهرهای جدید است.

پرسش‌های پژوهش

می‌توان پرسش‌های زیادی را در باره میزان توفیق شهرهای جدید در دستیابی به اهدافی که برای آن ساخته شدند، طرح کرد. برای نمونه آیا آن‌ها توانستند مهاجرت به شهرهای بزرگ را کاهش دهند؟ آیا آن‌ها توانستند در توسعه منطقه شهری نقش داشته باشند؟ و مانند این‌ها. اما یک پرسش مهم در میان پرسش‌ها این است که آیا شهرهای جدید توانسته‌اند کیفیت زیست مناسبی را برای ساکنان خود فراهم آورند؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند پاسخ به پرسش‌های دیگری مانند وضعیت رضایت از سکونت و وضعیت احساس تعلق به شهر جدید را تعیین کند. از همین رو در این مقاله می‌خواهیم به پرسش چگونگی کیفیت زیست و رضایت از زندگی در شهرهای جدید پاسخ دهیم.

ادبیات نظری و مفهومی

سنجش کیفیت زندگی در سطح شهرها از دهه ۱۹۹۰ به این سو با هدف جذب سرمایه و رقابت جهانی میان شهری مورد توجه قرار گرفته است. به دنبال کاهش نقش دولت‌ها در اداره امور و تأثیرات جهانی شدن اقتصاد، فرصت مناسبی برای توسعه اقتصادی کلان شهرها در سطح جهان پدید آمد. یکی از عوامل جذب سرمایه در شهرها برخورداری آنها



از کیفیت مطلوب برای زندگی و کار است. از همین رو، بررسی وضعیت کیفیت زندگی به عنوان یک محور مطالعاتی از سوی نهادهای مطالعاتی و اجرایی بین‌المللی، ملی و محلی در دستور کار قرار گرفت. برای مثال باید به گزارش‌های موسسه منابع انسانی مرسر^۱ و مجله اکونومیست اشاره کرد که مورد توجه محافل اقتصادی و سیاسی جهان قرار دارد. این گزارش‌ها مبنایی برای سرمایه‌گذاری و زندگی قرار می‌گیرد و تا اندازه زیادی امکانات و زیربنای موجود در شهر و نگرش شهروندان به زندگی را بازتاب می‌دهد. انجمن‌های شهر به عنوان نمایندگان مردم شهری هم دست به سنجش کیفیت زندگی در شهرهای خود می‌زنند و بر اساس داده‌ها و اطلاعاتی که فراهم می‌آید، سیاست‌ها و برنامه‌های خویش را دگرگون ساخته یا از نو بنا می‌کنند. جالب است اشاره شود که بر اساس گزارش کیفیت زندگی سال ۲۰۱۶ موسسه مرسر شهر وین در کشور اتریش برای ششمین سال پیاپی به عنوان بهترین شهر و بغداد در کشور عراق به عنوان بدترین مکان برای زندگی معرفی شدند. معیارهای موسسه مرسر برای سنجش کیفیت زندگی در شهرهای جهان عبارتند از:

- حوزه اجتماعی (ثبات سیاسی، جرایم، اعمال قانون)
 - حوزه بهداشتی (خدمات درمانی، بیماری‌های واگیر، سامانه فاضلاب)
 - محیط زیست (آلودگی هوا، بلایای طبیعی)
 - حوزه آموزشی (دسترسی به خدمات استاندارد و بین‌المللی آموزشی)
 - حوزه اقتصادی (مقررات مالی، خدمات بانکی)
 - حوزه فرهنگی (دسترسی به رسانه‌های آزاد، آزادی‌های فردی)
 - خدمات عمومی (برق، آب، حمل و نقل و ترابری، حجم ترافیک)
 - خدمات تفریحی (رستوران‌ها، سالن‌های نمایش، ورزشگاه‌ها)
 - کالاهای مصرفی (دسترسی به خوراک، کالاهای مصرفی روزمره، خودرو)
 - مسکن (خانه، لوازم خانگی، مبلمان، خدمات ساختمانی)
- براساس گزارش ۲۰۱۶ موسسه مذکور ده شهر برتر جهان در زمینه کیفیت زیست به ترتیب عبارتند از: وین، زوریخ، ژنو، ونکوور، آکلند، دوسلدورف، فرانکفورت، مونیخ، برن و



سیدنی، شهرهایی که همگی آن‌ها در کشورهای به اصطلاح شمال یا توسعه یافته قرار دارند.

بررسی مفهومی کیفیت زندگی بیانگر این واقعیت است که مفهوم مذکور در زمان‌های مختلف دگرگون شده است. «تا دهه ۱۹۷۰ کیفیت زندگی اساساً معطوف به انگاره‌های مادی و پیامد رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. از دهه ۱۹۷۰ و در نتیجه ظهور آثار منفی حاصل از رشد اقتصادی از سویی و پیدایش نظریه توسعه پایدار از سوی دیگر، کیفیت زندگی ابعاد و پنداشتی اجتماعی‌تر پیدا کرد و مسایلی چون توزیع پیامدهای حاصل از رشد، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و... را در بر گرفت و به طور جدی به عنوان هدف اصلی توسعه وارد مباحث برنامه‌ریزی گردید و دهه ۱۹۹۰ نیز سرآغاز بحث از کیفیت زندگی اجتماعی با تأکید بر سازه‌های اجتماعی چون سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و... بود» (غفاری و امیدی ۱۳۸۷: ۳-۲). در حال حاضر باید این مفهوم را چند بعدی و بررسی آن را چند رشته‌ای دانست و می‌توان گفت که کیفیت زندگی هم جنبه‌های عینی-کمی مانند دسترسی به امکانات و فرصت‌ها و هم جنبه‌های ذهنی-کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی را در بر می‌گیرد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱).

مفهوم کیفیت زندگی در هنگام طرح بحث آن در سطح شهر، به مفهوم «شهر زیست‌پذیر» نزدیک می‌شود. زیست‌پذیری^۱ به معنی توانایی شهر یا ناحیه شهری بر حفظ و بهبود ظرفیت زیست^۲ و سرزندگی^۳ است (Balsas, J. L. Carlos, ۲۰۰۴: ۱۰۱). زیست شهری شایسته هنگامی تحقق خواهد یافت که شهرها پایدار باشند. از یک دیدگاه «پایداری شهری» زمانی تحقق خواهد یافت که شهرها واجد چهار جنبه زیر باشند:

قابل زیستن بوده و کیفیت مناسب زندگی و فرصت‌های عادلانه به تمام شهروندان حتی فقیرترین افراد ارائه دهند، قابل رقابت با شهرهای دیگر باشند، به درستی اداره و مدیریت شوند، و از نظر مالی پایداری باشند (بارتون، ۱۳۸۳: ۱۹).

اما چه چیزهایی شهری را به مکانی زیست‌پذیر بدل می‌کند؟ این پرسشی است که پاسخ آن بسیار دشوار است. پیشتر کوین لینچ تلاش کرده است به آن پاسخ دهد: چه

1. Livability
2. Viability
3. Vitality



چیزی شهری را به یک "شهر خوب"^۱ بدل می‌کند؟ او این پرسش را با تعریف پنج بعد عملکردی و تحقق آنها امکان‌پذیر می‌داند. سرزندگی، معنی^۲، تناسب^۳، دسترسی^۴ و کنترل^۵. لینچ پنج معیار عملکردی خود را این گونه تعریف کرده است (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۴۱-۲۸۹):

الف) سرزندگی: این که شهر تا چه اندازه حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای زیستی و توانایی‌های انسانی بوده و از همه مهم‌تر، چگونه بقاء همه موجودات را ممکن می‌سازد.
ب) معنی: این که شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شود، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنان شهر، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است.

ج) تناسب: این که شکل و ظرفیت فضاها، معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با مقیاس انسان و با الگوی فعالیت‌هایی که مردم از روی عادت به آن اشتغال دارند و یا خواهند داشت، منطبق است.

د) دسترسی: توانایی دسترسی به سایر اهداف، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا مکان‌ها شامل کمیت و تنوع عناصر که می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد.

ه) کنترل: این که استفاده از فضاها و دسترسی به آنها، ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آنها تا چه اندازه از سوی کسانی که از آن استفاده می‌کنند صورت می‌گیرد.
به این ترتیب، زمانی که یک شهر مکانی سرزنده است، واجد حس مکان و زمان است، جایی است که محیط با بدن انسان و فعالیت‌هایش تناسب دارد و زمانی که شهر قابلیت دسترسی بالایی دارد و توسط شهروندان قابل کنترل است، می‌توان از شهر زیست‌پذیر صحبت کرد.

زیست‌پذیری، معانی گوناگونی را برای افراد مختلف تداعی می‌کند. ارائه تعریف از مفهوم زیست‌پذیری، به نحوی که درک آن را برای همه میسر سازد، دشوار است؛ همانند مفهوم کیفیت زندگی که بسیاری از مردم فکر می‌کنند معنی آن را می‌دانند. براساس برخی ابعاد شهر زیست‌پذیر را این گونه خلاصه کرده است:

-
1. Good City
 2. Sense
 3. Fit
 4. Access
 5. Control



«مکان زیست‌پذیر، مکانی است ایمن، پاک، زیبا، به لحاظ اقتصادی سرزنده، دارای حس اجتماع محلی، قابل استطاعت برای طیف وسیع جمعیت متنوع، دارای نظام اداره کارآمد، با زیرساخت‌های عملکردی، با نهادها و فعالیت‌های فرهنگی متنوع و جالب، حمل و نقل عمومی کارآمد، پارک‌های وسیع و فرصت‌های فراوان برای اشتغال» (Balsas, J. L., Carlos, ۲۰۰۴).

یافته‌ها

درک بهتر وضعیت کیفیت زیست در شهرهای جدید هنگامی میسر است که امکان مقایسه باشد. برای همین منظور با توجه به داده‌های در دسترس پیش از طرح یافته‌های مطالعاتی مربوط به موضوع کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان شهرهای جدید، از یافته‌های سه مطالعه برای ایجاد امکان مقایسه استفاده می‌شود. یافته‌های اول مربوط به مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی کشور است که امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به رضایتمندی در سطح کلان را فراهم می‌کند. یافته‌های دوم مربوط به مطالعه مربوط به کیفیت زندگی در بافت قدیم یک شهر است که اطلاعات مربوط به وضعیت بافت قدیم شهر را ارائه می‌کند. اما یافته‌های سوم مربوط به مطالعات کیفیت زندگی در شهرهای نیوزیلند است. دلیل انتخاب این مطالعه، آگاهی از وضعیت کیفیت زندگی در کشوری با رتبه بالای توسعه انسانی و ارزیابی ساکنین شهرها از این موضوع است. این سه دسته اطلاعات امکان مقایسه وضعیت شهرهای جدید را هر چند به شکلی مختصر می‌دهند.

رضایت از زندگی در سطح کلان

یکی از شاخص‌هایی که آخرین گزارش وضعیت سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۴) سنجید، «رضایت از زندگی» بود. از میان پرسش‌های طرح شده برای سنجش این شاخص، دو پرسش: «چقدر از زندگی تان احساس رضایت می‌کنید؟» و «تا چه اندازه از زندگی در این شهر/روستا رضایت دارید؟» بود. اهمیت این دو پرسش برای مقاله حاضر آن است که پاسخ‌های آن تصویر کلی از وضعیت رضایت از زندگی و رضایت از محل سکونت بدست می‌دهد. داده‌هایی که تا اندازه‌ای امکان مقایسه با موضوع رضایت از زندگی در شهرهای جدید می‌دهد. هر چند که داده‌های خاص شهرهای جدید وجود ندارد و تنها می‌توان بر اساس یافته‌های مطالعات موجود برآوردی از وضعیت زیست شهری در این شهرها بدست



داد. در هر حال گزارش مذکور نشان می‌دهد که تنها ۳۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان رضایت زیادی از زندگی خود داشته‌اند و ۴۰/۵ درصد تا حدودی از زندگی خود راضی بوده‌اند. حدود ۲۶ درصد نیز رضایت کمی از زندگی خود داشته‌اند. در پاسخ به پرسش رضایت از محل سکونت نیز داده‌های گزارش مذکور نشان می‌دهد که ۳۶/۶ درصد رضایت زیادی از محل سکونت، ۴۱ درصد تا حدودی و ۱۴ درصد نیز رضایت اندکی از محل سکونت خود (حال چه شهر و چه روستا) داشته‌اند. بنابراین می‌توان وضعیت کلی رضایت از زندگی را تنها برای حدود یک سوم جمعیت راضی کننده دانست.

رضایت ساکنان بافت قدیم شهر

هدف تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۱) شناسایی میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی بود. جامعه آماری آن‌ها شامل ۳۴۳۳ نفر سرپرستان خانوار ساکن در بافت قدیم شهر مذکور در سال ۱۳۸۹ بود که از میان آن‌ها ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که در بین بخش‌های مختلف میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیم شهر در شاخص‌های اجتماعی بیشتر از سایر بخش‌ها بوده و شاخص اقتصادی در رتبه دوم و بعد از آن شاخص خدماتی قرار دارد، این در حالی است که شاخص کالبدی کمترین میزان رضایت‌مندی را دارا بوده است. شاطریان و همکاران می‌نویسند: «در بخش رضایت‌مندی از شاخص‌های اجتماعی، میزان رضایت از آسایش و امنیت در محل سکونت (۷۴/۳٪)، رضایت از زندگی در محله (۷۴/۷٪)، رضایت از امکانات و فضاهای آموزشی (۴۳/۵٪)، میزان اعتماد اجتماعی (۵۵/۹٪) و افتخار به محل زندگی و احساس تعلق خاطر (۷۲/۴٪) بوده است» (پیشین: ۱۴۰).

جدول ۱. میزان انتظار و عملکرد رضایت‌مندی در بخش‌های مختلف (درصد) در بافت قدیم آران و بیدگل

شرح	میزان رضایت‌مندی		
	عملکرد	انتظار	اختلاف عملکرد رضایت‌مندی با انتظار
سنجش عملکرد کیفیت اقتصادی	۵۲/۳	۱۰۰	۴۷/۷
سنجش عملکرد کیفیت اجتماعی	۶۴/۱۶	۱۰۰	۳۵/۸۴
سنجش عملکرد کیفیت کالبدی	۴۸/۷	۱۰۰	۵۱/۳
سنجش عملکرد کیفیت خدماتی	۵۰/۲	۱۰۰	۴۹/۸
رضایت‌مندی کل	۵۳/۴۸	۱۰۰	۴۶/۵۲



رضایت از کیفیت زندگی در شهرهای نیوزیلند

در این کشور پروژه کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۹ بنیان گذاشته شد تا شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی کیفیت زندگی را در شش شهر بزرگ زلاند نو یا نیوزیلند تهیه کند. این پروژه از آن زمان گسترش یافته و شامل هشت شهر کشور از جمله آکلند و ولینگتون و کرایس چرچ شده است که نزدیک به نیمی از جمعیت یا ۵۸٪ کل جمعیت نیوزیلند را در خود دارند. پیمایش کیفیت زندگی ۲۰۱۰ را شرکت نیلسن^۱، یک شرکت پژوهشی مستقل، به نیابت از شوراهای محلی انجام داد. پیمایش کیفیت زندگی پیمایشی کشوری است که هر دو سال یکبار شوراهای محلی انجام می‌دهند. پیمایش به دنبال نظرات نیوزیلندی‌ها در باره کیفیت زندگی شهری است که در آن زندگی می‌کنند. گزارش بدنبال پاسخ به پرسش‌های مهمی مانند موضوعات زیر است:

آیا مردم احساس امنیت در اجتماع می‌کنند؟

نظر آن‌ها در باره حمل و نقل، زندگی در محله و سلامتی‌شان چیست؟

پیمایش تصادفی است. بیش از ۴۰۰۰۰ اسم به شکلی تصادفی از لیست انتخاباتی انتخاب می‌شود، و تنها کسانی که نامشان انتخاب شده می‌توانند شرکت کنند. آن‌ها نامه‌ای دریافت می‌کنند که آن‌ها را از موضوع آگاه می‌کند. ظرف دو هفته از دریافت نامه، به آن‌ها برای شرکت در پیمایش تلفن می‌شود. پیمایش از طریق تلفن انجام می‌شود. هدف پیمایش کیفیت زندگی، سنجش درک شهروندان از کلیت کیفیت زندگی است. این پیمایش درک ساکنان هشت شهر را از موضوعات زیر می‌سنجد:

- کیفیت زندگی
- بهداشت و بهزیستی
- جرم و امنیت
- اجتماع محلی، فرهنگ و شبکه‌های اجتماعی
- فرایندهای تصمیم‌گیری شورایی
- محیط زیست
- حمل و نقل عمومی
- سبک زندگی



انجمن‌های شهر شهرهای مذکور نگران تاثیر رشد و شهرنشینی بر بهزیستی ساکنان هستند. همه آن‌ها متعهد به تداوم پویایی شهرهای خود هستند. گزارش نخست کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ در مارس ۲۰۰۱ منتشر شد. از آن زمان فعالیت‌های زیادی برای بهبود مسائل بیان شده در آن گزارش انجام شده است. برای مثال شهرداران شهرهای بزرگ از اطلاعات آن در گفتگوهای خود با دولت مرکزی استفاده کرده اند؛ گزارش توجه به مسائل شهری را در زلاند نو بیشتر کرده است؛ چارچوبی را برای پایش بیشتر در سطح محلی فراهم کرده است و در گزارش‌های نظارت و پایش ملی مشارکت کرده است. نکته جالب آن است که در گزارش کیفیت زندگی سال ۲۰۱۰، اکثریت پاسخگویان ۹۲٪ در هشت شهر کیفیت زندگی کلی‌شان را مثبت ارزیابی کرده اند، ۶۳٪ گزینه خوب و ۲۹٪ گزینه بسیار خوب را برگزیده بودند (<http://www.qualityoflifeproject.govt.nz/>)

رضایت از کیفیت محیط در شهر جدید پرنده

یک تفاوت مهم شهر جدید با شهر سنتی می‌تواند در چگونگی و وضعیت کیفیت زندگی در این گونه شهرها باشد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۰). از شهر جدید انتظار دستیابی به استاندارد بالاتر نسبت به شهرهای موجود می‌رود. رضایی و همکاران (۱۳۹۳) مهمترین عوامل جاذب جمعیت به شهرهای جدید را ارائه مسکن در استطاعت با کیفیت بالاتر مسکن نسبت به مادر شهر، نزدیکی فواصل محل کار به سکونت، آرامش و دوری از ازدحام شهرهای بزرگ، و در کل کیفیت بهتر محیط سکونت می‌دانند. به نظر آن‌ها در تحقیقات رضایت‌مندی، سکونت‌پذیری در زندگی یا رضایت‌مندی سکونتی امری کاربردی شده است و به مدل کمپبل^۱ (۱۹۷۶) اشاره می‌کنند که در آن رضایت‌مندی از زندگی به صورت رضایت از جنبه‌های مختلف محیط در نظر گرفته شده است. این رضایت‌مندی حاصل فرایند ارزیابی، درک و رفتار همراه با سازگاری است و ساختاری سلسله مراتبی دارد و میان خصوصیات ذهنی و عینی تمایز می‌گذارد. بدین ترتیب رضایت‌مندی سکونتی عبارت است از نمایش عددی شاخص‌های عینی و انتزاعی سکونت که از تفریق عددی در بردارنده اهمیت یک خانه ایده‌آل از عددی که شرایط فعلی خانه را نمایش می‌دهد، به دست می‌آید.

1. Campbell, A.; Converse, P.; Rodgers, W.; (1976)



رضایی و همکارانش با هدف مطالعه ارتقا و بهبود کیفیت محیط در شهرهای جدید و با توجه به همین هدف با مرور مدل‌ها و معیارهای دیگر مطالعات، ۵ شاخص: کیفیت مسکن، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های اقتصادی، ارائه خدمات شهری، و کیفیت دسترسی حمل و نقل را برای سنجش رضایتمندی از کیفیت محیط در شهر جدید پرند انتخاب و برای هر کدام چند زیر شاخص در نظر گرفتند. در مطالعه آن‌ها حجم نمونه با توجه به این که جامعه آماری پژوهش ساکنان شهر جدید پرند در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۲۸۰۱ نفر بود، ۳۷۰ نفر تعیین شد.

در مطالعه مشخص شد عمده پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال با فراوانی ۱۹۰ نفر (۵۱/۴٪) قرار دارند. از نظر سطح تحصیلات، سطح متوسط بیشترین تعداد فراوانی با ۱۵۹ نفر (۴۳٪) است و پس از آن سطح ابتدایی با ۹۰ نفر (۲۴/۳٪)، سطح دانشگاهی با ۶۴ نفر (۱۷/۳٪)، سطح راهنمایی با ۵۷ نفر (۱۵/۴٪) قرار دارند. از نظر شغلی، به ترتیب شغل کارگری ۱۲۷ نفر (۳۴/۳٪)، گروه شاغلان آزاد ۱۰۲ نفر (۲۷/۶٪)، کارمندان اعم از خصوصی و دولتی ۹۶ نفر (۲۵/۹٪)، گروه بازنشسته‌ها با ۸/۹٪ و بیکاران ۳/۲٪ هستند. از نظر درآمدی، افراد با سطح درآمد بین ۶۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان بیشترین فراوانی و پس از آن‌ها افراد با درآمد کمتر از ۶۰۰ هزار تومان قرار دارند. از میان پاسخ‌گویان ۸۸/۴٪ مالک و ۱۱/۶٪ مستاجر بودند. محل تولد ۵۵/۱٪ خارج از استان تهران و ۲۶/۵٪ متولد شهر تهران، ۱۱/۱٪ متولد دیگر شهرهای استان و ۷/۳٪ متولد روستاهای استان بودند.

آن‌ها به منظور عملیاتی کردن متغیرها از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده کردند و عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها انتخاب و سپس میانگین میزان رضایتمندی را با عدد ۳ مقایسه کردند. برخی یافته‌های آن‌ها در جداول زیر آمده است:

الف) ویژگی‌های اجتماعی

جدول ۲. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای زیرشاخص‌های کیفیت اجتماعی

زیر شاخص	میانگین
احساس امنیت	۲/۰۹
روابط با همسایگان	۲/۲۵
برخوردهای اجتماعی در شهر	۱/۵۳
احساس تعلق به شهر	۱/۲۶
فرهنگ شهروندی	۲/۲۴

منبع: رضایی و همکاران (۱۳۹۳)



ب) شاخص‌های کیفیت زندگی

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای زیرشاخص‌های کیفیت زندگی

زیر شاخص	میانگین
کیفیت مسکن	۱/۹۹۴
ویژگی‌های اجتماعی	۱/۸۸۱
ویژگی‌های اقتصادی	۱/۸۱۶
ارائه خدمات شهری	۲/۱۹۶
کیفیت دسترسی و حمل و نقل	۲/۹۳۵

منبع: رضایی و همکاران (۱۳۹۳)

رضایی و همکاران گزارش می‌کنند که «ساکنان شهر جدید پرند میزان رضایت خود را از ۵ شاخص وضعیت موجود شهر، پایین‌تر از متوسط (میانگین کمتر از ۳) بیان کرده‌اند و فقط شاخص دسترسی به حمل و نقل را نزدیک به متوسط ارزیابی کرده‌اند و از دیگر شاخص‌ها به طور کلی اظهار نارضایتی کرده‌اند. کمترین میانگین نیز به شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی شهر پرند تعلق دارد» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱).

البته باید این نکته را متذکر شد که مطالعه رضایی و همکاران مساله تفاوت کالبدی-فضایی میان بخش ویلایی و بخش مسکن مهر پرند را بررسی نکرده است. موضوعی که می‌توانست اطلاعات بیشتری در باره رضایت از زندگی ساکنان پرند فراهم کند.

میزان رضایت از زندگی در شهر جدید اندیشه

خزائی‌نژاد و سیف‌الدینی (۱۳۹۱) به دنبال ارزیابی عملکرد شهر جدید اندیشه بر اساس شاخص‌هایی بودند که با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انتخاب شدند. این شاخص‌ها عبارت بودند از: محل کار ساکنان، دلیل سکونت، قیمت زمین و مسکن در شهر جدید، نوع مالکیت، میزان رضایت از زندگی، محل سکونت قبلی، مدت زمان سکونت، تمایل به مهاجرت از شهر جدید، مقصد مهاجرت و مشکلات ساکنان.

آن‌ها تعداد نمونه ۳۲۱ نفر را از فاز ۱ تا فاز ۵ انتخاب کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد: «در سطح کل فازهای مورد بررسی، ۴۶٪ مردم از شرایط و زندگی در یک شهر جدید ابراز رضایت کرده‌اند. ۳۵٪ رضایت نسبی داشته و تنها ۱۹٪ کاملاً ناراضی بودند» (خزائی‌نژاد و سیف‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).



نژاد و سیف‌الدینی، ۱۳۹۱: ۸۶). در مقایسه با نتایج گزارش سرمایه اجتماعی کشور که میزان رضایت از محل سکونت ۳۶/۶ درصد بود، مطالعه خزائی نژاد و سیف‌الدینی نشانگر میزان رضایت بالاتر (۴۶ درصد) از محل سکونت است.

محل سکونت قبلی

داده‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد ۶۵٪ ساکنان بطور مستقیم از کلان شهر تهران به اندیشه آمده‌اند. ۲۶٪ نیز از شهرهای سایر استان‌ها مهاجرت کرده‌اند که بطور عمده مربوط به استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، کرمانشاه و همدان می‌باشند. همچنین ۴ درصد نمونه‌ها، از کرج به اندیشه آمده‌اند و این رقم در مورد شهرستان شهریار به حدود ۵ درصد می‌رسد. به این ترتیب بخش عمده‌ای از ساکنان شهر جدید اندیشه پیش از این ساکن تهران بوده‌اند و بخش دیگر از سایر شهرها اندیشه آمده‌اند. یک مساله جالب توجه می‌تواند میزان تفاوت رضایت از زندگی و سکونت در شهر جدید بر حسب محل سکونت قبلی باشد. یافته‌های مطالعه خزائی نژاد و سیف‌الدینی نشان می‌دهد: «افرادی که از سایر مناطق آمده‌اند نسبت به کسانی که از تهران آمده‌اند، رضایت بیشتری از زندگی و سکونت در شهر جدید اندیشه دارند»

جدول ۴. میزان رضایت (درصد میزان رضایت نسبت به تعداد نمونه) از زندگی و سکونت در شهر جدید

اندیشه بر حسب فاز سکونت فعلی و محل سکونت قبلی

فاز محل سکونت	تهران	سایر مناطق	جمع
فاز ۱	۵۶/۳	۶۱/۸	۵۸/۳
فاز ۲	۵۶/۳	۷۵/۰	۶۴/۳
فاز ۳	۶۸/۰	۶۸/۸	۶۸/۲
فاز ۴	۷۳/۸	۷۵/۰	۷۱/۲
فاز ۵	۲۳/۸	۷۶/۹	۶۴/۳
جمع	۶۱/۲	۶۷/۷	۶۳/۶

منبع: خزائی نژاد و سیف‌الدینی (۱۳۹۱)

یافته مهم دیگر آن‌ها «رابطه معنادار میان سال‌های سکونت در شهر و میزان رضایت از زندگی در آن» است. به عبارت دیگر هر چه سال‌های ماندگاری ساکنین در شهر جدید بیشتر می‌شود میزان رضایت آن‌ها از زندگی در آن جا افزایش می‌یابد.



تمایل به مهاجرت از شهر جدید هم موضوع مهم دیگری است که در این مطالعه به آن توجه شده است. بر اساس یافته‌های خزائی نژاد و سیف‌الدینی، ۵۵٪ ساکنان تمایل به مهاجرت و ۴۵٪ دیگر تمایل به ماندن دارند که از نظر محققین «نشانه موفقیت شهر جدید در جذب و حفظ جمعیت است».

در باره مقصد مهاجرت نیز از پاسخ‌گویان پرسیده شد. یافته‌ها نشان داد که «از میان ۳۲۱ خانوار، ۱۷۵ خانواده (۵۵٪) تمایل به مهاجرت از اندیشه دارند که از این میزان ۱۴۴ خانوار (معادل ۸۲٪) خواهان مهاجرت به تهران، ۶٪ کرج و ۱۱٪ نیز خواهان بازگشت به شهرستان محل تولد خود بودند». هرچند تمایل به مهاجرت قابل توجه است اما نکته مهم این است که اگر شرایط مهاجرت فراهم شود، بخش عمده‌ای از کسانی که قصد مهاجرت دارند، به تهران بازخواهند گشت. این یافته نشان می‌دهد که با وجود رضایت نسبی از زندگی در شهر جدید، همچنان تمایل برای زندگی در کلان شهر تهران بالاست و تهران با همه مشکلاتش جذابیت دارد. بخشی از این جذابیت می‌تواند ناشی از ظرفیت‌های اشتغال تهران و دسترسی بیشتر به امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی و بهره‌مندی از خدمات شهری باشد.

یافته‌های محققان در مورد «مشکلات ساکنان شهر جدید اندیشه» نیز قابل تامل است. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که بیش‌ترین فراوانی مشکلات مربوط به کمبود امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت است. در زمان مطالعه تنها یک سینما و یا یک پارک بزرگ اصلی (به جز بوستان‌های محلی) در شهر وجود داشته که هر دو در فاز ۳ قرار داشته‌اند. مساله مهم و نیازمند توجه این است که بوستان‌های محلی از نگاه مردم شهر مکان‌هایی ناامن تلقی می‌شده که نظارتی بر آن‌ها نیست.

یک یافته مهم مطالعه خزائی نژاد و سیف‌الدینی، وابستگی شهر جدید اندیشه به تهران از بعد اشتغال است. محققان نتیجه می‌گیرند: «شهر جدید اندیشه در زمینه تامین اشتغال ساکنان تا ۴۸٪ به تهران وابسته است و عمده‌ترین دلیل سکونت در شهر ارزان بودن قیمت زمین و مسکن و امکان مالکیت خانه است» (پیشین: ۹۴)

نویسندگان در پایان وضعیت شهر جدید اندیشه را مثبت ارزیابی می‌کنند و عمده‌ترین عامل این نتیجه‌گیری را رضایت کامل ۴۶٪ ساکنان از زندگی در این شهر می‌دانند.



هویت و تعلق مکانی در شهر جدید

وارثی و همکاران (۱۳۸۹) یکی از مهم‌ترین مسائل شهرهای جدید یعنی «هویت شهری» را مورد تحقیق قرار داده‌اند. به نظر آن‌ها بی‌توجهی به ابعاد و عوامل هویت بخش در شهرهای جدید سبب ایجاد محیط‌هایی مصنوع و تهی از هویت انسانی می‌شود. پیامدهای اجتماعی چنین محیط‌هایی پایین بودن احساس تعلق مکانی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، کاهش انگیزه ساکنان برای ادامه سکونت و تاثیر در عدم تحقق اهداف جمعیتی شهر جدید است. آن‌ها حجم نمونه‌ای برابر با ۱۶۰ نفر را در شهر جدید گلبهار برای انجام پژوهش خود انتخاب کرده‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان وجود مولفه‌های هویت شهری در شهر گلبهار، ۹۱/۳٪ متوسط به پایین است.

حس مکان در شهرهای جدید

مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی را به منظور ارزیابی میزان تحقق‌پذیری اهداف «شهر جدید صدرا» با در نظر گرفتن دو مولفه مهم «حس مکان» و «رضایت‌مندی از دسترسی به خدمات» انجام دادند.

برای مولفه حس مکان، گویه‌های تدوین شده به شرح زیر بودند:

میزان خودکفایی در ارایه مایحتاج روزانه، میزان شرکت مردم در مکان‌های عمومی، شادابی و تحرک روحیه شهر، زیبایی شهر، میزان امنیت، صمیمیت بین ساکنین، تکراری بودن روزها، میزان علاقه به زندگی در شهر، کمیت و کیفیت پیاده‌روها، نسبت فضاهای ساخته نشده به ساخته شده، میزان مشارکت مردم، میزان رفت و آمد به شیراز

برای مولفه «رضایت‌مندی از دسترسی به خدمات» نیز گویه‌های زیر تدوین شده بود:

رضایت‌مندی از دسترسی به خطوط حمل و نقل عمومی، دسترسی به مراکز آموزشی، دسترسی به مراکز خرید، دسترسی به مراکز بهداشتی درمانی، دسترسی به مراکز تفریحی، رضایت‌مندی از خدمات امنیتی و انتظامی، دسترسی به تاسیسات و تسهیلات شهری (گاز رسانی، جمع‌آوری زباله و مانند این‌ها).

جامعه آماری آن‌ها شامل شهروندان شهر جدید صدرا بود که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر را انتخاب کردند. به نظر محققان عمده‌ترین عوامل موثر در موفقیت شهرهای جدید موضوعاتی مانند ایجاد حس مکان، خودکفایی، مدیریت اجرایی کارآمد، مشارکت مالی بخش خصوصی، مدیریت شهری یکپارچه و مشارکت مردمی است. آن‌ها «حس مکان» را



«رابطه عاطفی بین یک شخص با یک مکان خاص» تعریف کردند. این حس عامل مهمی در هماهنگی فرد با محیط است و بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان و در نهایت «احساس تعلق» آن‌ها به محیط و تداوم حضور در آن را در پی دارد. نتایج تحقیق مشکینی و همکاران نشان داد که شهر جدید صدرا در ایجاد حس مکان در بین شهروندان و آرایه خدمات و امکانات شهری به ساکنین موفق نبوده است.

آن‌ها نوشتند: «شهر جدید صدرا در ایجاد حس مکان در بین شهروندان موفق نبوده است... میزان ایجاد حس مکان اختلاف میانگینی پایین‌تر از حد متوسط را نشان داده» (پیشین: ۳۷) مقدار میانگین کل گویه‌ها عدد ۲۸/۹۵۷۵ است که کمتر از حد متوسط (۳۶) می‌باشد. شهر جدید صدرا در راضی کردن شهروندان برای دسترسی به خدمات موفق نبوده است... با توجه به نتایج آزمون میانگین جامعه، میانگین وضع موجود برای شهر صدرا ۱۵/۰۸ بوده است که کمتر از مقدار حد متوسط ۲۱ است.

پیشنهادهای محققان برای توفیق بیشتر شهرهای جدید در دستیابی به اهداف خود، شامل موارد زیر بود:

- افزایش تعداد فروشگاه‌های خدماتی مانند خوراکی، پوشاکی، نانوايي و میوه فروشی
- استقرار فروشگاه‌های مذکور در تمامی قسمت‌های شهر با هدف دسترسی آسان مردم
- افزایش امنیت در سطح شهر با استقرار «پلیس محله» و افزایش چراغ‌های روشنایی در تمامی قسمت‌های شهر
- افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنین و ایجاد صمیمیت بین آن‌ها با برگزاری برنامه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و ورزشی
- تشویق مردم به پیاده‌روی و استفاده کمتر از خودرو با توجه ویژه به کمیت و کیفیت پیاده‌روهای شهر
- تکمیل ساختمان‌های نیمه تمام درون شهر
- تقویت حوزه خدمات شهری مانند ایجاد سامانه حمل و نقل عمومی و جمع آوری منظم زباله‌ها
- افزایش مراکز خدماتی مانند مدارس، درمانگاه‌ها و احداث مکان‌های گذران اوقات فراغت مانند پارک، سینما و مکان‌های ورزشی



نتیجه گیری

بر اساس یافته‌هایی که در بخش پیشین مقاله بیان شد، می‌توان جدول زیر را ترسیم کرد:

جدول ۵. جمع بندی یافته‌های پیشین در مورد رضایت از کیفیت زندگی

مطالعات				رضایت از کیفیت زندگی
یافته‌های مطالعات شهرهای جدید	گزارش کیفیت زندگی نیوزیلند	مطالعه رضایت از زندگی بافت قدیم	گزارش وضعیت سرمایه اجتماعی کشور	
میزان رضایت ساکنان شهر جدید پرنده پایین‌تر از متوسط است. در شهر جدید اندیشه میزان رضایت ساکنان نزدیک به میانه است. عملکرد شهر جدید صدرا در ایجاد حس مکان و رضایت از خدمات کمتر از میانه است.	اکثریت پاسخگویان (۹۲٪) در هشت شهر کیفیت زندگی کلی‌شان را مثبت ارزیابی کرده‌اند، ۶۳٪ گزینه خوب و ۲۹٪ گزینه بسیار خوب را برگزیده بودند	میزان رضایت از آسایش و امنیت در محل سکونت (۷۴/۳٪)، رضایت از زندگی در محله (۷۴/۷٪)، رضایت از امکانات و فضاهای آموزشی (۴۳/۵٪)، میزان اعتماد اجتماعی (۵۵/۹٪) و افتخار به محل زندگی و احساس تعلق خاطر (۷۲/۴٪) بوده است	۳۶/۶ درصد رضایت زیادی از محل سکونت، ۴۱ درصد تاحدودی و ۱۴ درصد نیز رضایت اندکی از محل سکونت خود حال چه شهر و چه روستا داشته‌اند.	یافته‌ها
وضعیت رضایت بر حسب شرایط هر شهر جدید باید مورد توجه قرار گیرد.	اکثریت جمعیت از کیفیت زندگی خود راضی هستند.	رضایت‌مندی کلی تنها برای نیمی از جمعیت فراهم است (۵۳/۴ درصد)	وضعیت کلی رضایت از زندگی تنها برای حدود یک سوم جمعیت راضی کننده است.	



این جدول نشان می‌دهد که در مقایسه با شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، در ایران بطور کلی کمی بیش از یک سوم جمعیت پاسخ‌گو در مطالعات انجام شده، از کیفیت زندگی در شهرهای جدید رضایت دارند، در حالی که برای مثال ۹۲ درصد ساکنان شهرهای نیوزیلند از کیفیت زندگی شهرهای خود راضی هستند. روشن است که در چنین وضعیتی نباید انتظار زیادی از شهرهای جدید در فراهم کردن محیطی جذاب و راضی کننده داشت. با این وجود ارزیابی دقیق وضعیت کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در شهرهای جدید باید با توجه به شرایط هر شهر صورت گیرد و نمی‌توان بطور کلی برآوردی از این موضوع بدست داد. یک نکته مهم آن است که تداوم سکونت در یک مکان و داشتن مالکیت می‌تواند در افزایش حس تعلق و احساس رضایت موثر باشد. این موضوعی است که مطالعه بافت قدیم شهر آران و بیدگل نشان می‌دهد. در بافت قدیم میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیم شهر در شاخص‌های اجتماعی بیشتر از سایر بخش‌ها بوده و شاخص کالبدی کمترین میزان رضایت‌مندی را دارا بوده است. تداوم سکونت افراد در قالب محله‌ها موجب شکل‌گیری آشنایی و شناخت متقابل و تولید سرمایه اجتماعی می‌شود. در مورد شهرهای جدید به نظر می‌رسد که قضیه برعکس باشد. یعنی شاخص کالبدی می‌تواند رضایت خوبی را فراهم آورد اما به سبب شکل نگرفتن بنیان‌های اجتماعی و نبود یا کمبود فضاهای عمومی که امکان تعامل و تشکیل شبکه‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند، احساس تعلق وضعیت خوبی نداشته باشد.

مطالعات نظری و تجربی هم نشان داد که ابعاد اجتماعی جایگاه مهمی در بحث‌های کیفیت زندگی پیدا کرده‌اند و شکل‌گیری هویت‌های محلی و احساس تعلق و حس مکان در بسترهای فضاهای اجتماعی می‌تواند احساس رضایت را افزایش دهد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که توسعه کالبدی به تنهایی نمی‌تواند موجب شکل‌گیری رضایت در ساکنان باشد و لازم است در کنار آن حتی بیش از آن به مساله ظرفیت‌های اجتماعی و فضاهای عمومی موثر در شکل‌گیری هویت و احساس تعلق توجه داشت. به عبارت دیگر وضعیت خاص شهرهای جدید ایجاب می‌کند که برای کاهش فاصله زمانی شکل‌گیری شناخت و آشنایی متقابل با فراهم کردن فضاهای عمومی و ایجاد توسعه شهری در قالب محله‌های شهری کوشید.

در هر حال این‌ها نکاتی است که تدقیق آن‌ها نیازمند انجام مطالعات بیشتر است. این نکات بیش از هر چیز اهمیت و ضرورت تدوین و وجود چشم‌انداز و مأموریت‌های اجتماعی



و فرهنگی را برای شهرهای جدید نشان می‌دهد. برای این منظور دو سیاست برای شهرهای جدید در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی ضروری است: الف) ایجاد ظرفیت سازمانی و ب) ایجاد ظرفیت انسانی. احداث شهرهای جدید به ظرفیت‌های سازمانی و انسانی متفاوت با نظام اداری کنونی نیاز دارد. واقعیت آن است که تحقق یک شهر مطلوب امری آهسته و پیوسته است. تمدن شهری را باید از منظر توسعه تدریجی در ابعاد مختلف در نظر گرفت و دیدن آن به عنوان یک پروژه امری خطاست. باید سیاست‌گذاران و مدیران شهرهای جدید مساله جامعیت شهر را درک کرده و از خطای تقلیل شهر به مسکن، محل کار و حمل و نقل، خطای تقدم برنامه‌ریزی کالبدی بر برنامه‌ریزی اجتماعی بپرهیزند. توجه آن‌ها به شهر باید شامل ابعاد انسانی باشد و در سیاست‌ها و اقدامات خود اهمیت مقیاس‌های انسانی برای شهرسازی را درک کنند (گل، ۱۳۹۴). برای مثال توجه به ویژگی‌ها و نیازهای افرادی مانند کودکان، زنان، معلولان، سالخورده‌گان و بیماران خاص در پدید آمدن شهر انسانی ضروری است و ایجاد سازمان اجتماعی و تشکلهای محله‌ای برای بهبود امور عمومی و افزایش کیفیت زندگی موثر است. تجربه نشان می‌دهد که توجه صرف به فراهم کردن زیرساخت‌ها و کالبدها و نبود سیاست و برنامه اجتماعی و ندیدن زیربناها و بنیان‌های اجتماعی و نداشتن رویکردهای «محله محوری» و «مسکن محله مبنا» به پدید آمدن «مساله شهری شدن غیر شهری» انجامیده است. به عبارت دیگر در شهرهای جدید ظاهر شهر و خیابان وجود دارد اما از فرهنگ شهر و شهریت خبری نیست. باید متوجه بود که توسعه شهری به توسعه اشیاء تقلیل نیابد. یک گام مهم برای داشتن سیاست جامع برای شهرهای جدید انجام مطالعات سنجش کیفیت زندگی و رضایت‌مندی ساکنان است تا بتوان در پرتو داده‌های آن تصویر به نسبت دقیقی از زندگی و رضایت در این شهرها بدست آورد.

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین، (۱۳۹۵)، «بررسی انتقادی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱، شماره ۵.
- بارتون، کارل ر، (۱۳۸۳)، «پیش‌گفتار» در کتاب شهرهای پایدار در کشورها در حال توسعه، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حسن زاده، داود، (۱۳۸۷)، «رویکرد اجتماع محور به کیفیت زندگی اجتماعات محلی». فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۲۰، تابستان: ۷-۲۲.



- خاکپور، براتعلی و امیری، عقیل، (۱۳۸۸)، «شهرهای جدید ایران، اهداف اولیه، واقعیت امروز». دومین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، مشهد.
- خزائی نژاد، فروغ و سیف‌الدینی، فرانک، (۱۳۹۱)، «ارزشیابی عملکرد شهر جدید اندیشه». آمایش سرزمین، ۴(۲): ۷۵-۹۶.
- رضایی، محمد رضا؛ مودن، سهراب و نفر، نرگس، (۱۳۹۳)، «تحلیل رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پرد)». پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۱: ۳۱-۴۷.
- رفیعیان، مجتبی؛ مولودی، جمشید؛ پورطاهری، مهدی، (۱۳۹۰)، سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۳.
- زارع، جمال، (۱۳۷۳)، «نگرشی نوین بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرهای جدید در ایران». شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، اصفهان ۱۳۷۲، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید: ۳۲۰-۳۲۶.
- زبردست، اسفندیار و جهانشاهلو، لعل، (۱۳۸۶)، «بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت». مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰: ۵-۲۲.
- زیادلو، فروزان، (۱۳۸۳)، «نگاهی به مدیریت شهرهای جدید». شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، اصفهان، ۱۳۷۲، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید: ۸۵-۹۱.
- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۷۴)، نقش شهرهای جدید در روند شهرنشینی منطقه اصفهان، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.
- شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر و گنجی‌پور، محمود، (۱۳۹۱)، «سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی». مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. ۱۳: ۱۲۷-۱۴۴.
- صفابخش، محسن، (۱۳۷۲)، «الگوهای اسکان جمعیت»، نامه علوم اجتماعی، دوره سوم، شماره ۰، فروردین.
- طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، (۱۳۹۴)، شورای اجتماعی کشور. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا، (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران». فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان: ۳۴-۷.
- قرخلو، مهدی و پناهنده‌خواه، موسی، (۱۳۸۸)، «ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب جمعیت کلان شهرها: مطالعه موردی: شهرهای جدید اطراف تهران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، بهار.



- قرخلو، مهدی و عابدینی، اصغر، (۱۳۸۸)، «ارزیابی چالش‌ها و مشکلات شهرهای جدید و میزان موفقیت آن‌ها در ایران: شهر جدید سهند». مدرس علوم انسانی. ۶۰: ۱۶۵-۱۹۲.
- گل، یان، (۱۳۹۴)، شهر انسانی. ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری. تهران: موسسه علم معمار روپال.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مشکینی، ابوالفضل؛ سلیمانی، محمد؛ عزیزی، حسین؛ زارعی، معصومه و زارع پیشه، نرگس، (۱۳۹۲)، «ارزیابی میزان تحقق‌پذیری اهداف شهرهای جدید در ایران (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا)». فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره ۲۹: ۱-۴۱.
- وارثی، حمیدرضا؛ عامل بافنده، مهدی و محمدزاده، محمد، (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار)». مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، ۱۷: ۲-۳۶.
- Balsas, J. L. Carlos. (2004), Measuring the Livability of an Urban Centre: An Exploratory Study of Key Performance Indicators, Planning, Practice and Research, Vol. 19, No. 1.
 - Campbell, A.; Converse, P.; Rodgers, W.; (1976). The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations and Satisfactions, New York: Publications of Russell Sage Foundation.
 - <http://www.mercer.com/newsroom/2014-quality-of-living-survey.html>
 - <https://www.mercer.com/newsroom/western-european-cities-top-quality-of-living-ranking-mercet.html>
 - Quality of Life in New Zealand's Eight Largest Cities 2003 in <http://www.qualityoflifeproject.govt.nz/>
 - Quality of Life in New Zealand's Eight Largest Cities 2010 in <http://www.qualityoflifeproject.govt.nz/>

چالش‌های موجود در پایداری اجتماعی شهر جدید هشتگرد^۱

افشین خاکی نجف‌آبادی^۲

چکیده

در تعاریف کلاسیک شهر، شهر مکانی است که ساکنین خود را عضو و جزئی از آن می‌دانند، به آن احساس تعلق دارند و ارتباطات نیرومند عاطفی و اجتماعی بین ساکنان با یکدیگر وجود دارد که در نتیجه این ارتباط یک هویت جمعی در شهر شکل می‌گیرد. مطالعات انجام شده درباره شهرهای جدید نشان داده است که برای شهروندان آنها، شهر تنها مکانی است که شب را به صبح برسانند و عملاً کار و فعالیت آنها در مادرشهر اتفاق می‌افتد و شهروندان خود را متعلق به شهری که در آن ساکن هستند، نمی‌دانند. عدم شکل‌گیری هویت جمعی و نداشتن احساس تعلق و تعهد، مانع از شکل‌گیری انسجام اجتماعی و حس وفاداری به شهر می‌شود و تلاش بیشتر برای ساختن و سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت در شهرهای جدید شکل نمی‌گیرد و با چالش جدی روبرو می‌شود.

در این مقاله تلاش شده است که ابعاد مختلف و همچنین چالش‌های موجود در رسیدن به پایداری اجتماعی هشتگرد بررسی و معرفی شود. بنا به ماهیت روشی این مطالعه مباحث مرتبط با توسعه پایدار و پایداری اجتماعی به عنوان پس‌زمینه نظری استفاده شده است. روش تحقیق استفاده شده در این مطالعه تلفیقی از روش تحقیق کیفی و کمی بوده است.

۱ داده‌های ارائه شده در این مقاله مستخرج از طرح مطالعاتی تدوین سند راهبردی اجتماعی و فرهنگی شهرهای جدید است که در سال ۱۳۹۴-۳ توسط مرکز مطالعات اجتماعی ایران مهر و به کارفرمایی شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید ایران انجام شده است.

۲ پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران



محقق در طی ۵ ماه تردد به شهر با استفاده از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه و بررسی اسناد موجود تک‌نگاری از شهر تهیه کرده است که به همراه مباحث نظری پایه و چهارچوبی برای انجام دو پیمایش خانوار و فردی در سطح شهر جدید هشتگرد بوجود آورده اند که این پیمایش‌ها داده‌های لازم برای ترسیم وضع موجود شاخص‌های اجتماعی پایداری شهر را تامین کرده‌اند. در این مطالعه در نهایت متغیرهای مختلفی در شهر جدید هشتگرد بررسی شده است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، نهادی و کالبدی موثر در پایداری اجتماعی شهر را ترسیم کرده‌اند.

مقدمه

طرح مجموعه شهری تهران بر مبنای مصوبه مهر ماه ۱۳۷۴ هیأت دولت با عنوان طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن‌ها تهیه شده که در آن مجموعه شهری تهران شامل کلانشهر تهران و کانون‌های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی پیرامون آن تعریف شده است که بازار واحدی از سکونت و کار را تشکیل داده‌اند و اجزا و عناصر آن با هم ارتباط روزمره دارند. مسأله اصلی مجموعه شهری تهران خسارت‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از نابسامانی و بی‌نظمی در پراکنده‌گی جمعیت، فعالیت و نحوه استفاده از زمین است که این موارد را می‌توان ناشی از افزایش سریع جمعیت، گسترش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی و نارسائی در نظام مدیریت مجموعه شهری دانست.

بر این اساس طرح مجموعه شهری تهران با هدف ساماندهی به اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها در چارچوب اصول توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در فرآیند تحولات آینده و نیز هدایت و کنترل نحوه استفاده از زمین تهیه شد. راهبرد اصلی طرح مجموعه شهری تهران برای دستیابی به این هدف عبارت است از: کاهش تمرکز در شهر تهران و ایجاد تمرکز و تجهیز و ساماندهی سایر کانون‌های جمعیتی موجود و مصوب و تقویت و تسهیل ارتباط بین آنها به منظور کاهش وابستگی آنها به کلانشهر تهران. حوزه‌های شهری اصلی مجموعه شهری تهران در زمان تدوین طرح عبارت بوده‌اند از کلانشهر تهران، حوزه شهری کرج - شهریار، حوزه شهری اسلامشهر - رباط کریم و حوزه‌های شهری محورهای خاوران و ورامین. در این طرح پیش‌بینی شده است که با احداث شهرهای جدید هشتگرد و پردیس حداقل دو حوزه شهری دیگر (هشتگرد - نظرآباد و دماوند) به مجموعه شهری تهران افزوده شود که باعث تقویت و تثبیت الگوی چند مرکزی یا منظومه‌ای تهران شود.



طبق گزارش‌های موجود در زمان تدوین طرح مجموعه شهری تهران، هشتگرد نسبت به سایر حوزه‌های شهری اهمیت کمتری دارد اما پیش‌بینی شده است که نزدیکی هشتگرد به کرج، دسترسی مناسب، آب و هوای مساعد، برخورداری از اراضی مرغوب کشاورزی، همجواری با نواحی ییلاقی و خوش آب و هوای کردان و چندان و مهمتر از آن، وجود طرح‌های مصوب و در دست اجرای مهمی مثل شهر جدید هشتگرد، در آینده این حوزه به یکی از کانون‌های مهم جمعیت و فعالیت در مجموعه شهری تهران تبدیل شود. به این ترتیب حوزه شهری هشتگرد - شامل شهر قدیم و جدید هشتگرد و همچنین نظرآباد - غربی‌ترین محدوده شهری در مجموعه شهری تهران در نظر گرفته شده و سیاست‌ها و ضوابط به نحوی در نظر گرفته شد که نقش پیش‌بینی شده برای آن در مجموعه شهری محقق شود که بر اساس آن حوزه شهری هشتگرد با محوریت شهر جدید هشتگرد به عنوان مهمترین هسته سکونتی و صنعتی در منتهی علیه غرب مجموعه شهری تهران بوجود خواهد آمد.

بر اساس طرح جامع مصوب شهر جدید هشتگرد، محدوده قانونی شهر در حدود ۴۴۰۰ هکتار مساحت و سقف جمعیتی آن حدود پانصد هزار نفر تعیین شده است و جمعیت شهر برای سال ۱۳۸۵ در حدود ۱۴۰ هزار نفر برآورد شده است. در حالیکه نتایج سرشماری این سال جمعیت شهر را ۱۶ هزار نفر نشان می‌دهد. همچنین طبق بررسی‌های انجام شده در بازنگری طرح جامع شهر هشتگرد در سال ۱۳۹۰، تنها ۲۸ درصد از ساخت و سازهای مصوب در طرح تفصیلی عملیاتی شده‌اند و مابقی زمین‌های شهر بایر مانده‌اند. به این ترتیب شهر جدید هشتگرد در جذب جمعیت و پیشرفت ساخت و سازها به شدت ناموفق بوده است.

در بازنگری طرح جامع به منظور جبران عدم موفقیت شهر جدید هشتگرد در رسیدن به اهداف آن، سازوکارهایی برای جذب و اسکان جمعیت در دو گروه ایجابی و سلبی ارائه شده‌اند. هدف ابزارهای ایجابی ارتقاء هویت و کیفیت شهر جدید به این منظور افزایش قدرت بازیگری و رقابت در بین نقاط مختلف مسکونی مجموعه شهری تهران بوده است. هدف سیاست‌های سلبی، کاهش قدرت انحصاری سایر نقاط مسکونی مجموعه شهری عنوان شده است. همانطور که دیده می‌شود مهمترین مساله شهر جدید هشتگرد در بازنگری طرح جامع شهر نیز، مساله جذب جمعیت و رسیدن به پایداری جمعیتی است و اهم سیاست‌های بازنگری طرح جامع نیز در همین راستا بوده است.

تجربه شهر جدید هشتگرد نشان می‌دهد که خلق یک شهر صرفاً بوجود آوردن ساختار فیزیکی آن نیست، یک شهر ترکیبی از ساختار فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی است. در شهر جدید هشتگرد ساختار فیزیکی آن با سرعت بالا بوجود آمده است در حالیکه ساختار



اجتماعی- فرهنگی متناسب با کالبد و فیزیک آن بوجود نیامده است. در تعاریف کلاسیک شهر، شهر مکانی است که ساکنین خود را عضو و جزئی از آن می‌دانند و به آن احساس تعلق دارند و ارتباطات نیرومند عاطفی و اجتماعی بین ساکنان با یکدیگر وجود دارد که در خلال آن میل به ماندگاری در شهروندان و تعلق به شهر شکل می‌گیرد. فرآیند ارتباط شهروندان با شهر و پایداری اجتماعی با استفاده از مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی اتفاق می‌افتد که در خلال آن شهروندان به هویتی دست می‌یابند که از دیگر شهرها قابل شناسایی هستند.

مهاجرپذیر بودن شهرهای جدید، مساله و مشکل هویت جمعی در این شهرها را برجسته می‌کند. افراد در چنین شهرهایی به این دلیل که وارد محیط جدیدی می‌شوند، با افراد دیگر آشنا نیستند و سایر ساکنین و هم محله‌ای‌های خود را از قبل نمی‌شناسند، احساس تعلق نیز نسبت به محل سکونت جدید و اعضای آن ندارند. زمانی که افراد به محل زندگی خود احساس تعلق نداشته باشند و با سایر ساکنین و افراد مراودات اجتماعی برقرار نکنند به افراد منفردی تبدیل می‌شوند و چنین جامعه‌ای دارای انسجام اجتماعی نخواهد بود. توسعه در شهر جدید را باید ارتقای سطح زندگی در ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه‌ی شهروندان به زندگی بهتر تعریف کرد به نحوی که پایداری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و زیست محیطی شهر فراهم شود. تا زمانی که شهر مفهوم اجتماع پیدا نکند و به صورت گسیخته و غیرهمه جانبه رشد کند، نه تنها مفهوم سازندگی شهر تحقق نمی‌یابد و امکان اثربخشی مؤلفه‌های توسعه کاهش می‌یابد بلکه مسایل و مشکلاتی رخ می‌نماید که مکان زیستن اجتماعی را نیز ممکن می‌سازد. لذا در مرحله‌ی نخست باید همه‌ی شهروندان یک شهر، خود را متعلق به آنجا بدانند و خواهان گسترش و رشد شهر و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات باشند تا برنامه‌ریزی‌های شهری به ثمر برسد و امکان توسعه‌ی شهری فراهم باشد. از آنجا که ماندگاری و تمایل به سکونت در شهرها، خصوصاً در شهرهای جدید به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های موفقیت شهرها محسوب می‌شود، این مساله می‌تواند محور مقاله حاضر باشد که ابعاد مختلف پایداری اجتماعی شهر جدید هشتگرد چیست و چالش‌های موجود در دستیابی به پایداری اجتماعی در این شهر چه می‌تواند باشد.

پس‌زمینه نظری

از آنجا که رویکرد روشی استفاده شده در این مقاله، تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی بوده است، چارچوب نظری قطعی که در طول مطالعه این چارچوب مورد ارزیابی قرار گیرد، استفاده



نشده است. مباحث نظری مرتبط با پایداری اجتماعی پس‌زمینه نظری را برای محقق در طول انجام تکنگراری در شهر فراهم کرده‌اند که در پایان این بخش مفاهیم و متغیرهای نهایی را برای انجام مطالعات پیمایشی فراهم کرده‌اند. در این بخش ادبیات نظری مرتبط با پایداری اجتماعی به شکل مختصر مرور خواهد شد. توسعه‌ی پایدار به عنوان جدیدترین رویکردهای توسعه در ادبیات جهانی توسعه، موضوعات زیست‌محیطی و اجتماعی را نیز هم پای توسعه اقتصادی سر لوحه‌ی کار قرار داده است. این رویکرد تنها در جست‌وجوی سازگار کردن و متعادل کردن ابعاد اقتصادی و زیست محیطی با امور اجتماعی و فرهنگی نیست، بلکه به دنبال ادغام نتایج توسعه در این بخش‌ها نیز هست. این سه بعد در پایداری، با یکدیگر درارتباط تنگاتنگ و تعامل هستند. اجتماعات پایدار، می‌توانند فرصت‌هایی را برای هماهنگ ساختن اقتصاد، محیط‌زیست و برابری اجتماعی فراهم آورند. پایداری به خودی خود، یک واژه‌ی رمزی برای دیگر ارزش‌ها است. به ویژه پایداری‌سازی و پرورش زندگی بر کره زمین، که نقطه‌ی شروعی برای عمل در برنامه‌ریزی شهری به حساب می‌آید. انگاشت توسعه‌ی پایدار از منظر موضوعات مختلفی که در حقیقت بسط یافته‌ی سه هدف اصلی توسعه‌ی پایدار (اقتصاد، محیط زیست و برابری اجتماعی) هستند، می‌تواند مورد بررسی واقع شده و وضعیت اجتماعات پایدار و غیرپایدار در حد نهایی آنها اعلام شود (Wheeler, 2004: 7).

در یک اجتماع پایدار رشد پایه‌ی اقتصاد پایدار و با ثبات است. شهروندی به صورت مشارکت بالا و با سرمایه‌ی اجتماعی قدرتمند تعریف می‌شود. نظام‌های حکم‌روایی، پاسخگو، متعادل و نماینده هستند. انواع تنوع و اختلاط در میان اجتماع ساکن در آنها وجود دارد. از طراحی شهری مناسب و کارآمدی بهره می‌برند، اندازه‌های محیط زیستی کنترل شده و مناسب است، کیفیت زندگی بالا بوده، هویت، حس تعلق و امنیت به صورت احترام و مشارکت میان افراد جریان داشته و سطوح پایینی از جرم و رفتار ضد اجتماع وجود دارد (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۸۲).

از نظر نسبت محیط انسان ساخت و کالبدی با پایداری اجتماعی می‌توان دیدگاه‌ها و نظرات عنوان شده را در سه رویکرد جمع بندی (chiu, 2003 به نقل از colantonio, 2011) کرد: رویکرد اول که پایداری اجتماعی را مساوی و برابر با پایداری محیطی تلقی می‌کند و پایداری اجتماعی را فعالیتی به طور اخص متکی و مبتنی بر مناسبات و روابط اجتماعی، فرهنگ و رسوم، ساختار و ارزش‌های اجتماعی می‌داند که بر فرایند توسعه، محدودیت‌ها و الزام‌های اجتماعی نقشی تعیین کننده دارد.



رویکرد دوم که رویکرد محیط محور نیز نامیده می‌شود بر این اساس است که برای دستیابی به پایداری محیطی باید پیش شرط‌های ضرورت‌های اجتماعی لحاظ شود. به این ترتیب ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌توانند به نفع تسهیل و بروز فعالیت انسانی در دل محدودیت‌های کالبدی تغییر کنند.

رویکرد سوم، رویکرد مردم‌محور، پایداری اجتماعی را در بهبود کیفیت زندگی مردم و توزیع عادلانه‌ی منابع می‌داند به صورتی که منجر به کاهش محرومیت اجتماعی و کاهش تضادهای ویرانگر شود (به نقل از colantonio, 2011). در این رویکرد پایداری اجتماعی مستلزم وجود چهار عنصر اساسی با کارکرد مناسب است که عبارتند از ابعاد اجتماعی، ابعاد فرهنگی، ابعاد فضایی کالبدی و ابعاد نهادی. در ادامه هر یک از ابعاد تشریح شده است.

الف: بعد اجتماعی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار

قشربندی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، تفریحات و اوقات فراغت، مسائل اجتماعی، نیازهای اجتماعی و ساختار اجتماعی از جمله مواردی هستند که در بررسی ابعاد اجتماعی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار مورد توجه قرار می‌گیرند. قشر اجتماعی به مجموعه افرادی اطلاق می‌شود که موقعیت‌های یکسان و مشابهی را در یک رده اشغال می‌کنند. کارکردگرایان بیش‌تر قشربندی را در قلمرو شغلی در نظر می‌گیرند و معتقدند شغل مهم‌ترین معرف رتبه‌ی کلی قشربندی است. این ادعا تا اندازه‌ای بر این است که شغل با متغیرهایی چون درآمد و میزان تحصیلات که اساس رتبه بندی‌های دیگر را تشکیل می‌دهد همبستگی دارد. به منظور عملیاتی کردن این مولفه می‌توان ترکیب ابعاد گوناگون را چون وضعیت دارایی، مالکیت (ثروت) و نیز میزان درآمد و وضعیت شغلی و تحصیلات مشاهده کرد (پناهی و امیدی، ۱۳۹۱: ۳۳-۶۶).

امیل دورکیم همبستگی اجتماعی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و از حس همبستگی اجتماعی، یاد می‌کند. به زعم او، همبستگی صرفاً از اشتراکات احساسات و معتقدات نشأت می‌گیرد. ایده‌ی اصلی دورکیم آن است که عدم وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی به شکل‌گیری نوعی حس بی‌هنجاری می‌انجامد. عامل اصلی که به زندگی انسان هدف و معنا می‌بخشد، حدود تعلق و ارتباط انسان با دیگران در جامعه است. کولین همبستگی اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی تعریف می‌کند که وحدت یک گروه یا یک جامعه را روشن می‌سازد (حاجی‌زاده و اسکندری، ۱۳۹۲: ۱۷-۴۰). همچنین واکرکانور، از دیگر نظریه پردازان مسائل قومی در نظریه‌ی خود، تحقق انسجام اجتماعی را بر



مولفه‌های معطوف به همکاری، مشارکت، همگامی گروه‌های قومی، مذهبی، زبانی و اقلیت‌ها بنیان می‌نهد.

مسالهی مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در جامعه‌ی بشری مورد توجه قرار گرفته است. هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه‌ی نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواسته‌ها، نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصبان، تبه‌کاری، سرگردانی، دزدی و انحرافات جنسی شده است. عوامل اجتماعی موثر بر رفتار انحرافی و بزه‌کاری گوناگون و متعددند؛ از جمله وضعیت اقتصادی خانواده (فقر) یا رفاه بیش از حد، معاشرت با دوستان ناباب، بیکاری، بی‌عدالتی، مواد مخدر و اعتیاد و وسایل جمعی ارتباطی و... همگی در ارتکاب جرم و کجروی‌ها اثر دارند (فتحی و فدوی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۴۴).

ب: بعد فرهنگی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار

قابلیت تداوم اجتماعی (پایداری اجتماعی) زیرمجموعه‌ای از پایداری فرهنگی است و عبارت است از حفاظت و نگهداری روابط و مفاهیم اجتماعی که عامل تقویت و استحکام سیستم‌های فرهنگی می‌شوند. پایداری اجتماعی شامل حفظ و گسترش تاریخ، ارزش‌ها و روابط متنوع جمعیت‌های معاصر می‌شود؛ همانند اکوسیستم‌های طبیعی که از تعادل طبیعی حمایت و حفاظت می‌کنند، اکوسیستم‌های فرهنگی زندگی فرهنگی و تمدن بشری را تحت حمایت و حفاظت خود قرار می‌دهند. به این ترتیب توسعه‌ی فرهنگی پایدار شامل حفاظت از آثار هنری، نگرش‌ها و اقدامات و باورهای جامعه است (لو و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۵) که در شکل‌گیری اجتماع پایدار موثر خواهند بود.

ج: بعد فضایی-کالبدی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار

در زمینه‌ی فضای شهری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. این پدیده‌ی تاریخی که در واقع می‌توان از آن به‌عنوان برآیند کالبدی تعاملات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی هر جامعه یاد کرد، در ساحت زمان به پویایی می‌رسد. غفلت از زمان در سیر تطور فضای شهری و عدم توجه به فرآیند تحولات در عرصه‌ی زمان و در مسیر پویش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند ناظر را از درک صحیح و جامع تبلور فضایی این پویش‌ها -یعنی فضای شهری- محروم سازد.



شهر بارزترین نمود حیات مدنی است. این حیات از مجموعه برخورد جهان ذهنی شهروندان با محیط عینی پیرامون، با خود و دیگران و روابط آنها زاده خواهد شد. به این قرار در گذر زمان و در کالبد شهر هویتی ساخته می‌شود، مرکب از هنجارها و رفتارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسل‌هایی که شهر را ساخته و فعالیت‌های شهری را سبب شده‌اند. در پس این روابط است که عقاید و تمایلات به صور مختلف انباشته و در هم آمیخته می‌شوند و به عنوان ذهنیت شهر تجلی پیدا می‌کنند (حبیبی، ۱۳۸۰: ۹). به این ترتیب ساختار کالبدی و فضایی شهر یکی از ارکان مهمی است که می‌توان بستر مناسب را برای شکل‌گیری و تقویت اجتماع پایدار شهری را فراهم کند.

د: بعد نهادی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار

بعد نهادی موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار اغلب به صورت گسترده به توانمندسازی، سرمایه‌ی اجتماعی و توانمند کردن محیط زیست و نیز فرهنگ، ارزش‌ها، روابط فرهنگی که بر زندگی تاثیر می‌گذارند اشاره دارد. چنین نگرش گسترده‌ای به شکل ظرفیت نهادی در زمینه‌ی همکاری در توسعه ظهور یافت. دلیل تمرکز بر ظرفیت این است که کمک‌های فنی معمولاً در انجام پروژه‌های زیرساختی موفق بوده‌اند، اما چنین کمک‌هایی در تقویت ظرفیت‌های محلی برای اداره چنین زیرساخت‌هایی در بلندمدت کارآمدی کم‌تری داشته‌اند. از این رو بحث ظرفیت‌سازی نهادی به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی در فرایند توسعه پا به عرصه وجود گذاشته است (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

در جمع‌بندی مباحث نظری ارائه شده، می‌توان چنین عنوان کرد که نیروهای اجتماعی و شیوه عمل و تعامل آنها با سایر عوامل کالبدی و نهادی زمینه را برای موفقیت شهرهای جدید فراهم می‌کند. به بیانی دیگر برنامه‌های نهادی و توسعه‌ای شهرهای جدید در زمینه و متن جامعه و نیروهای مختلف آن بازخوانی می‌شود و در صورتی که این برنامه‌ها توسط جامعه و گروه‌های مختلف آن پذیرفته نشود و مشارکت اجتماعی را جلب نکند به موفقیت نخواهند رسید و اجرایی نخواهند شد.

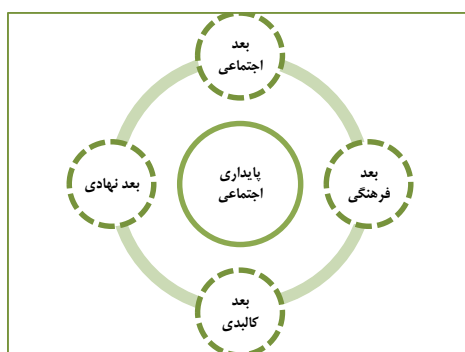
ارزش‌های فرهنگی از طریق زندگی در یک مکان به مدت طولانی، کار کردن در یک مکان، شرح داستان‌ها در باره‌ی یک مکان، و پرداختن به فعالیت‌هایی که موجب ایجاد ارتباط بین فرد یا گروه و یک مکان می‌شوند. این نوع حس تعلق فرهنگی به مکان، اغلب رابطه‌ی بین مردم و شهرهای جدید را گسترش می‌دهد. بعد فرهنگی در شهرهای جدید با توجه به مشخصات و ویژگی‌های آنها در حال شکل‌گیری است. مفاهیم مشترک مربوط به زندگی، محیط و رفتار مردم که از وابستگی فرهنگی و زندگی در کنار هم برگرفته می‌شوند



قضاوت‌های ارزشی و خوب و بدها را در این شهرها می‌سازند. ارزش‌های فرهنگی بهترین شاخص‌هایی هستند که برخورد مردم با فضای شهری شهرهای جدید، معانی نمادینی که به شهر جدید می‌دهند و وابستگی فرهنگی متقابل بین آنها و شهر را نشان می‌دهد.

سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه نمادین، سرمایه فرهنگی، هویت، شبکه‌های اجتماعی، شهرت و تصویر ذهنی مردم از شهر (برند شهر)، احساس غرور و تعلق به مکان، حس مکان، اختلاط اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و دسترسی به منابع، ویژگی‌های جمعیتی و تغییرات آن، توانمندی، سلامتی و امنیت، سرزندگی و نشاط اجتماعی، رضایت، خوشبختی و کیفیت زندگی، آسیب‌های اجتماعی، برابری و عدالت اجتماعی، فقر و محرومیت، حفاظت مکانی، تنوع فرهنگی مولفه‌های مختلفی است که بعد اجتماعی- فرهنگی شهرهای جدید را تشکیل می‌دهند.

بررسی شهرهای جدید و مولفه‌های اصلی ساختار آنها بدون در نظر گرفتن نقش آنها امکان پذیر نیست. بررسی مکان شهرهای جدید در ایران نشان می‌دهد که این شهرها معمولاً در اطراف شهرهای بزرگ مکان‌یابی شده‌اند. این شکل از مکان‌یابی نشانه آن است که شهرهای جدید به منظور توسعه منفصل شهرهای بزرگ کشور و با هدف جذب سرزیر جمعیت این شهرها پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. بنابراین شهرهای جدید هدف‌های دیگری همچون ایجاد منطقه مسکونی برای کارکنان یک فعالیت اقتصادی یا صنعتی و یا عمرانی منطقه‌ای؛ تثبیت قیمت زمین و ایجاد تعادل در بازار مسکن و کمک به اجرای برنامه‌های توسعه مسکن به خصوص مسکن ارزان قیمت را داشته‌اند. بنابراین ساختار داخلی نظام شهرهای جدید و موفقیت آن با ویژگی‌های شهر مادر و تغییرات و تحولات این شهر در ارتباط است و تحولات در شهر مادر می‌تواند به شکل معناداری بر پایداری اجتماعی شهر جدید تاثیر گذار باشد.



شکل ۱: ابعاد مختلف موثر بر شکل‌گیری اجتماع پایدار



بر اساس منابع مختلف هر یک از این بعدها دارای شاخص‌های مختلفی هستند که می‌توانند بر شکل‌گیری اجتماع پایدار موثر باشند. در بعد اجتماعی وضعیت همبستگی و تعلق اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اختلاط و قشریندی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی و احساس امنیت و در نهایت وضعیت رضایت از زندگی و نگرش شهروندان به شهر، در بعد فرهنگی چهار مولفه هویت جمعی، سرمایه انسانی، فرهنگی و نمادین، در بعد نهادی توانایی نهادی، یکپارچه بودن نهادها و همچنین دانش نهادها و در بعد کالبدی حس مکان، دسترسی، سرزندگی، انعطاف‌پذیری، معناداری، فضاهای گم‌شده و جدایی‌گزینی مکانی در شکل‌گیری اجتماع پایدار تاثیرگذار هستند و این ابعاد در مورد شهر جدید هشتگرد مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

روش تحقیق

روش تحقیق استفاده شده در این مطالعه ترکیبی از مطالعات کمی (پیمایش و مشاهده نظام‌مند) و کیفی (مونوگرافی) بوده است. در بخش مطالعات کیفی از تکنیک‌ها و ابزارهای مختلفی به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شده است. بررسی اسنادی با بررسی تجارب مشابه و سوابق موضوع پروژه‌های مشابه، گزارش‌های موجود در مورد شهر جدید هشتگرد، مشاهده‌های میدانی و روزمره پژوهشگر- مشاهده مشارکتی- و همچنین مصاحبه استفاده شده است. به طور خاص و با توجه به نوع سوالات، متدهای مصاحبه (دو نوع مصاحبه نیمه استاندارد و مصاحبه عمیق) اساس کار گردآوری داده‌های کیفی بوده است. مصاحبه‌های عمیق با مدیران شهر، شورای مساجد، اساتید دانشگاه، افراد فعال در سازمان‌های مردمی و انجمن‌های خیریه و مذهبی و معتمدین و افراد ساکن در شهر جدید هشتگرد انجام شده است. روش کمی که در این مطالعه استفاده شده روش پیمایشی بوده است که ۳۱۰ پرسشنامه در سطح خانوار و ۳۰۷ پرسشنامه فردی در سطح شهر هشتگرد تکمیل شده است. روش نمونه‌گیری در مطالعات کیفی نمونه‌گیری هدفمند و در مطالعات کمی روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. در قسمت پیمایش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون و روش‌های آماری و با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است.

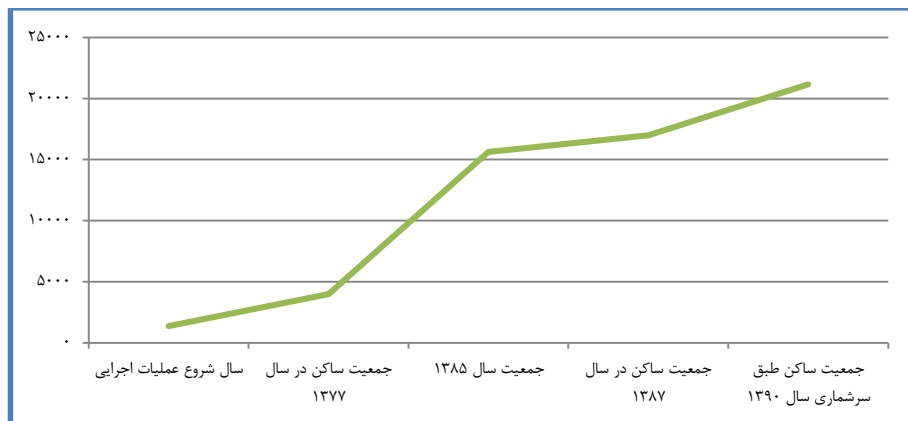
یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش بر اساس بحث‌های نظری ارائه شده در چهار بخش بعد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی- فضایی و نهادی موجود در شهر جدید هشتگرد ارائه خواهد شد و وضعیت



شهر را ترسیم خواهد کرد. قبل از آن شرایط جمعیتی موجود در شهر جدید مورد توجه قرار گرفته است.

اطلاعات حاصل از سرشماری نفوس و مسکن نشان می‌دهد، که جمعیت شهر جدید هشتگرد طی بیست سال اخیر از ۲ هزار نفر به ۲۱۱۵۳ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. نمودار زیر تغییرات جمعیت شهر مورد مطالعه را از زمان شروع فعالیت تا کنون نشان می‌دهد همانطور که دیده می‌شود، در ابتدا و تا سال ۱۳۷۷ شهر هشتگرد با شیب آرامی جمعیت جذب کرده است، سپس تا سال ۸۵ با شیب بیشتری جمعیت جذب کرده است اما در دوره بعدی با شیب کمتری جمعیت به این شهر جذب شده است.



نمودار ۱: تغییرات جمعیتی شهر هشتگرد از زمان تاسیس تا کنون

ماخذ: اطلاعات مرکز آمار ایران

بررسی آمار نشان می‌دهد که در طی ده سال ۷۵ تا ۸۵ به طور متوسط هر سال ۱۴۰۰ نفر در شهر ساکن شده‌اند که نرخ رشدی برابر با ۳/۳۲ را نشان می‌دهد. همانطور که گفته شد شهر جدید هشتگرد برای پالایش جمعیت و ازدحام شهرهای تهران، کرج و قزوین پی‌ریزی و دنبال شده، ولی تحقق اهداف آن بسیار کند و آهسته انجام می‌شود. محدوده راهبری این شهر شامل محدوده سه شهرستان کرج، ساوجبلاغ و نظر آباد است که طی بیست سال (۶۵-۱۳۸۵) بالغ بر یک میلیون و ۱۷۶ هزار نفر افزایش جمعیت داشته است. در این بازه زمانی نرخ رشد جمعیت در شهرستان کرج از ۴/۵ درصد به ۴ درصد و نظر آباد از ۳/۵ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافته است. اما در شهرستان ساوجبلاغ روند رشد افزایش داشته



و از ۳/۵ درصد به ۵/۴ درصد رسیده است اما سهم جمعیت شهر جدید هشتگرد پایین بوده است (ابریشم کار، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۶). جدول زیر تفاوت جمعیت پیش‌بینی شده و جمعیت ساکن شده در شهر را نشان می‌دهد. همانطور که دیده می‌شود هموار تعداد جمعیت جذب شده به شهر جدید، از مقادیر پیش‌بینی شده اختلاف بسیار فاحشی داشته است و جمعیت جذب شده به شهر بسیار کمتر از پیش‌بینی‌ها بوده است.

جدول ۱: تغییرات جمعیتی شهر جدید هشتگرد

جمعیت پیش‌بینی شده نهایی شهر	جمعیت سال ۱۳۹۰	جمعیت تحقق یافته تا ۱۳۸۵	جمعیت پیش بینی شده تا ۱۳۸۵	جمعیت ساکن در سال ۱۳۷۷	شهر جدید
۵۰۰۰۰	۲۱۱۵۳	۱۵۶۱۹	۸۳۰۰۰	۴۰۰۰	هشتگرد

ماخذ: قرحلو، ۱۳۸۸، مرکز آمار ایران سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

پیمایش انجام شده در زمان انجام این تحقیق نشان می‌دهد که ۳۲/۶ درصد از افراد پاسخگو بین ۱۸ تا ۲۹، ۳۷/۵ درصد بین ۳۰ تا ۴۵ سال، ۲۳/۸ درصد بین ۴۶ تا ۶۴ سال و ۶/۲ درصد بالای ۶۵ سال سن داشته‌اند. بعد خانوار پاسخ‌گویان ۳/۳۸ بدست آمده است. ۳۰/۷ درصد از افراد در شهر تهران به دنیا آمده‌اند. پس از تهران بیشترین تولد مربوط به استان البرز بوده است که ۱۳/۱ درصد از تولدها را به خود اختصاص داده است. ۵/۳، ۱/۷ و ۱/۷ از تولدها نیز به ترتیب در هشتگرد قدیم، ساوجبلاغ و طالقان بوده است که در مجموع ۸/۷ درصد از شهروندان در محدوده‌های سکونتی پیرامون شهر جدید و ۲۱/۸ درصد در استان البرز متولد شده‌اند. پس از مناطق پیرامونی استان گیلان با ۵/۵ درصد، آذربایجان شرقی با ۴/۶ درصد و قزوین با ۴/۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. نکته مهم در این جدول این است که هیچ یک از افراد ساکن در شهر جدید در شهر خود بدنیا نیامده‌اند چرا که شهر جدید دارای بیمارستان نیست و امکان تولد کودک در این شهر وجود ندارد.

تحلیل وضعیت اجتماعی شهر جدید هشتگرد

در این قسمت به تحلیل وضعیت اجتماعی شهر هشتگرد به تحلیل وضعیت همبستگی و تعلق اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اختلاط و قشربندی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی و احساس



امنیت و در نهایت وضعیت رضایت از زندگی و نگرش شهروندان به آینده شهر جدید نیز پرداخته خواهد شد.

همبستگی اجتماعی: انتظار می‌رود در شهر جدید هشتگرد به عنوان یک جامعه مدرن فعالیت اصناف و تقسیم‌کار اجتماعی و شباهت‌ها زمینه‌ساز همبستگی باشد. بررسی وضعیت اشتغال نشان می‌دهد که اصناف و سازمان‌های مختلف حقوقی و اجتماعی در شهر جدید شکل نگرفته‌اند و تراکم جمعیتی لازم نیز بوجود نیامده است. بخش فعالیت صنعتی داخل شهر تنها مختص به صنعت ساختمان است و واحدهای تجاری در اختیار بنگاه‌های معاملات املاک است و مشاغل خدماتی دیگر بسیار کم و به ندرت دیده می‌شوند. همچنین مراکز پیشرفته خدمات اجتماعی از قبیل آموزش عالی و مراکز تحقیقات تخصصی و مراکز بزرگ درمانی که از پیشنهادات طرح اولیه شهر هستند، نقش چندانی در شهر بدست نیاورده‌اند.

یکی از زمینه‌های دیگر همبستگی اجتماعی در شهرهای جدید می‌تواند مبدا مهاجرت باشد. مبدا مهاجرت ۳۶/۸ درصد از ساکنان شهر جدید شهر تهران بوده است. پس از تهران، شهر کرج با ۱۹/۴ درصد شهر قدیم هشتگرد با ۱۳/۲ درصد، نظرآباد با ۳/۲ و شهر قزوین با ۴/۸ درصد، شهریار، خوزستان و آذربایجان هر کدام با ۱/۶ درصد مبدا مهاجرت شهروندان شهر را تشکیل داده‌اند. ۱۷/۱ درصد نیز از هشتگرد قدیم و نظرآباد شهرهای همجوار مهاجرت کرده‌اند. بنابراین اکثریت شهروندان ساکن در شهر جدید دارای منشا قومی یا مذهبی خاصی نیستند و از تنوع مبدا و منشاء مهاجرت بالایی برخوردارند. بنابراین شهر جدید در این حالت به دلیل تنوع بالای مهاجران شرایط لازم برای دستیابی به انسجام اجتماعی را دارا نیست. از طرف دیگر نتایج پیمایش انجام شده نشان می‌دهد که میانگین سکونت در شهر جدید هشتگرد ۶/۵ سال بوده است که سبب می‌شود زمینه همبستگی اجتماعی در مقایسه با شهرهای با قدمت‌تر فراهم نباشد.

مطالعات پیمایشی انجام شده نشان داده است که کمتر از پنجاه درصد از شهروندان شهر جدید قبل از مهاجرت به شهر جدید دارای ارتباط با حداقل یکی از ساکنان شهر جدید بوده‌اند. به ترتیب اقوام و خویشاوندان، همکاران و دوستان و آشنایان ارتباط قبلی این شهروندان را شکل می‌داده است که در واقع این ارتباط‌ها منابع اصلی همبستگی اجتماعی شهروندان در شهر جدید هشتگرد است.

عرصه عمومی شهر جدید هشتگرد بسیار ضعیف است و فضاهای عمومی آن خالی از جمعیت شهروندانی است که در آن تردد داشته باشند و با یکدیگر در تعامل باشند. در واقع فعال‌ترین و پرترددترین قسمت شهر میدان شهرداری است که در ساعت میانی روز و شب‌ها



بسیار خلوت می‌شود و مردم در سطح آن دیده نمی‌شوند. راسته‌های تجاری فعال در سطح خیابان‌های شهر بسیار کم‌اند و بیشتر مغازه‌های موجود در آن نیز به کار خرید و فروش املاک مشغول‌اند، به این ترتیب این راسته‌ها در ساعات اولیه شب تعطیل می‌شوند و فعالیت‌های تجاری آن به نحوی نیست که جمعیت ساکن شهر را در طول شب و یا روز به طور مرتب به خود جذب کند. سرزندگی و مکان‌هایی برای تفریح و گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های شبانه گمشده‌های عرصه عمومی شهر هشتگرد هستند که در لابلای صحبت اکثر افراد مصاحبه شونده دیده می‌شود به عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد چنین بیان می‌کند: شما غروب اگر بخواهید بروید رستوران و شام بخورید وجود ندارد... یک رستوران درست و حسابی وجود ندارد، یک سینما ندارد. یک پارک ندارد، یک درمانگاه ندارد. ببینید شهر نیاز به این دارد که اگر بخواهید آدم‌ها بیایند در آن ساکن بشوند، حداقل اینکه یک سری امکانات و چیزهایی در آن باشد (مصاحبه شماره ۶).

برای رسیدن به همبستگی اجتماعی نیاز به ارتباط شهروندان با نهادهای اجتماعی عمومی و کلان‌تر خارج از حوزه روابط شخصی وجود دارد. همانطور که مطالعات نشان داده، نهادهای مدنی در شهر هشتگرد آنچنان فعال نیستند و به این ترتیب شرایط لازم برای گفتگو بین ساکنان و ایجاد همفکری و توافق بین گروه‌های اجتماعی و شهروندان هشتگرد مهیا نیست. در مجموع با توجه به شرایط موجود و بررسی ابعاد مختلف همبستگی اجتماعی در شهر هشتگرد، وضعیت همبستگی اجتماعی در شهر را نمی‌توان همبستگی بالایی دانست.

تعلق اجتماعی: پایه و اساس شکل‌گیری تعلق اجتماعی به یک شهر، تمایل به ماندن در شهر است. نتایج پیمایش انجام شده نشان می‌دهد که ۳۳/۲ درصد از افراد گفته‌اند که شهر جدید هشتگرد را دوست دارند و برای همیشه در آن خواهند ماند. درمقابل این افراد ۸/۴ درصد گفته‌اند به شهر جدید علاقه‌ای ندارند و در اولین فرصت از آن خواهند رفت. ۵۸/۴ درصد باقیمانده از پاسخگویان گفته‌اند که اگر فرصت بهتری پیش آید از شهر جدید خواهند رفت که نشان می‌دهد تعلق شهروندان به شهر جدید هشتگرد بالا نیست. انتظار می‌رود که با افزایش سال سکونت پاسخگویان تمایل به ماندگاری آنها در شهر جدید هشتگرد بیشتر شود؛ اما تحلیل همبستگی بین این دو متغیر نشان داده است که رابطه معناداری بین سابقه سکونت و تمایل به ماندگاری در شهر جدید هشتگرد وجود ندارد، همانطور که در جدول زیر دیده می‌شود سطح معناداری آماره کای دو برای این داده‌ها ۰/۰۷۳ بدست آمده که بزرگتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد رابطه معناداری بین میزان سکونت و تمایل به ماندن شهروندان در شهر جدید هشتگرد دیده نمی‌شود.



جدول ۲: همبستگی تمایل به ماندن در شهر جدید هشتگرد بر حسب مدت سکونت

ضریب همبستگی		مقدار	انحراف استاندارد	مقدار آماره کای دو	سطح معناداری
اسمی - اسمی	لامبدا	متقارن	۰/۰۰۴	۸/۵۷۶	۰/۷۳
		تمایل به سکونت متغیر وابسته	۰/۰۱		
		میزان سکونت متغیر وابسته	۰/۰۰۰		

مأخذ: مطالعات پیمایشی مرکز ایران‌مهر

بررسی تمایل به سکونت بر حسب انگیزه مهاجرت نشان می‌دهد، کسانی که با انگیزه آرامش بیشتر به شهر جدید رفته‌اند تمایل بیشتری برای ماندن در شهر جدید دارند و کسانی که تمایلی به ماندن در شهر جدید نداشته‌اند، کسانی هستند که به منظور هزینه کمتر زندگی، صاحبخانه شدن و یافتن شغل آمده‌اند و تمایل کمتری به ماندن دارند و با بهبود یافتن شرایط شان تمایل دارند که از شهر بروند.

بررسی رابطه تمایل به ماندن در شهر در مورد رفت و آمد با همسایگان، همکاران و دوستان معنادار نبوده است اما در مورد روابط خانوادگی معنادار بوده است به این ترتیب شهروندانی که در شهر جدید ساکن شده‌اند و تعدادی از افراد خانواده آنها نیز در شهر جدید ساکن هستند، تمایل به ماندن بیشتری در شهر جدید دارند و پیوندهای خانوادگی می‌تواند عامل مهمی در ماندگاری افراد در شهر جدید باشد.

در بررسی میزان تعلق شهروندان به شهر مشخص شده است که ۵۴/۲ درصد از شهروندان گفته‌اند که تمایل دارند با نام شهر جدید هشتگرد نامیده شوند و در مقابل ۴۳/۵ درصد از آنها گفته‌اند که دوست ندارند با نام شهر جدید نامیده شوند. زندگی در شهر جدید، وجود آرامش، امنیت و فرهنگ، جدید و پیشرفته بودن شهر از دلایل تعلق به شهر عنوان شده است. همچنین علاقه به محل تولد، بی‌علاقگی به شهر جدید هشتگرد، کم بود امکانات و بی‌هویت دانستن شهر از دلایل پایین بودن تعلق به شهر جدید عنوان شده است.

معمولاً در شهرهای جدید در طول یک فرآیند تاریخی، حس شهروندی و تعلق شهری شکل می‌گیرد. یکی از موارد نمادین موثر بر تعلق شهروندان، محل تولد و صدور شناسنامه در شهر است. در حال حاضر بیمارستان و خدمات درمانی مناسب برای تولد نوزادان در شهر جدید و ثبت شناسنامه به اسم شهر جدید هشتگرد وجود ندارد. همچنین در هشتگرد جدید گورستانی وجود ندارد و شهروندان شهر جدید متوفی خود را در شهر دیگری به ویژه تهران



به خاک می‌سپارند و در همانجا نیز مراسم ترحیم برگزار می‌کنند. به این ترتیب وابستگی آبا و اجدادی برای شهروندان در شهر جدید شکل نمی‌گیرد.

سرمایه اجتماعی: اعتماد به دیگری ناشناس یکی از مهمترین عناصر شکل‌گیری جامعه و ضامن بقای آن است. در مورد اعتماد به دیگری ناشناس، می‌توان گفت که هشتگرد جدید از این مولفه تقریباً بی‌بهره است. اکثر افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند از دیگری به شدت احساس ترس داشتند و دائماً نگران بودند. این موضوع در شهر در سال‌های ابتدایی به دلیل پایین بودن جمعیت شهر کمتر مطرح بوده است، اما با افزایش جمعیت شهر و خصوصاً رشد یکباره جمعیت با اضافه شدن شهروندان ساکن در قسمت مسکن، مهر واژه غریبه و افراد ناشناس غیر قابل اعتماد در ذهن مردم تداعی شده است.

روابط اجتماعی در شهر هشتگرد از قوام و تنوع بالایی برخوردار نیست و امکان تعامل و ارتباط در عرصه‌های مختلف شهری برای شهروندان وجود ندارد. مکان‌های عمومی و برنامه‌های جمعی مختلف برای شهروندان یک شهر امکان تعامل و ارتباط تصادفی را مهیا می‌کند. این موضوع در شهر هشتگرد جدید بسیار ضعیف است. اکثر خریده‌های افراد در شهرهای دیگر اتفاق می‌افتد که در نتیجه آن شهروندان امکان برقراری ارتباط با دیگر شهروندان شهر جدید را از دست می‌دهند و همانطور که پیشتر نیز گفته شد نتایج مطالعات کمی نشان داده است که مهمترین سهم تعامل اجتماعی خانوارها در تعامل خانوادگی خلاصه شده است.

مشارکت اجتماعی از دیگر ابعاد مهم سرمایه اجتماعی است. بررسی سطح عملی از مشارکت شهروندان شهر جدید و فعالیت آنها در گروه‌های مختلف اجتماعی نشان می‌دهد که ۲۱/۲ درصد از شهروندان در هیأت‌های مذهبی، ۱۳/۷ درصد در انجمن‌های خیریه، ۲/۳ درصد در انجمن‌های علمی، ۱/۶ درصد در گروه‌های ادبی و هنری، ۹،۱ درصد در گروه‌های ورزشی، ۰/۷ درصد در گروه‌های سیاسی و احزاب، ۱۶،۹ صندوق قرض‌الحسنه خانوادگی یا دوستان، ۰/۳ درصد در گروه‌های صنفی کارگری، ۱۰/۴ درصد در بسیج فعالیت دارند و ۵۰/۸ درصد از افراد نیز در هیچ گروه خاصی فعالیت و مشارکت ندارند. بنابراین بیشترین میزان مشارکت شهروندان به ترتیب در هیأت‌های مذهبی، صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی و دوستان و همچنین انجمن‌های خیریه است. مرور این ارقام نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شهروندان شهر جدید در هیچ گروه اجتماعی خاصی فعالیت ندارند. همچنین ۷۳/۵ درصد از افراد گفته‌اند که در اقدامی عملی در شهر مشارکتی نداشته‌اند و از بین افرادی که در اقدامی عملی مشارکت کرده‌اند ۸۷/۳ درصد از آنها به شکل فردی همکاری کرده‌اند و تنها ۱۲/۷ درصد مابقی به شکل گروهی کار کرده‌اند. همچنین از شهروندان ۲۴/۵ درصد از افراد



برای تامین خدمات مورد نیاز خود در شهر دست به اقدام زده‌اند که بیش از نیمی از این اقدامات در راستای حل مشکلات محله بوده است و در مقابل ۶۵٫۵ درصد از پاسخ‌گویان تاکنون هیچ اقدامی برای خدمات یا تاسیسات شهری نکرده‌اند. در مجموع اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از ساکنان به شکل فردی و ۳۳ درصد به شکل جمعی و بیشتر با کمک همسایگان به دنبال تامین خدمات مورد نیاز در محله خود بوده‌اند. همچنین در فرآیند ساخت واحدهای مسکونی نیز ۲۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که در جریان ساخت واحد مسکونی‌شان با تعاونی و پیمانکار سازنده مشارکت داشته‌اند و ۶۸/۵ درصد گفته‌اند که در این فرآیند مشارکتی نداشته‌اند. یافته‌های موجود نشان می‌دهند که زمینه‌های ارتباط اجتماعی در شهر جدید وجود ندارد و به طبع آن نیز ارتباطات اجتماعی قابل توجهی بین شهروندان شهر جدید موجود نیست. همچنین مشارکت شهروندان در حوزه‌های مختلف بررسی شده نیز شرایط بهتری را نشان نمی‌دهد و مشارکت شهروندان در حوزه‌های مختلف وضعیت مناسبی ندارد. بنابراین مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در شهر جدید هشتگرد ضعیف است.

اختلاط اجتماعی: از پیش شرط‌های ایجاد مسکن اجتماعی وجود تنوع اقتصادی و اجتماعی در میان ساکنان آنها است. اگرچه گفته می‌شود برای برخورداری از پایداری اجتماعی در توسعه، بهتر است افراد با درآمد پایین و محروم از سطح مهارت و دانش و تجربه‌ی کافی، به میزان کمتری جذب شوند. با این همه، مطالعات تجربی نشان می‌دهد که جامعه‌ای که از تنوع کمتری برخوردار بوده و برای مثال جمعیت جوان یا پیر آن بیش‌تر باشد، در وضعیت ناپایداری قرار دارد. بر اساس تحقیق کمی این پژوهش، هشتگرد به لحاظ گروه‌های مختلف سنی در حال حاضر در وضعیت تعادل به سر می‌برد. تقریباً ۱ درصد از جمعیت شهر هشتگرد زیر ۱ سال سن دارند. ۵/۲ درصد از افراد بین ۱ تا ۵ سال، ۸/۸ درصد بین ۶ تا ۱۲ سال، ۸/۵ درصد ۱۳ تا ۱۹ سال، ۲۰/۹ درصد بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد بین ۳۰ تا ۴۵ سال، ۱۶/۹ درصد بین ۴۶ تا ۵۹ سال و ۱۰/۸ درصد بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. به این ترتیب گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال بیشترین سهم جمعیت شهر جدید هشتگرد را شامل می‌شوند. این گروه همراه با گروه سنی ۲۰-۲۹ سال تقریباً نیمی از جمعیت شهر جدید را شامل می‌شوند.

اما مطالعات کیفی نشان می‌دهد که اقشار اقتصادی متنوعی در هشتگرد ساکن نیستند. بر اساس یافته‌های تحقیق کمی انگیزه‌ی اصلی ساکنان هشتگرد جدید صاحب خانه شدن است. همین امر بیان‌گر آن است که یک چهارم جمعیت شهر اقلاری از جامعه هستند که



توانایی مالی تأمین مسکن در تهران را نداشته‌اند. به علاوه، واگذاری واحدهای مسکن مهر موجب جذب اقشار پایین اقتصادی به شهر جدید شده است. فازهای قدیمی‌تر که از طریق واگذاری زمین به افراد حقیقی و تعاونی‌ها ساخته شده‌اند اقشار متنوع‌تری را جذب کرده‌اند. قشر متوسطی که نتوانسته‌اند خانه‌ای با معیارهای ایده آل‌شان در تهران بخرند، با توجه به قیمت پایین زمین و خانه (به ویژه در سال‌های قبل‌تر) از فرصت استفاده کرده و خانه بهتری را به نسبت آن چه در تهران می‌توانستند داشته باشند، در هشتگرد خریده‌اند. البته دهک‌های اقتصادی پایین‌تری نیز وجود دارند که اکنون در هشتگرد در ملک استیجاری زندگی می‌کنند.

در قسمت‌هایی از فازهای ۱ و ۲ واحدهای ویلایی قرار دارد که اقشار بالاتری در آن زندگی می‌کنند. قیمت این باغ ویلاها به نسبت خانه‌های ویلایی و یا آپارتمان‌های هشتگرد گران‌تر است اما در مقایسه با واحدهای مشابه در نقاط خوش آب و هوا تر بسیار ارزان‌تر است. در واقع، آنها نیز جزو اقشار بالای جامعه نیستند بلکه به نسبت سایر ساکنان هشتگرد در طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتری قرار دارند.

از سوی دیگر در شهر، تنوع قومی بالایی دیده می‌شود، زبان و لهجه مادری ۳۹ درصد از شهروندان فارسی، ۳۱،۲ درصد ترکی، ۸،۶ کردی، ۰،۶ درصد عربی، ۶،۶ درصد لری، ۱،۴ درصد لکی، ۸،۵ درصد گیلکی، ۱ درصد طبری، ۰،۴ تالشی، ۱،۸ ترکمنی و ۰،۷ درصد نیز سایر زبان‌ها بوده است. بنابراین می‌توان گفت که از این جهت اختلاط اجتماعی در هشتگرد وجود دارد. همانطور که پیشتر نیز گفته شد، افراد ساکن در شهر جدید دارای تنوع جمعیتی قابل توجهی هستند. به این معنی که اکثریت ساکنان را یک قوم و یا اهالی یک شهر که با یکدیگر در ارتباط باشند تشکیل نداده‌اند. به همین دلیل نمونه‌هایی از نهادهای اجتماعی که مبتنی بر قوم و یا شهر مبدا مهاجران باشد در هشتگرد جدید به شکل پرنگی دیده نمی‌شود. **قشربندی اجتماعی:** شهروندان شهر جدید هشتگرد از اقشار مختلف اجتماعی تشکیل شده‌اند. برای بررسی بهتر اقشار تشکیل دهنده شهر جدید می‌توان از دلایل احداث این شهر و نحوه واگذاری زمین به ساکنان آن کمک گرفت. وضعیت بازار زمین و مسکن در شهر جدید هشتگرد نشان می‌دهد که روند واگذاری زمین به شدت پر نوسان بوده است. زمین‌های واگذار شده عمدتاً به قشرهای متوسط تعلق گرفته است. به نظر می‌رسد تا کنون شکل حقوقی تعاونی، در بسیاری مواقع، چارچوبی برای تصرف و تملک زمین بوده است و نه ساخت و ساز و تا سال ۱۳۹۰ که طرح جامعه شهر جدید بازبینی شده است، ۴۵ درصد از دریافت کنندگان زمین هیچ اقدامی برای بهره برداری از زمین خود نکرده‌اند و ضریب بهره برداری بالفعل از



زمین‌های واگذاری تنها ۱۷ درصد بوده است و خانواده‌های ساکن در شهر عمدتاً جزء دهک‌های سوم تا پنجم درآمدی بوده‌اند. مدیر پروژه بازنگری طرح جامع در مورد اهداف شهر چنین می‌گوید: خب این با هدف‌گیری جمعیتی خیلی فاصله داشت... جمعیتی هم که اومدن، اول تعاونی‌ها اومدن، تعاونی‌ها به شکل مجاز یا غیرمجاز واگذار کردن به دیگران... ولی بعد با وضعیت درآمدی با فاصله با شهر مادر، کمبود خدمات، همه‌ی اینا باعث شد قشر بندی دوباره شکل گرفت... الان یکی دو قشر خاص تو هشتگرد هستند... فیلتر شدند و این مورد نظر ما نبود (م. ۲۱).

نتایج مطالعات کمی نشان می‌دهد که ۲۸/۴ درصد از افراد شاغل، ۲۴/۴ درصد خانه‌دار، ۱۳/۶ درصد دانش آموز، ۷/۱ درصد دانشجو، ۸ و ۰ درصد سرباز، ۹/۵ درصد بی‌کار، ۱۱/۹ درصد بازنشسته و ۰/۴ درصد نیز از کار افتاده بوده‌اند. نکته قابل تامل در این آمار بالا بودن سهم بازنشسته‌ها است که حاکی از حضور افراد بازنشسته در شهر جدید است.

نوع شغل شهروندان شاغل شهر جدید نشان می‌دهد که ۲ درصد از افراد راننده، ۱/۵ درصد پیمانکار ساختمانی، ۲/۱ کارمند فنی، ۱/۷ درصد دبیر، ۵/۱ درصد کارگر ساده، ۱/۶ نیروی انتظامی و نظامی، ۴ درصد کارمند اداری، ۱ درصد جوشکار، ۲/۸ درصد فروشنده و ۱/۴ درصد مدیر و مابقی نیز بدون شغل بوده‌اند به این ترتیب بیشترین درصد به گروه کارگر ساده اختصاص دارد و در رده بعدی نیز کارمندان اداری قرار دارند.

وضعیت سواد شهروندان شهر جدید نشان می‌دهد که ۶ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۱/۷ درصد از شهروندان در حد خواندن و نوشتن، ۱/۹ درصد مهد کودک و پیش‌دستانی، ۱۵/۹ درصد ابتدایی، ۱۲/۱ درصد راهنمایی، ۴ درصد دبیرستان، ۲۸/۶ درصد دیپلم، ۷ درصد فوق دیپلم، ۲۸/۶ درصد لیسانس، ۲/۴ درصد فوق لیسانس، ۰/۶ درصد دکتری و رقمی در حدود یک دهم درصد نیز دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند. بنابراین بیشترین سهم از شهروندان شهر جدید دارای دیپلم و ۲۷/۴ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. همچنین ۶۱/۳ درصد از سرپرستان خانوار در شهر جدید هشتگرد مالک بوده‌اند و ۳۸/۷ درصد نیز مستاجر بوده‌اند.

بنابراین طبق یافته‌های کمی و کیفی می‌توان نتیجه گرفت که شهر جدید هشتگرد از تنوع اقشار و طبقات اجتماعی بالایی برخوردار نیست. بیشترین تنوع در گروه‌های قومی و مبدا مهاجرت افراد دیده شده است اما این افراد علی‌رغم تنوع قومی و زادگاهی خود معمولاً افرادی از طبقه متوسط و متوسط رو به پایین هستند. نیروی انسانی ماهر و متخصص در حوزه‌های مختلف در شهر وجود به میزان قابل توجهی وجود ندارند. به همین دلیل نیز



بسیاری از قسمت‌هایی از شهر که برای طبقات بالاتر اجتماعی و افراد متخصص مانند شهرک دانشگاهی در نظر گرفته شده‌اند، ساخته نشده‌اند و سکونت این اقشار در آنها اتفاق نیافتاده است. در واقع نمود فضایی و تقسیم فضاهای شهری بین اقشار و طبقات مختلف اجتماعی در شهر جدید در حال حاضر دیده نمی‌شود.

امنیت اجتماعی: امنیت یکی از متغیرهای اساسی که در حوزه پایداری اجتماعی مطرح می‌شود. امنیت بسیاری از مولفه‌های اجتماعی دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عدم امنیت در یک شهر و محله و حتی عدم احساس امنیت بر مولفه‌هایی چون روابط اجتماعی ساکنین، اعتماد اجتماعی میان آنها و به دیگری ناشناس اثرگذار است. امنیت، شالوده‌ای بنیادی برای ثبات جامعه محسوب می‌شود. اگر در شهر و محله‌ای امنیت نباشد امکان زندگی اجتماعی در آنجا کاهش خواهد یافت. روابطی محدود بین افراد شکل خواهد گرفت و فعالیت‌های مدنی نیز محدود خواهند بود.

۷۱ درصد از شهروندان گفته‌اند که اعضای خانواده آنها برای انجام کارهای خود به تنهایی از خانه خارج می‌شوند و در شهر حاضر می‌شوند تا به نیازهای خود پاسخ بدهند و در مقابل ۲۸/۴ درصد گفته‌اند که اعضای خانواده آنها به تنهایی از خانه خارج نمی‌شوند که دلیل آن نبود امنیت و همچنین نداشتن وسیله نقلیه عنوان شده است. ۲۰/۵ درصد از شهروندان پاسخگو، میزان امنیت شهر جدید را بالا، ۵۲/۸ درصد امنیت شهر را متوسط و ۲۳/۱ درصد نیز امنیت شهر را پایین دانسته‌اند. همچنین ۱۳ درصد از افراد امنیت محل سکونت خود را بالا، ۴۲/۷ درصد پایین و ۴۳ درصد نیز متوسط دانسته‌اند.

مقایسه این اعداد نشان می‌دهد که از نظر ۲۳/۱ از شهروندان فضای شهر امن بوده است و ۴۲/۷ درصد از همین شهروندان وضعیت امنیت محله خود را پایین دانسته‌اند. دلیل این مغایرت را می‌توان در تعریف امنیت یک محله در مقایسه با شهر دانست. در مقیاس محلی بخش قابل توجهی از امنیت به بحث سرقت از منزل‌های مسکونی باز می‌گردد. این درحالیست که امنیت در یک شهر بیشتر بحث امنیت در فضاهای عمومی است. مطالعات کیفی انجام شده نیز این نتیجه را تایید می‌کند که فضاهای عمومی هشتگرد جدید از امنیت نسبی برخوردار است و شهروندان از وجود بزه‌های اجتماعی که امنیت این فضاها را مخدوش کند شکایت بالایی ندارند و موارد مختلف را اشاره نمی‌کنند. اما در مقابل وضعیت سرقت از منازل مسکونی در خلال مصاحبه‌ها به دفعات دیده شده که خصوصاً در قسمت‌های ویلایی نشین بسیار بیشتر است.



نکته قابل توجه در مورد مسکن مهر و ساکنان آن نوع نگاهی است که ساکنان شهر نسبت به آنها دارند. ساکنان شهر جدید حضور یکباره و سریع ساکنان مسکن مهر را دلیلی بر ناامنی شهر خود می‌دانند و بسیاری از حضور این شهروندان در شهر جدید احساس ناامنی می‌کنند. در این بین ساکنان قدیمی شهر از ساخته شدن مسکن‌های مهر در شهر شکایت بیشتری دارند و ورود حجم بالایی از مهاجر به شهر برای آنها حس ناامنی به همراه آورده است. خصوصاً اینکه متقاضیان مسکن مهر به دلیل ارزانی آن افراد کم درآمد جامعه تلقی می‌شوند و شهروندان نسبت به این افراد ذهنیت مناسبی ندارند و بسیاری از بزه‌های اجتماعی را در بین این افراد بیشتر می‌دانند و ورود این افراد را مخل امنیت شهر معرفی می‌کنند. ۹/۳ درصد از ساکنان شهر جدید فاز ۷ شهر را -مسکن مهر هم در آن قرار گرفته است- مکان خطرناک معرفی کرده‌اند. ۱۷/۲ درصد از پاسخ‌گویان زمین‌های غیرمسکونی و بایر شهر، ۱۳/۲ درصد کل شهر، ۵/۳ فاز ۲، ۵/۳ درصد پارک گلستان، ۸/۶ درصد محل سکونت خودشان و ۶ درصد نیز تقاطع‌های شهر را به عنوان مکان‌های ناامن شهر معرفی کرده‌اند. ۶ درصد از افراد وجود معتادان را دلیل ناامن و خطرناک بودن برخی مکان‌ها در شهر می‌دانند. همچنین ۶ درصد پاسخگویان، وجود اراذل و اوباش، ۱۲/۶ درصد خلوت بودن، ۶ درصد تصادف، ۵/۳ درصد ناامنی، ۴/۶ درصد وجود و حضور دزد، ۱۱/۳ درصد حیوانات غیر اهلی و ۶ درصد نیز وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره و رها شده را دلیل بر خطرناک بودن مکان‌های معرفی شده در شهر جدید می‌دانند.

همانطور که نتایج یافته‌ها نشان داد، سهم بالایی از شهروندان شهر جدید هشتگرد را برای تردد خود و خانواده‌شان مناسب می‌دانند. همچنین یافته‌ها نشان داده است که شهروندان امنیت شهر را متوسط ارزیابی کرده‌اند. وقتی بحث از سطح شهر به محله کاهش پیدا می‌کند، احساس امنیت شهروندان کاهش پیدا می‌کند که دلیل این امر نیز بروز سرقت در منازل مسکونی خصوصاً در قسمت‌های ویلایی است. نزدیک به نیمی از شهروندان شهر مکان‌های ناامنی را در شهر جدید می‌شناسند و به شکل روزانه با این مکان‌ها برخورد دارند که مهمترین مکان‌های ناامن معرفی شده توسط آنها زمین‌های بایر و ساختمان‌های نیمه‌کاره است که به تعداد بسیار زیادی در تمام فازها و قسمت‌های شهر دیده می‌شود. این فضاها در واقع فضاهای بی‌دفاع شهری به حساب می‌آیند. زمینه احساس ناامنی را خلوتی، تردد حیوانات غیر اهلی و وحشی و همچنین تردد افراد معتاد و ناشناس در شهروندان تقویت می‌کنند.

آسیب‌های اجتماعی: بنا به ماهیت شهر جدید هشتگرد، ساخت و ساز گسترده در آن جریان دارد. زمین‌های بایر و ساختمان‌های نیمه‌کاره زیادی در آن دیده می‌شود. این مساله



باعث شده که تعداد بالایی نیروی کار برای اشتغال در کارگاه‌های ساختمانی به تنهایی و بدون خانواده به هشتگرد جدید بیایند. این افراد معمولاً در ساختمان‌های در حال ساخت و یا واحدهای آپارتمانی به شکل گروهی زندگی می‌کنند این مساله علاوه بر اینکه به شهروندان در برخی موارد احساس ناامنی را تزریق می‌کند، زمینه آسیب‌پذیری آنها را بالا می‌برد و احتمال روی آوردن آنها به مصرف مواد مخدر، درگیری و نزاع یا برخی دیگر از بزه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. این موضوع ویژه شرایط شهر جدید است و مطالعات کمی نیز نشان داده است که از نظر شهروندان، ۲۸/۴ درصد از پاسخگویان، حضور معنادار، ۳۰/۲ درصد وقوع سرقت، ۳۲/۲ درصد فحش و ۴۵/۵ درصد نیز وقوع خشونت در شهر را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند؛ به این ترتیب از نظر پاسخگویان، خشونت مهمترین بزه اجتماعی شهر بوده است که تایید کننده مردانه بودن فضاهای شهری در شهر جدید است.

رضایت از زندگی و امید به آینده شهر: رضایت ساکنین شهر جدید هشتگرد به شدت به رضایت آنها از خدمات شهری و امکانات مختلف موجود در شهر گره خورده است. بسیاری از شهروندان ساکن در شهر جدید از تهران به این شهر مهاجرت کرده‌اند. این موضوع باعث شده است که انتظارات آنها از سکونت در شهر جدید و امکاناتی که در آن وجود دارد، بالا باشد. گروه دیگر شهروندان نیز از شهرهای اطراف به این شهر آمده‌اند و انتظارات آنها از هشتگرد جدید نیز بالاست و انتظار دارند که شهر جدید به دلیل برنامه داشتن و طرح داشتن و مطابق اصول بودن آن دارای امکانات مناسبی برای زیست شهری باشد. این موضوع به دفعات در خلال مطالعات کیفی از شهروندان شنیده شده است و فاصله بسیار زیادی بین انتظارات شهروندان و وضعیت فعلی شهر وجود دارد و شهروندان از کمبود امکانات و خدمات شهری در حوزه‌های مختلفی ناراضی هستند. اولین دغدغه اساسی شهروندان شهر، نحوه دسترسی به شهر جدید است. این دغدغه به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های مردم توسط مدیریت شهر جدید نیز تشخیص داده شده است و همواره از بدو احداث شهر جدید، مدیران ارشد شهر جدید قول حل کردن این مشکل را داده‌اند. در حال حاضر نیز مدیریت جدید شهر جدید هشتگرد قول احداث مترو شهر جدید را داده است. در حال حاضر شهروندان شهر جدید برای رسیدن به ورودی شهر تهران باید از اتوبوس استفاده کنند و یا اینکه با تاکسی به شهر کرج مراجعه کنند و از آنجا نیز با مترو به تهران مراجعه کنند، به این ترتیب در بهترین حالت ۶۰ دقیقه زمان لازم دارند و اما معمولاً در عمل زمان و هزینه بیشتری را می‌پردازند. با احتساب زمان تردد در شهر جدید برای رسیدن به مکان‌های حمل و نقل عمومی و همچنین زمانی که شهروندان شهر جدید برای تردد در شهر تهران نیاز دارند، یک سفر رفت و برگشت روزانه



شهروندان شهر جدید به مرکز شهر تهران ممکن است نزدیک به ۴ ساعت از این افراد وقت بگیرد، این موضوع نارضایتی بالایی را به همراه دارد.

از طرف دیگر مشکل مهم شهروندان شهر جدید، تردد در داخل شهر جدید است. تاکسی‌های گردش در شهر جدید در همه نقاط شهر وجود ندارند و شهروندان در بسیاری از قسمت‌های شهر برای رسیدن به مراکز تجاری و خدماتی شهر امکان تردد با تاکسی یا دیگر وسایل حمل و نقل عمومی را ندارند. این موضوع وقتی اهمیت پیدا می‌کند که شهر جدید در تامین خدمات و مایحتاج روزانه مردم نیز دچار مشکل و کمبود است و تردد شهروندان آن به شهرهای اطراف به شکل روزانه و به اجبار اتفاق می‌افتد. علاوه بر این همانطور که در بخش امنیت به آن پرداخته شد، شهروندانی که گفته‌اند خانواده آنها به تنهایی نمی‌توانند در شهر جدید تردد کنند، در کنار عدم امنیت، نداشتن وسیله نقلیه شخصی را مطرح کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد که وضعیت حمل و نقل عمومی در شهر جدید به اندازه بحث امنیت برای آنها اهمیت دارد.

موضوع بعدی که نارضایتی شهروندان را به همراه داشته است محدود بودن صنف‌های تجاری شهر و فعالیت بیش از حد بنگاه‌های املاک در شهر است. بسیاری از شهروندان، شهر را تحت کنترل بنگاه‌های املاک می‌دانند و بسیاری از نارسایی‌ها و کمبودهای شهر را به این صنف نسبت می‌دهند که غالب واحدهای تجاری شهر را نیز در اختیار گرفته‌اند، در واقع مردم بنگاه‌های خرید و فروش املاک را نمود بیرونی سوداگری زمین و مستقالات می‌دانند که شهر را در اختیار دارد.

مساله بعدی، امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت در شهر هشتگرد است. مهمترین خصیصه زندگی شهری که در واقع می‌توان آن را اصلی‌ترین نوع سکونت در دوران مدرن به حساب آورد، تنوع سبک زندگی و اختیار شهروندان در انتخاب سبک زندگی مورد نظرشان است. مسئله مهم کنونی در شهر جدید هشتگرد این است که زیرساخت‌های مناسب و امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت شهروندان در این شهر وجود ندارد. نتایج مطالعات کیفی نشان می‌دهد که بجز پارک گلستان، چند پارک کوچک محلی و یک سالن ورزشی، امکانات فراغتی دیگری در شهر وجود ندارد. فضاهای شهری نیز در حال حاضر توانایی پر کردن اوقات فراغت شهروندان را ندارد. این در حالیست که در بین ساکنان و خصوصا جوانان شهر از کمبود زیرساخت‌های لازم برای برنامه‌های فراغتی، ورزشی و تفریحی بسیار گلایه می‌شود. جمعیت شهر به حدی است که در حال حاضر سرمایه‌گذار خصوصی به دلیل بازگشت پایین سرمایه، تمایل به سرمایه‌گذاری در چنین زیرساخت‌هایی را در شهر جدید ندارد و مدیریت شهری



نیز تا کنون زیرساخت‌های لازم را به مقدار مورد نیاز شهر تامین نکرده است. فعالیت‌های فرهنگی و هنری معمولاً در هر شهری یا توسط نهادهای دولتی و یا اینکه توسط افراد و موسسات خصوصی برگزار می‌شوند. نتایج مطالعات کیفی انجام شده در شهر جدید نشان می‌دهد که بدنه مردمی شهر به دلیل عدم سکونت افراد ماهر و متخصص در شهر هنوز توان برگزاری چنین برنامه‌ها فعالیت‌هایی را ندارد. بررسی دلایل خروج شهروندان از شهر نشان می‌دهد که ۴۶/۱ درصد برای خرید، ۴۶/۸ درصد درمان و ۲۱/۹ درصد نیز برای تفریح از شهر خارج می‌شوند. به عبارت دیگر دست یافتن به خدمات و تامین مایحتاج مهمترین دلیل خروج شهروندان از شهر است.

در عین اینکه شهروندان شهر جدید هشتگرد، از وضعیت فعلی شهر ناراضی هستند، اما این افراد نسبت به آینده شهر امیدوار هستند. حل شدن حمل و نقل عمومی شهر و خصوصاً احداث مترو شهر یکی از امیدهای ساکنان شهر جدید برای آینده‌ای بهتر در شهر جدید است. گران شدن زمین از نظر شهروندان یک نشانه است. پایین بودن قیمت فعلی شهر جدید نشان دهنده پایین بودن سطح عمومی و کلی شهر جدید از دیگر شهرهای مجموعه شهری تهران است. از نظر شهروندان گران شدن زمین در هشتگرد جدید نشان می‌دهد که این شهر برای سکونت افراد جذابیت مناسبی را بدست آورده و افراد زیادی خواهان سکونت در شهر جدید شده‌اند و به همین دلیل ارزش زمین در این شهر که ناشی از خدمات کلی شهر است به اندازه دیگر شهرهای مجموعه شهری تهران شده است.

یکی دیگر از نقاط امید بخش نزد ساکنان شهر جدید، تامین خدمات شهر جدید بر اساس طرح جامع این شهر است. بسیاری از شهروندان در گفتگوهای انجام شده اعلام کرده‌اند که شهر جدید آینده مناسبی دارد. عبارتی که بیشتر از هر عبارت دیگری به عنوان یک نکته مثبت و نقطه قوت در مورد شهر جدید بین شهروندان و همچنین مدیران آن به زبان می‌آید، این است که شهر جدید روی اصول و اصول ساخته شده و در مقایسه با شهرهای اطراف خود و به خصوص شهر هشتگرد قدیم، از طرح جامع شهری برخوردار است و خیابان‌کشی‌ها، ساختمان‌ها، مراکز تجاری و خدماتی و بقیه قسمت‌های شهر بر اساس اصول مهندسی در نظر گرفته شده‌اند و همین موضوع باعث خواهد شد که در آینده، شهر دچار مشکلات کمتری باشد. بنابراین در بحث رضایت و امید شهروندان به زندگی، شهروندان شهر جدید علی‌رغم تمام مسائلی که در شهر جدید با آن روبرو هستند، امیدوارند که در آینده، شهر جدید محل مناسبی برای زندگی آنها باشد و بتواند به امکانات و خدماتی که شهر نیاز دارد و مورد انتظار آنهاست دست پیدا کند.



تحلیل شاخص‌های فرهنگی

تحلیل وضعیت فرهنگی شهر جدید هشتگرد در قالب چهار مولفه هویت جمعی، سرمایه انسانی، فرهنگی و نمادین بررسی شد. هویت جمعی تلاشی است که جمعی از انسان‌ها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند. هویت شهر به معنای صفات و خصوصیتی است که شهر را از غیر، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه‌ای باشد که شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود (لینچ، ۱۳۸۵: ۳۷). به این ترتیب معیارهای ارزیابی هویت شهری، تمایز از غیر و تشابه با خودی، حفظ تداوم در عین تحول، حفظ وحدت در عین کثرت است. بر اساس یافته‌های تحقیق کمی که در بخش تعلق اجتماعی نیز به آن اشاره شد، ۵۴/۲ درصد از شهروندان گفته‌اند که تمایل دارند با نام شهر جدید هشتگرد نامیده شوند و در مقابل ۴۳/۵ درصد از آنها گفته‌اند که دوست ندارند با نام شهر جدید نامیده شوند. لذا به نظر می‌آید که هویت جمعی تا حدودی در این شهر در حال شکل‌گیری است، چرا که بیش از نیمی از ساکنان آن مایلند که به صفت شهر جدید هشتگرد خطاب شوند و جزئی از «ما»ی شهر باشند.

نتایج مطالعات کیفی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل هویت‌بخش در شهر، دوگانه‌ی هشتگرد جدید و قدیم است. هشتگرد قدیم و دیگر شهرهای قدیمی اطراف شهر جدید به عنوان «غیر» در ساخت هویت جمعی ساکنان شهر جدید نقش ایفا می‌کنند. آن‌چه که تاکنون، ساکنان هشتگرد جدید را به یک «کل» و «ما» تبدیل کرده، باور آنها به متفاوت بودن شهر جدید از دیگر شهرهای قدیمی اطراف شهر جدید است.

آنها هشتگرد جدید را شهری نوساز، شیک و اصولی می‌دانند که در مقایسه با دیگر شهرهای اطراف جدید و مدرن است و همین امر باعث می‌شود که آنها از یک سو، خود را متمایز از این شهرها بدانند و از سوی دیگر، به این تفاوت افتخار کنند. بنابراین می‌توان گفت که گرچه هنوز هویت جمعی مستحکمی در شهر شکل نگرفته اما پتانسیل آن وجود دارد و این فرایند آغاز شده است.

سرمایه‌ی انسانی در واقع، مهم‌ترین نوع دارایی‌های دانشی یا فکری در اجتماعات به حساب می‌آید. زیرا؛ این دارایی‌ها منبع خلاقیت است. این نوع دارایی‌ها، مانند دانشی ضمنی در افراد داخل یک اجتماع قرار دارد که یکی از عوامل حیاتی اثر گذار بر روی عملکرد هر اجتماع است. سرمایه‌ی انسانی ترکیبی از دانش عمومی و حرفه‌ای افراد و توانایی‌های رهبری



و حل مشکل و ریسک‌پذیری است (مهدی‌وند، ۱۳۹۰). با توجه به تعریف ارائه شده فوق، برای سنجش سرمایه انسانی موجود در شهر جدید هشتگرد در مطالعات کمی انجام شده، میزان تحصیلات و همچنین مهارت‌های عمومی شهروندان ساکن در شهر مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی میزان تحصیلات ساکنان شهر نشان می‌دهد که از بین افراد پاسخگو ۲/۶ درصد بی‌سواد و ۱/۶ درصد در حد خواندن و نوشتن سواد داشته‌اند. علاوه بر این سطح سواد ۸/۵ درصد از پاسخ‌گویان ابتدایی، ۱۱/۱ درصد راهنمایی، ۲ درصد دبیرستان، ۳۵/۵ درصد دیپلم، ۱۱/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۲/۱ درصد لیسانس، ۳/۶ درصد فوق لیسانس و ۰/۷ درصد دکتری بوده است.

بررسی وضعیت سواد بر حسب سن افراد پاسخگو نشان می‌دهد از بین افرادی دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند به ترتیب ۵۳/۴ و ۵۰/۵ درصد در گروه سنی ۱۶ تا ۲۹ سال قرار دارند. همچنین از افرادی که دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکتری بوده‌اند به ترتیب ۵۶ و ۵۰ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال قرار دارند. بنابراین مطالعات نشان می‌دهد حجم اصلی افراد تحصیل کرده در سنین جوان و میانسالی قرار دارند.

بررسی وضعیت سواد شهروندان به تفکیک وضعیت فعالیت آنها نشان می‌دهد که ۳۴/۲ درصد از افرادی که دارای فوق دیپلم ۴۱/۲ درصد از افرادی که تحصیلات در حد لیسانس ۵۶ درصد از افراد دارای کارشناسی ارشد و ۶۶/۷ درصد از افراد با تحصیلات دکتری شاغل هستند. بررسی توانایی‌ها و مهارت عمومی شهروندان نشان می‌دهد که ۳۸/۴ درصد از افراد در زمینه هنری، ۲۶/۷ درصد در زمینه فنی، ۲۴/۸ درصد در زمینه ورزشی، ۵/۹ درصد ادبی، ۱۵/۶ درصد آموزشی و ۸/۵ درصد نیز در زمینه پزشکی و کمک‌های اولیه دارای مهارت‌های فردی هستند. به این ترتیب بیشترین مهارت افراد پاسخگو در زمینه‌های هنری، فنی و ورزشی بوده است.

سرمایه‌ی فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد از مؤلفه‌های بسیاری تشکیل شده است. بورديو معتقد است سرمایه‌ی فرهنگی به سه شکل وجود دارد: سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده.

برای بررسی میزان استفاده‌ی ساکنان هشتگرد از کالاهای فرهنگی می‌توان نگاهی به چگونگی گذران اوقات فراغت آنها انداخت. در واقع، باید دید که تا چه حد اوقات فراغت خود را با مطالعه کردن، تماشای فیلم یا گوش دادن به موسیقی و موارد مشابه پر می‌کنند.



شهروندان در شهر جدید ۳۳/۶ درصد اوقات فراغت خود را به ورزش کردن، ۴۴ درصد به مطالعه کردن، ۳۶/۲ درصد به پارک رفتن، ۳۹/۷ درصد به قدم زدن در شهر، ۰/۷ درصد به سینما رفتن، ۴۷/۲ درصد به ملاقات با اقوام و آشنایان، ۸۰/۱ درصد به تماشای تلویزیون و در نهایت ۳۱/۶ درصد نیز برای گذران اوقات فراغت خود به اماکن مذهبی مراجعه کرده‌اند. سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند تجسم یافته باشد که به خصایل دیرپای فکری و جسمی اشاره دارد و نمی‌توان آن را به دیگران واگذار کرد؛ مانند حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری. که این موضوع در شهر جدید هشتگرد هنوز مشاهده نشده است. سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته نوع دیگری از سرمایه فرهنگی است که به شکل کالاهای فرهنگی اشاره دارد. این سرمایه قابل انتقال به دیگران است و شامل اشیای مادی، مانند رسانه‌ها، کتاب‌ها، لغت نامه‌ها و ادوات و ماشین آلات. برای سنجش این بعد از سرمایه‌ی فرهنگی می‌توان استفاده از امکانات فرهنگی را در نظر داشت. همانطور که اشاره شد شهر جدید هشتگرد در حال حاضر فاقد مراکز و امکانات فرهنگی است به این ترتیب نمی‌توان ارزیابی از این نوع سرمایه فرهنگی در شهر ارائه کرد.

سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده که به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین برای افراد کسب موقعیت می‌کند. مانند مدرک تحصیلی و آموزشی. برای سنجش سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده می‌توان دارا بودن مدرک مختلف تحصیلی، علمی، هنری، ورزشی و حرفه‌ای و... را در نظر گرفت. همانطور که در قسمت سرمایه انسانی اشاره شد ۳۷ درصد از شهروندان شهر جدید هشتگرد دارای تحصیلات عالی هستند. علی‌رغم این در زمینه‌های هنری ورزشی و حرفه‌ای، شهر جدید داشته‌های مشخصی ندارد و افراد شناخته شده‌ای در این زمینه‌ها در شهر دارای شهرت و معروفیت خاصی نیستند. بنابراین از تمامی این شاخص‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که سطح سرمایه‌ی فرهنگی در هشتگرد با توجه به فعال نبودن مراکز فرهنگی و هنری در این شهر بسیار پایین است و بستر مناسب برای ظاهر شدن این سرمایه نیز در شرایط کنونی مهیا نیست.

سرمایه‌ی نمادین از نظر بوردیو به عنوان آوازه، شهرت و به‌طور کلی خصوصیات اخلاقی در اجتماع یاد می‌شود. در واقع، سرمایه‌ی نمادین بنیانی انسانی دارد و وابسته به انسان و قوای شناختی اوست. این سرمایه ماهیت اجتماعی دارد و به چیزی اطلاق می‌شود که بنا به اعتقاد مردم فارغ از صواب یا ناصواب بودن آن، سرمایه محسوب می‌شود. بنابراین حس شهرت و افتخار در شمار این نوع سرمایه هستند (بهیان، ۱۳۸۹: ۱۱۸). به نظر بوردیو سرمایه‌ی



نمادین نوعی باور جمعی و سرمایه‌ای مبتنی بر اعتماد است که از اعتبار جمعی و نیز ثروت مادی نشأت می‌گیرد.

از آنجا که هشتگرد جدید بی‌هیچ پیشینه و هویت قبلی ساخته شده است و چندان از عمر آن نگذشته است، هنوز هیچ سرمایه‌ی نمادینی ندارد. تنها نقاطی که در شهر جدید از طرف شهروندان به عنوان داشته‌های اصلی شهر شناخته می‌شود، سکوت و آب و هوای خوب شهر و همچنین ساختار شهری منظم آن است. این دو مورد نیز در تقابل با تهران و شهرهای قدیمی اطراف هشتگرد تعریف شده است و سرمایه‌ای نمادین فعلی شهر خود بسنده نیست و تنها در تقابل با شهرهای پیرامونی تعریف شده است.

تحلیل بعد نهادی

بعد نهادی موثر بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر جدید هشتگرد از سه جنبه بررسی وضعیت توانایی نهادی، یکپارچه بودن نهادها و همچنین دانش نهادها بررسی شده است. توانایی نهادی: در بررسی وضعیت توانایی نهادی شاخص‌هایی چون سرمایه‌ی انسانی، برخورداری از منابع، هدفمند بودن، نظام مشوق‌ها، روابط درون نهادی و انعطاف‌پذیری در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش، شرکت عمران به عنوان نهاد اثرگذار در وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهر مد نظر است. بر اساس مطالعات کیفی و نشست‌های مشترک چنین استنباط شده است که شرکت عمران شهر جدید از لحاظ وضعیت توانایی و شاخص‌های مذکور در جایگاه مطلوبی قرار دارد. به لحاظ سرمایه‌ی انسانی، تمامی نیروهای آن از تحصیلات لازم برخوردارند. به ویژه، بخش شهرسازی این شرکت از نظر نیروی انسانی توانمند است.

در شاخص برخورداری از منابع نیز وضعیت شرکت عمران مطلوب است. فضای ساختمانی و تجهیزات مورد نیاز این شرکت تأمین و از کیفیت لازم برخوردار است. این شرکت منابع مالی لازم و کافی نیز دارد. شرکت عمران، در شاخص هدفمند بودن نیز وضعیت مطلوبی دارد و اهداف و برنامه‌های این شرکت کاملاً مشخص است و برای تمامی نیروهای انسانی فعال در این شرکت این اهداف روشن است. اما در شاخص‌های نظام مشوق‌ها، روابط درون نهادی و انعطاف‌پذیری به نظر می‌آید این شرکت دارای ویژگی‌ای که بتواند باعث ارتقای عملکرد سازمانی این شرکت شود، نیست.

وضعیت یکپارچه بودن نهادها: دوگانگی مدیریتی مسئله‌ای است که تمامی شهرهای جدید، پس از آن که بخشی از شهر را به شهرداری تحویل می‌دهند، پیش می‌آید. از یک طرف، شرکت عمران آن شهر، بخشی از شهر را به دست و مدیریت آن را بر عهده دارد و از



سوی دیگر، شهرداری نیز مدیریت بخشی از شهر را به دست دارد. البته بین وظایف این دو سازمان تفاوت وجود دارد. این مسئله اگر همین اندازه هم بود، دوگانگی و سردرگمی ایجاد می‌کرد اما از این هم بیشتر است.

شهرداری در شهری جدید که عوارض ساخت و ساز در آن معنایی ندارد، دشواری‌های بسیاری دارد. آنها که خودگردان هستند، باید خود منابع مالی‌شان را تأمین کنند و با نبود عوارض ساخت و ساز یکی از منابع اصلی تأمین بودجه‌ی خود را از دست می‌دهند. از طرف دیگر، شرکت عمران که قانوناً مالک زمین در شهرهای جدید است، عواید حاصل از فروش زمین را به دست می‌آورد. همین امر، باعث تنش بین این دو نهاد می‌شود. البته این تنش بنابر ادعای مسئولان شرکت عمران و همچنین شهردای هشتگرد بسیار کم است و تعامل کامل بین این دو نهاد شهری وجود دارد.

از سوی دیگر، شهر جدید، زیرمجموعه‌ی شهرستان ساوجبلاغ به مرکزیت هشتگرد قدیم در استان البرز است و لذا برخی اداراتی که امور شهر جدید رسیدگی می‌کنند، در شهر قدیم قرار دارند. اما از آنجا که هشتگرد شهر جدیدی است در برخی از ادارات ردیف بودجه یا برنامه‌ی مشخص برای این شهر در نظر گرفته نشده است که از آن جمله می‌توان به اداره‌ی آموزش و پرورش اشاره کرد که تنش‌های بین دو شهر بوجود آورده است. به علاوه، بین رویکرد سیاست‌گذاران فعلی دولت و دولت سابق در مورد مسکن مهر اختلاف وجود دارد که این امر نیز ناهماهنگی و عدم یکپارچگی به وجود آورده است.

دانش نهادها: در بررسی وضعیت دانش نهادها، دو شاخص دانش تخصصی و بومی مد نظر قرار می‌گیرد. مطالعات کیفی حاکی از آن است که شرکت عمران شهر جدید به لحاظ دانش تخصصی وضعیت مطلوبی دارد. به ویژه، از نظر دانش تخصصی در حوزه‌ی شهرسازی از کفایت لازم برخوردار است. اما، از سوی دیگر به دلیل تأکید و تمرکز بر دانش شهرسازی به استفاده و به کارگیری علوم انسانی توجه چندانی نشده است. همین امر، موجب به وجود آمدن مسائلی در طراحی، اجرا و مدیریت شهر جدید شده است.

در خصوص دانش بومی که به معنای میزان آگاهی شرکت عمران شهر جدید هشتگرد از شرایط منطقه و میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی است می‌توان گفت که شرکت عمران نتوانسته است نسبت به وضعیت فعلی ساکنان شهر به ویژه از نظر مسائل اجتماعی و انسانی دانش دقیقی داشته باشد. گرچه، در سند جامع شهر به عنوان منبعی دانش‌افزا، شرایط منطقه‌ای شهر دیده شده است اما مناسبات انسانی منطقه‌ای ممکن که می‌تواند موجب ارتقا یا کاهش شرایط اجتماعی و فرهنگی شهر شود، مورد توجه شرکت عمران قرار نگرفته است.



ظرفیت نهادی: بر اساس رویکرد نهادگرایی، نهادها اعم از رسمی و غیر رسمی به عنوان بخش مهم و جدایی ناپذیر در کاهش عدم قطعیت و ریسک و همچنین افزایش اعتماد در توسعه‌ی منطقه‌ای تلقی می‌شوند. نهادها سطوح مختلفی دارند که می‌توان آنها را از سطوح خرد- همچون سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد- تا نهادهای کلان دولتی و حکومتی دسته‌بندی کرد (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۷). با توجه به این رویکرد، نهادهای مدنی و مردم نهاد بستر اصلی و پتانسیل ارزشمند جامعه برای توسعه به حساب می‌آیند. بر این اساس، تلاش برای تقویت و توانمندسازی نهادهای مدنی و مردم نهاد در تحقق ارتقای وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهرهای جدید نقش مهمی را ایفا می‌کند.

بر اساس یافته‌های مطالعات کیفی، نهادهای اجتماعی در شهر هشتگرد قوام‌یافته نیستند و در مرحله جنینی خود به سر می‌برند. نهادهایی که در شهر به شکل جسته و گریخته فعالیت دارند عبارتند از جلسات خانگی قرآن، هیئت‌های مذهبی، مساجد، انجمن‌های خیریه، انجمن‌ها و مراکز هنری و ضمیمه دنیای اقتصاد ساوجبلاغ. نهادهای فعال در شهر هشتگرد معمولاً قائم به یک فرد هستند و توسط یک نفر از اهالی تشکیل شده‌اند و فعالیت آنها وابسته به فرد مؤسس است و هنوز نتوانسته‌اند دارای کادر تشکیلاتی منسجمی شوند. همچنین نهادهای مردم نهاد مورد اشاره در فازهای اول و دوم که قدمت بیشتری دارند شکل گرفته‌اند. بنابراین این نهادهای مردمی و خودجوش پتانسیل‌های شهر را در تشکیل نهادهای مردمی و امکان استفاده از ظرفیت آنها را به منظور توانمندسازی ساکنان نشان می‌دهند، هر کدام از این نهادهای مردم نهاد، قابلیت‌ها و ضعف‌های خاصی دارند که با افزایش توانمندی آنها می‌توان در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و همبستگی اجتماعی در شهر تأثیر گذاشت. اما در عین حال باید دقت کرد که این نهادهای خرد در این مرحله که هنوز قوام‌یافته نشده و به بلوغ نرسیده‌اند نیاز به حمایت‌های قانونی و تشکیلاتی توسط مدیریت شهری دارند تا بتوانند به بلوغ لازم برسند و بتوانند نقش خود را ایفا کنند.

در شهر هشتگرد قومیت‌هایی به شکل ساختاریافته‌ای فعالیت ندارند و برنامه‌های قومی در این شهرها به شکل جدی برگزار نمی‌شود بنابراین غلبه برنامه‌های قومیتی در این شهر دیده نمی‌شود. بنابراین نهادهای فعال در این شهرها بیشتر بر اساس موضوعات مدنی هستند و اصلی‌ترین ظرفیت‌های توانمندسازی نیز برنامه‌های مدنی و زیست شهری در شهر جدید است که می‌تواند از کانال‌های نهادهای مدنی فعال در شهر و همچنین نهادهای کلان‌تر مانند مدارس، شهرداری و شرکت عمران اجرایی شود.



تحلیل بعد کالبدی

تحلیل بعد کالبدی موثر در پایداری اجتماعی شهر جدید هشتگرد در هفت بعد حس مکان، دسترسی، سرزندگی، انعطاف‌پذیری، معناداری، فضاهای گم‌شده و جدایی‌گزینی مکانی بررسی شده است.

حس مکان: همان‌گونه که در بحث درباره‌ی تعلق اجتماعی آمد، یکی از شاخص‌های سنجش تعلق اجتماعی حس مکان است. همانطور که گفته شد بیش از نیمی از شهروندان تمایل دارند با عنوان شهر جدید هشتگرد نامیده شوند به محل سکونت خود حس تعلق دارند. وجود آرامش در شهر هشتگرد از نظر ساکنین، انگیزه‌های اصلی برای انتخاب این شهر و سکونت در آن است. همچنین ۶۱/۳ درصد از سرپرستان خانوار در شهر جدید هشتگرد مالک بوده‌اند که باعث افزایش حس تعلق آنها به شهر می‌شود. آب و هوای مناسب شهر از نظر ساکنین به عنوان عامل متمایز کننده شهر از شهرهای پیرامونی و حس تعلق شهروندان به شهر محسوب می‌شود.

عواملی که باعث می‌شود حس مکان شهروندان نسبت به شهر کاهش پیدا کند، عبارت است از پایین بودن میانگین سکونت خانوارها در شهر پایین بودن مشارکت ساکنین در ساخت و سازهای تعاونی و پیمانکاری، پایین بودن مشارکت ساکنین در احیای محیط زندگی، مناسب نبودن قوانین و مقررات پشتیبان برای بکارگیری بخش خصوصی در فرایند تحقق‌پذیری خدمات رفاهی درون شهر و غلبه فعالیت‌های تجاری مشاورین املاک بر دیگر صنف‌های شغلی که مانع از شکل‌گیری شرایط مناسب برای فعال شدن عرصه عمومی و در نتیجه بالا رفتن حس مکان در شهروندان می‌شود.

دسترسی: در شهر جدید هشتگرد با توجه به برنامه‌ریزی قبلی و وجود طرح جامع قبل از احداث شهر دسترسی‌های شهر از وضعیت تقریباً مناسبی برخوردار است. شهر از مسیرهای شرقی غربی کوتاه است و نواحی مسکونی را به محور عبوری اصلی شهر متصل می‌کند و نفوذپذیری شهر را افزایش می‌دهد. تابلوها و علائم راهنمایی جهت افزایش خوانایی مسیر در اغلب محورهای ارتباطی شهر وجود دارد. لبه طراحی شده در جداره خیابان آسمان حدفاصل پارک گلستان و بلوار شقایق لبه مناسب طراحی و اجرا شده است که در نتیجه آن خوانایی و جذابیت مسیر بالا رفته است. همچنین این لبه به عنوان دیوار حائل ناحیه مسکونی جبهه پستی را از محور ارتباطی جدا کرده است.



دسترسی‌ها دارای جداسازی مناسب مسیر عبور پیاده و سواره هستند که اغلب توسط ابزارهای نرم چون پوشش گیاهی و سخت چون نرده‌های کوتاه فلزی انجام شده‌اند. برخورداری ورودی شهر هشتگرد از تابلوهای راهنمای مسیر و ایجاد فرصت برای تشخیص مسیر البته، تمامی این نقاط مثبت به فازهای قدیمی شهر (فازهای صفر، ۱ و ۲) مربوط می‌شود. مسیرهای تجهیز شده‌ی مورد اشاره در بند ۱ همگی در فازهای قدیمی قرار دارند. دو ایستگاه پایانه اتوبوسرانی و تاکسی از فازهای جدید دور است و دسترسی به آن برای ساکنان فازهای جدید یعنی فازهای ۳، ۴، ۵ و ۶ دشوار است. تنها، یک خط تاکسی از میدان امام خمینی به شهرک آفتاب واقع در فاز ۵ وجود دارد و دیگر محلات فازهای جدید از خدمات حمل و نقلی محروم هستند.

در عین حال سیستم حمل و نقل عمومی اتوبوس برای جا به جایی ساکنین از محلات مسکونی به مراکز خدماتی شهر بسیار ضعیف است. محور تردد پیاده به صورت شبکه‌ی پیاده‌راهی و متصل کننده مراکز خدماتی به یکدیگر ضعیف است و به همین دلیل سهم بالایی از ساکنین از وسیله نقلیه شخصی برای مراجعه به محل کار خود استفاده می‌کنند.

سرزندگی محیطی: به محیطی برای همه شامل کودکان، زنان، سالمندان و ... برخوردار از جذابیت‌های گوناگون اشاره دارد، با توجه به مشاهدات میدانی این مشکلات در شهر جدید هشتگرد وجود دارد: نبود مکان خاطره انگیز در درون شهر از نظر بیش از ۶۰ درصد ساکنین، نبود مکان دنج در شهر هشتگرد از نظر اغلب ساکنین علی رغم تمایل به وجود آن، غلبه بالای گونه سکونت‌ی مجتمع‌های مسکونی مسکن مهر و تعاونی‌های مسکن نسبت به واحدهای آپارتمانی و ویلایی در شهر و ضعف تنوع شهری، یکنواختی نمای ساختمانی در نواحی مسکونی آپارتمانی و مجتمع‌های آپارتمانی و ایجاد یکنواختی و عدم تمایز، بلا استفاده ماندن اغلب فضاهای سبز محلی به دلیل عدم تجهیز به لوازم بازی و ورزشی درون پارک، غیرفعال بودن فضاهای تعبیه شده درون پارک اصلی شهر و عدم سرزندگی فضای عمومی، عدم توجه به امکانات جهت حضور همه اقشار شهر از جمله معلولین، ناتوانان جسمی و غیره، شکل نگرفتن فعالیت‌های جاذب درون پارک‌ها و از رونق افتادن فضاهای عمومی در آن، ناکارآمدی مبلمان شهری در اغلب پارک‌های شهری برای محافظت از شهروندان در فصول سرد و گرم، عدم وجود مبلمان شهری مناسب برای نشستن در مرکز خرید تره بار فازهای یک و دو، فراهم نشدن مبلمان مناسب برای حضور معلولین و ناتوانان جسمی در مراکز خرید و خدماتی و مانع شکل‌گیری فضایی برای همه، غلبه فعالیت‌های مربوط به مستغلات شهری در فضاهای عمومی و کاهش تجمع‌پذیری و سرزندگی فضایی و کاهش نظارت اجتماعی.



مشاهدات کالبدی نقاط قوت وضعیت سرزندگی شهر جدید هشتگرد را بدین ترتیب نشان می‌دهد: وجود آرامش درون شهر از نظر ساکنین، پارک گلستان به عنوان مکان خاطره انگیز و دنج از نظر ساکنین شهر، برخورداری کریدورهای دید شمالی از چشم انداز طبیعی کوهستانی، برخورداری از مبلمان مناسب جهت تقویت شاخص سکون در پارک‌های عمومی، وجود فضای پیاده‌راهی تجهیز شده در شمال میدان شهرداری و تقویت حضورپذیری مسیر، فراهم شدن فضای پلازا در محوطه‌سازی پارک گلستان و افزایش فرصت‌های تجمع پذیری، برخورداری پارک‌های عمومی از لوازم ورزشی و مبلمان مناسب برای حضور شهروندان و افزایش تحرک اجتماعی

انعطاف‌پذیری فضاهای شهری به معنای قابلیت جای دادن فعالیت‌های گوناگون در مکان و اختلاط عملکردهای متنوع درون شهر است. برای سنجش این مؤلفه، پراکنش فعالیت‌های انسانی (سکونت، خدمات رفاهی، فعالیت‌های تجاری و غیره) و رضایت ساکنین از نحوه‌ی پراکنش و دسترسی به این فعالیت‌ها نیز در نظر گرفته شده است. به علاوه میزان نیاز شهروندان به مراجعه به دیگر شهرها برای تأمین نیازهایشان از دیگر شاخص‌های سنجش وضعیت انعطاف‌پذیری فضا است. مشاهدات کالبدی نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه ساکنین از خدمات فرهنگی و درمانی بهداشتی شهر هشتگرد ناراضی هستند و کمبودهای شدیدی در شهر احساس می‌شود، اما در طرح جامع شهر این خدمات دیده شده است و دستیابی به این خدمات می‌تواند منجر به افزایش رضایت شهروندان شود و انعطاف‌پذیری آنها شود. کمبود خدمات رفاهی درون شهر و همچنین توزیع نامناسب خدمات رفاهی درون محلات شهری به ویژه فقر خدماتی فازهای سه و چهار به‌ویژه در نواحی مسکن مهر و مجتمع‌های تعاونی مسکن از نقاط منفی انعطاف‌پذیری شهر است.

علاوه بر این مراکز تجاری فعلی شهر با ناکارآمدی نسبی به دلیل غلبه فعالیت‌های تجاری مشاورین املاک مواجه‌اند و ساکنین به شهرهای پیرامونی برای امر خرید وابسته هستند. اراضی طبیعی پیرامون شهر ظرفیت مناسبی را برای ایجاد فضاهای گردشگری مهیا می‌کنند. به عنوان نمونه روستای فشند در حال حاضر در حال تبدیل شدن به یکی از مناطق گردشگری در قسمت شمالی شهر است که می‌تواند نقش مناسبی را ایفا کند.

معناداری فضاهای شهری به نقش‌انگیزی، نشانه‌های خاطره‌انگیز و هویت‌بخش اشاره دارد. معناداری در این پژوهش با بررسی المان‌های شهری و هنرهای تجسمی به کارگرفته شده در شهر جدید هشتگرد و میزان خاطره‌انگیزی فضاهای شهری سنجیده شده است. بر اساس مشاهدات کالبدی، در شهر جدید ساختمان شاخص درون شهر به عنوان نشانه‌ی شهری وجود



ندارد و همچنین از دامنه‌های طبیعی برای ایجاد نماهای پلکانی و هویت متمایز نواحی مسکونی استفاده نشده است. از سوی دیگر، ورودی‌های شهر به جای استفاده از نمادها و نشانه‌های شهری ساختمان‌های بلند مرتبه در حال ساخت رها شده منظره نامناسبی دارد. المان‌های شهری موجود در شهر بدون توجه به ارتباط معنایی با محیط احداث شده‌اند و در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و حس تعلق ساکنین موثر نیستند.

فضاهای گم شده: شاخص‌هایی چون زمین‌های رها شده، مکان‌های خطرناک درون شهر و فضاهای عاری از نظارت همگانی در نظر گرفته شده است. مشاهدات کالبدی و مطالعات کیفی نشان دهنده وجود فضاهای رها شده و نیمه ساخته در محلات مسکونی است این مشکل در تمام قسمت‌های شهر و خصوصاً در فازهای جدید بسیار بیشتر مشاهده می‌شود و همان‌گونه که در بحث درباره‌ی امنیت شهر گفته شد، از عوامل مهم احساس ناامنی در این شهر است. وجود فضاهای رها شده و بایر که معمولاً مملو از پسماند و نخاله‌های ساختمانی هستند، همچنین نخاله‌هایی که در مسیرهای اصلی شهر و دره‌های موجود در شهر دیده می‌شوند علاوه بر ایجاد آلودگی بصری، نشان دهنده پایین بودن نظارت در شهر است که با خود احساس ناامنی را به همراه دارد. فضاهای پیرامونی میادین اصلی شهر رها مانده است و پروژه‌های عمرانی در آن انجام نشده است که این موضوع باعث ایجاد تصویر ذهنی برای شهروندان را دشوار می‌کند و در عین حال باعث از بین رفتن امنیت در شب می‌شود.

جدایی گزینی مکانی: با انجام مشاهدات میدانی از چگونگی پراکنش ساخت و سازها، وضعیت اختلاط و یکپارچگی عملکردها به تناسب مقیاس‌های فضایی و ماهیت فضاهای شهری وضعیت جدایی گزینی و یا انسجام کالبدی شهر مورد بررسی قرار گرفت. مشاهدات کالبدی نشان می‌دهد که ساخت و ساز در شهر جدید بسیار پراکنده است، به نحوی که شهر کاملاً پراکنده و تکه تکه است. حتی در فازهای قدیمی‌تر شهر نیز علی‌رغم اینکه در مقایسه با دیگر قسمت‌ها وضعیت بهتری دارد و اختلاط فعالیت و سکونت به شکل نسبی شکل گرفته است اما زمین‌های بایر زیادی در این قسمت‌ها دیده می‌شود که مانع از شکل‌گیری تراکم کامل در این محدوده‌ها شده است و شهر از این بابت فاصله زیادی تا وضع مطلوب دارد. به محوی که بهترین مشکل کالبدی شهر را می‌توان همین پراکندگی و گسستگی فضایی دانست.

بر اساس مطالعات کیفی، گسستگی مذکور که بین فازهای قدیمی‌تر و فازهای جدید وجود دارد، موجب احساس جدایی و طرد بین ساکنان فازهای جدید شده است. توسعه لجام گسیخته پهنه‌های سکونت درون شهر که در فازهای جدید با اجرای پروژه‌های مسکن مهر



اتفاق افتاده است. جدایی‌گزینی مکانی و همچنین برجسب اجتماعی که به ساکنان آن خورده وضعیت پیچیده‌ای را برای این قسمت از شهر به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد ماندگاری و تمایل به سکونت در شهرها، خصوصاً در شهرهای جدید به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های موفقیت شهرها محسوب می‌شود که محور این مقاله قرار گرفته است. در رویکرد توسعه پایدار، علاوه بر توسعه اقتصادی، توجه به اجتماع و مباحث محیط‌زیستی به عنوان ملزومات رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار دانسته می‌شود، به همین دلیل در این رویکرد با نگرشی چندجانبه و آینده‌نگر، ابعاد لازم برای دستیابی به توسعه ترسیم می‌شود. با توجه به این مفروضات توسعه در شهر جدید ارتقای سطح زندگی در ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه‌ی شهروندان به زندگی بهتر تعریف می‌شود به نحوی که پایداری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و زیست محیطی شهر فراهم شود.

تا زمانی که شهر مفهوم اجتماع پیدا نکند و به صورت گسیخته و غیرهمه‌جانبه رشد کند، مفهوم سازندگی شهر تحقق نمی‌یابد و امکان اثربخشی مؤلفه‌های توسعه کاهش می‌یابد. به این ترتیب لازم است که شهروندان یک شهر، خود را متعلق به آن بدانند، تمایل به سکونت در آن داشته باشند و خواهان گسترش و رشد شهر و بهبود شرایط باشند، در این صورت امکان موفقیت برنامه‌ریزی‌های شهری توسعه‌ی شهری فراهم خواهد شد. رسیدن به پایداری اجتماعی مستلزم وجود چهار عنصر اساسی با کارکرد مناسب است که عبارتند از بعد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و ابعاد نهادی.

به همین دلیل رسیدن به پایداری اجتماعی در شهر جدید هشتگرد نیازمند تقویت این چهار بعد خواهد بود. مطالعات انجام شده نشان داد که، تحلیل وضعیت اجتماعی شهر جدید هشتگرد نشان داد که ارکان لازم برای همبستگی در آن یعنی فعالیت اصناف و تقسیم کار در آن شکل نگرفته است. همچنین تراکم جمعیتی شهر با توجه به پراکنده بودن ساخت و سازها و وجود زمین‌های بایر در شهر شکل نگرفته است. تنها منابع همبستگی بخش موجود در شهر بر اساس همبستگی‌های مبتنی بر روابط موجود در مبدا مهاجرت مانند روابط خانوادگی و دوستی است.

نبودن راسته‌های تجاری و تسلط فعالیت بنگاه‌های املاک در محدوده‌های تجاری شهر، فقدان فضاها فراغتی و فعال نبودن عرصه‌های عمومی شهر نیز امکان شکل‌گیری و تقویت ارتباط اجتماعی را بسیار محدود کرده است.



در عرصه نهادی نیز نهادهای مدنی در شهر هشتگرد آنچنان فعال نیستند و به این ترتیب شرایط لازم برای گفتگو بین ساکنان و ایجاد همفکری و توافق بین گروه‌های اجتماعی و شهروندان هشتگرد مهیا نیست. در مجموع با توجه به شرایط موجود و بررسی ابعاد مختلف همبستگی اجتماعی در شهر هشتگرد، وضعیت همبستگی اجتماعی در شهر را نمی‌توان همبستگی بالایی دانست.

نتایج نشان داده است که تعلق به شهر تنها در بین یک سوم از شهروندان وجود دارد و تمایل به سکونت در شهر در بین افرادی که با انگیزه زندگی در یک محیط آرام، کسب آرامش و آلودگی‌های کمتر به شهر جدید رفته‌اند بیشتر است و در مقابل کسانی که به دلیل کاهش هزینه زندگی و خرید واحد مسکونی به شهر جدید رفته‌اند، تعلق کمتری به شهر داشته‌اند و با افزایش سال‌های سکونت در شهر نیز تعلق آنها به شهر افزایش پیدا نکرده است، حتی مواردی مانند مشارکت در ساخت واحد مسکونی که می‌تواند تعلق به خانه را در شهرهای کوچک به همراه داشته باشد در شهر جدید هشتگرد دیده نمی‌شود. همچنین فراهم نبودن امکان صدور شناسنامه متولدین و به خاک سپردن متوفیان در شهر جدید نیز مانع از شکل‌گیری وابستگی آبا و اجدادی در شهر جدید است.

فقدان فضاهای عمومی فعال و فضاهای خرید در شهر امکان اتفاق کنش و کنش‌های نیت‌مند در بین شهروندان و ایجاد روابط بین آنها را کاهش می‌دهد. همچنین بیش از نیمی از شهروندان در هیچ گروه و یا تشکل اجتماعی مشارکت ندارند و فعالیت‌های آنها حتی در تامین خدمات مورد نیاز برای محله‌ها نیز به شکل فردی و محدود است، که در نتیجه تمام این موارد پایین بودن سرمایه اجتماعی در شهر است.

در بحث اختلاط اجتماعی، شهر از تعادل گروه‌های مختلف سنی برخوردار است و تنوع قومی بالایی دارد، اما اقشار اجتماعی و طبقات اقتصادی متنوع در شهر وجود ندارد و معمولاً ساکنان شهر از طبقات اجتماعی متوسط و متوسط رو به پایین هستند. نوع شغل آنها معمولاً مشاغل غیرحرفه‌مند و ساده بوده است.

تغییرات سریع جمعیتی و ورود مهاجران به شهر جدید هشتگرد باعث حضور مداوم افراد "غریبه" در شهر شده است که احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در شهر را کاهش می‌دهد، احداث واحدهای مسکن مهر و ورود تعداد زیادی از مهاجران تازه وارد به این واحدها نیز به این مساله دامن زده است. علاوه بر این فضاهای عمومی شهر نیز خصوصاً با توجه به پایین بودن تنوع فعالیت‌های تجاری موجود در آن، فضاهایی مردانه است و احساس امنیت مناسب برای تردد زنان در آن وجود ندارد. در سطح محلات و خصوصاً محلات با خانه‌های ویلایی به دلیل



بالا بودن سرقت منزل امنیت پایین‌تری دیده می‌شود، علاوه بر این وجود زمین‌های بایر و واحدهای مسکونی نیمه‌ساز و رها شده مکان‌های مناسبی برای بروز بزه و جرم مهیا کرده است که کاهش امنیت اجتماعی در شهر را به همراه دارد.

پایین بودن خدمات شهری و امکانات مختلف خصوصاً در تامین نیازمندی‌های روزمره شهروندان، ضعف سیستم حمل و نقل عمومی داخل شهر، سختی و زمان‌بر بودن تردد به تهران و شهرهای منطقه، فقدان فضاهای فراغت و تفریحی از مواردی است که کیفیت و رضایت از زندگی در شهر را کاهش داده است اما از سوی دیگر این طراحی منظم و ساختار مهندسی شهر یک نقطه مثبت از نظر شهروندان محسوب می‌شود و شهروندان امیدوارند در آینده وضعیت خدماتی شهر بهبود پیدا کند و نیازهای آنها را پاسخگو باشد.

تحلیل شاخص‌های فرهنگی شهر نشان می‌دهد که هویت شهری شهر جدید در تقابل با هشتگرد قدیم و دیگر شهرهای قدیمی‌تر محدوده شکل گرفته است و همچنین برخی ویژگی‌های شهر جدید امکان شکل‌گیری هویت جمعی را در مقابل دیگر شهرهای منطقه برای هشتگرد جدید مهیا می‌کند. بررسی سرمایه انسانی شهر نشان می‌دهد که افراد تحصیل‌کرده و ماهر آن در سنین میان‌سالی قرار دارند، همچنین با توجه به کوتاهی قدمت سکونت در شهر جدید، ملاحظه می‌شود که افراد شناخته شده و بارزی که به عنوان سرمایه‌های انسانی در این شهر در مقایسه با دیگر شهرهای منطقه وجود داشته باشند به شکل پیرنگی دیده نمی‌شود و لذا شهر دارای سرمایه انسانی بالایی نیست. بررسی شاخص‌های مختلف سرمایه فرهنگی نشان داد که سطح سرمایه‌ی فرهنگی در هشتگرد جدید با توجه به فعال نبودن مراکز فرهنگی و هنری بسیار پایین است و بستر مناسب برای ظاهر شدن این نوع سرمایه نیز در شرایط کنونی مهیا نیست. از آنجا که هشتگرد جدید بی‌هیچ پیشینه و هویت قبلی ساخته شده است و چندان از عمر آن نگذشته است، هنوز هیچ سرمایه‌ی نمادینی کسب نکرده است و تنها نقاطی که در شهر جدید از طرف شهروندان به عنوان داشته‌های اصلی شهر شناخته می‌شود، سکوت، آب و هوای خوب شهر و همچنین ساختار شهری منظم آن است. این موارد به عنوان نمادهای شهر در تقابل با تهران و شهرهای قدیمی اطراف تعریف شده است و سرمایه‌ی نمادین فعلی شهر خود بسنده نیست و در تقابل با شهرهای پیرامونی تعریف شده است.

تحلیل بعد نهادی از سه جنبه بررسی وضعیت توانایی نهادی، یکپارچه بودن نهادها و همچنین دانش نهادها بررسی شده است که نشان می‌دهد در بحث توانایی نهادی شرکت عمران شهر جدید به عنوان تاثیرگذارترین نهاد داخلی شهر به لحاظ سرمایه‌ی انسانی توانمند



است و فضای ساختمانی و تجهیزات مورد نیاز، منابع مالی و هدفمند بودن وضعیت مناسبی دارد اما از نظر عملکرد سازمانی از روابط درون‌نهادی و انعطاف‌پذیری مناسب برخوردار نیست. همچنین در بحث یکپارچه بودن نهادی با احداث شهرداری شهر جدید هشتگرد تعارض‌هایی در تامین منابع مالی این دو نهاد وجود دارد. همچنین بسیاری از اداره‌های پاسخگو به نیازهای شهروندان شهر جدید در هشتگرد قدیم قرار گرفته است که باعث شکل‌گیری دوگانگی نهادی شده است. در حوزه دانش نهادها نیز از نظر دانش تخصصی نهادهای فعال در شهر جدید از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند اما دانش بومی که ناشی از شناخت وضعیت ساکنان شهر و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن است در شهر کمتر وجود دارد و از این بعد دانش نهادی ضعف دیده می‌شود. بررسی ظرفیت نهادی از سطوح خرد - نهادهای مردم نهاد - تا نهادهای کلان دولتی و عمومی نشان می‌دهد که نهادهای فعال در شهر در مرحله جنینی به سر می‌برند و ساختار آنها قوام نیافته است. نهادهای مردمی معمولاً قائم به فرد هستند و دارای کادر تشکیلاتی منسجم و توانمند نشده‌اند و به بلوغ سازمانی نرسیده‌اند.

تحلیل بعد کالبدی شهر جدید هشتگرد نیز نشان می‌دهد که پایین بودن سابقه سکونت، عدم مشارکت شهروندان در فرآیند ساخت و ساز و تامین نیازهای محلی مانع از شکل‌حس مکان در شهر بوده است و در عوض آب و هوای مناسب و آرامش شهر و امکان مالک شدن حس مکان را در شهر تقویت کرده است. دسترسی و خدمات حمل و نقل عمومی داخل شهر و شبکه ارتباط شهر با شهرهای پیرامونی ضعیف است. فقدان مکان‌های خاطره‌انگیز، بلااستفاده بودن فضاهای عمومی تعریف شده و فعال نبودن عرصه عمومی سرزندگی محیطی را در شهر کاهش داده است، همچنین محیط‌های موجود در شهر از انعطاف‌پذیری مناسبی برخوردار نیستند و پراکنش فعالیت‌های انسانی و خدماتی در شهر متعادل نیست و کمبود آن در برخی از قسمت‌های شهر نقاط منفی انعطاف‌پذیری شهر محسوب می‌شوند. فقدان نشانه‌های خاطره‌انگیز و همچنین ساختمان‌های نیمه‌ساز رها شده، معناداری فضاهای شهر را مخدوش کرده است و جدایی‌گزینی مکانی را در شهر خصوصاً در محدوده‌های جدید شهر بوجود آورده است.

به این ترتیب لازم است با توجه به مباحث نظری ارائه شده در حوزه پایداری اجتماعی، برنامه‌هایی در هدف تقویت چهار بعد موثر بر پایداری اجتماعی و رسیدن به جامعه پایدار در شهر جدید هشتگرد اجرا شود. در این راستا لازم است که شهر هشتگرد جدید به هویتی منحصری‌فرد و تمایز و در عین حال مکمل در مجموعه شهری تهران دست‌پیدا کند، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وجه ممیزه شهر آرامش و محیط زیست سالم آن است. به این



ترتیب هشتگرد جدید می‌تواند بخش خاصی از جمعیت مجموعه شهری تهران را که جویایی آرامش و محیط‌زیست مناسبی هستند جذب کند که بنا بر مطالعات انجام شده تمایل به ماندگاری بیشتری خواهند داشت. همچنین نیاز است که زیرساخت‌ها و شرایط مناسب به منظور ارتقای فرهنگ شهروندی، مشارکت و همکاری نهادهای مدنی فراهم شود و نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف نقش‌پذیر شوند. شهروندان شهر جدید هشتگرد در حوزه‌های مختلف توانمند شوند و دانش لازم به منظور تقویت نهادی، افزایش انواع سرمایه‌های فرهنگی و انسانی فراهم شود.

علاوه بر این لازم است که بعد کالبدی در راستای ارتقای شرایط اجتماعی فرهنگی شهر و فراهم کردن بسترهای مناسب مهیا شود. به نحوی که فضاهای عمومی به منظور افزایش امکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی برای گروه‌های اجتماعی مختلف و تحقق گفتگوهای همبستگی‌ساز در شهر فعال شود. اعتماد اجتماعی بین شهروندان افزایش پیدا کند. بستر مناسب برای گذران اوقات فراغت در فضاهای شهر فراهم شود و خدمات مورد نیاز در حوزه‌های مختلف تامین شود. نکته مهم در دستیابی به این اهداف این است که این موارد باید با مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی انجام شود که از این طریق بنا بر ادبیات نظری موجود، در حوزه شرایط رسیدن به پایداری اجتماعی محقق خواهد شد.

منابع

- ابریشم‌کار، پریا، (۱۳۸۸)، ارزیابی عملکرد شهر جدید هشتگرد با تاکید بر اهداف اقتصادی و اجتماعی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- بازنگری طرح جامع شهر جدید هشتگرد (۱۳۸۹)، مهندسی مشاور پی کده.
- بهیان، شاپور (۱۳۹۲)، سرمایه نمادین در آثار ابراهیم‌کیا، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۱۷-۱۳۸.
- پناهی، محمد حسین، امیدی، مهدی (۱۳۹۱)، رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی با سرمایه فرهنگی، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، سال ششم، شماره ۱۷، ۳۳-۶۶.
- حاجی‌زاده، م و اسکندری، ا (۱۳۹۲)، بررسی وفاق اجتماعی و برخی از عوامل آن، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۷-۴۰.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، فضای شهری: برخورد نظریه‌ای، نشریه صفا، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۱، شماره ۳۳، ۴-۱۳.
- طرح جامع شهر جدید هشتگرد (۱۳۷۲)، مهندسان مشاور طرح و معماری.
- طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن‌ها (۱۳۷۴)، مصوب هیات وزیران.



- عبدالحی، مجید (۱۳۹۱)، ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی، مورد پژوهشی محله‌های شهر شیراز، مدیریت شهری، شماره ۱۶۴، ۳۲-۱۸۲.
- فتحی، سروش، فدوی، جمیله (۱۳۹۱)، تحلیلی بر آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سال‌های ۱۳۷۸-۸۷ و عوامل موثر بر آن، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، سال سوم، شماره‌ی هشتم، ۱۲۱-۱۴۴.
- قرخلو، مهدی، پناه‌خواه، موسی (۱۳۸۸)، ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب جمعیت کلان‌شهرها، مطالعه موردی: شهرهای جدید اطراف تهران، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۷، ۱۷-۲۵.
- کاظمیان، غلامرضا، فرجی‌راد، خدر، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی (۱۳۹۲)، رابطه‌ی ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای، مطالعه موردی شهرستان‌های بوکان و ارومیه، جغرافیا فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۱۵۳-۱۷۳.
- لو، ستا، تاپلین، دانا، شلد، سوزان (۱۳۹۰)، نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای عمومی، ترجمه‌ی مرادی مسیحی، وراز، رشیدپور، نازیلا، ذوقی، علی، تهران: انتشارات شهرداری.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه بحرینی، حسین، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- مهدیوند، ح (۱۳۸۹)، تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد سازمان، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه مازندران، دانشکده مدیریت.
- Colantonio, A and Dixon, T (2011), Urban regeneration and Social sustainability: Best practice from european cities.
- Wheeler, S.M (2004), planning for sustainability, Carrying Livable, equitable and ecological communities, Routledge.

جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند با تأکید بر منشأ و اثرات اجتماعی آن

هدی توحیدی^۱

بیان مسئله

شهرهای جدید بر خلاف روند طبیعی شهرهای کهن شکل گرفته‌اند. این شهرها به صورت برنامه‌ریزی شده و با طرحی دولتی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و جذب جمعیت نیز به آنها به واسطه برنامه‌های دولتی و از بالا اتفاق افتاده است. همین امر موجب شده است که تمامی مسائلی که ممکن است در شهرهای دیگر که از پایین و با روندی مردمی و نه دولتی ساخته شده و توسعه یافته‌اند وجود داشته باشد، در شهرهای جدید صورتی دیگر به خود بگیرد و اغلب با چهره‌ای بحرانی و مسئله‌ساز رخ بنماید. یکی از این مسائل، جدایی‌گزینی در شهرهای جدید است. جدایی‌گزینی از جمله مسائلی است که جامعه‌شناسی شهری به آن پرداخته و در بسیاری از شهرهای جهان وجود دارد و به عنوان مسئله به آن توجه می‌شود. جدایی‌گزینی به معنای تمرکز گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف شهری است (ادیبی، ۱۳۵۶: ۱۰۶). بدین صورت که محلات، نواحی و یا مناطق مختلف شهری، محل اسکان گروه‌های اجتماعی خاصی می‌شود. این جدایی مکانی در نتیجه عملکرد نیروهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود می‌آید (همان) و می‌تواند تبعات اجتماعی مخربی داشته باشد. یکی از مسیرهایی که جامعه‌شناسان شهری برای مطالعه دلایل جدایی‌گزینی در پیش گرفته‌اند، روندهای مهاجرت است. با توجه به این موضوع، می‌توان پیش‌بینی کرد که شهرهای جدید نیز از جدایی‌گزینی استثنا نباشند و احتمال وقوع جدایی‌گزینی در این شهرها نیز

۱ کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر اجتماعی



وجود دارد. بر همین اساس، در این نوشتار تلاش می‌شود که وضعیت جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند مورد بررسی قرار گیرد.

پرند از جمله شهرهای جدیدی است که در حاشیه مادرشهر تهران ساخته شده است. ساخت این شهر، در چارچوب مصوبه هیئت دولت در سال ۱۳۶۸ انجام گرفت و نسخه اولیه طرح جامع آن، در سال ۱۳۷۷ با پیش‌بینی جذب جمعیت ۸۰ هزار نفر در چشم‌انداز سال ۱۳۹۵ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید اما، در بازنگری اول و سپس، بازنگری دوم طرح جامع شهر جدید پرند، جمعیت پیش‌بینی شده برای آن افزایش یافت و حتی، رقم ۷۰۰ هزار نفر نیز مورد بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر، به منظور ایجاد امکان جذب این جمعیت، اراضی در نظر گرفته شده در طرح جامع، افزایش یافت و بدین ترتیب، مساحت محدوده‌ی شهری از ۳۶۰۰ هکتار به ۷۳۶۱ هکتار رشد کرد (خلاصه گزارش بازنگری طرح جامع پرند).

بدین ترتیب، مشخص است که بر اساس برنامه‌ریزی‌های رسمی، شهر جدید پرند در بازه‌ی زمانی کوتاهی (کمتر از بیست سال) جمعیت مهاجر بزرگی را باید به خود جذب کند. با توجه به این موضوع، دغدغه‌ی این پژوهش این است که وضعیت جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند را بررسی کند. از سوی دیگر، چنان‌که می‌دانیم، بازنگری‌های انجام شده در طرح جامع شهر پرند، در راستای سیاست واگذاری مسکن مهر انجام گرفته است. با الحاق اراضی جدید به پرند، ساخت مجتمع‌های مسکونی طرح مسکن مهر در این شهر امکان‌پذیر شد. فازهای جدیدی به شهر اضافه شد و مجتمع‌های غول پیکر مسکن مهر در این شهر بنا شدند. از میان فازهای هفت‌گانه شهر پرند، فازهای صفر، یک و دو به صورت کامل به اصطلاح شخصی‌ساز و یا تعاونی‌ساز هستند و فازهای چهار، پنج و شش به صورت کامل به مسکن مهر تعلق دارند. بدین ترتیب، با تغییر در برنامه‌ی پیش‌بینی شده برای جذب جمعیت، الحاق اراضی جدید به شهر و ساخت پروژه‌های مسکن مهر موج جدیدی از مهاجرت به شهر پرند آغاز شد. با توجه به این نکته اخیر نیز این پژوهش این مسئله را مقابل خود دارد که تأثیر این تغییرات و به عبارت دقیق‌تر تأثیر مهاجرت در چارچوب واگذاری مسکن مهر چه تأثیری بر وضعیت جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند داشته است. بنابراین، به صورت کلی مسئله این پژوهش وضعیت جدایی‌گزینی در شهر جدید پرند و به صورت دقیق‌تر تأثیر جذب جمعیت در چارچوب واگذاری مسکن مهر بر وضعیت جدایی‌گزینی در این شهر است.



سؤال پژوهش

آیا در شهر جدید پرند جدایی‌گزینی اتفاق افتاده است؟
جذب جمعیت در چارچوب واگذاری مسکن مهر چه تأثیری بر جدایی‌گزینی در این شهر گذاشته است؟

چارچوب مفهومی

با رشد شهرها و گسترش شهرنشینی، ارتباط بین زندگی اجتماعی و فیزیک شهری بیشتر مورد توجه قرار گرفت. با سر بر آوردن مفهوم توسعه و سپس، توسعه‌ی پایدار از یک سو و رشد صعودی زندگی شهری از سوی دیگر، ارتباط این دو، به مسئله‌ی مهمی برای حوزه‌های مختلف دانش تبدیل شد. بسیاری بر نقش سازنده و نیز مخرب شهر در روند توسعه‌ی پایدار تأکید دارند. به همین دلیل است که رفع موانعی که ساختار و قالب شهرها را از توسعه‌ی متعادل باز می‌دارند، ضروری انگاشته می‌شود. جدایی‌گزینی شهری یکی از این موانع است زیرا محرومیت اجتماعی را در کشورهای در حال توسعه تقویت می‌کند (سازمان اسکان بشر، ۲۰۰۱: ۴۳).

امروزه، دیدگاه مبتنی بر توسعه پایدار اجتماعی که بازیگر اصلی در توسعه پایدار اجتماعی را انسان و اجتماعات انسانی می‌داند، بر شهروندی و ارتباط فرد و محیط زندگی شهری تأکید دارد. آنها بر این نظر هستند که توسعه پایدار وقتی رخ می‌دهد که جوامعی همگن و همبسته ایجاد شود و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ترمیم گردد (اعظم‌زاده، ۱۳۸۲). در این راستاست که جدایی مکانی گروه‌های مختلف اجتماعی در بستر محیط شهری به عنوان مسئله‌ای جدی در مجامع علمی طرح شده است. منظور از جدایی‌گزینی، تمایل ارادی و اجباری گروه‌های مختلف اجتماعی به جدایی فیزیکی از یکدیگر در عرصه محله است (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۴۳).

در جامعه‌شناسی دو رویکرد کلی نسبت به مسئله‌ی جدایی‌گزینی وجود دارد، رویکرد نظم و رویکرد تضاد. رویکرد نظم با الهام گرفتن از جامعه‌شناسان کارکردگرا تقسیم شهر به نواحی مختلف را نتیجه‌ی طبیعی گروه‌بندی اجتماعی می‌دانند. در نگاه آنها، نواحی طبیعی مذکور، واحد اساسی و کلیدی در شناسایی تشکیلات سیاسی و اجتماعی شهر است. رویکرد تضاد، مناطق مختلف شهر را نشان تسلط نوع خاصی از جمعیت می‌داند که عامل تعیین‌کننده‌ی آن جمعیت، ظرفیت اقتصادی‌شان است (رمی، ۱۳۵۸: ۵۷). اما، رویکرد تضاد، با تأکید بر بنیان‌های نابرابری در جوامع به ارتباط بین انحصار و توزیع قدرت نظر دارند.



همچنین، متأثر از وبر رویکرد تلفیقی‌ای بین این دو دسته وجود دارد. از نظر وبر، شهر محل تمرکز قدرت است و لذا، تمایزات سبک‌های زندگی ناشی از گروه‌های منزلتی همانند و نابرابری‌های ناشی از فرصت‌های زندگی، در ایجاد جدایی‌گزینی‌ها مؤثر واقع می‌شود. در همین حوزه و با الهام از وبر، گیدنز بدون حذف درک مادی و خصیصه اقتصادی طبقه معتقد است که الگوهای مصرف نیز می‌تواند در ساخت‌یابی طبقات مؤثر واقع شود. به نظر گیدنز، وبر گروه‌های منزلتی و پایگاه را در هم می‌آمیزد اما، شکل‌گیری گروه‌ها بر اساس مصرف و ایجاد تمایزات اجتماعی بر اساس بعضی از ارزش‌های غیراقتصادی که شامل درجه‌ای از منزلت می‌شود قابل تشخیص از یکدیگر هستند، گرچه ممکن است بر هم نیز منطبق شوند. گروه‌بندی‌های توزیعی به الگوهای مشترک مصرف اشاره دارد، بدون این که ارزیابی آگاهانه‌ای از منزلت به عمل آورد. در مقابل، پایگاه به چنین ارزیابی اشاره دارد و گروه منزلتی شامل آن‌گونه روابط اجتماعی است که نتیجه منطقی این ارزیابی است (گیدنز، ۱۹۸۲: ۱۶۰-۱۶۱). مهم‌ترین نوع گروه‌بندی توزیعی در جدایی همسایگی، خود را می‌نمایاند. این گرایش تنها بر اساس تمایزات درآمدی شکل نمی‌گیرد و ارزیابی‌های دیگر نیز در آن دخیل می‌باشد. در نظر وبر، سبک زندگی، شیوه بیان ادعای تمایز در بین گروه‌های منزلتی است و به عقیده گیدنز تا جایی که همگرایی بارزی بین منابع ساخت‌یابی وجود دارد، طبقات گرایش به اظهار سبک‌های زندگی مشابه پیدا می‌کنند.

در عرصه مصادیق، گروهی بر این نظر هستند که انتخاب محل اسکان در شهرها، بر اساس درآمد، مذهب، نژاد و پایگاه اقتصادی-اجتماعی انجام می‌شود و در این میان، آنهایی برنده می‌شوند که قدرت و درآمد بیشتری داشته باشند. نتیجه‌ی رقابت‌های گروهی به جدایی‌گزینی گروهی از گروهی دیگر منجر می‌شود. بر این اساس، گروه‌های مختلف با پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی برابر، نژاد و اعتقادات مذهبی یکسان گرد هم می‌آیند و منطقه یا محله‌ای را برای سکونت خود انتخاب می‌کنند (شکویی، ۱۳۶۵: ۳۱). اما، گروه دیگر معتقدند که شهرنشینان در داخل محدوده‌ی شهرها، اجتماعی را بر اساس ارزش‌ها، نهادها و فرهنگ‌های خود، به طور ارادی گزینش می‌کنند و در آنجا ساکن می‌شوند. آنها بر انتخاب آگاهانه و مبتنی بر شناخت، نظر دارند و معتقدند که افراد بر اساس این که ساکنان یک محله چه خصوصیات قومی، طبقاتی، فرهنگی و اجتماعی دارند، تصمیم به سکونت در یک مکان می‌گیرند. البته، درآمد را به عنوان معیار تفکیک محل‌های سکونت و احساس پذیرفته شدن از جانب دیگر در این انتخاب دخیل می‌بینند (اعظم‌زاده، ۱۳۸۲).



نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه کرد این است که در رویکرد اکولوژیست‌ها به جدایی‌گزینی، مهاجرت جایگاه ویژه‌ای دارد که برای موضوع این پژوهش اهمیت دارد. آنها بر این نظر هستند که منشأ جدایی‌گزینی در روندهای مهاجرتی نهفته است. آنها در این خصوص به چهار مرحله اشاره می‌کنند: ۱. نفوذ: در این مرحله، تعداد اندکی از افراد و خانواده‌هایی که از نظر قومی، نژادی، مذهبی و زبانی با بیشتر مردم متفاوت‌اند، وارد منطقه‌ای از شهر می‌شوند؛ ۲. هجوم: در این مرحله، تعداد زیادی از خانواده‌ها و افراد همان گروه، به منطقه‌ای از شهر وارد می‌شوند که قبلاً تعدادی از افراد و خانواده‌های هم‌گروهشان اشغال کرده‌اند؛ ۳. تثبیت: در این مرحله، ادامه‌ی مهاجرت و اقامت در منطقه‌ی اشغال شده، به جامعه‌ی کوچک مهاجران در یک شهر، حالت ثبات و اقامت دائمی می‌دهد و ۴. تراکم و توده شدن: تعداد خانواده‌های مهاجر نه تنها تثبیت می‌شود بلکه روز به روز به تعداد آنها افزوده می‌شود (شکویی، ۱۳۶۵: ۳۶).

بنابراین، اختلاف دیدگاه در دو زمینه وجود دارد، اول، منشأ جدایی‌گزینی و دوم، تبعات اجتماعی آن. در این پژوهش، این دیدگاه مد نظر است که منشأ جدایی‌گزینی فضایی به سه عرصه مختلف و مرتبط با هم برمی‌گردد: اول، نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی؛ دوم، دولت و ساختار سیاسی و سوم، عرصه زیستی-اجتماعی (افروغ: ۱۳۷۷: ۲۳۵). تبعات اجتماعی جدایی‌گزینی نیز با نظر به نابرابری، تبعیض در دسترسی به منابع و فرصت‌ها، احساس طرد اجتماعی، انگ خوردن و ایجاد بستر برای رشد آسیب‌های اجتماعی مرتبط دانسته می‌شود. نابرابری با جنبه‌های گوناگون توزیع قدرت که نشانگر میزان دستیابی فرد به منابع و فرصت‌های گوناگون و به وجود آورنده تنگناهاست، در ارتباط است. به علاوه، دارایی و ثروت، سایر عوامل مربوط به تمایزات پایگاهی مثل انواع تخصص‌ها و مهارت‌ها، تربیت، جنسیت و نژاد و غیره را در ایجاد انسداد اجتماعی و حفظ امتیازات برمی‌انگیزاند (پارکین، ۱۹۸۳، به نقل از اعظم‌آزاده، ۱۳۸۲). همچنین، بین محیط جغرافیایی زندگی و تحرک اجتماعی ارتباط وجود دارد. در همین زمینه، لاک‌وود استدلال می‌کند که تصویر ذهنی افراد در مورد ساخت طبقه و یا گروه منزلتی از شرایط محلی که در آن زندگی می‌کنند، تأثیر می‌پذیرد. اجتماع محلی، شهر یا همسایگی همراه با تجربیات در محیط کار، بر نحوه‌ی نگرش آنها تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۳۸).

همچنین، باید توجه کرد که اگر جدایی‌گزینی فضایی و مکانی به جدایی کامل گروه‌ها و اقشار اجتماعی منجر شود، تعاملات و تماس‌های درون گروهی شدت پیدا می‌کند و در مقابل، ارتباطات خارجی و برون گروهی کاهش می‌یابد. در این صورت، مشارکت مدنی دچار اختلال



می‌شود و در عوض، فرهنگ محلی و محدود شکل می‌گیرد و انسجام اجتماعی آسیب می‌بیند. نتیجه‌ی چنین وضعیتی کند شدن و حتی توقف روند توسعه‌ی پایدار اجتماعی است.

روش پژوهش

برای پاسخ دادن به سؤالات این پژوهش از روش کیفی استفاده شده است که عبارت است از «مجموعه‌ی فعالیت‌هایی (همچون مشاهده، مصاحبه، شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره‌ی موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. در روش مورد بحث، دسترسی به اطلاعات یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش، یادگیری فرهنگ آنها از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان و تلاش برای درک احساس، انگیزش و هیجان‌های آنها» (دلور، ۱۳۸۹: ۲۵۹). ابزارهایی که در چارچوب روش کیفی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. کانل و کان (۱۹۶۸) مصاحبه تحقیقاتی را به شکل زیر تعریف می‌کنند: «گفتگویی دو نفره که از سوی مصاحبه‌گر، جهت کسب اطلاعات مربوط به پژوهش آغاز می‌گردد و توسط وی بر موضوعاتی متمرکز می‌شود که او برای دستیابی به هدف‌های تحقیق که شامل توصیف، پیش‌بینی یا توضیح منظم است. به آنها نیاز دارد».

روند اجرایی پژوهش به این صورت بود که ساکنان فازهای مختلف پرند، مورد مصاحبه‌ی عمیق قرار گرفتند. حجم مصاحبه‌ها بر اساس قاعده‌ی اشباع‌شدگی تعیین شد. بدین صورت که مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که داده‌ها به تکرار افتادند و مشخص گردید، تمامی داده‌های لازمه جمع‌آوری شده است. در نهایت، تعداد مصاحبه‌های انجام شده، ۷۰ مورد بود.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره‌ای شد، شهر پرند در دو مرحله رشد کرد. در مرحله اول، این شهر شامل سه فاز صفر، یک و دو بود که بعد از بازنگری در طرح جامع آن، فازهای جدید شامل سه، چهار، پنج و شش به آن اضافه شد. فازهای قدیمی شهر پرند به صورت شخصی و یا تعاونی ساخته شده‌اند و جمعیت جذب شده به این فازها با دو الگوی واگذاری شخصی و یا در قالب تعاونی‌های مسکن ادارات بوده است اما، فازهای جدید در چارچوب پروژه مسکن مهر ساخته شده‌اند و تمامی جمعیت جذب شده بر اساس مقررات واگذاری مسکن مهر بوده است. از سوی دیگر، در طرح اولیه‌ی شهر پرند، محدوده مسکونی این شهر از ابتدای فاز صفر در شرقی‌ترین نقطه‌ی شهر تا انتهای فاز دو در غربی‌ترین نقطه‌ی آن پیش‌بینی شده بود که



با آغاز طرح ساخت و واگذاری مسکن مهر، چنین تصمیم گرفته شد که پروژه‌های مسکن مهر مربوط به شهر تهران، در شهرهای جدید حاشیه این مادرشهر جایابی گردد. با این سیاست، شهر جدید پرند میزبان بیشترین حجم مسکن مهر مادرشهر تهران شد و به منظور اجرایی شدن این سیاست، اراضی جدیدی در غرب شهر به محدوده مسکونی اضافه شد. با توجه به این که پرند از شمال به ارتفاعات تخت رستم، از جنوب به رودخانه شور و از شرق به جاده ساوه-تهران محدود می‌شود، راهی جز پیشروی به سمت غرب برای گسترش شهر وجود نداشت. در نتیجه، ساختار خطی شهر با الحاق اراضی جدید در غرب تشدید شد.

با توجه به این دو نکته، یعنی جذب جمعیت و ساخت شهر در دو مرحله کاملاً مجزا، زمینه‌های ساختاری برای وقوع جدایی‌گزینی در شهر پرند را کاملاً فراهم می‌سازد.

به منظور بررسی دقیق‌تر وضعیت موجود شهر پرند از نظر پراکنش و یا تجمع اقشار اجتماعی متعدد، نگاهی به گروه‌های اجتماعی جذب شده در دو مرحله مذکور می‌اندازیم.

در مرحله اول جذب جمعیت به شهر پرند، به منظور تحقق چشم‌انداز جمعیتی پیش‌بینی شده در طرح جامع، شرکت عمران شهر جدید پرند اقدام به واگذاری زمین به اشخاص حقیقی و نیز تعاونی‌های مسکن ادارات و مؤسسات مختلف کرد. لذا، اقشار جذب شده به فازهای اولیه‌ی شهر پرند، کارمندان و بازنشستگان نهادهای دولتی و یا خصوصی بودند. در مرحله‌ی دوم، جذب جمعیت با تحویل واحدهای مسکن مهر انجام گرفت. کسانی واجد شرایط برای ثبت‌نام در پروژه‌های مسکن مهر هستند که صاحب هیچ ملکی نباشند. لذا، حداکثر آن است که کسانی در این چارچوب به پرند مهاجرت کرده‌اند که سرمایه‌ای برای خرید ملکی را ندارند. همچنین، باید به این نکته توجه داشت که بخشی از واحدهای مسکن مهر در شهر پرند به اقشار آسیب‌پذیر همچون افراد تحت تکفل کمیته‌ی امداد امام خمینی واگذار شده است. بنابراین، اقشار جذب شده در فازهای جدید شهر پرند، اقشار آسیب‌پذیر، کم‌درآمد و در بهترین حالت متوسط رو به پایین بودند. در ادامه تشریح خواهد شد که اقشار متوسط به سمت مسکن مهر نیامدند. پس، تا به اینجا می‌توان نتیجه گرفت که در فازهای قدیمی که جذب جمعیت از طریق واگذاری مسکن در قالب تعاونی‌های ادارات و مؤسسات و نیز به صورت شخصی بوده است، کارمندان بخش خصوصی و دولتی و بازنشستگان به شهر جدید پرند مهاجرت کرده‌اند و در فازهای جدید که جذب جمعیت از طریق واگذاری مسکن مهر بوده است، اقشاری به پرند مهاجرت کرده‌اند که در بهترین حالت، حداقل سرمایه برای خرید هیچ نوع ملکی را نداشتند. همچنین، باید گفت که آورده‌ی اولیه برای خرید برخی واحدها در پروژه‌های مسکن مهر پرند حدود هفت میلیون تومان بوده و این امر بدان معناست که



تنها سرمایه‌ی بخشی از ساکنان این منطقه از شهر پرنده تنها همان هفت میلیون بوده است زیرا با افزایش این مبلغ به نه میلیون و یا اندکی بیشتر، این امکان وجود داشته است که آنها برای پروژه‌های دیگری از مسکن مهر پرنده که امکانات بهتری دارد، ثبت‌نام کنند. منظور آن که بخش بزرگی از ساکنان این منطقه تنها سرمایه‌ای حدود هفت میلیون تومان داشته‌اند که این امر نشان‌دهنده‌ی طبقه‌ی اجتماعی آنهاست.

از سوی دیگر، فازهای قدیمی شهر با تراکم کمتری به نسبت فازهای جدید برنامه‌ریزی شده‌اند. در جدول زیر تراکم ساختمانی در هر یک از فازها آمده است.

جدول ۱: وضعیت تراکم ساختمانی پیشنهادی برای فازهای شهر پرنده

تراکم ساختمانی		محدوده‌های فازها	
طرح‌های مصوب (اعم از جامع ۱۳۸۴ و اراضی الحاقی)	طرح‌های آماده سازی		
≤۱۰۰	≤۱۰۰	فاز صفر	
≤۱۴۰	≤۱۸۰	فاز یک	
≤۱۸۰	≤۱۸۰	فاز دو	
≤۱۸۰	≤۱۸۰	شمال	فاز سه
≤۱۸۰	≤۲۴۰	جنوب	
≤۱۸۰	≤۲۴۰	شمال	فاز چهار
≤۱۸۰	≤۳۰۰	جنوب	
≤۱۸۰	≤۳۰۰	شمال (مپسا)	فاز پنج
≤۱۸۰	≥۳۰۰	جنوب (کوزو)	
≤۱۴۰	≤۳۰۰	جنوب (آتی طرح آرتا)	
≤۲۴۰	≤۳۰۰	اراضی الحاقی	

همان‌گونه که از داده‌های جدول پیداست بین تراکم در فازهای قدیمی و فازهای جدید تفاوت چشم‌گیری وجود دارد. مشاهدات نیز مؤید همین موضوع است. فازهای صفر، یک و دو شامل ساختمان‌های ویلایی و آپارتمان‌های کم‌واحد است و مجتمع‌های بلندمرتبه در این فازها وجود ندارد اما، فازهای جدید را مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه و با واحدهای بسیار زیاد پر کرده‌اند. در طرح اراضی الحاقی به شهر پرنده با توجه به ویژگی‌های مسکن مهر، دو نوع الگوی تراکمی در نظر گرفته شده است که عبارتند از تراکم ساختمانی متوسط معادل (۱۸۰٪) و تراکم زیاد معادل (۲۴۰٪). شتاب فرآیند واگذاری اراضی و شروع عملیات



ساختمانی به همراه تقاضای تعاونی‌های مسکن باعث گردید تا تراکم ساختمانی طرح‌های مصوب و طرح استخوان‌بندی اراضی الحاقی به شهر پرند در طرح‌های آماده‌سازی افزایش یابد.

بنابراین، جمعیت جذب شده در فازهای قدیمی و جدید با در نظر گرفتن تعداد واحدهای مسکونی احداث شده بسیار متفاوت است. تمرکز بیشتر جمعیت، خدمات شهری بیشتری را نیز می‌طلبد و لازم است متناسب با این جمعیت، کاربری‌های غیر مسکونی نیز بیشتر باشند تا سرانه برخورداری از امکانات شهری متعادل باشد. اما، آن‌چه که در عمل، در شهر جدید پرند رخ داده است، غلبه‌ی واحدهای مسکونی و کمبود امکانات روبنایی شهری است. به حدی که با کمی اغماض می‌توان ادعا کرد که در فازهای جدید، تنها واحد مسکونی وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، گرچه در طرح جامع، کاربری‌های متعددی پیش‌بینی شده است اما، به دلیل عدم هماهنگی بین ساخت کاربری‌های مسکونی و دیگر کاربری‌های شهری، آنها تکمیل و تحویل داده نشده‌اند.

جدول شماره ۲: وضعیت مراکز خدماتی در فازهای سه، چهار، پنج و شش

مراکز خدماتی وضعیت طرح	وضعیت احداث مساجد	وضعیت احداث مدارس	وضعیت احداث تجاری	وضعیت احداث انتظامی و بسج
تعداد کل طرح‌های پیش‌بینی شده	۱۴	۱۷	۸	۴
تعداد کل طرح‌های تکمیل و تحویل داده شده	۳	۰	۷	۰

اما، این وضعیت در فازهای قدیمی شهر به گونه‌ی دیگری است. گرچه فاز صفر نیز به نسبت دو فاز دیگر، از امکانات شهری کمتری برخوردار است اما، جمعیت ساکن در آن نیز به نسبت کمتر هستند و دسترسی به دو فاز مجاور یعنی فاز یک و دو به سهولت انجام می‌گیرد.



جدول ۲: تعداد مراکز خدماتی در فاز یک

فازهای شهر	ورزشی	پارک	اداری	مذهبی	فرهنگی	آموزشی	درمانی	ساختمان تجاری	اقامتی پذیرایی	تاسیسات و تجهیزات
صفر	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۰
یک	۱	۱	۱	۲	۰	۱	۰	۰	۱	۱
دو	۰	۶	۹	۲	۲	۱۰	۲	۲	۰	۱
مجموع	۱	۷	۱۱	۴	۲	۱۲	۲	۴	۱	۲

بنابراین، با توجه به کمبود خدمات شهری ضروری در فازهای جدید، جذابیت آن برای سکونت به شدت پایین است.

در مصاحبه‌هایی که با ساکنان فازهای جدید داشتیم، اطلاع‌رسان‌های پژوهش، بر کمبود خدمات تجاری، آموزشی، حمل و نقل عمومی و تفریحی تأکید داشتند. هر یک از کمبودها زندگی در فازهای جدید پرند را بسیار طاقت‌فرسا می‌کند.

جدول شماره ۴: یافته‌های مصاحبه‌های پژوهش در مورد کمبود خدمات شهری در فازهای جدید شهر پرند

نوع	مشخصات فردی	گزاره
مسئله کمبود خدمات تجاری	مرد میانسال، ساکن فاز پنجم	مغازه نداره، راهش برای خرید و این جور چیزها دوره به سوپر مارکت هست در اون انتها که اونجا می‌ریم. از این جهات خیلی سخته (اطلاع‌رسان شماره ۱۶ الف)
	زن جوان، ساکن فاز ششم	برای خرید می‌ریم تهران و اونجا خرید می‌کنیم. میریم پیش اقوام و خرید هم می‌کنیم. وگرنه بازار هفتگی می‌ریم.... اگه یه دونه نونوایی داشت خیلی خوب می‌شد. نونوایی خیلی مهمه. ما باید هر هفته بریم نون بگیریم و بذاریم توی یخچال و برای مصرف گرمشون کنیم (اطلاع‌رسان شماره ۵۶)
	زن جوان، ساکن فاز ششم	میرن فاز ۲ خرید می‌کنن (اطلاع‌رسان شماره ۵۵)
مسئله کمبود خدمات تفریحی	زن جوان، ساکن فاز پنجم	هیچ تفریحی نداریم، فقط همین جوری دور هم می‌نشینیم (اطلاع‌رسان شماره ۱۵)
	مرد میانسال، ساکن فاز ششم	[دختر نوجوانم] خیلی علاقه‌مند تفریحاتی داشته باشه اما جایی نیست که ببرمش. امکانات می‌خواد (اطلاع‌رسان شماره ۲)
	مرد جوان، ساکن فاز چهارم	از نظر زیر ساختی اینجا مدرسه نداره (اطلاع‌رسان شماره ۶۲)



مسئله کمبود خدمات آموزشی	مرد میانسال، ساکن فاز پنجم	فاز ۳ و ۴ حتی به مدرسه هم نداره (اطلاع‌رسان شماره ۵۸)
	زن جوان، ساکن فاز ششم	تا اون موقع [که بچه‌هایم مدرسه‌رو بشوند] مدرسه‌ها هم زیاد میشن. الان توی فاز ۴ به مدرسه ساختن و تا ۳ سال دیگه هم بیشتر میشه. تا اون موقع هم سرویس می‌گیریم و با سرویس می‌ره مدرسه (اطلاع‌رسان شماره ۵۶)
	مرد کارمند دانشگاه پیام‌نور واحد پرند	فاز ۳ به اون طرف، اون ور هیچ امکاناتی نداریم نه مدرسه‌ای هست .. (اطلاع‌رسان شماره ۳۴)

با توجه به کمبود شدید مراکز خدماتی شهری در فازهای جدید شهر، ساکنان این منطقه نه می‌توانند به سهولت نیازهای روزمره‌شان را تأمین کنند؛ نه از امکان‌های آموزشی لازم برای رشد و تبع آن تحرک اجتماعی به سادگی بهره‌مندند؛ نه راه‌های متنوع گذران اوقات فراغت دارند و نه احساس امنیت می‌کنند. مسئله عدم احساس امنیت مشکلی است که بسیاری از اطلاع‌رسان‌های پژوهش به آن اشاره کرده‌اند.

جدول شماره ۵: یافته‌های مصاحبه‌های پژوهش در مورد احساس امنیت در فازهای جدید

مشخصات فردی	گزاره
زن جوان، ساکن فاز پنجم	دخترم در سنی هست که خودش برود و بیاید اما همین ترس باعث می‌شود من هم همراهش باشم و هزینه دو برابر شود (اطلاع‌رسان شماره ۱۶).
مرد میانسال، ساکن فاز پنجم	امنیت که نداره اصلاً، من آگه شب کار داشته باشم با آژانش میرم. زنگ بزنی کلانتری ۲ ساعت طول میکشه که بیان، از هرکس بررسی میگه امنیتش صفره (اطلاع‌رسان شماره ۲۸).
مرد جوان، ساکن فاز ششم	وقتی [خواهرم] شب‌ها بخواهند به اینجا برسند هیچ امنیتی ندارد. ... خواهرم مثلاً بخواهد از مرکز شهر تا اینجا بیاید، هر راننده‌ای باشد، حیوان‌های مختلفی وجود دارد که می‌ترسد یک دختر هم هست (اطلاع‌رسان شماره ۲۴)

همان‌گونه که از گفته‌های اطلاع‌رسان‌های پژوهش مذکور مشخص است، احساس امنیت در این منطقه از شهر پرند بسیار پایین است و همین احساس عدم امنیت موجب شده است که ساکنان این بخش از شهر فقط در مواقع ضروری از خانه خارج شوند و این مسئله در مورد



کودکان (اطلاع‌رسان شماره ۱۶) و زنان (اطلاع‌رسان شماره ۲۴) اثرات بیشتر و مخرب‌تری دارد.

در کنار این کمبود شدید خدمات شهری ضروری در این منطقه از شهر پرند، مشکلی که وضعیت ساکنان این منطقه از شهر را بغرنج‌تر می‌کند، سطح پایین درآمد خانوارهاست. به بیان دقیق‌تر، کمبود خدمات مورد نیاز زندگی شهری در این منطقه از شهر به دلیل نبود سیستم حمل‌ونقل عمومی از یک سو و عدم برخورداری از وسایل نقلیه شخصی برای استفاده از مراکز خدماتی موجود در منطقه دیگر شهر از سوی دیگر، معضل ساکنان این منطقه را افزون‌تر می‌کند.

همچنین، نشانه‌هایی از وقوع و گسترش آسیب‌های اجتماعی در این منطقه از شهر به چشم می‌آید.

جدول شماره ۶: یافته‌های مصاحبه‌های پژوهش در مورد شیوع آسیب‌های اجتماعی در فازهای جدید

مشخصات فردی	گزاره
خانم گلی (مدیر مؤسسه خیریه همای رحمت، فعال در پرند)	همین امروز صبح، زنی از یکی از بلوک‌های تک خوابه‌ی مجتمع کوزو [فاز پنجم] آمده بود و گفت تصمیم داره از همین امروز، ... آروسی-گری] کنه. به عنوان آخرین راه اومده بود پیش من. کمک مالی می‌خواست. اما من تا کجا می‌تونم به این افراد کمک کنم؟ (اطلاع‌رسان شماره ۴۴).
خبرنگار ساکن در شهر پرند	آمار فحشا در مجتمع کوزو، به خصوص بلوک‌های تک خوابه زیاده (اطلاع‌رسان شماره ۳۹).
خبرنگار ساکن در شهر پرند	خونه‌های این سمت [فازهای جدید] ارزونه؛ با ۷ تومن پیش، میشه خونه رهن کامل کرد. خب، این خونه‌ها الان شده پاتوق. همه کاری توش میشه از آشپزخونه تا مکان ... همه چی هست (اطلاع‌رسان شماره ۳۷).
خبرنگار ساکن در شهر پرند	یکی از آسیب‌های اجتماعی رایج در این بلوکا [بلوک‌های مسکن مهر] خودکشی زنان است (اطلاع‌رسان شماره ۳۹).
مأمور انتظامی شهرستان رباط کریم	در شش ماهه‌ی اول امسال [سال ۱۳۹۳] شاید نزدیک به ۱۲ مورد گزارش خودکشی تو همین بخشا شنیدم (۶۵).

گرچه آمار دقیقی از جرایم و آسیب‌های اجتماعی رایج در این منطقه از شهر وجود ندارد اما، مشاهدات و نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های پژوهشی مؤید شیوع آنهاست. اما، نکته‌ی



مهم دیگری که در این بین وجود دارد، برچسب خوردن ساکنان مسکن مهر و به بیانی دیگر، ساکنان منطقه‌ای از شهر پرند است.

جدول شماره ۷: یافته‌های مصاحبه‌های پژوهش در مورد برچسب خوردن ساکنان در فازهای جدید

مشخصات فردی	گزاره
پسر بچه، ساکن فاز دوم	قبل از کوزو [فاز پنجم] خیلی خوب بود اما این کوزو [فاز پنجم] که اومد هر ایل و تباری یه نفر اومد، خیلی پرند رو بد کرد. وضعیت کوزو الان خیلی خرابه (اطلاع‌رسان شماره ۲۱ الف)
مرد میانسال، صاحب بنگاه معاملات املاک	مسکن مهر که در اینجا دایر شد و اقشار ضعیف ساکن شدند امنیت از بین رفت. ... قبلاً این کار رو [سرمایه‌گذاری] انجام می‌دادن، الان انجام نمی‌دن ... به دلیل مسکن مهر و اومدن اقشار ضعیف (اطلاع‌رسان شماره ۹)
زن مسن، ساکن فاز یکم	متأسفانه به دلیل همین شلوغی [اشاره افزایش جمعیت به دلیل واگذاری مسکن مهر] یکی از علت‌های همین بی‌امنیتی و رواج بی بند و باری هست (اطلاع‌رسان شماره ۳۱)
مرد جوان، ساکن فاز چهارم	[مردم شهر] به اینکه شهر رو شلوغ کردن و از رشد طبیعی و تدریجی اون رو خارج کردن [واکنش منفی دارند] (اطلاع‌رسان شماره ۶۲)

همان‌گونه که گفته‌های اطلاع‌رسان‌های مورد مصاحبه پژوهش نشان می‌دهد، ساکنان فازهای جدید که همان ساکنان مسکن مهرند، در حال خوردن انگ فرودستی، درگیری با آسیب‌های اجتماعی و عامل نابسامانی شهر پرند هستند. سرشت‌نماتر آن که بسیاری از ساکنان فازهای جدید از اساس خود را پرندی نمی‌دانند و البته، برخی از ساکنان فازهای قدیمی نیز همین‌طورند.

جدول شماره ۸: یافته‌های مصاحبه‌های پژوهش در مورد بیگانگی بین ساکنان فازهای جدید و قدیم

مشخصات فردی	گزاره
مرد جوان، ساکن فاز دوم	[امنیت] در پرند خوب است اما در کوزو [فاز پنجم] بد است (اطلاع‌رسان شماره ۲۱ ب).
زن جوان، ساکن فاز پنجم	نه، خب اگه کاری داشته باشیم تهران یا پرند میریم (اطلاع‌رسان شماره ۲۵).

همان‌گونه که از گفته‌های دو اطلاع‌رسان پژوهش که یکی ساکن فازهای قدیمی و دیگری ساکن فازهای جدید هستند، مشخص است نه ساکنان منطقه‌ی قدیمی‌تر شهر فازهای جدید



را با نام پرنده می خوانند و نه ساکنان بخش های جدید، منطقه ای محل سکونت خود را بخشی از پرنده می دانند. همین امر، به خوبی جدایی گزینی اتفاق افتاده در پرنده را نشان می دهد. نکته ی نهایی ای که یافته های پژوهش نشان می دهد، این است که اکثر ساکنان فازهای جدید پرنده از ناچاری و به دلیل ناتوانی در تأمین سکونتگاه مناسب به این شهر مهاجرت کرده اند و در این منطقه از آن ساکن شده اند و به علاوه، با وجود عمر کوتاه این فازهای جدید، تمایل به ترک آن در بین ساکنانش به چشم می آید.

جدول شماره ۹: یافته های مصاحبه های پژوهش در مورد سکونت از سر اجبار در فازهای جدید پرنده و تمایل به مهاجرت به تهران

مشخصات فردی	گزاره
مرد میانسال، ساکن فاز چهارم	از بیکاری و نداری اومدم اینجا (اطلاع رسان شماره ۲۰).
مرد جوان، ساکن فاز ششم	اگر وضع مالی ام خوب شود قطعاً اینجا نمی مانیم. تلاشم این هست که در یکسال آینده به تهران برگردیم خودمان دو سال پیش از روی اجبار آمدم دو، سه ماهی را زندگی کردیم اما مادرم از لحاظ روانی به مشکل برخورد و مجبور شدیم دوباره برگردیم تهران. در حال حاضر اجبارمان خیلی بیشتر شده است که دوباره به اینجا بازگشته ایم (اطلاع رسان شماره ۲۴).
مرد جوان، ساکن فاز پنجم	خانه نداشتم که اومدم اینجا. نمی خواستم مستأجر باشم وقتی ازدواج کردم و مسکن مهر به اسمم دراومد، اومدم اینجا و حالا که در تهران خونه گرفتم، دارم برمی گردم اونجا (اطلاع رسان شماره ۱۸).

اطلاع رسان شماره ی ۲۰، مرد میانسالی اهل کرمانشاه بود که به دلیل بیکاری در شهر خود تصمیم گرفته بود برای یافتن شغلی به تهران مهاجرت کند اما، چون توان مالی سکونت در تهران را نداشت، در پرنده ساکن شده بود. اطلاع رسان شماره ی ۲۴، مرد جوانی بود که پدرش را از دست داده بود و سرپرستی مادر و خواهرش را بر عهده داشت. آنها به دلیل مشکلات مالی و ناتوانی در تأمین مسکن در تهران به واحد مسکن مهر خود در پرنده نقل مکان کرده بودند. اطلاع رسان شماره ی ۱۸، مرد جوانی بود که ابتدا با خرید یکی از واحدهای سه خوابه ی مسکن مهر در فاز پنجم پرنده، به این منطقه از شهر وارد شده بود. او تازه ازدواج کرده بود و می گفت مایل نبوده که در ابتدای زندگی مشترک مستأجر باشد لذا، واحد مسکن مهرش در فاز پنجم پرنده را به واحدی استیجاری در تهران ترجیح داده بود اما، بلافاصله تلاش کرده بود با خرید خانه ای در تهران، پرنده را ترک کند. او تنها دو سال در این منطقه از پرنده



زندگی کرد. مصاحبه با وی در شرایطی انجام شد که او در حال اسباب‌کشی و نقل مکان به تهران بود.

از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ساخت شهر جدید پرند نیز در دو مرحله‌ی کاملاً مجزا و بدون ارتباط برنامه‌ریزی شده‌ای انجام گرفته است. فازهای قدیمی‌تر شامل فازهای صفر، یک و دو در طرح جامع اولیه‌ی شهر طراحی شده بودند و اجرا و ساخت آن در مراحل نهایی بود که ساخت فازهای جدید متعلق به پروژه‌های مسکن مهر آغاز شد و چون موانع طبیعی و انسانی برای رشد شهر محدودیت ایجاد کرده بود، فازهای جدید در جهت غربی شهر و به صورت زائده‌ای نامتعارف ساخته شد. به ویژه، کیفیت پایین نماهای ساختمانی در فازهای جدید، ظاهر محقری به این منطقه‌ی شهر پرند داده است. این، در حالی است که فازهای قدیمی که آنها نیز تازه‌ساز هستند، ظاهر مناسبی دارند. این ساخت دوگانه در نگاه اول به چشم می‌آید و شرایط محقر فازهای جدید را القا می‌کند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو منطقه از شهر پرند یعنی فازهای قدیمی آن شامل فازهای صفر، یک و دو و فازهای جدید آن شامل فازهای سه، چهار، پنج و شش جدایی مکانی اتفاق افتاده است. این جدایی هم سوبه‌ای کالبدی دارد و هم سوبه‌ای اجتماعی.

بحث و تحلیل

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین فازهای صفر، یک و دو به عنوان منطقه قدیمی‌تر پرند و فازهای سه، چهار، پنج و شش به عنوان فازهای جدید این شهر تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد که منجر به جدایی‌گزینی شده است. در بعد کالبدی شهر پرند در دو مرحله‌ی مجزا ساخته شده است. در مرحله‌ی اول سه فاز صفر، یک و دو ساخته می‌شوند. نحوه‌ی ساخت و واگذاری این سه فاز به این صورت بوده که اغلب واگذاری‌ها در چارچوب تعاونی‌های مسکن ادارات و مؤسسات دولتی و گاه خصوصی انجام گرفته است اما، در مرحله‌ی دوم فازهای جدید در قالب طرح مسکن مهر ساخته می‌شود. این ساخت دو مرحله‌ای در حالی بوده که مطالعات و تدوین طرح جامع اولیه‌ی شهر که تمامی زیرساخت‌های شهری بر اساس آن پیش‌بینی شده، تنها سه فاز قدیمی را مد نظر داشته است و برنامه‌ریزی برای ساخت فازهای جدید بعد از پیشرفت زیاد کار ساخت فازهای قدیمی کلید می‌خورد. به عبارت دقیق‌تر، در حالی که در مطالعات، پیش‌بینی‌ها و طراحی شهر پرند تنها سه فاز صفر، یک و دو دیده شده بود، تصمیم به ساخت فازهای جدیدتر به صورت دفعی انجام می‌شود. در شرایطی که تکمیل سه فاز مذکور در حال انجام بود، ناگهان، چهار فاز دیگر به شهر اضافه و چسبانده شد. همچنین،



فازهای قدیمی با تراکم پایین و متوسط ساخته شد اما، فازهای جدید با تراکم زیاد^۱. به علاوه، به دلیل شتاب در تکمیل و تحویل واحدهای مسکونی فازهای جدید، کاربری‌های غیر مسکونی که خدمات ضروری برای زیست شهری را در خود دارند، با تأخیر ساخته شد و همچنان، بر طبق جدول شماره ۲، بخش زیادی از آنها حتی در حال ساخت هم نیست. نتیجه‌ی این وضعیت این که از یک سو، کمبود امکانات لازم برای تحرک اجتماعی (به دلیل کمبود مراکز آموزشی)، ایجاد زمینه برای آسیب‌های روانی (به دلیل کمبود مراکز تفریحی) و بسیاری مسائل دیگر از این دست روی داده است و از سوی دیگر، سیمای کالبدی این منطقه از شهر، تبعیض و محرومیت را به رخ ساکنان تمامی شهر می‌کشانند.

در بعد اجتماعی، شیوع آسیب‌های اجتماعی‌ای که گره محکمی با فقر دارند، از مسائلی است که فازهای جدید پرند را شدیداً تهدید می‌کند. فحشا، خودکشی، آسیب‌های مرتبط با تولید و مصرف مواد مخدر از مهم‌ترین مسائلی است که در این منطقه از شهر پرند به چشم آمده است. شیوع آسیب‌های اجتماعی تبعات متعددی می‌تواند داشته باشد که در پیوند با دیگر مسائل این منطقه از پرند، ابعاد بحرانی‌تر بیشتری پیدا می‌کند و زمینه‌ی جرم‌خیزی این منطقه از شهر را ایجاد می‌کند. همچنین، همان‌گونه که در جدول ۶ مشخص شده است، ساکنان فازهای جدید انگ فرودستی، درگیری با آسیب‌های اجتماعی و عامل نابسامانی شهر پرند خورده‌اند. ساکنان فازهای قدیمی شهر، فازهای جدید را محل سکونت افرادی فرودست و درگیر با آسیب‌های اجتماعی می‌دانند و حضور آنها را در شهر عامل شلوغی، بی‌نظمی و کمبود خدمات شهری به حساب می‌آورند. در کنار این مسئله، ساکنان فازهای جدید نیز در موضعی فرودستانه خود را بخشی از شهر پرند نمی‌دانند و پیوند چندانی با کلیت شهر ندارند. مجموع این مسائل موجب شده است که کسانی که در فازهای جدید ساکن هستند از روی اجبار و ناتوانی در انتخاب محل دیگر برای سکونت در این منطقه از شهر در آنجا ساکن باشند و با به دست آوردن فرصتی برای ترک این منطقه، به این امر اقدام می‌کنند.

نتیجه آن که بین ساکنان فازهای قدیمی و جدید شهر پرند، از نظر طبقه‌ی اجتماعی و برخورداری از خدمات شهری تفاوت وجود دارد. فازهای قدیمی به دلیل واگذاری در چارچوب تعاونی‌های مسکن، از اقشار کارمند و یا بازنشسته پر شده است که از حداقل حقوق و مزایا منطبق با قانون کار برخوردارند اما فازهای جدید به دلیل واگذاری در چارچوب مسکن مهر،

۱. به جدول شماره ۱ یک رجوع کنید.



افشار کم‌درآمد هستند، به خصوص که آورده‌ی اولیه برای ثبت نام در پروژه‌های مسکن مهر شهر پرند بسیار اندک است. لذا، در این دو منطقه از شهر، دو گروه اجتماعی مختلف زندگی می‌کنند و ساکنان فازهای جدید از روی اجبار و ناتوانی در انتخاب محلی دیگر برای سکونت به این منطقه از پرند آمده‌اند، پس، بنا به تعریف آمده در چارچوب مفهومی، جدایی‌گزینی در پرند اتفاق افتاده است. از سوی دیگر، فازهای جدید پرند از کمبود خدمات شهری رنج می‌برند و این کمبودها موجب بازتولید فقر و محرومیت برای ساکنان آن می‌شود. احساس ناامنی در کنار نبود سیستم حمل و نقل عمومی موجب فروماندن ساکنان این منطقه از شهر، در آنجا شده و لذا، امکان دسترسی آنها به امکانات لازم برای توسعه‌ی فردی بسیار کاهش یافته است. همان‌گونه که در بحث درباره‌ی جدایی‌گزینی آمد، یکی از تبعات اجتماعی مهم جدایی‌گزینی همین مسئله است که موجب بازتولید محرومیت و عدم تحرک اجتماعی گروه‌های اجتماعی جدا شده می‌شود و متأسفانه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چنین مسئله‌ای در این منطقه از پرند رخ داده است. همچنین، سر بر آوردن انواع آسیب‌های اجتماعی و شکل گرفتن پاتوق‌های نابهنجاری اجتماعی در این منطقه از پرند نیز منطبق بر تبعات بحران‌زای جدایی‌گزینی است. همان‌گونه که اشاره شد، تجمع فقر و محرومیت، موجب گسترش خودکشی و فحشا و آسیب‌های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر در این منطقه شده است. در واقع، بسترهای رشد آسیب‌های اجتماعی در این منطقه از پرند وجود دارد و نشانه‌های آن در یافته‌های پژوهش به دست آمد. در کنار این مسئله، خوردن انگ اجتماعی قرار دارد که این امر نیز به عنوان تبعات اجتماعی جدایی‌گزینی است. ساکنان فازهای جدید انگ خورده‌اند و همین امر، بر فرو رفتن هر چه بیشتر آنها در چرخه‌ی بسته‌ی محرومیت تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، یافته‌های پژوهش نشان داد که جدایی‌گزینی اجتماعی در شهر پرند اتفاق افتاده است و مسائلی چون کمبود خدمات شهری و به تبع آن، نبود بسترهای لازم برای تحرک اجتماعی و احساس ناامنی به وجود آمده است. احساس ناامنی، انگ خوردن اجتماعی و سر آوردن آسیب‌های اجتماعی به نوبه‌ی خود چرخه‌ی بسته‌ی محرومیت را تشدید کرده است. همین چرخه‌ی محرومیت و دشواری تحرک اجتماعی از تبعات مهم جدایی‌گزینی است. باید توجه داشت همان‌گونه که در بحث چارچوب مفهومی گفته شد، در شهر توزیع قدرت اتفاق می‌افتد و دسترسی به منابع و فرصت‌ها بر سبک زندگی و گروه منزلتی تأثیر می‌گذارد. نبود منابع و فرصت‌ها در فازهای جدید پرند، نابرابری موجود در این شهر را تشدید می‌کند و بر انسداد اجتماعی در این منطقه از شهر تأثیر می‌گذارد.



نتیجه گیری

این پژوهش که تلاشی بود برای پاسخ به این سؤالات که «آیا در شهر جدید پرند جدایی‌گزینی اتفاق افتاده است؟» و «جذب جمعیت در چارچوب واگذاری مسکن مهر چه تأثیری بر جدایی‌گزینی در این شهر گذاشته است؟» این نتیجه را در بر داشت که اولاً بین فازهای قدیمی (فازهای صفر، یک و دو) و جدید (سه، چهار، پنج و شش) شهر پرند جدایی‌گزینی اتفاق افتاده و دوماً جذب جمعیت در چارچوب مسکن مهر موجب شد که اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در این منطقه از شهر ساکن شوند و بین آنها و ساکنان فازهای قدیمی از نظر طبقه‌ی اجتماعی تفاوت وجود داشته باشد.

همچنین، از نظر منشأ جدایی‌گزینی در پرند این نتیجه حاصل شد که دولت و ساختار سیاسی در بروز این مسئله نقش اصلی را داشته چرا که اجرای طرح مسکن مهر به عنوان طرحی سیاسی، علت اصلی این جدایی‌گزینی بوده است.

جدایی‌گزینی علاوه بر تبعات انسانی در سطح فردی، تبعات اجتماعی بسیاری نیز دارد که کل زندگی شهری در پرند را تهدید می‌کند. با توجه به جدید بودن این شهر و تبعات اجتماعی این جدید بودگی، جدایی‌گزینی رخ داده در شهر، بحران‌ها را تشدید و پایداری اجتماعی این شهر را شدیداً تهدید می‌کند. در حالی که هدف از ساخت شهرهای جدید، ارتقای شرایط زندگی چه در کلان‌شهرها و چه در حواشی آن بوده است اما، در عمل، از یک سو، کلیت شهر جدید پرند، حاشیه‌ای توأم با ضعف در پایداری اجتماعی بر مادرشهر تهران است و از سوی دیگر، ساکنان فازهای جدید پرند در وضعیت حاشیه‌ای مضاعفی، درگیر جدایی مکانی از فازهای قدیمی هستند. همین امر عامل مهمی در ناپایداری اجتماعی شهر جدید پرند و بحران‌های اجتماعی متعدد خواهد شد. به عبارت دیگر، کل شهر جدید پرند، در تقسیم منابع و فرصت‌ها بهره‌ی چندانی نبرده است و فازهای جدید این شهر از همان سهم اندک شهر نیز کم‌بهره و حتی بی‌بهره‌اند.



منابع

- ادیبی، حسین، (۱۳۵۶). مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات شبگیر.
- اعظم‌آزاده، منصوره، (۱۳۸۲). چگونگی جدایی‌گزینی سکونت در شهر تهران، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۲۵-۵۰.
- افروغ، عماد، (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- دلاور، علی، (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
- خلاصه گزارش بازنگری طرح جامع پرند، اسناد شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید.
- رمی، ژن، (۱۳۵۸). «تاریخچه مختصری از جامعه‌شناسی شهری، مکتب شیکاگو» در مفهوم شهر ۱، ترجمه مینا فخر، تهران: نشر ایران.
- شکویی، حسین، (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Parkin, F. 1982. Social Closure and Class Formation, in *Classes, Power and Conflict: Classical and Contemporary Debates*, Edited by Giddens and Held, London, MacMillan, PP 175- 185.
- UN-Habitat , 2001, *Inclusive Cities Initiative: The Way Forward*, UN-Habitat, Nairobi.

پتانسیل آنومی اجتماعی در شهرهای جدید

مریم زارعیان^۱

چکیده

مهاجرت بستر اصلی تحقق جمعیت شهرهای جدید است. در این شهرها، در پی تحقق و افزایش تراکم جمعیتی و به تبع آن پیدایش تراکم اخلاقی، بروز آسیب‌های اجتماعی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید. در چنین شرایطی در جامعه، اختلال‌های اخلاقی، ارزشی و عدم تطابق در هنجارها، مجال بروز یافته و تعادل معمول حیات اجتماعی به مخاطره می‌افتد. در این صورت نابسامانی در جامعه حادث می‌شود و نظم موجود را از بین می‌برد و پدیده آنومی، مجال بروز می‌یابد. فرضیه اصلی این تحقیق این است که خصوصیات ویژه‌ای در شهرهای جدید هست که آنها را مستعد وضعیت آنومیک می‌کند. بنابراین، هدف تبیین مدلی اکتشافی است که نشان دهنده عوامل اجتماعی موثر بر آنومی اجتماعی در شهرهای جدید و تمهیدات مهار آن است. نتایج تحلیل نظری نشان داد که تأمین امنیت شهرهای جدید، تأمین خدمات زیربنایی و روبنایی شهر، افزایش فرصت‌های اشتغال، افزایش کیفیت زندگی، تأمین نیازهای فرهنگی فراغتی، آموزشی و اجتماعی شهروندان و نیز اقداماتی در راستای ایجاد و تقویت هویت مشترک بین ساکنین محلات از طریق مشارکت مدنی آنان می‌تواند پتانسیل آنومی اجتماعی در شهرهای جدید را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: آنومی اجتماعی، شهر جدید، سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی

۱. دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، بخش مطالعات اجتماعی و توسعه پایدار



مقدمه

در شرایطی که همبستگی متقابل فرد و جامعه از میان برود و فرد نتواند به کمک مکانیزم‌ها و ابزارهایی که جامعه در اختیارش قرار می‌دهد به اهدافش دست یابد در نتیجه، سعی می‌کند از راه‌های دیگری که خلاف است، به آن اهداف برسد در این زمان، می‌گوییم که فرد نابهنجار شده و وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می‌کند، می‌گوییم جامعه دچار آنومی یا ناپسامانی شده است. به عبارتی با از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارها یا ضعیف شدن هنجارها و ارزش‌ها، اعضای جامعه دیگر ارزش‌ها و اهداف مشترکی را قبول ندارند. به نظر مرتون بی‌هنجاری هنگامی به وقوع می‌پیوندد که فرد قادر نباشد با وسایلی که جامعه مشخص کرده به اهداف خود دست یابد و عکس‌العمل طبیعی این وضعیت روی آوردن به انحراف است. (فرجاد، ۱۳۸۲، ۱۲)

نابهنجاری‌ها در قالب‌های مختلفی در جامعه ظهور پیدا می‌کنند. برخی از اجتماعات به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند، پتانسیل بیشتری برای ظهور نابهنجاری اجتماعی دارند. شهرهای جدید از جمله اجتماعات به نسبه نوظهوری هستند که ویژگی‌های خاص آنها می‌تواند خصوصیات اجتماعی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. از جمله این ویژگی‌ها عبارتند از:

اساس تحقق جمعیت در شهرهای جدید مهاجرت است، در دهه‌های اخیر پس از شکل‌گیری این شهرها، جابجایی جمعیت و مهاجرت موجب شده است که حجم بالای جمعیتی با سرعت زیاد در این مناطق جاگیر شوند. جابجایی سریع جمعیت در این شهرها موجب شده است که سازمان اجتماعی که حاصل فرایندی تدریجی است، در این شهرها سامان نگیرد.

دوم آنکه به دلیل فقدان یا ضعف نظارت اجتماعی غیررسمی، قواعد اجتماعی در شهرهای جدید به خوبی تثبیت نشده است.

سومین ویژگی شهرهای جدید، تنوع قومی و گروهی و به تبع آن، پتانسیل تنش‌های فرهنگی و قومی است که ماحصل مهاجرت‌های گسترده جمعیتی و در کنار هم قرارگیری جمعیت‌های متفاوت قومی و فرهنگی است.

ویژگی چهارم شهرهای جدید که ماحصل سه ویژگی فوق‌الذکر است آنست که این شهرها مابین روستا و شهر در نوسان هستند و در نتیجه بلاتکلیفی بزرگی در پذیرش قواعد زندگی اجتماعی شهر یا قواعد زندگی اجتماعی در روستا دارند.



پنجم آنکه پیدایش دفعی این شهرها با این فرض انجام شده است که همواره یک منبع قدرت یا سازمانی برای تامین منابع مورد نیاز توسعه شهر جدید و اعمال کنترل مداوم آن موجود است. اما به رغم کمک‌های متعدد مادرشهر، فاقد جذابیت‌های خاص مادرشهر می‌باشد. چرا که مادر شهر بر اساس نیازهای تدریجی و در طول زمان ایجاد شده است، در حالیکه شهر جدید به عنوان شهر اقماری و وابسته در کنار شهر متروپل قرار دارد.

برایند ویژگیهای فوق الذکر می‌تواند موجب بالا رفتن پتانسیل آنومی اجتماعی در این شهرها گردد. از آنجا که آنومی اجتماعی متغیر واسطی برای رخداد سایر آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است، به نظر می‌رسد بررسی آن در شهرهای جدید و متغیرهای موثر بر آن می‌تواند در کنترل آسیبهای اجتماعی این شهرهای جوان موثر باشد.

ضمناً، شهرهای جدید بخش منفک از مادرشهرها نمی‌باشد. ساکنان شهرهای جدید، به علل مختلف از جمله تحصیل و اشتغال به صورت مرتب به مادرشهرها در حال رفت و آمد هستند. بنابراین مسائل اجتماعی این شهرها به راحتی بر وضعیت مسائل اجتماعی مادرشهرها اثرگذار است.

در عین حال، اکثر ساکنان شهرهای جدید مهاجرت چندمرحله‌ای را تا رسیدن به مادرشهر انجام می‌دهند. در گام نخست ساکنان فعلی شهرهای جدید به دلیل ضعف شرایط اقتصادی از شهرهای سایر استان یا مادرشهر به شهرهای جدید مهاجرت کرده‌اند. این افراد شهرهای جدید را سکوی پرتابی به مادرشهر می‌دانند. جذابیت‌های مادر شهر و مسائل خاص این شهرها موجب می‌گردد که این افراد به محض بهبود نسبی شرایطشان این انتقال را انجام دهند. با توجه به مباحث پیش گفته، سوال اصلی این مقاله آنست که: ۱- «چگونه ترتیبات اجتماعی شهرهای جدید به افزایش آنومی اجتماعی منجر می‌شود؟» ۲- «چه راهکارهای اجتماعی می‌تواند پتانسیل آنومی اجتماعی را کاهش می‌دهد؟»

چارچوب نظری

مفهوم آنومی اجتماعی

آنومی مفهومی در علوم اجتماعی است که اولین بار توسط امیل دورکیم مطرح شد. آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۹). در این زمان افراد جامعه به حال خود رها می‌شوند و بدون راهنمای اخلاقی باقی می‌مانند و هرکس تنها هدفهای شخصی خود را دنبال می‌کند (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۲). بنابراین می‌توان گفت هنگامی یک جامعه دچار نابسامانی، آنومی یا



بی‌هنجاری اجتماعی است که معیارهای روشنی برای هدایت رفتار افراد جامعه وجود ندارد و به عبارتی جامعه دچار خلا ارزش‌ها و هنجارهای معتبر می‌باشد.

رابرت مرتون، نظریه پرداز دیگری است که با استفاده از رویکرد دورکیم به آنومی، تحلیل‌های ارزشمندی در باره انحرافات اجتماعی ارائه داده است. مرتون آنومی اجتماعی را وضعیتی اجتماعی می‌داند که واقعیت‌های اجتماعی در تضاد با هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی قرار گیرند. به نسبت وضعیتهای مختلف، انواعی از رفتارهای انحرافی نیز شکل می‌گیرد.

در مجموع، می‌توان گفت آنومی اجتماعی وضعیتی است که یا هنجارهای اجتماعی در جامعه وجود نداشته، فاقد اعتبارند و کارایی خود را بر رفتار افراد از دست داده‌اند، یا اینکه تضاد واقعیت زندگی افراد با هنجارهای معتبر آن‌ها را در مسیر تخطی از این هنجارها قرار می‌دهد.

پیامدهای فردی و اجتماعی آنومی اجتماعی

در شرایط آنومیک، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند. بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شود. تقاضاها و خواش‌های مادی آنها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آنها غلبه می‌یابد. شرایط نابسامانی که مستعد بی‌نظمی، جرم و انحراف است، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچگونه اختیاری در انتخابهای خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۴۶).

در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود؛ نتیجه این تعارض این است که وجدان جمعی، کارآیی خود را از دست می‌دهد. تضعیف فشارهای جمعی نیز موجب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۳۲۹-۴۳۰).

بنابراین می‌توان گفت یکی از پیامدهای اجتماعی اصلی آنومی اجتماعی، گسترش خشونت و انواع جرائم و انحرافات اجتماعی و تبدیل افراد مفید و موثر در جهت رشد و توسعه اجتماعی به افراد مضر و مخل رشد و توسعه اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۸).



عوامل به وجود آورنده وضعیت آنومیک

به نظر دورکیم، دگرگونی اجتماعی می‌تواند در کل جامعه یا بخش‌هایی از آن، بی‌هنجاری ایجاد کند. خواه این دگرگونی به صورت کساد اقتصادی، افزایش سریع تنعم یا از هم گسیختگی شبکه‌های اجتماعی باشد. به زعم وی، هر گونه تحرک سریع در ساختار اجتماعی که به از هم پاشیدگی شبکه‌های قدیمی بیانجامد، احتمال وقوع بی‌هنجاری را قوت می‌بخشد (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۲).

البته اتفاقی که در دگرگونی‌های سریع اجتماعی می‌افتد و شرایط را به سمت آنومی اجتماعی نیل می‌دهد، تضعیف هنجارها و ارزشهای اجتماعی است. بنابراین می‌توان گفت هر مسئله‌ای که شبکه‌های اجتماعی افراد را تخریب کند و ماحصل آن تضعیف هنجارها و ارزشهای مشترک شود، می‌تواند شرایط جامعه را آنومیک سازد. بر اساس این گزاره، می‌توان گفت لازمه تبیین صحیح آنومی اجتماعی، توجه به سرمایه اجتماعی موجود در جامعه است.

سرمایه اجتماعی به مثابه چسبی است که جوامع را منسجم نگه می‌دارد. پیوندها و هنجارها، اجزای بنیادین سرمایه اجتماعی‌اند. به لحاظ نظری، سه مولفه اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از شبکه‌های اجتماعی، هنجارها یا ارزشهای اجتماعی و اعتماد. در این تعریف به هنجارها و شبکه‌های اجتماعی توجه می‌شود که افراد را قادر می‌سازد تا به نحو جمعی در راستای اهداف مشترک عمل کنند. این کیفیت رابطه‌ای سرمایه اجتماعی بدین معناست که این سرمایه به مثابه یک چسب اجتماعی عمل می‌کند که انسجام، به هم پیوستگی و نظم را در یک اجتماع شکل می‌دهد.

شبکه‌های اجتماعی که یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی‌اند، نقش مهمی در اعتبار بخشی به هنجارها و ارزشها دارند. عضویت افراد در شبکه‌ها و وابستگی به آنها، در ضمن آنکه موجب اعمال نوعی نظارت اجتماعی غیر رسمی بر آنها می‌شود، ابزاری جهت پابندی آنها به هنجارهای نانوشته، اما مقبول اعضای شبکه است. تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی را از رهگذر وابستگی افراد به نهادها و سازمانهای اجتماعی ترسیم می‌کند. این تئوری بر شرایطی تأکید می‌کند که در آن شرایط، وابستگی به نهادهای اجتماعی از بین رفته است و دیگر نظارت اجتماعی غیررسمی اعمال نمی‌شود. نتیجه این وضعیت سطح پایین‌تر انسجام و نظارت اجتماعی است که در کنار متغیرهای ساختاری مرتبط - می‌تواند پیامدهای آنومی‌زا را افزایش دهد (Bowen and etc, 2002: ۴۶).



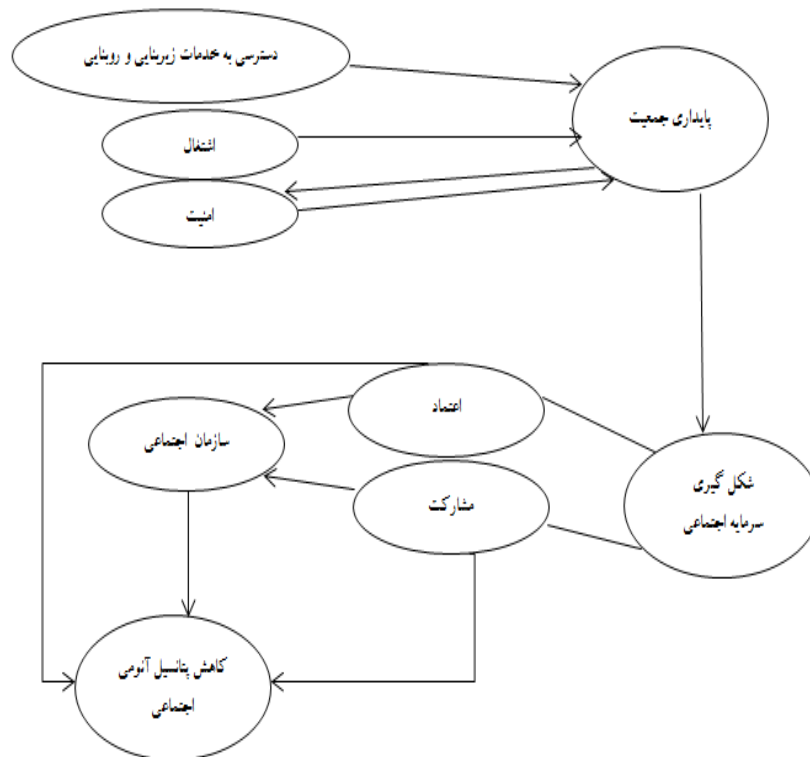
به عبارت دیگر، سازو کارهایی که باعث افزایش پیوندهای اجتماعی ساکنان می‌شود، به صورت مستقیم نظارت اجتماعی را افزایش می‌دهد و به صورت غیرمستقیم بر میزان آنومی اجتماعی اثرگذار است (Kubrin and Weitzer, ۲۰۰۳: ۳۷۵). بنابراین می‌توان گفت سرمایه اجتماعی به دو شکل آنومی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: اول آنکه، سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن، نظارت اجتماعی را افزایش می‌دهند و در نتیجه موجب کاهش جرم و بی‌نظمی اجتماعی می‌شوند. دوم آنکه، سرمایه اجتماعی، خود شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین افراد می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۷۰). براین اساس، محصول اصلی سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی است که موجب کاهش پتانسیل آنومی اجتماعی می‌شود.

اما شکل گیری سرمایه اجتماعی و افزایش آن تابع مستقیم پایداری و ثبات جمعیت است. پرواضح است که شرط اصلی اعتماد و مشارکت اجتماعی، ثبات جمعیت منطقه است. چرا که جابجایی مداوم جمعیت فرصت‌های تعامل اجتماعی و شکل‌گیری حس تعلق و اعتماد را زائل می‌کند. نظریه پردازان بی‌نظمی اجتماعی مدعی‌اند که بی‌ثباتی جمعیت یا دگرگونی مسکونی با افزایش میزان جرم در محلات رابطه مستقیم دارد. زیرا عدم ثبات جمعیت، همبستگی اجتماعی را تضعیف می‌کند و کنترل اجتماعی غیررسمی را کاهش می‌دهد که این موارد، عوامل مهمی در افزایش آنومی اجتماعی و جرم هستند. (Lee, Martinez, and Rosenfeld 2001, p.562)

این نظریه، محلاتی را که جابجایی مداوم جمعیتی دارند، در اجرای کنترل اجتماعی موثر بر ساکنان ناتوان می‌داند، زیرا جابجایی مداوم جمعیت، شناخت ساکنان این محلات از یکدیگر را مخدوش می‌سازد. این عدم شناخت موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت سایرین می‌شود. در نتیجه احتمال کمی وجود دارد که افراد به دلیل امنیت محله در مواجهه با جرم دخالتی داشته باشند (Sampson, ۱۹۹۷).

همچنین، به نظر می‌رسد متغیرهای زیست شهری و آسایش محیطی که بر آرامش روانی و آسایش فردی افراد در محلات موثرند، موجب پایداری یا ناپایداری جمعیت می‌شوند. این متغیرها عبارتند از: دسترسی به خدمات زیربنایی و روبنایی، دسترسی به حمل و نقل عمومی، امنیت، نزدیکی محل اشتغال و...

براین اساس، مدل پیشنهادی جهت تبیین پتانسیل آنومی اجتماعی به شکل زیر می‌باشد:



شکل ۱- مدل تحلیل

ارزیابی متغیرهای دخیل در افزایش پتانسیل آنومی اجتماعی در شهرهای جدید

پایداری جمعیت

جایجایی سریع جمعیت و عدم تداوم سکونت باعث از هم گسیختن سازمان اجتماعی منطقه خواهد شد. به عبارت دیگر، پایداری جمعیت و تمایل برای ماندگاری در منطقه از مهمترین عواملی است که نظم اجتماعی محیط مسکونی را در بلندمدت تامین می‌کند. مطالعات انجام شده در مورد شهرهای جدید نشان می‌دهد، اگرچه تامین مسکن (به صورت تملک یا اجاره) عامل اصلی نقل مکان ساکنین شهرهای بزرگ به این شهرها بوده است، اما از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از ساکنین این شهرها قبلاً ساکن روستاها و شهرهای کوچک بوده‌اند. اگر به این موضوع، مساله عدم تمایل برای ماندگاری در منطقه را نیز اضافه کنیم خواهیم دید که این شهر بیش از آنکه برای جمعیت کلانشهر مجاور جذابیت داشته باشد، برای روستاها و شهرهای کوچک منطقه نقش کششی دارد.



در تحقیق انجام شده در شهر صدرای شیراز، ۶۱ درصد از ساکنین اظهار داشته‌اند که در اولین فرصت این شهر را ترک خواهند کرد و تنها ۹ درصد اظهار داشته‌اند که در منطقه می‌مانند. جالب اینجاست که از میان افرادی که اظهار تمایل به ترک این شهر کرده‌اند، در حدود ۷۵ درصد، شیراز را مقصد بعدی خود اعلام کرده‌اند (بزی، خداحرم و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۳۴). در شهر جدید هشتگرد نیز ۴۷ درصد از پاسخگویان در پاسخ به پرسشی در مورد تمایل به ترک محل، جواب مثبت داده‌اند. تنها ۲۶ درصد قاطعانه اعلام کرده‌اند که تمایلی برای رفتن از این شهر ندارند (زبردست و دیگران، ۱۳۸۶: ۵-۲۲) این مساله که به نظر می‌رسد دامنگیر بسیاری از شهرهای جدید در ایران شده است، مانع اصلی تحقق شرایط پایداری جمعیت به شمار می‌آید. شناخت ریشه‌های این مساله می‌تواند به فهم علل عدم تحقق جمعیت پیش بینی شده در این شهرها کمک کند.

پر واضح است که یکی از شروط اصلی پایداری جمعیت قرار داشتن کیفیت زندگی و امنیت در سطح قابل قبول است. تضمین کیفیت زندگی نیز تا حد زیادی به نحوه ارائه خدمات و امکانات زندگی شهری مربوط خواهد بود.

بررسی تحقیقات انجام شده در شهرهای جدید نشان می‌دهد، فقدان امکانات اولیه زندگی و تاسیسات شهری مهمترین عامل نارضایتی ساکنین این شهرهاست. رضایت از خدمات و امکانات محل زندگی اهمیت زیادی برای پایداری جمعیت در مناطق شهری دارد. این نارضایتی به حدی است که ۶۲ درصد از ساکنین شهر هشتگرد که تمایلی به ماندن در این شهر ندارند، کمبود امکانات درمانی، تجاری، تفریحی، رفاهی و آموزشی را عامل اصلی ذکر کرده‌اند (زبردست و دیگران، ۱۳۸۶: ۵-۲۲).

نتایج در مورد شهر صدرا نیز مشابه مورد هشتگرد است. در حدود ۶۸ درصد از ساکنین این شهر، میزان رضایت خود را از تسهیلات و خدمات شهر کم یا بسیار کم اعلام کرده‌اند. در حدود ۵۵ درصد نیز اعلام کرده‌اند که انتظاراتشان از این شهر برآورده نشده است و ۴۴ درصد میزان تحقق انتظاراتشان را متوسط ارزیابی کرده‌اند. نکته جالب اینجاست که در حدود ۶۶ درصد از ساکنین شهر، نسبت به احتمال بهبود وضعیت در آینده ناامید هستند. (بزی، خداحرم و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۳۴).

همچنین عدم تأمین اشتغال ساکنین در شهر جدید و وابستگی شغلی ساکنین به مادرشهر از دیگر دلایل ناپایداری جمعیت در شهرهای جدید است. نتایج مطالعه‌ای که بر

۱. یعنی در پاسخ به این سوال گزینه "هیچ قصدی برای ترک محل ندارم" را انتخاب کرده‌اند.



روی ساکنین شهر جدید اندیشه انجام گرفته است، نشان می‌داد ۶۸ درصد از ساکنین تمایل خود را برای مهاجرت به شهری دیگر نشان داده‌اند. از این تعداد ۷۹ درصد شهر تهران را برای مهاجرت ترجیح می‌دهند. آنها مهمترین دلایل خود را برای مهاجرت به ترتیب اینگونه عنوان می‌نمایند: کسب امکانات بیشتر در شهر دیگر، رفع مشکلات رفت و آمد به تهران که محل کار آنها می‌باشد و سوم بازگشت به محل سکونت قبلی خود و یافتن شغلی مناسب. (خزائی، ۱۳۹۰: ۸۹)

در شرایطی که این شهرها - به علت عدم تامین اشتغال - عملاً نمی‌توانند حیات مستقلی از کلانشهر مجاور خود داشته باشند، جمعیت ساکن در آنها تا حد زیادی وابسته به خدمات، امکانات و منابع کلانشهر خواهند بود. از سوی دیگر، اگر وضعیت رفاهی این مناطق برای ساکنین فعلی کلانشهرها جذاب نباشد، در عمل جمعیت مهاجر در این مکان‌ها اسکان می‌یابد و به سبب عدم استقلال شهرهای جدید، به بار جمعیتی کلانشهرها می‌افزاید.

در کنار متغیرهای فوق الذکر، یکی دیگر از متغیرهایی که هم بر پایداری جمعیت مؤثر است و هم از آن تأثیر می‌گیرد، امنیت است. امنیت شهر جدید تا حد زیادی وابسته به کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی در منطقه است. امنیت شهرهای جدید از آن جهت که وابسته به کنترل اجتماعی غیررسمی ساکنان است، از پایداری جمعیت تأثیر می‌گیرد. در محیط‌های کم جمعیت، همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند)، خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاریها مؤثر است. برعکس در اجتماعاتی که به علت مهاجرت شهروندان یکدیگر را نمی‌شناسند، این نظارت وجود ندارد. همچنین اگر مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی-اقتصادی سبب تراکم جرم در منطقه شوند، میزان امنیت پایین خواهد آمد. به عبارتی تجمع احتمالی اقشار تهیدست جامعه در این مناطق می‌تواند به شکل گیری جرایم مرتبط با طبقات پایین منجر شود.

در چنین اجتماعاتی، کنترل و نظارت بر عهده دستگاه‌های رسمی است که کارایی آن از نظارت غیررسمی کمتر می‌باشد.

نهاد کنترل اجتماعی، همانند پلیس، تأثیری محرک بر کارهای جمعی شهروندان برای پایین آوردن نرخ جرم در محل زندگی دارد. حضور مستقیم پلیس در محل زندگی در کاهش جرایم احتمالی، همکاریهای آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرایم مؤثر است. نتیجه پژوهشی که در زمینه امنیت در شهر جدید اشتهارد انجام شده است نشان می‌دهد تنها ۲۵ درصد ساکنین آن دارای احساس امنیت بالا هستند. (احسانی فرد، ۱۳۹۲: ۳۱۷-۳۳۴).



این موضوع می‌تواند به صورت غیرمستقیم انگیزه مهاجرت به شهر مادر را در ساکنان تقویت کند.

بر این اساس، دسترسی به اشتغال، خدمات درمانی و آموزشی، امکانات و تسهیلات مرتبط با اوقات فراغت و امنیت عواملی هستند که به صورت مستقیم پایداری جمعیت در شهرهای جدید را افزایش و به صورت غیرمستقیم پتانسیل آنومی اجتماعی را کاهش می‌دهند.

سرمایه اجتماعی

از آنجا که اکثریت ساکنان شهرهای جدید مهاجران سایر شهرها و روستاها بوده اند، شکل گیری سرمایه اجتماعی در بین آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. زندگی جمعی در شهرهای جدید مشکلات و مسائلی دارد که تنها با اقدام جمعی ساکنان قابل حل است. عدم شکل‌گیری روابط متقابل میان ساکنان، باعث اخلاف در روند مدیریت مجتمع‌ها و محله‌ها شده و در بلند مدت به زوال فیزیکی محیط نیز منجر خواهد شد. مساله سرمایه اجتماعی در شهرهای جدید در دو سطح قابل تحلیل است. از یک طرف ارتباط و همکاری ساکنان یک مجتمع مطرح می‌شود که عامل مهمی برای مدیریت ساختمان و کنترل اجتماعی غیر رسمی است. این شکل از سرمایه اجتماعی برای مدیریت مطلوب ساختمانها ضروری است و فقدان آن زوال و استهلاک محیط فیزیکی و همینطور بی‌نظمی را به همراه خواهد داشت. در سطح دیگر، روابط اجتماعی در سطح محله است که مهمترین تاثیر آن بر تصویر یک محله قابل مشاهده خواهد بود. تحقیقات متعددی ارتباط میان این شکل از سرمایه اجتماعی و احساس رضایت ساکنان از محله، احساس امنیت و رفاه محله را نشان می‌دهند.

در مطالعه‌ای که در شهر جدید پردیس انجام شده است میانگین امتیاز هر یک از شاخصهای چهارگانه سرمایه اجتماعی در شهر پردیس برابر ۲/۲۸ است و از آنجا که این عدد در فاصله طیف ۱ تا ۵ زیر میانگین به حساب می‌آید، نشان دهنده وضعیت نامناسب و پایین این مؤلفه در سطح شهر است. در این بین شاخص پیوند همسایگی بیشترین نقش را در پایین بودن سرمایه اجتماعی در شهر داشته است (براتی، ۱۳۹۴).

نتایج مطالعه‌ای که در شهر جدید پرند و نسیم شهر انجام شده و در آن، میزان سرمایه اجتماعی ساکنان مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است، نشان می‌دهد که میانگین حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی و مدت زمان سکونت ساکنین نسیم شهر به صورت معناداری بالاتر از شهر جدید پرند است. نویسندگان در نتیجه گیری که از نتایج تحلیل‌های انجام داده اند، معتقدند اکثر ساکنان پرند صرفا به دلیل پایین بودن سرمایه اقتصادی و عدم توانایی



تأمین مسکن مناسب در تهران در این شهر سکنی گزیده‌اند و فقدان علقه‌های فرهنگی، محدود بودن روابط اجتماعی، عدم نگرش مثبت و ارزیابی نامطلوب از ویژگیهای کالبدی-فضایی موجب پایین بودن حس تعلق به مکان ساکنین و کاهش سرمایه اجتماعی این افراد شده است (شیخی و دیگران، ۱۳۹۴).

این نتایج با دیدگاه‌های نظری درباره سرمایه اجتماعی همخوانی دارد. از آنجا که ساکنان شهرهای جدید، مهاجرین اسکان یافته از سایر شهرها هستند، از شبکه‌های اجتماعی موجود مابین ساکنان شهرهایی که به تدریج ایجاد شده‌اند، بی‌بهره‌اند. از آنجا که سازو کارهای موجود در این شهرها هنوز نتوانسته به تشکیل سازمانها و تشکلهای مرم نهاد بیانجامد، فقدان چنین شبکه‌هایی، افراد را منزوی ساخته است. همچنین ناآشنایی و عدم شناخت کافی از سایرین، اعتماد این افراد به دیگران را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

از اینرو باید توجه داشت که دولت و نهادهای خدماتی می‌توانند به عنوان عامل ایجاد کننده سرمایه اجتماعی عمل کنند و نحوه عملکرد آنان و پاسخگویی آنها به مردم یکی از شروط اصلی رضایت متقاضیان و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. رها کردن ساکنان، بدون ارائه خدمات و تاسیسات شهری و پاسخگو نبودن مسئولان به نیاز آنها یکی از بزرگترین اشتباهاتی است که ممکن است صورت گیرد. ایجاد یاس و ناامیدی در ساکنان و احساس طردشدگی، کارایی جمعی میان ساکنان را پایین آورده و یا بر عکس در شرایط حاد به شکل گیری اشکالی از روابط قدرتمند اجتماعی برای احقاق حقوق منجر می‌شود که نتایج مخربی برای امنیت ملی در بر خواهد داشت.

نتیجه گیری

شهرهای جدید معمولاً با هدف جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرهای بزرگ و جذب سرریز جمعیت آنها و نیز جلب مهاجرین احتمالی به عنوان موج‌گیر تأسیس شده‌اند. اهداف در نظر گرفته شده در تأسیس شهرهای جدید ناشی از تنگناها و نیازهای موجود عرصه‌های شهری است. با وجود این، پس از گذشت چند سال از احداث شهرهای جدید و ظهور مسائل اجتماعی نوظهور در آنها، این سؤال مطرح است که ویژگیهای شهرهای جدید از نظر اجتماعی چه پیامدها و مسائلی را به بار می‌آورد و با چه اقداماتی می‌توان این هزینه‌ها را کاهش داد؟

تحلیل نظری این مقاله نشان داد که مجموعه ویژگیهای شهرهای جدید، پتانسیل آنومی اجتماعی را در این مکانها افزایش می‌دهد. منظور از آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند براساس یک نظام از قواعد مشترک



ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا کنند. در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود.

نتایج بررسی تحلیلی نشان می‌دهد در صورت افزایش کیفیت زندگی ساکنین، تأمین نیازهای فرهنگی، فراغت، آموزشی و اجتماعی ساکنین، پایداری جمعیت در شهرهای جدید افزایش می‌یابد. اما از سوی دیگر، نتایج بررسی تحلیلی حاکی از آن است که فقدان اشتغال و فقدان کانون فعالیت در درون محدوده شهر جدید، موجب جابجایی روزانه و حرکت آونگی ساکنان با شهر مادر می‌شود که علاوه بر صرف هزینه‌های اقتصادی و نیروهای انسانی ناشی از این جابجایی، تعادل جمعیتی روز و شب در مجموعه بر هم خورده و منجر به ناامنی برای ساکنان در طول روز می‌گردد. سختی رفت و آمد روزانه نیز باعث نارضایتی افراد و ترک محل در اولین فرصت و مهاجرت به مکانی نزدیک‌تر به کانون فعالیت خود می‌شود که مانعی است بر سر پایداری جمعیت.

همچنین، نتایج بررسی تحلیلی حاکی از آن است که گریز و جایگزینی مداوم جمعیت و ساکنان متفاوت و متغیر باعث می‌شود که حس تعلق لازم برای تحقق مشارکت شهروندان در ایجاد فضای شهری و زندگی مدنی به وجود نیاید. نبود اثری از رنگ تعلق در محیط زندگی، خود باعث خلائی در تأمین نیاز نمادین و نشانه‌ای ساکنان می‌گردد و افت کیفیت فضاهای شهری موجود و تخریب آن در بلند مدت را در پی خواهد داشت و در چنین شرایطی، مجموعه‌های ساخته شده عمدتاً میل به هنجارها و رفتارهای حاشیه‌نشینی با همه تبعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن خواهند نمود.

همچنین، در صورتی که ساکنان در محل زندگی خود و یا در نزدیکی آن مشغول به کار باشند و از نظر دسترسی به محل کار دچار مشکل نباشند، به عبارتی دارای دسترسی مناسب و راحت باشند، شهر به سمت خوداتکایی پیش می‌رود و حس رضایت ساکنان و امید به زندگی ارتقاء خواهد یافت.

با توجه به مباحث پیش گفته، اجمالاً مهمترین راهکارهایی که در ایجاد پایداری جمعیت و در نتیجه کاهش آنومی اجتماعی در شهرهای جدید می‌تواند موثر باشد عبارتند از:

افزایش زیرساختهای حمل و نقل عمومی و افزایش دسترسی‌ها؛

تأمین امکانات بهداشتی و پزشکی مناسب؛

ایجاد فرصت‌های اشتغال و فعالیتهای اقتصادی در شهرهای جدید

ایجاد تأسیسات و امکانات رفاهی برای جوانان و مکانهای برای گذران اوقات فراغت

تأمین امنیت شهرهای جدید از طریق همکاری نزدیک با نیروی انتظامی



و از همه مهمتر اقداماتی در راستای ایجاد و تقویت هویت مشترک بین ساکنین محلات با توجه به اینکه، یکی از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت ساکنین است و عدم ارتباط و آشنایی با همسایگان و عدم تمایل همسایگان به ارتباط با یکدیگر، مشارکت را کاهش می‌دهد، بنابراین در راستای تقویت حس همسایگی، نیاز به اقداماتی در راستای ایجاد و تقویت هویت مشترک بین ساکنین محلات می‌باشد. بنابراین می‌توان از طریق تشکیل شوراهای محله و سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها یا سمن‌ها و (CBO) ها یا انجمن‌های محلی، شرایط مناسبی را برای انسجام روابط اجتماعی بین شهروندان فراهم آورد و از این طریق نیز از افزایش مهاجرت‌ها جلوگیری نمود و موجب پایداری جمعیت شد و در عین حال، سرمایه اجتماعی بین گروهی افراد را افزایش داد.

منابع

- احسانی فرد، علی اصغر و دیگران، (۱۳۹۲)، ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان در شهرهای جدید، مورد پژوهی: شهر جدید اشتهارد، مدیریت شهری، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۳۱۷-۳۳۴
- اسلامی بناب، سید رضا، (۱۳۸۸)، بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تبریز.
- براتی ناصر، محمدرضا یزدان‌پناه شاه‌آبادی، ارزیابی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه‌موردی: شهر جدید پردیس، معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۵. پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- بزی خدارحم و ارفاسیاب راد، محمداصادق، (۱۳۸۸)، سنجش و ارزیابی موفقیت شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، ۳۴-۱۱۱

- تاجبخش کیان، (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه
- خزائی زهرا و جعفر شاعلی، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل تاثیرگذار بر توسعه یا تهدید پایداری در شهر جدید اندیشه، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۳۰، سال هشتم، ۷۹-۹۵
- زبردست اسفندیار، لعل جهان‌شاه‌لو، (۱۳۸۶)، بررسی عملکرد شهر جدید هشتگرد در جذب سرریز جمعیت، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۵-۲۲
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان
- سلیمی علی و داوری محمد، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- شیخی محمد، سعیده امینی، آناهیتا نظامی، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی حس تعلق به مکان در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (پرند و نسیم شهر، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، صص ۴۵ تا ۷۴).



- فرجاد، محمد حسین، (۱۳۸۲)، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، انتشارات بدر.
- کوزر لوئیس آلفرد (۱۳۶۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، مترجم ثلاثی، نشر سخن.
- گیدنز آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، مترجم منوچهر صبوری، نشر نی.

- Bowen, Natasha K; Bowen, Gary L and Ware, William (2002) Neighborhood social disorganization, families, and the educational behavior of adolescents, Journal of Adolescent Research 17 (5), 468-490
- Kubrin, Charis E. and Ronald Weitzer (2003) New directions in social disorganization theory, Journal of Research in Crime and Delinquency, Vol. 40 No. 4, November 2003 374-402
- Lee, Mathew T., Ramiro Martinez, and Richard Rosenfeld. 2001. "Does Immigration Increase Homicide? Negative Evidence from Three Border Cities." Sociological Quarterly 42: 559-80.
- Sampson, Robert J. and Janet L. Lauritsen. 1997. "Racial and Ethnic Disparities in Crime and Criminal Justice in the United States." Pp. 311- 374 in Ethnicity, Crime, and Immigration: Comparative and CrossNational Perspectives, edited by Michael

بررسی جامعه‌شناختی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر جدید پردیس

سپیده امیرکافی^۱

چکیده

در این مقاله سعی شده است به روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر جدید پردیس پرداخته شود و الگوهای این روابط اجتماعی ترسیم شود. از دو روش پیمایش و مونوگرافی استفاده شده است. در روش پیمایش ۲۹۴ پرسشنامه توزیع شد. در روش مونوگرافی نیز از تکنیک‌های مصاحبه عمیق، مشاهده و مشاهده مشارکتی استفاده شد. داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ها و مشاهدات در باب پیوندهای اجتماعی ساکنین در قالب سه گروه دسته بندی شد. الگوهای ارتباطی زنان/ الگوهای ارتباطی دختران/ الگوهای ارتباطی پسران. داده‌ها نشان می‌دهد که زنان دارای دو الگوی غالب در روابطشان هستند. الگوی رابطه با اقوام و خویشان و الگوی روابط در قالب جلسات قرآن. اما دختران با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر شهر پردیس، پیوندهای اجتماعی کمتری دارند. آنها نتوانسته‌اند پیوندهای قوی با سایر دختران ساکن پردیس برقرار کنند و بخشی از دختران که نتوانسته‌اند روابط دوستی شکل بدهند، آنها در فضاهای عمومی شهر پردیس حضور پررنگی ندارند و اوقات فراغت خود را در تهران سپری می‌کنند. بخشی از پیوندهای این دختران با دوستان آنها در تهران است و نه با ساکنین پردیس. اما در مقابل پسران به خوبی توانسته‌اند پیوندهایی با هم‌سن و سالهای خودشان برقرار کنند. هیات‌های مذهبی یکی از مکان‌هایی است که پسران در قالب آن روابط خود را ایجاد کرده‌اند.

۱. پژوهشگر و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



کلید واژه: شهر جدید/ پیوندهای اجتماعی/ سرمایه اجتماعی/ الگوهای روابط اجتماعی

طرح مساله

در هر جامعه‌ای علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، مادی، انسانی با موضوعی به نام سرمایه اجتماعی سر و کار داریم که با انواع سرمایه‌ها رابطه متقابل دارد. از دیدگاه بسیاری از متفکران علوم اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و بنیان یک جامعه را تشکیل می‌دهد. این جامعه انسانی می‌تواند یک روستا و آبادی باشد یا شهر و یا در سطحی کلان یک کشور. ابعاد جامعه انسانی فرقی نمی‌کند که کوچک باشد یا بزرگ، آنچه که هر دو را شکل می‌دهد سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای با دو مفهوم اصلی دیگری در ارتباط است؛ اعتماد اجتماعی و روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین آن جامعه. این دو مفهوم در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند و تأثیرات متقابلی بر روی هم می‌گذارند. از سویی اعتماد زمینه شکل‌گیری روابط را فراهم می‌کند و از سوی دیگر پیوندهای اجتماعی، اعتماد را در جامعه تقویت می‌کند. روابط و پیوندهای اجتماعی موجب خواهند شد که کنشگران با گسترش پیوندهای تعاملاتی خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. اگر افراد در جامعه، با یکدیگر در تعامل نباشند و نتوانند پیوندهای اجتماعی خود را شکل بدهند، زندگی در چنین جامعه‌ای دشوار خواهد بود و تبعاتی برای افراد و آن جامعه به دنبال دارد. همه افراد در جامعه به نوعی در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگران هستند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند. چنانچه گفته شد، روابط اجتماعی در ایجاد و تقویت اعتماد بین شخصی نقش اساسی ایفا می‌کند. پیوندهای اجتماعی یک فرد به نوعی دارایی او قلمداد می‌شوند و فرد از طریق این شبکه می‌تواند به منابع و حمایت‌های موجود در پیوندها دست یابد.

نوع و چگونگی شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی در جامعه‌های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر آنها متفاوت است. کلان بودن یک جامعه و یا کوچک بودن آن، مهاجر پذیر بودن یک جامعه، و در نهایت جدید یا قدیمی بودن آن جامعه، شرایط و مناسبات اجتماعی متفاوتی را حاکم می‌کند که این شرایط در نوع پیوندهای اجتماعی که در آن جامعه شکل گرفته است نقش دارد. برای نمونه نوع ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در یک اجتماع کوچک و قدیمی به این دلیل که افراد جامعه یکدیگر را کامل می‌شناسند، از نوع شبکه روابط غیر رسمی است. در حالی که در شهرهای بزرگ مناسبات و روابط غیررسمی کمتر دیده می‌شود. در باب پیوندها و ارتباطات اجتماعی شهرهای کوچک و بزرگ مطالعات زیادی انجام



شده است اما آنچه که هنوز در حوزه مطالعات اجتماعی به صورت خاص کمتر مورد توجه بوده است، مناسبات اجتماعی در شهرهای جدید است. شهرهای جدید به دلایل مختلفی شکل گرفته‌اند، شهر پردیس به عنوان مورد مطالعه این مقاله، بیشتر با هدف تمرکززدایی از شهر بزرگ تهران ایجاد شد. ارزان بودن قیمت زمین نسبت به قیمت آن در تهران، خانه‌دار شدن مردم کم درآمد نیز از دیگر اهداف اجرای این پروژه عظیم بوده است. اینها اهدافی هستند که برنامه‌ریزان شهری برای احداث شهر پردیس و سایر شهرهای جدید در نظر داشته‌اند و بر اساس آن، شهرهای جدید را احداث کرده و جمعیت قابل توجهی را به سوی آن گسیل داشته‌اند (امین‌زاده گوهرریزی و تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۳). با این وصف، در شکل‌گیری شهرهای جدید صرفاً به جنبه‌های فیزیکی و زیستی انسان توجه شده است و چگونگی وضعیت اجتماعی ساکنین جدید، چندان مورد توجه نبوده است. در واقع آنچه در ساخت شهرهای جدید در دهه ۷۰ در اولویت بوده است «تقدم شهرسازی بر شهرنشینی» بوده است. روندی که در تضاد با روند «تقدم شهرنشینی بر شهرسازی» در دهه ۴۰ قرار دارد (حائری، ۱۳۷۲: ۵۱).

آنچه که در برنامه‌ریزی‌های شهری و به ویژه ساخت یک شهر از نگاه جامعه‌شناسانه اهمیت دارد و در اولویت باید قرار بگیرد، توجه به گروه هدف و یا به عبارتی شهروندانی است که قرار است در شهر جدید سکنی گزینند. شهرهای جدید، شهرهایی هستند که ساکنین آنها، همگی مهاجران شهرهای اطراف و به ویژه مادرشهر می‌باشند. ساکنین از قشرها و گروه‌های متفاوت اقتصادی و اجتماعی وارد شهر جدید می‌شوند. این افراد که سال‌های زیادی را در شهر دیگری - شهری که در آن به دنیا آمده‌اند و یا بزرگ شده‌اند - سکونت داشته‌اند به شهر جدیدی قدم می‌گذارند که هیچ فرد دیگری را نمی‌شناسند و غریبه هستند. این افراد بخشی از پیوندها و روابط اجتماعی خود را که در شهر مبدا داشته‌اند به دلیل جابجایی به شهر جدید از دست داده‌اند.

آنچه که این مقاله به دنبال آن است، بررسی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر جدید پردیس است. این مقاله در نهایت به ارائه الگویی از روابط اجتماعی ساکنین به ویژه زنان در شهر پردیس می‌پردازد. و به این سوال اساسی پاسخ خواهد داد که شهروندان در موقعیت جدید، روابط اجتماعی خود را چگونه و به چه شکل تنظیم کرده‌اند. مقاله حاضر به دنبال پاسخ دادن به ۳ سوال اصلی است. ۱- روابط و پیوندهای اجتماعی زنان متاهل ساکن پردیس چگونه است؟ ۲- روابط اجتماعی دختران ساکن در پردیس چگونه است؟ ۳- روابط اجتماعی پسران ساکن در شهر پردیس چگونه است؟



اهمیت این مقاله، در مفهوم سرمایه اجتماعی نهفته است. ضرورت وجود سرمایه اجتماعی میان ساکنین یک جامعه این ضرورت را ایجاد می‌کند که به بررسی وجود و کم و کیف پیوندهای میان شهروندان یک شهر پرداخته شود. سرمایه اجتماعی که در واقع از روابط اجتماعی افراد، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، استحکام تعهدات متقابل بین افراد، گروه‌ها و تا حدود زیادی مشارکت اجتماعی تامین می‌شود، حافظ جامعه و گروه‌های اجتماعی در بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و می‌تواند از توقف جامعه در مرحله عقب‌ماندگی جلوگیری کند. در واقع روابط و پیوندهای اجتماعی است که جامعه را شکل می‌دهد و آن را نگه می‌دارد.

به تصویر کشیدن روابط اجتماعی ساکنین پردیس، از این نظر اهمیت دارد که شکلگیری روابط اجتماعی میان ساکنین، یکی از فاکتورهای مهم همبستگی و پیوند اجتماعی است. زمانی که افراد در یک محل و یا در یک شهر، روابطی را با سایر ساکنین برقرار می‌کنند و پیوندهایی میان آنان به وجود می‌آید، این امر به ایجاد همبستگی میان ساکنین یک شهر و محله کمک می‌کند و این همبستگی نیز افراد را از اتم‌های جداافتاده‌ای به شهروندان یک جامعه که متعلق به مای کلی هستند تبدیل می‌کند.

چارچوب نظری و پیشینه تجربی

بررسی پیوندها و روابط اجتماعی ساکنین یک شهر، در ابتدای امر، مفهوم سرمایه اجتماعی را به ذهن متبادر می‌کند. با وجود آن که موضوع سرمایه اجتماعی به صورت ضمنی و غیرمستقیم در آرای اندیشمندان متقدم مطرح بوده است، لیکن از سال ۱۹۱۶ و در دو دوره کوتاه مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب نظران معاصر به عنوان موضوع مطالعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با سرعت زیاد انتشار یافت. متفکران بسیاری در زمینه سرمایه اجتماعی نظریه پردازی کردند. شاخص‌ترین این متفکران کلمن، پاتنام، بوردیو و فوکویاما هستند. یکی از مهمترین نظریاتی که در این بخش پرداخته می‌شود، نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام است.

مفهوم سرمایه اجتماعی

نظریات سرمایه اجتماعی روابط و تعاملات اجتماعی را مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند. سرمایه اجتماعی موضوعاتی اعم از شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه نسبت به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل



می‌گردد و به عنوان یک حس تعلق و همبستگی، پایه مهم پیوستگی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. (بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۴). سرمایه اجتماعی گاهی اوقات دارایی فرد به شمار می‌آید. در آن صورت به شبکه‌های اجتماعی گسترده و منابع قابل دسترس برای فرد تاکید می‌گردد، و در موارد دیگری به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری پرداخته می‌شود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود. البته بازار لفظی استعاره‌ای است و محدوده آن در تحلیل‌های گوناگون می‌تواند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا بازار کار باشد که در آن، افراد با درگیر شدن در تعاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد انتظار را تولید می‌نمایند. اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به کار گیرد، از آن‌ها بهره‌گیرد و یا برای منافع مادی استفاده نماید. اجتماعاتی که از نعمت مجموعه گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی برخوردار هستند، در یک وضعیت محکم‌تری در مواجهه با فقر، آسیب‌پذیری و حل منازعات قرار دارند و بهتر می‌توانند از فرصت‌های جدید بهره‌برند (۲۰۰۲: ۹).

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام

به بیان پاتنام: «سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (Putnam, ۱۹۹۹: ۶). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقمند است. اگر چه او از منافع خصوصی سرمایه اجتماعی نیز غافل نبوده و به صورت‌های عمومی و خصوصی و جهات فردی و جمعی سرمایه اجتماعی اشاره دارد، اما به صراحت بیان می‌دارد که تمرکز و علاقمندی خاص او منافع خارجی و بهره‌های عمومی سرمایه اجتماعی است (Putnam, Goss, ۲۰۰۲: ۲۳). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه شاخص، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آن‌ها عبارتند از:

شبکه‌ها / هنجارهای همیاری/ اعتماد



الف) شبکه‌ها

پاتنام مانند دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو شاخص دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. (Putnam, Goss, ۲۰۰۲: ۶). او با تفکیک شبکه‌های افقی یا مساوات طلب از شبکه‌های عمومی یا انحصار طلب، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید. از نظر او شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب) به دلیل ارایه چارچوب فرهنگی برای همکاری، مولد هنجارهای اعتماد همیاری هستند. فشردگی یا تراکم شبکه ویژگی دیگری علاوه بر ساخت شبکه است که پاتنام بر آن تاکید دارد. منظور او از فشردگی، افزایش انجمن‌ها و امکان عضویت‌های متداخل و مشارکت در عرصه‌های چندگانه زندگی اجتماعی است.

ب) هنجارهای همیاری

پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد: «ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم یافته است. من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی‌آنکه چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم و شاید حتی بی‌آنکه شما را بشناسم، یا اطمینان به این که در طول راه شام یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (Putnam, ۱۹۹۹: ۱۳۴).

او در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن و تعمیم‌یافته اشاره می‌نماید. در نوع متوازن با مبادله همزمان چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را با هم عوض می‌کنند، مواجه هستیم. اما همانگونه که اشاره شد، در نوع تعمیم-یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیرمتوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند، مبنی بر این سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده بازپرداخت گردد (همان).

ج) اعتماد

یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه



کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم‌یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد» (Putnam، ۱۹۹۹: ۱۳۶).

این سه شاخص از شاخص‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام است. اما در این مقاله آنچه که مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاخص اول یعنی «شبکه‌ها» است. این شاخص با آنچه که ما در این مقاله به دنبال بررسی آن هستیم مرتبط است. چنانچه پاتنام مطرح می‌کند، پیوندها و ارتباطات شهروندان و ساکنین با یکدیگر و شکل و قالب آن، پایه و اساس شکل‌گیری دو شاخص دیگر یعنی اعتماد و همیاری است. لذا اگر در جامعه‌ای شبکه‌های پیوندی به شکل در هم تنیده و محکمی شکل گرفته باشند، می‌توان بیان کرد که اعتماد در آن جامعه بالا و هنجارهای همیاری مناسب و در نهایت سرمایه اجتماعی بالاست.

پیشینه تجربی

به طور کلی هیچ یک از تحقیقات تجربی پیشین، به طور خاص به بررسی روابط و پیوندهای اجتماعی شهر پردیس نپرداخته‌اند. با این وصف، در اینجا دو مقاله با موضوع سرمایه اجتماعی در شهر به طور مختصر توضیح داده می‌شود:

مقاله اول عبارت است از: "ارزیابی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه موردی: شهر جدید پردیس". این مقاله توسط ناصر براتی و محمدرضا یزدان پناه نوشته شده است و به دنبال بررسی نحوه تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی شهری است. روش مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. این پژوهش از آن جهت کمی است که به تبیین رابطه بین متغیرهای مشخص می‌پردازد و از آن جهت کیفی است که به صورت مطالعه موردی بوده است. تاکید این مقاله بر بعد ذهنی کیفیت زندگی شهری است. بعد ذهنی آن مترادف با میزان رضایت‌مندی شهروندان از عوامل مختلف موثر بر کیفیت زندگی مانند عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است. این مقاله وجود ارتباط بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان کیفیت زندگی



شهری را تایید می‌نماید. همچنین ارتباط قابل ملاحظه‌ای نیز بین نرخ ماندگاری جمعیت و کیفیت زندگی دیده شده است (براتی، و یزدان پناه: ۱۳۹۴).

مقاله دوم، از دکتر سوسن باستانی است با عنوان "سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز". این مقاله برگرفته از پژوهش، به مقایسه سرمایه اجتماعی مهاجرین به شهر تبریز در چهار دوره زمانی (مهاجرین تازه وارد، مهاجرین دهه ۷۰، مهاجرین دهه ۶۰ و مهاجرین قبل از انقلاب اسلامی) پرداخته است. هدف پژوهش، تعیین نقش سرمایه اجتماعی شبکه (روابط قبل از مهاجرت) در مهاجرت و استقرار مهاجرین است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش انجام شده است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده پیوندها و شبکه‌های خویشاوندی و تماس‌های شخصی، خانوادگی و قومی در مقصد نقش عمده‌ای در مهاجرت دارند. مهاجران طی تماس‌هایی که با دوستان و بستگان در مقصد برقرار می‌کنند اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص مشاغل جدید، محل اسکان و غیره به دست می‌آورند. همچنین مهاجران پس از استقرار تمایل دارند برای جلب حمایت‌های مورد نیازشان بر پیوندهای اجتماعی موجود در مبدا تکیه کنند. از دیگر نتایج به دست آمده این است که مهاجرین قبل از انقلاب به قصد ادامه تحصیل و پیوستن به خویشاوندان، مهاجرین دهه ۷۰ به انگیزه اشتغال و مهاجرین تازه وارد با انگیزه بهره‌مندی بیشتر از امکانات رفاهی و ارتقاء شغلی به تبریز آمده‌اند.

روش پژوهش

روش‌های مورد استفاده در پژوهشی که مقاله حاضر براساس بخشی از یافته‌های آن تدوین گردیده، پیمایش با تکنیک گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه که به صورت مراجعه حضوری به افراد تکمیل شده است و روش مونوگرافی با تکنیک‌های مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق بوده است.^۱

۱. داده‌های این مقاله برگرفته از طرح مطالعاتی تدوین سند راهبردی اجتماعی و فرهنگی شهرهای جدید ایران است که در سال ۱۳۹۴-۳ توسط مرکز مطالعات اجتماعی ایران مهر و به کارفرمایی شرکت عمران شهرهای جدید انجام شده است.



تک نگاری

برای انجام پژوهش و نوشتن این مقاله در ابتدا یک تک نگاری (مونوگرافی) از شهر پردیس تهیه شد. برای تهیه این تک نگاری، حضور در شهر پردیس و مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های متعدد نیازمند بود. اطلاع‌رسان‌ها یا افرادی که با آنها مصاحبه شد از ۴ فاز دارای سکونت شهر پردیس انتخاب شدند. شیوه انتخاب آنها تصادفی بود. در انتخاب اطلاع‌رسان‌ها، متغیر جنس، سن و قشر اجتماعی موثر بوده است و سعی شده است که افراد از تمام فازها و با ویژگی‌های مختلف انتخاب شوند. در مجموع ۴۵ مصاحبه در شهر پردیس انجام شد. مصاحبه شوندگان شامل ۲۲ مرد و ۲۳ زن بودند.

گفتگو با اطلاع‌رسان‌ها تنها منبع جمع‌آوری داده نبودند. مشاهدات در شهر نیز منبع مهم دیگری بود که به واسطه آن هم داده‌هایی کسب شد و هم شاهی بر ایده‌ها شدند. مشاهده زندگی روزمره ساکنین شهر منبع اطلاعاتی مهمی است که به واسطه آن می‌توان به شناختی از آنها دست یافت. این مشاهدات گاهی به صورت مشاهده مشارکتی رخ می‌داد. در بعضی از موارد بنا به الزام، نگارنده همراه افرادی می‌شد که قصد انجام کاری را داشتند. با آنها در امر مزبور شرکت می‌کرد و بعد از پایان کار، مشاهدات خود را به صورت دقیق یادداشت می‌کرد. مصاحبه و گفتگو با اطلاع‌رسان‌های کلیدی و همچنین مشاهدات، دو منبع اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها بودند.

پیمایش

در کنار روش تک نگاری، از روش پیمایش نیز استفاده شد. در این پژوهش ۲۹۴ پرسشنامه توزیع شد. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد. جامعه آماری تحقیق، تمامی ساکنین شهر پردیس بودند. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای است. با این روش نمونه‌ها از تمامی فازهای دارای سکونت شهر پردیس و از همه محلات انتخاب شده‌اند. از هر فاز چند محله، و از هر محله چند بلوک، و از هر بلوک چند واحد انتخاب شدند. طراحی پرسشنامه براساس مبانی نظری صورت گرفت. اعتبار و روایی پرسشنامه نیز قبل از تکمیل انجام شده است. ابتدا بر اساس نظرات چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه پرسشنامه اصلاح شد و سپس برای حصول روایی، با انجام پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌ای مقدماتی به تعداد ۳۰ نفر و با انجام آزمون آلفای کرونباخ، گویه‌ها اصلاح نهایی شدند.



برای بررسی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر پردیس در روش پیمایش از سوالات مختلفی استفاده شد. سوالاتی که به منظور بررسی پیوندهای اجتماعی ساکنین در پرسشنامه گنجانده شد، شامل این موارد بود:

پیش از شما چه کسانی به شهر پردیس آمده‌اند؟
رفت و آمد شما با چه افرادی است؟
آیا شما در مراسم سفره‌های نذری یا دوره‌ای دوستان، همسایگان و یا فامیل شرکت می‌کنید؟
به هنگام بروز اتفاقات، افراد هم‌محلی‌تان و اقوام‌تان هر یک چه واکنشی نشان می‌دهند؟
در شهر پردیس، در کدامیک از گروه‌ها فعالیت دارید و یا با آنها رابطه دارید؟

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به منظور پاسخ به سوالات پژوهش، در ابتدا اشاره‌ای به بخش توصیفی داده‌ها می‌شود.

داده‌های توصیفی

از میان ۴۵ مصاحبه انجام شده در این پژوهش، ۲۲ مصاحبه‌شونده زن و ۲۳ مصاحبه‌شونده مرد بودند. سن آنها نیز متفاوت بود. ۱۸ نفر ۴۰ سال به بالا، ۲۰ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۷ نفر زیر ۲۰ سال. ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان، دانش آموز، ۱ نفر دانشجوی، ۶ نفر خانه دار، ۳ نفر بازنشسته نهادهای دولتی، ۱۲ نفر مدیر یکی از مراکز اداری شهر پردیس شامل معاون مدرسه، مدیر روابط عمومی شهرداری، عضو هیات مدیره شرکت عمران پردیس، مدیر کانون پرورش فکری، مدیر فرهنگسرا. ۱۷ نفر هم دارای شغل آزاد بودند.

اما در بررسی پیمایشی از ۲۹۴ نفر نمونه آماری، ۲۰۸ نفر زن (برابر با ۷۰ درصد) و ۸۶ نفر مرد (برابر با ۲۹ درصد) هستند. از نظر سنی نیز ۳۹/۴ درصد بین ۳۰ تا ۴۵ سال، ۲۶/۹ درصد ۴۶ تا ۶۴ سال، ۲۵/۲ درصد ۱۸ تا ۲۹ سال و ۶/۱ درصد ۶۵ سال به بالا سن دارند.

داده‌های تحلیلی

در این بخش با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، مشاهدات و پرسشنامه‌ها به پاسخ سوال اصلی این مقاله می‌پردازیم. چنانچه قبلاً نیز مطرح شد، این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوال است که ساکنین شهر پردیس روابط اجتماعی خود را در شهر جدید چگونه



برقرار کرده‌اند؟ به عبارتی چه پیوندهای اجتماعی میان آنها شکل گرفته است؟ پاسخ سوال که از مصاحبه‌ها و مشاهدات و پرسشنامه‌ها به دست آمده است را نمی‌توان عمومیت داد و نتیجه را به همه قشرها و گروه‌ها تعمیم داد. به همین منظور این روابط در گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و الگوهایی از روابط و پیوندهای اجتماعی هر یک از این گروه‌ها استخراج شده است. این الگوها عبارتند از: الگوهای ارتباطی زنان متاهل، الگوهای ارتباطی دختران جوان و الگوهای ارتباطی پسران جوان

الف- الگوهای روابط اجتماعی زنان متاهل

بر اساس نتایج بدست آمده از مصاحبه‌ها، مشاهدات و پرسشنامه‌ها، یکی از الگوی ارتباطی زنان شهر پردیس، روابط اجتماعی در قالب جلسات قرآن و دیگری، روابط با خویشاوندان در شهر پردیس است. البته لازم به ذکر است که این زنان همگی متاهل و خانه‌دار می‌باشند.

روابط اجتماعی در قالب جلسات قرآن

الگوی ارتباطی که برای زنان ساکن شهر پردیس می‌توان ارائه داد، الگوی پیوندهای اجتماعی در قالب جلسات قرآن است. زنان پردیسی توانسته‌اند در این شهر، روابط اجتماعی برقرار کنند و بدینوسیله سرمایه اجتماعی میان خود را تقویت نمایند. آنها در این جلسات با سایر زنان ساکن در محله‌شان آشنا می‌شوند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. برخی از این زنان از بانیان چنین جلساتی بودند و برخی به آن ملحق شده و در آن شرکت کردند. این جلسات معمولاً در ابتدای امر توسط زنان ساکن در یک مجتمع شکل می‌گیرد و سپس با معرفی این جلسات قرآن توسط اعضا اولیه آن به سایر زنان محل، اعضای آن بیشتر و فعالیت آن گسترده‌تر می‌شود. در تمامی فازها و محلات این گونه جلسات بین خانم‌ها رواج داشت. این زنان در قالب جلسات قرآن گروهی تشکیل داده‌اند که خود را متعلق به آن می‌دانند و بخشی از زمان خود را در این گروه می‌گذرانند.

خانمی در گفتگویی که با محقق داشت به برگزاری این گونه جلسات اشاره کرد و توضیحاتی در این باب داد.

«ما هفته‌ای یک بار جلسات قرآنی برگزار می‌کنیم. من این جلسات را خیلی دوست دارم. قرآن می‌خوانیم، با خانم‌ها حرف می‌زنیم، مشکلات زندگی‌مون را با هم مطرح می‌کنیم. مخصوصاً مشکلاتی که با بچه‌هامون داریم. به هم کمک می‌کنیم که این مشکلاتمون حل بشه. حتی گاهی نکات آشپزی را از هم می‌پرسیم» (به نقل از: م: ۱۶)



خانمی به جنبه دیگری از جلسات قرآن اشاره کرد.

«ما فقط توی این جلساتمون با هم قرآن نمی‌خونیم. هر از گاهی با هم به پارکی میریم، سر مزار شهدا میریم. گاهی هم شده با هم بریم تهران تا امامزاده صالح. به هر حال بیکار نمیشینیم. همش که همیشه توی خونه موند. اولی که این جلسات را تشکیل دادم، تعداد خانم‌ها خیلی کم بود اما کم کم گسترش دادیم و الان حدود ۲۰ نفری هستن که میان جلسه» (به نقل از م: ۲۹)

این جلسات قرآن برای زنان تنها کارکرد مذهبی ندارد، زنان در قالب آن بخشی از تنهایی خود در شهر جدید را پر می‌کنند. آنها به واسطه این جلسات به یکدیگر کمک می‌کنند و سعی در رفع مشکلات یکدیگر دارند. چه مشکلات مالی و چه مشکلات خانوادگی. اکثر این جلسات قرآن دارای یک صندوق قرض‌الحسنه هستند. زنانی که در این جلسات شرکت می‌کنند صندوق قرض‌الحسنه‌ای به منظور کمک مالی به یکدیگر تأسیس کرده‌اند.

علاوه بر جلسات قرآن در منازل، مساجد محلات نیز در این زمینه فعال هستند. تمامی مساجد اینگونه جلسات را برای زنان برگزار می‌کنند و زنان با حضور در این جلسات توانسته‌اند پیوندهایی میان خود ایجاد کنند. ولی مناسبات و پیوندهایی که در نتیجه جلسات خودانگیخته از سوی زنان ایجاد شده است قوی‌تر از پیوندهای منتج از جلسات مساجد است. طی جلسات مساجد، زنان ارتباطشان محدود به همان مکان و محدوده مسجد است و خارج از آن نتوانسته‌اند ارتباط خود را تداوم ببخشند. جلسات مساجد برخلاف جلسات داخل منازل، کارکرد مذهبی‌اش از اهمیت بیشتری برخوردار است.

الگوی روابط خویشاوندی

حضور در جلسات قرآن تنها بخشی از زنان شهر پردیس را شامل می‌شود و مسلماً تمام خانم‌های شهر پردیس جلسات قرآن را برگزار و در آنها شرکت نمی‌کنند. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با خانم‌ها، زنان به غیر از تشکیل جلسات قرآن، نتوانسته‌اند گروه دیگری داشته باشند که در قالب آن روابط اجتماعی داشته باشند و به فعالیت بپردازند. در واقع طی انجام پژوهش به موردی از تشکیل جلسات دیگری مانند جلسات ادبی و... که خانم‌ها خودشان برگزار کننده باشند، برخورد نشد. جلسات قرآن تنها جلسات و فعالیت‌های جمعی زنان بود. البته گروهی از زنان نیز، روابط و پیوندهای خانوادگی‌شان در اولویت قرار دارد و به عبارتی روابط آنها به روابط خانوادگی محدود شده است. بعضی از این افراد اقوام و خویشانی در پردیس دارند و در تلاش‌اند که در روزهای تعطیل، بخشی از زمان خود را با اقوام بگذرانند. این نوع روابط و پیوندها، الگوی غالب ارتباطی در شهر پردیس است. بر اساس نتایج به دست



آمده از پرسشنامه نیز مشخص شده است که افراد بیشترین رابطه را با اقوام خود در شهر پردیس دارند.

جدول ۳: رفت و آمد با دیگر شهروندان شهر پردیس

درصد	فراوانی	رفت و آمد خانوادگی
۱۷/۳	۵۱	۵- با همسایگان خود
۲۳/۱	۶۸	۶- با دوستان خود در این شهر
۱۲/۹	۳۸	۷- با همکاران خود در این شهر
۴۴/۶	۱۳۱	۸- با اقوام و خویشان خود در این شهر

۴۴ درصد افراد با اقوام خود رفت و آمد دارند. ۲۳ درصد افراد با دوستان رفت و آمد خانوادگی دارند. ۱۷ درصد افراد با همسایگان در ارتباط هستند و در رده آخر ارتباط با همکاران قرار دارد با ۱۲ درصد. همچنین، در پاسخ به این سوال که قبل از شما چه کسانی از آشنایان به این شهر آمده بودند؟، درصد قابل توجهی گفته‌اند که ابتدا اقوام آنها در این شهر بوده‌اند و بعد خودشان آمده‌اند. حضور یکی از اقوام در شهر جدید نقش موثری در آوردن سایر اقوام به شهر پردیس داشته است و با سکونت آنها در شهر پیوندهای خانوادگی همچنان تداوم کرده است. همانطور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود ۳۲ درصد افراد نمونه گفته‌اند که قبل از آمدنشان یکی از خویشان آنها در پردیس بوده است.

جدول ۴: افراد آشنا قبل از مهاجرت به شهر جدید پردیس

درصد	فراوانی	
۳۲/۰	۹۴	اقوام
۸/۲	۲۴	دوستان و آشنایان
۰/۰	۰	هم ولایتی‌ها
۳/۴	۱۰	همکاران
۰/۰	۰	سایر
۰/۰	۰	نمی‌دانم
۵۶/۱	۱۶۵	هیچ‌کدام

با توجه به بالا بودن درصد روابط خویشاوندی نسبت به سایر پیوندها و روابط اجتماعی، می‌توان بیان کرد که الگوی غالب ارتباطی میان زنان در شهر پردیس، الگوی روابط خویشاوندی است.



الگوهای ارتباطی جوانان

در این بخش از مقاله به الگوی روابط اجتماعی جوانان پرداخته می‌شود. شهر پردیس یک شهر جوان است. ترکیب سنی جمعیت در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که این شهر با دارا بودن حدود ۵۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال جزء شهرهای جوان محسوب می‌شود. حدود ۳۷ درصد از جمعیت این شهر را جمعیت زیر ۲۰ سال و ۱۳/۷ درصد را گروه سنی زیر ۱۰ سال تشکیل می‌دهند. از جمعیت ۳۷۲۵۷ نفری شهر پردیس حدود ۶۴۵۸ نفر در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد ۲۲۹۹ نفر در مقطع ابتدایی، ۱۵۲۶ نفر در مقطع راهنمایی و ۲۶۳۳ نفر در مقطع دبیرستان قرار دارند. (گروه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

الگوهای ارتباطی جوانان در دو گروه دختران و پسران به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. این تفکیک نیز به دلیل موقعیت اجتماعی متفاوتی است که دختران و پسران به ویژه در شهرهای جدید دارند و تاثیری که این موقعیت اجتماعی بر نوع شبکه‌های پیوندی آنها دارد. ابتدا الگوهای ارتباطی دختران مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس الگوی ارتباطی پسران.

ب) الگوهای ارتباطی دختران جوان

غایب بودن پیوندهای دوستی میان دختران

آنچه که در مورد روابط اجتماعی جوانان اهمیت دارد، گروه‌های دوستی است. شکلگیری چنین گروه‌های دوستانه‌ای برای دختران و پسران از این جهت اهمیت دارد که این گروه‌ها زمانی که شکل می‌گیرند علاوه بر تبعات فردی و شخصی که به دنبال دارند مانند خارج شدن افراد از تنهایی و انزوا، تبعات اجتماعی نیز خواهند داشت. گروه‌های دوستی در ایجاد وابستگی و احساس تعلق به مکانی که دوستان در آن جمع می‌شوند، نقش دارد. زمانی که گروه دوستی در پیوند با مکان قرار بگیرد آن مکان معنادار می‌شود. اعضای آن گروه دوستی، دیگر یک پارک برایشان یک پارک معمولی نیست بلکه مکانی است که با دوستان خود در آن قرار می‌گذارند و زمانی را با هم سپری می‌کنند. پیوند گروه دوستی و مکان است که ایجاد خاطره می‌کند و آن محیط را از حالت یک محیط فیزیکی صرف خارج می‌کند. در واقع می‌توان گفت که گروه دوستی زمانی از نگاه جامعه‌شناسی شهری اهمیت پیدا می‌کند که آن گروه دوستی حیات اجتماعی داشته باشد. حیات اجتماعی به این معنا که در فضاهای عمومی حضور داشته



باشد و بتواند بخشی از این فضا و مکان عمومی را به تسخیر خود درآورد. اگر بتواند فضا را به تسخیر درآورد، آن زمان است که می‌تواند فضا را تغییر دهد و معنای جدیدی به مکان بدهد. با توجه به این توضیحات است که می‌توان بیان کرد که گروه‌های دوستی دخترانه‌ای در پردیس شکل گرفته است. زیرا دختران نتوانسته‌اند فضاهای عمومی را تسخیر کنند. آنها نتوانسته‌اند در مکان‌های عمومی حضور پررنگ داشته باشند و خود را به محیط و افراد دیگر تحمیل کنند و دیگران نیز آنها را بپذیرند. دختران چندان نتوانسته‌اند به شکل گسترده، روابطی خارج از روابط خانوادگی در شهر پردیس برای خود ایجاد کنند. روابط و پیوندهای دختران بیشتر محدود به خانواده می‌شود. این مساله به خوبی در مصاحبه‌ها مشخص بود و در مشاهدات نیز می‌شد به این نتیجه رسید.

من دو تا دختر دارم که اولی دانشجو و دومی هم مدرسه میره. اونها تمام تفریحاتشون با خانواده است و تا حالا نشده که اجازه بدیم که با دوستانشون تنها جایی بروند. اگر خواستند جایی بروند حتما مادرشون و یا چند تا از بچه‌های فامیل همراهشون بودند (به نقل از: م ۲۴)

عدم شکلگیری روابط دوستانه قوی میان دختران، یکی از مشکلات جدی مدارس این شهر نیز می‌باشد. بسیاری از معلمان مدارس دخترانه به این مساله اشاره کردند و طی مصاحبه‌های خود، بیان کردند که دختران در مدارس نتوانسته‌اند روابط دوستی خود را گسترش دهند و قوی کنند. دختران در مدارس به راحتی نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و عدم ارتباط مستمر میان آنها مانع شکلگیری پیوندهای قوی می‌شود. در مقابل دخترانی هم که نتوانسته‌اند خارج از روابط خانوادگی دوستانی داشته باشند، این روابط چندان مستحکم نیست و بعد از پایان دبیرستان این روابط بسیار کمرنگ شده است و به قول مصاحبه‌شونده‌ای در حد یک تلفن باقی مانده است. این دختران با دوستان خود در پردیس پارک و کافی شاپ، نمی‌روند و فعالیتی ندارند. این روابط دوستانه نتوانسته‌اند حیات اجتماعی پیدا کنند. تا زمانی که نتوانند حیات اجتماعی پیدا کنند و در مکان‌های عمومی حضور داشته باشند، نمی‌توان گفت که گروه دوستی شکل گرفته است.

من چون دوران دبیرستانم را پردیس گذروندم، همون موقع چند تا دوست پیدا کردم/ اما این رابطه‌ها مون الان دیگه خیلی کم شده فقط گاهی ممکنه تلفنی صحبت کنیم. بیشتر توی خونه هستم و میام سر کار. دوست خاصی ندارم اینجا (به نقل از: م: ۵، دختران دیگری نیز به این مساله اشاره کردند از جمله: م ۲۰)



تداوم روابط دوستی دختران در شهر تهران

یکی دیگر از الگوهای ارتباطی دختران که از رواج نسبی میان آنها برخوردار است، تداوم روابط دوستی دختران در شهر تهران است. این گروه از دختران ساکن شهر پردیس از دوران سکونت خود در تهران دوستانی دارند که در زمان اوقات فراغت به تهران می‌روند و با آنان در آنجا زمانی را سپری می‌کنند و در پایان روز به پردیس بازمی‌گردند. این افراد به دلیل آنکه در پردیس دوستانی نیافته‌اند همچنان به تداوم روابط خود با دوستانشان در تهران مبادرت می‌کنند. آنها محل تفریحشان داخل پردیس نبوده بلکه تهران است.

گروه دیگری از دختران هستند که توانسته‌اند دوستانی در شهر پردیس بیابند اما آنها نیز محل تفریح و گذراندن اوقات فراغتشان شهر پردیس نیست. آنها با دوستانشون از پردیس به تهران می‌روند و اوقات فراغت و تفریحات خود را می‌گذرانند.

من دوستانی توی تهران دارم. در واقع تنها دوستای واقعیم اونا هستن. ماهی یکی دو بار به تهران میرم و با دوستام میریم خرید و تفریح. مثلاً همین چند وقت پیش با بچه‌ها رفتیم پارک ملت. اینجا هم دوست دارم اما نه به اندازه صمیمیت دوستان تهرانیم. با دوستای پردیسیم اصلاً بیرون نمی‌رم و در همین محدوده پاساژ هست رابطمون. اونا هم مثل من فروشنده هستن (به نقل از م: ۲۰)

من چند تا دوست دارم که تمام تفریحاتمون توی تهرانه. هر از گاهی با هم جمع میشیم و میریم تهران. جشنواره سینما و تاتر میریم، خانه هنرمندان میریم با هم میریم وسیله‌هایی که نیاز داریم می‌خریم. توی پردیس با هم جایی نمی‌ریم (به نقل از م: ۶).

ج) الگوی ارتباطی پسران

اولویت روابط دوستی بر روابط خانوادگی

پسران در مقایسه با دختران در وضعیت بهتری قرار دارند. گروه‌های دوستی میان آنها شکل گرفته است. روابط پسران بیشتر با گروه‌های دوستی‌شان است تا با خویشاوندان. شکل غالب گروه‌های دوستی میان پسران با هم محله‌ای‌ها و همکلاسی‌هایشان است از جمله گروه دوستانه ورزشی و گروه موسیقی. پسران بخشی از اوقات بیکاری خود را در این گروه‌های دوستانه می‌گذرانند.

من وقتی بیکاریم را با دوستانم هستم. همشون هم محله‌ای‌هام هستن. چند سالی میشه که با هم دوستیم (به نقل از م: ۱۳).



حضور پسران و فعالیت آنها در بسیج محلات و هیأت‌های مذهبی بسیار زیاد است. عضویت در بسیج و هیأت‌های مذهبی امکان زیادی را برای پسران فراهم می‌کند تا روابط دوستی برقرار کنند و پیوندهای اجتماعی گسترده‌ای برای خود شکل دهند. بسیج محلات و هیأت‌های مذهبی اعضای زیادی دارند. پسران با حضور و فعالیت در چنین فضاهایی توانسته‌اند دوست‌هایی پیدا کنند و سرمایه‌ی اجتماعی خود را تقویت کنند. براساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، از میان افرادی که در گروه‌ها فعالیت دارند، عضویت و فعالیت در هیأت‌های مذهبی بالاترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. جدول زیر به خوبی نشان می‌دهد که عضویت در هیأت‌های مذهبی بیشترین درصد عضویت در گروه‌ها را به خود اختصاص داده است. بعد از آن عضویت در گروه‌های ورزشی و بسیج هستند که از استقبال بیشتری برخوردارند.

جدول ۵: فعالیت در گروه‌های مختلف اجتماعی

گروه‌ها	درصد
هیأت‌های مذهبی	۱۶/۳
انجمن‌های خیریه	۴/۴
انجمن‌های علمی	۳/۰
گروه‌های ادبی و هنری	۵/۴
گروه‌های ورزشی	۱۱/۵
گروه‌ها و احزاب سیاسی	۰/۰
گروه‌های صنفی و کارگری	۰/۰
بسیج	۹/۸
هیچ کدام	۶۱/۳
سایر	۲/۶

آنچه که تمایز میان دختران و پسران را بارز می‌کند حضور پسران در فضاهای عمومی شهر پردیس است. پسران به راحتی توانسته‌اند در این فضاها حضور داشته باشند و این مکان‌ها را از آن خود کنند. حضور پر رنگشان در پارک‌های شهر به ویژه پارک شهریار به عنوان پارک اصلی شهر پردیس، نمونه بارز آن است. پسران در مقایسه با دختران از محدودیتهای کمتری برخوردار هستند. آنها از طرف خانواده برای ایجاد روابط دوستی منع نمی‌شوند. آزادی عمل پسران توانسته این امکان را برای آنها فراهم کند که گروه‌های دوستی



خود را شکل دهند و از آن مهمتر در فضاهای عمومی شهر حضور داشته باشند. امکانی که برای دختران شهر پردیس وجود نداشته است.

من کار و تفريحم با دوستانمه. با هم تمرين موسيقي داريم و وقتي هم بيکاريم با بعضي ديگه از دوستانمون به سفره خانه ميريم و قليون مي کشيم (م: ۳۲)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نکته بسیار مهمی که از مصاحبه‌های انجام شده با زنان، می‌توان بیان کرد این است که در بخشی از زنان پردیس، جلسات قرآن به ابزاری تبدیل شده‌اند که آنان به واسطه‌ی آن روابط اجتماعی خود را شکل داده‌اند و این روابط اجتماعی شکل گرفته، به خارج از جلسات نیز منتقل شده است. آنها توانسته‌اند برنامه‌های مشترکی با یکدیگر داشته باشند. این گروه زنان سعی می‌کنند که در ذیل این جلسات به یکدیگر کمک کنند و خود را از تنهایی درآورند. زنان در تلاش‌اند که از این طریق حرف یکدیگر را بشنوند و تا حد امکان به یکدیگر کمک کنند. این کمک‌ها هم مالی بوده و هم راهنمایی برای حل مشکلات خانوادگی. تشکیل چنین جلساتی و شکل‌گیری شبکه‌های پیوندی برای زنان، پیامدهای مثبتی برای آنها به دنبال دارد. اولین نتیجه‌ی تشکیل این جلسات، ایجاد رابطه بین خانم‌ها است. افراد با یکدیگر آشنا می‌شوند با هم تفريح می‌روند و حتی مسائلی را از هم یاد می‌گیرند و مشکلات خود را با هم در میان می‌گذارند. این جلسات برای زنانی که در شهری جدید سکونت دارند بسیار مفید است و می‌تواند برای مدت زمانی هم که شده از کار خانه فارغ شوند و با دوستان خود زمانی را بگذرانند. این امر موجب ایجاد پیوندهای اجتماعی میان خانم‌ها و تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. پیوندهایی که متفاوت هستند از نوع روابط و پیوندهای خویشاوندی و قومی. شبکه‌های پیوندی که به خواست و اراده افراد و با هدف خاصی شکل گرفته است.

یکی از پیامد مهم شکل‌گیری چنین روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی میان خانم‌ها آن است که حساسیت آنها نسبت به محیط اطرافشان بالا می‌رود و به واسطه این گروه دوستی احساس تعلق آنها به محیط بیشتر می‌شود. در نتیجه آن نیز تلاش آنها برای زندگی در محیطی بهتر چه از نظر اجتماعی و چه از نظر امکانات افزایش می‌یابد. مطالعات نشان می‌دهد زنان در چنین گروه‌های دوستی که نتیجه جلسات دوره‌ای آنها است، نسبت به محیط خود حساسیت بیشتری دارند. آنها بیشتر تلاش می‌کنند که محیطی سالم داشته باشند و خود را درگیر خیلی از مسائل محله خودشان نکنند. آنان به راحتی از کنار بعضی مشکلات نمی‌گذرند و تلاش می‌کنند که مشکلات را تا حد امکان رفع کنند. با این وصف، حضور آنها در شهر



بیشتر می‌شود. فعالیت اجتماعی آنها باعث شده که در شهر حضور بیشتری داشته باشند و دیده شوند. این ویژگی در میان زنانی که در هیچ گروه و شبکه پیوندی حضور ندارند، وجود ندارد. آنها کمترین حساسیت را نسبت به محیط زندگی خود دارند و نسبت به آنچه که در محیط شهرشان رخ می‌دهد واکنشی نشان نمی‌دهند. مشاهدات در شهر پردیس نیز نشان دهنده این مهم است.

فاز ۱، خیابان فروردین جنوبی، پارک دانش آموز :

گروهی از خانم‌ها در محوطه ورزش پارک حضور دارند. آنها در پارک با هم آشنا شده‌اند و با یکدیگر جلسات قرآنی تشکیل داده‌اند. این خانم‌ها هنگام گفتگو با من در مورد وضعیت پارک صحبت می‌کردند. آنها به شدت از وضعیت پارک ناراضی بودند و تلاش بسیاری برای بهبود وضعیت آن کرده‌اند. آنها از دختر و پسرهایی که به این پارک می‌آیند شکایت داشتند و معتقد بودند رفتار آنها خلاف عرف است. زنان همچنین یک ماجرای را تعریف کردند بر این اساس که مدتی پیش یک پسری به شدت یک دختری را کتک می‌زد و هر چقدر هم آنها اعتراض کردند بی‌فایده بود. آنها چندین بار به کلانتری پردیس شکایت کردند اما نتیجه نداشت. شیوهی برخورد آنها با این مساله مورد توجه نیست. بلکه آنچه اهمیت دارد حساسیت آنها نسبت به محیط است (مشاهدات از خیابان فروردین جنوبی، پارک دانش آموز)

مشاهده بالا تنها یک نمونه از رفتار زنانی است که نسبت به محیط اطرافشان حساسیت به خرج می‌دهند و تلاش می‌کنند محیطی سالم برای خودشان فراهم کنند. حضور در چنین گروه‌های دوستی در شهر محل سکونت توانسته نقش مهمی را در ایجاد حساسیت نسبت به محیط شهر ایفا کند.

همانطور که در بخش ارائه داده‌ها بیان شد، در مجموع می‌توان گفت که الگوی ارتباطی غالب در میان دختران، الگوی روابط خانوادگی است. شرایط اجتماعی حاکم بر شهر پردیس به گونه‌ایست که دختران را مجبور به انتخاب خانه و خانواده به جای محیط شهری پردیس و پیوندهای اجتماعی دیگری در کنار پیوندهای خانوادگی کرده است. در شهر پردیس خانواده‌ها کمتر اجازه می‌دهند که دخترانشان در شهر جدید روابط زیادی داشته باشند و اگر این روابط شکل گرفته باشد کاملاً زیر نظر خانواده‌ها و با حضور مادران خواهد بود. این ممانعت والدین است که مانع ایجاد شبکه‌های ارتباطی دخترانشان می‌شود. به دختران در مرحله اول توصیه می‌شود که کمترین ارتباط و پیوند را با آدمهای اطرافشان داشته باشد، مدارس نمونه بارز این مساله هستند. زمانی که به مدرسه ابتدایی دخترانه علامه طباطبایی مراجعه شد و با مدیر و معاون این مدرسه گفتگو صورت گرفت آنها یکی از مشکلات مدرسه



را شکل نگرفتن روابط دوستانه قوی میان دانش‌آموزان می‌دانند. «یکی از مشکلاتی که ما در این مدرسه داریم این است که بین بچه‌ها گروه‌های دوستی بادوام شکل نمی‌گیرد. یکی از دلایلی هم این است که مادران فرزندانشون را از چنین روابطی دور نگه می‌دارند. در واقع آنها را منع می‌کنند (به نقل از: م ۳۶). در مواردی نادری نیز که والدین اجازه می‌دهند فرزندشان با یکی از دوستانش در شهر برود به گردش بپردازد، یکی از والدین فرزندانشان که ساکن تهرانند و تحت نظارت قرار می‌گیرند. اما حضور دختران و گردش با دوستانشان که ساکن تهرانند در شهر تهران مشکلی ندارد. دلیل آن به شناختی که والدین از تهران و دوستان فرزندانشان در آنجا دارند مربوط می‌شود. اکثر ساکنین پردیس از تهران مهاجرت کرده‌اند، آنها سالها در تهران بوده‌اند و محیط آنجا و دوستان دخترشان را می‌شناسند. بنابراین احساس ترس و نگرانی ندارند و می‌توانند اعتماد کنند. اما از نگاه والدین، شهر پردیس و سایر ساکنین متفاوت هستند. آن اعتمادی که در مورد تهران صدق می‌کند، در مورد پردیس صادق نیست.

منع دختران از روابط دوستانه و حضور در گروه‌های دوستی یکی از موانع جدی بر سر راه شکلگیری روابط دوستانه آنها است. خانواده‌ها دائم نگران فرزندانشان هستند. به دلیل عدم اعتماد و اطمینانی که به دیگری دارند، نگران این مساله هستند که مبادا این فرد به دخترشان آسیب بزند. و تمام تلاش خود را می‌کنند که دخترشان را از سایر افراد دور نگه دارند. در نتیجه خانواده نهایت کنترل را بر فرزند دختر خود اعمال می‌کند. کنترلی که شاید بیشتر از تهران باشد. خانواده‌ها سعی می‌کنند که دختران خود را به طور کامل زیر نظر داشته باشند و تمام روابط و تفریحات آنها محدود به خانواده باشد و نه با دوستان. مساله‌ای که مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز به آن اشاره کرد. «خانواده‌های توی پردیس تمام تلاششون اینه که فرزندانشون را کنترل کنند به ویژه دخترانشون رو که مبادا اتفاقی براش بیافته (به نقل از: م ۲۱). نگرانی خانواده‌ها از محیط‌شان و اینکه اطرافیان خود را به خوبی نمی‌شناسند موجب بروز چنین پدیده‌ای شده است.

دلیل دوم را می‌توان به فضاهای عمومی شهر پردیس مربوط دانست. پردیس اگر چه در ارتباط با تهران قرار دارد و بسیاری از ساکنین آن از تهران آمده‌اند، اما محیط اجتماعی آن با تهران فاصله زیادی دارد. یکی از نشانه‌های آن نیز عدم حضور دختران و گروه‌های دوستی آنان در فضاهای عمومی شهر است. فضاهای عمومی شهر پردیس همانند پارک‌ها، پاساژها نتوانسته‌اند دختران را به خود جذب کنند. دخترانی طرف مصاحبه، احساس راحتی و علاقه‌ای به گذران اوقات فراغت در این مکان‌ها نداشتند. جیکوبز در نظریه خود تاکید بسیاری بر فراهم آوردن عرصه‌هایی برای ایجاد تعامل میان ساکنین یک شهر دارد (جیکوبز، ۱۳۸۶). اما این



عرصه‌ها برای ساکنین شهر پردیس به ویژه برای دختران فراهم نشده است. دختران طی مصاحبه‌هایی که داشتند به این مساله کاملاً اشاره کردند و بیان کردند که رفت و آمد برایشان در پارک‌ها و پاساژها به راحتی زمانی که تهران بودند نیست. آنها عدم احساس راحتی در سطح شهر را یکی از دلایل عدم حضورشان در مکان‌های عمومی می‌دانند.

اینجا کوچیکه، خیلی سخته‌مونه که بخوایم چند نفری بریم بیرون. یک جوریه، همه نگاه می‌کنن. من که اصلاً راحت نیستم (به نقل از م: ۲۰)

میگه که محیط خیلی کوچیکه. راحت نمیشه توی خیابون و پارک قدم زد. توی پارک پسرها مزاحم میشن. در شهر احساس راحتی ندارم (به نقل از م: ۵)

اما شرایط برای پسران کاملاً متفاوت است. آنها نظارت خانواده بر روی خود را در مقایسه با دختران کمتر دارند و همین مساله آزادی عمل بیشتری به آنها می‌دهد. آنها با حضور در هیأت‌های مذهبی و فعالیت در مساجد و از سوی دیگر گروه‌های موسیقی توانسته‌اند شبکه‌های پیوندی خود را در مقایسه با دختران گسترش دهند.

جمع بندی

هدف اصلی این پژوهش بررسی روابط و پیوندهای اجتماعی ساکنین شهر پردیس به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اصلی سرمایه اجتماعی بود. همانطور که در چارچوب نظری گفته شد، اعتماد اجتماعی و پیوندها و شبکه‌های اجتماعی دو شاخص سرمایه اجتماعی هستند و از نگاه پاننام پیوندهای اجتماعی موجبات افزایش اعتماد را فراهم می‌کنند. بالا بودن میزان اعتماد میان مردم و قوی بودن پیوندهای اجتماعی میان شهروندان نشان از سرمایه اجتماعی بالای آن جامعه دارد. با این وصف، با بررسی پیوندهای اجتماعی در شهر پردیس می‌توان تصویر روشنی از چگونگی وضعیت سرمایه اجتماعی در آن شهر ارائه داد.

پاننام در بحث شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی شهروندان، هم از ساخت و ایجاد شبکه‌ها بحث می‌کند و هم از شاخص تراکم شبکه‌ها، که این امکان را برای فرد فراهم می‌کند تا در چندین شبکه اجتماعی عضو بوده و فعالیت داشته باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش و سه الگویی که ارائه شد، می‌توان دو نکته مهم را مطرح کرد. ساکنین شهر پردیس به عنوان یک شهر جدید، در زمینه ایجاد شبکه‌های اجتماعی برای خود نسبتاً ضعیف عمل کرده‌اند. آنها نتوانسته‌اند پیوندهای قوی و محکمی با یکدیگر ایجاد کنند. پیوندهایی که عموماً ساکنین شهر پردیس با یکدیگر دارند، بعضاً پیوندهای خانوادگی و در سطح پایین‌تری پیوندهای دوستی است. حتی می‌توان گفت که این پیوندهای دوستی میان برخی از گروه‌ها



از جمله دختران شهر پردیس بسیار ضعیف است. همانطور که در بخش ارائه یافته‌ها مطرح شد، دختران جوان به دلیل محدودیت‌هایی که بر آنها هم از طرف خانواده و هم از طرف محیط شهر تحمیل می‌شود، نتوانسته‌اند پیوندهای دوستی قوی برقرار کنند. اما وضعیت زنان متأهل و پسران متفاوت است. زنان متأهل اگر چه روابط خانوادگی برایشان در اولویت است و به عبارتی شبکه‌ها و پیوندهای خانوادگی درصد بیشتری از ارتباطات آنها را در بر می‌گیرد، اما از طریق فعالیت در هیات‌های مذهبی و گروه‌های مذهبی مساجد و همچنین جلسات خانگی قرآن (که اهالی یک مجتمع یا محله تشکیل داده‌اند)، برخی از آنان گروه‌های دوستی و پیوندهای دیگری را نیز برای خود ایجاد کرده‌اند. هیات‌های مذهبی و جلسات قرآن در مساجد و یا منازل، پوشش مناسبی شده برای آنان که بتوانند در کنار شبکه ارتباطی خانوادگی، شبکه ارتباطی دیگری ایجاد کنند. از سوی دیگر پسران نیز در ساخت شبکه‌های پیوندی‌شان تا حدی توانسته‌اند موفق‌تر از دختران عمل کنند. پسران نیز در کنار شبکه‌ی خانوادگی، شبکه دوستی ایجاد کرده‌اند. با این تفاوت که شبکه دوستی برای آنها نسبت به پیوندهای خانوادگی در اولویت بیشتری است. یکی از مکان‌هایی که پسران به واسطه آن توانسته‌اند پیوندهای خود را گسترش بدهند، هیات‌های مذهبی است. آنها با مشارکت و فعالیت در این هیات‌ها با گروه‌ها و افراد جدید آشنا شده و شبکه‌های ارتباطی خود را گسترش داده‌اند. در بخش تحلیل یافته‌ها بیان شد که پسران به دلیل کنترل کمتری که بر آنها تحمیل می‌شود دامنه فعالیت‌هایشان بیشتر است. آنان برای عضویت در کانون‌ها و یا هیات‌ها با محدودیت‌هایی که دختران دارند روبرو نیستند، لذا می‌توانند با عضویت در آنها شبکه ارتباطی و پیوندهای خود را گسترش دهند.

اما علاوه بر ساخت شبکه، فشردگی یا تراکم شبکه ویژگی دیگری است که پاتنام بر آن تاکید دارد. منظور او از فشردگی، افزایش انجمن‌ها و امکان عضویت‌های متداخل و مشارکت در عرصه‌های چندگانه زندگی اجتماعی است. در باب تراکم و فشردگی شبکه‌های پیوندی شهروندان شهر پردیس می‌توان اینگونه بحث کرد که تراکم و فشردگی شبکه میان شهروندان شکل نگرفته است. بخش عمده‌ای از شهروندان به غیر از خانواده خود، پیوند دیگری ندارند. یک فرد در یک شهر می‌تواند در ابتدای امر یک شبکه خانوادگی و در مرحله بعد شبکه دوستان داشته باشد. فرد با عضویت در شبکه دوستی دانشگاهی، مدرسه، محل کار، و یا عضویت در کانون‌های هنری، مذهبی و... می‌تواند پیوندهایی با دیگران شهروندان ایجاد کند. موارد متعدد دیگری از این پیوندها در شهر را می‌توان برشمرد، مانند عضویت در موسسات خیریه و نهادهای مدنی که اگر امکان تشکیل چنین کانون‌ها، انجمن‌ها، نهادها و شبکه‌های



اجتماعی در محل زندگی شهروندان فراهم باشد و از طرفی موانعی برای پیوستن افراد به آنها موجود نباشد، پیوندهای مستحکمی میان شهروندان با یکدیگر و شهروندان با شهر برقرار خواهد شد. اما این فرصتها برای ساکنین شهر پردیس کمتر فراهم آمده است. چنانچه مطرح شد، برای سه گروه از شهروندان مورد بررسی شهر پردیس تنها، شبکه خانوادگی و پیوندهای دوستی ناشی از مشارکت در جلسات مذهبی، برای زنان و دختران و پیوندهای دوستی مدرسه‌ای و محلی برای پسران فراهم است. بخشی از این مشکل به کمبود امکانات کافی در شهر پردیس مرتبط می‌شود. همچنین، فرصت‌های شغلی در داخل شهر پردیس بسیار محدود است، شاغلین شهر پردیس طبق نتایج به دست آمده از همین پژوهش خارج از شهر پردیس کار می‌کنند. بخش مهمی از آنها در تهران و تعدادی نیز در مبل‌سازی‌ها و صنعتکاری‌های منطقه کمرد و سیاهسنگ مشغول به کار هستند. نبود این فرصت‌های شغلی در داخل شهر پردیس به ویژه برای زنان، احتمال شکلگیری بخشی از این پیوندها را از بین برده است.

شکل نگرفتن پیوندهای شهروندان با یکدیگر و به زبان پاتنام "شبکه‌های پیوندی" تبعاتی به دنبال دارد. عدم ایجاد اعتماد و هنجارهای همیاری میان شهروندان از مهمترین تبعات آن است. به نظر پاتنام نیز شبکه پیوندی اساس شکلگیری اعتماد و هنجارهای همیاری است. لذا برقرار نشدن پیوندهای اجتماعی میان شهروندان در شهر پردیس، اعتماد میان آنها را کاهش داده و حتی مانع شکل گرفتن اعتماد میان آنان می‌شود.

اما برای نسل بعدی شهروندان پردیس که هم اکنون کودک هستند، آینده متفاوتی می‌توان فراهم آورد. حضور کودکان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از سوی دیگر فرهنگسرا و مدارس فرصت مناسبی برای ایجاد کانونهای دوستی، همکاری و شبکه‌های ارتباطی فراهم می‌آورد که باید از آن بهره برد. کانون پرورش فکری اعضای زیادی از تمام فازهای شهر پردیس دارد. عضویت در این کانون و فرهنگسرا می‌تواند مکان مناسبی برای ایجاد شبکه‌های پیوندی میان کودکان و نوجوانان به‌عنوان نسل آینده ساکنان پردیس باشد.



منابع

- امین زاده گوهرریزی، بهرام و تقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۳). «شهرهای جدید: بستر مناسب تجلی ارزش‌های مهجور» مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- باستانی، سوسن و ساعی مهر، منیره. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز. تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱. ص ۱۳۶-۱۶۷
- براتی، ناصر و یزدان پناه، محمدرضا. (۱۳۹۴)، ارزیابی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه موردی: شهر جدید پردیس، تهران، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۵۰.
- بهزاد، داوود، (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، زمستان).
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی. (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۶، شماره ۲۶، دیماه.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران،
- حائری، م. ر. (۱۳۷۲)، آیا شهرهای جدید هم جدید هستند و هم شهر؟، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی شرکت عمران شهرهای جدید.
- گروه پژوهش‌های اقتصادی، (۱۳۹۲)، طرح مسکن مهر و شهر جدید پردیس، شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید،
- Putnam, Robert, D. 1999 "The Prosperous Community: social capital and Public life, The American Prospect.
- Putnam, Robert and Goss, Kristin. 2002 "Introduction" In Putnam, Democracies in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary society", Oxford University Press.

بررسی و تحلیل الگوهای فضایی-مکانی وقوع بزه سرقت در ارتباط با مؤلفه‌های کالبدی در شهرهای نوبنیاد نمونه موردی محله عطار شهر شاهین شهر

مهین نسترن^۱

محمود محمدی^۲

محمد کاظم جباری^۳

رضا دیانی^۴

چکیده

شاهین شهر به عنوان شهری جدید^۵ در مجموعه شهری اصفهان پایه ریزی شده است، در چند سال اخیر وقوع جرم در مناطقی از شهر حس عدم امنیت را برای شهروندان بوجود آورده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، فاکتورهای اجتماعی تنها عوامل تعیین کننده جرائم نیستند، طرح و کالبد فیزیکی فضا و همچنین نوع عملکرد آنها نیز نقش مهمی در این امر دارد. در این پژوهش با استفاده از مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی-فضایی به همراه مؤلفه کاربری، پراکندگی نقاط جرم خیز جرایم هشتگانه مرتبط با سرقت و احساس امنیت در شهر سنجیده و ویژگی‌های مشترک آنها و میزان تاثیر آنها روی یکدیگر بررسی و سپس اقدام به شناسایی و تحلیل فضایی کانونهای بدست آمده، شد. از نتایج تحلیل‌های آماری و فضایی بر می‌آید که مهمترین کانونهای جرم خیز شهر در محدوده عطار واقع شده و بیشتر

۱. عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

۲. عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول مقاله.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

۵. لازم است به تفاوت و تمایز آنچه در ایران به «شهر جدید» مصطلح است و بر اساس قانون ایجاد شهرهای جدید شکل گرفته است با مفهوم عام شهرهای نوبنیاد دقت نظر به عمل آید.



جرایم در محدوده کاربری‌های مسکونی و تجاری- خدماتی شهر و محدوده عطار رخ داده است. این نشان دهنده نقش پر رنگ مولفه‌های کالبدی بر میزان جرم خیزی مناطق شهر است. تحلیل آزمون پیرسون (همبستگی) نتایج پرسشنامه (۱۲ سوال) حاکی از ارتباط مستقیم بین مولفه‌های کالبدی همچون طراحی فضا، وجود فعالیت‌های شبانه، نظارت ساکنین، نورپردازی، حضور نیروهای امنیتی، خوانا بودن معابر، وجود فضاهای رهاشده و بروز جرم و احساس ناامنی است.

کلید واژه‌ها: الگوهای فضایی-مکانی، شهرهای جدید، بزه سرقت، شاهین شهر

مقدمه

امنیت نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت در یک منطقه و برای هرگونه عمران، آبادی، پیشرفت و ترقی است، اگر جایی امن نباشد، قابل سکونت نیست، و تا امنیت در شهر یا کشوری حکم فرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست. بررسی مطالعات جرایم شهری نشان می‌دهد که وضعیت فیزیکی شهرها بر شدت و نوع جرایم تأثیر مستقیمی می‌گذارد و با توجه به مکانی که جرم رخ می‌دهد دارای خصوصیات متفاوت می‌باشد. بعضی مکانها به دلیل ویژگیهای کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. برعکس بعضی مکانها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند (Meagan, 2004:12). موضوع ناامنی یکی از چالش‌های جدی جوامع می‌باشد که نظر بسیاری از صاحب نظران را در فرآیند تحلیل، تفسیر و ریشه یابی آن به خود معطوف نموده است. بحث جرائم و ناهنجاری‌های رفتاری، در کشور ما که دوران انتقال اجتماعی و مراحل تجربه، بازسازی اجتماعی و کالبدی خاص خود را می‌گذراند، اهمیت بسیار دارد. با توجه به اینکه پیشگیری همیشه بهتر از درمان است، ایجاد محیط کالبدی مطلوب می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرائم داشته باشد.

شهر جدید شاهین شهر که در دهه‌های اخیر پایه ریزی شده است و در ابتدا میزان سفرهای بین شهری شهروندان بین کلانشهر اصفهان و شهر شاهین شهر برای حل نیازهای خود و خریدهای گوناگون به مقدار زیادی بوده اما امروز به عنوان شهری با ساختار منسجم از لحاظ کالبدی و با تکیه بر درون توانسته است نقشی اثرگذار در مجموعه شهری



اصفهان بازی کند و به دلیل پذیرفتن نقش جذب جمعیت سرریز کلان شهر اصفهان، از ساخت اجتماعی منسجمی برخوردار نیست و این اتفاق با مهاجرت ساکنان شهرهای جنوب کشور و سایر شهرها به این شهر ادامه دارد که به دنبال آن در چند سال اخیر وقوع جرایم مختلف در مناطقی از شاهین شهر حس عدم امنیت را برای شهروندان به وجود آورده است. از آنجایی که فضای شهر عرصه‌ای برای زندگی، فعالیت و تفریح شهروندان محسوب می‌شود، باید از امنیت کافی در ابعاد گوناگون برای استفاده کنندگان از فضا برخوردار باشد. با توجه به این که امروزه نحوه شکلگیری فضاهای شهری و میزان احساس ناشی از آن فضاها مورد بی توجهی قرار گرفته است، چاره‌ای جز ایجاد یک حرکت فراگیر و تغییر و تحول در ساختارهای فکری، الگوها و ادبیات مفهومی شکل‌گیری فضا و بهره‌گیری از تجربیات جهانی و تحول در روش‌ها و شیوه‌های برخورد باقی نمی‌ماند. راه حل‌هایی که تاکنون در نظر گرفته و اجرا شده‌اند را می‌توان نظارت‌ها و بازدیدهای حضوری و غیرحضوری نیروهای حافظ امنیت و طراحی‌های گوناگون محیطی در جهت ارتقای امنیت را نام برد. ویژگی کارکردی-عملکردی از مهمترین جنبه‌های امنیت شهری می‌باشد. برنامه ریزان شهری معتقدند که شهر باید مکان همبستگی اجتماعی و فرهنگی باشد تا فضاهای شهری بتوانند امکانات همزیستی، مشارکت و آرامش را برای زندگی اجتماعی پدید آورند. پژوهش حاضر کوشیده است تا ضمن بررسی مبانی نظری، کانون‌های تمرکز بزهکاری در شهر را به شیوه علمی و کاربردی تشخیص دهد. این کار با هدف ارتقاء سطح امنیت شهروندان شهر جدید شاهین شهر از طریق برنامه‌ریزی در پیشگیری از وقوع جرم و جنایت صورت می‌گیرد. این پژوهش بر آن است تا با بررسی عوامل شکل دهنده به امنیت از دیدگاه شهروندی، با تحلیل و ارزیابی اطلاعات حاصل از پرسش نامه در بستر تحقیقی میدانی، میزان و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای مرتبط به تحقیق در شهر شاهین شهر بپردازد و با برنامه‌ریزی دقیق، اولویت‌ها و راهکارها، سیاست‌هایی را در نقاط جرم خیز شهر ارائه دهد. در این پژوهش جرایم ۸ گانه مرتبط با سرقت در شهر با فرض بر این که به نظر می‌رسد نوع کاربری و نحوه استفاده از اراضی در شهر شاهین شهر در شکل‌گیری کانون‌های ارتکاب جرم و احساس امنیت در سطح این شهر موثر است، به عنوان متغیرهای تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. بعد از تهیه پایگاه داده‌ای جرایم ذکر شده و استفاده از آزمون‌های آماری و گرافیکی در محیط Arc



GIS اقدام به شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های بزه سرقت در شهر جدید شاهین شهر می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به اطلاعات در دست مربوط به دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ صورت گرفته و مراحل مختلف را طی خواهد کرد بنابراین از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه خواهد بود. برای توزیع پرسشنامه در سطح شهر نیاز به نتایج بدست آمده از نقشه‌ها و تحلیل‌های آن بود و برای به دست آوردن تعداد پرسشنامه‌ها از فرمول کوکران استفاده شد. با در نظر گرفتن ۵۶ محله در شهر، محدوده عطار شامل ۱۰۴۰ خانوار است که با داشتن این مقدار تعداد ۱۰۰ پرسشنامه برای توزیع در سطح محدوده در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی به طور همزمان صورت می‌گیرد همچنین با توجه به ماهیت اطلاعات از نرم افزارهایی مانند نرم افزار SPSS در تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده و در تهیه نقشه‌های مورد نیاز از نرم افزار GIS نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنابر مصاحبه صورت گرفته با نیروهای قضایی و انتظامی شهر شاهین شهر محدوده عطار محدوده‌ای است که تعداد بالایی از جرایم سرقت و نزاع در آن به وقوع پیوسته است بنابراین ابتدا نقشه کل کانون‌های جرم خیز شهر تحلیل و پس از آن به توزیع پرسشنامه در محدوده عطار اقدام گردید.

چارچوب نظری

سیاست‌هایی که امروزه برای تضمین امنیت محیطی استفاده می‌شود، ریشه در سه رویکرد اصلی دارد.

رویکرد اول به طور عمده از نظر اجرای قانون از طریق استفاده از قوانین و پلیس "نظم و قانون" به امنیت می‌پردازد. قوانین اعمال مردم را تنظیم و نیروهای پلیس به مورد احترام بودن قوانین نظارت می‌کنند.

رویکرد دوم تلاش خود را بر پیشگیری از جرم و جنایت در شرایط اجتماعی متمرکز می‌کند. رویکرد حاضر برای کاهش شرایط ضعف و فقر که اغلب از عوامل ایجاد رفتار



مجرمانه / ضد اجتماعی هستند، که عبارتند از: بیکاری، نبود خانواده، مشکلات روانی، انزوا.

رویکرد سوم به پیشگیری از محیطی می‌پردازد و در "پیشگیری از وقوع جرم" هدف گذاری شده است. این رویکرد به تمام عوامل محیطی که به نحوی می‌تواند انجام یک عمل مجرمانه را تحت تاثیر قرار دهد، می‌پردازد. در گذشته، این سه رویکرد متناقض در نظر گرفته می‌شدند. تجربیات اخیر نشان می‌دهد که ادغام سه رویکرد برای ایجاد اثری جمعی و به دست آوردن نتایج بلند مدت لازم است. (AGIS-Action safepolice, 2006: 2)

جرم شناسی محیطی

دیدگاه جرم شناسی محیطی بر سه اصل استوار است:

رفتار مجرمانه به طور قابل توجهی تحت تاثیر ماهیت محیط مجاوری است که در آن رخ می‌دهد. دیدگاه محیطی به این اصل بستگی دارد که همه ی رفتارها از اثر متقابل وضعیت شخص نتیجه می‌شوند. محیط تنها یک پیش زمینه ی منفعل برای رفتار مجرمانه نیست؛ تقریباً یک نقش اساسی در شروع جرم و شکل دادن به مسیر آن را بازی می‌کند. بنابراین، حوادث مجرمانه نه تنها از افراد مجرم نتیجه می‌شوند بلکه به همان اندازه توسط عناصر مستعد بزهکاری از صحنه بزه ناشی می‌شوند. جرم شناسی محیطی تشریح می‌کند که چگونه محیط‌های مجاور بر رفتار تاثیر می‌گذارند و چرا برخی محیط‌ها مستعد بزهکاری هستند.

توزیع بزهکاری در زمان و مکان، غیرتصادفی است. چراکه رفتار مجرمانه به عوامل وضعی وابسته است، بزهکاری براساس موقعیت محیط‌های مستعد بزه الگویابی شده است. بزهکاری حول فرصت‌های جرم و دیگر ویژگی‌های محیطی که فعالیت مجرمانه را تسهیل می‌کند، متمرکز می‌شود. نرخ جرایم از حومه به حومه ی شهری دیگر و از خیابانی به خیابان دیگر متفاوت است و ممکن است در زمان‌های مختلفی از روز، روزهای مختلفی از هفته، و هفته‌های مختلفی از سال، به اوج برسد. هدف تجزیه و تحلیل بزهکاری شناخت و توضیح این الگوهای وقوع بزه است.

درک نقش محیط‌های مستعد وقوع بزهکاری و آگاه بودن از روشی که جرم الگویابی می‌کند، سلاح‌های قدرتمندی در پژوهش، کنترل و پیشگیری از جرم هستند. این دانش اجازه می‌دهد تا پلیس، صاحبان حرفه ی پیشگیری از جرم و سایر گروه‌های علاقه مند،



منابع را بر مشکلات جرایم ویژه در موقعیت‌های خاص متمرکز کنند. تغییر ابعاد مستعد بزهکاری محیط هدف می‌تواند وقوع جرم در آن موقعیت را کاهش دهد. جرم‌شناسی محیطی و تحلیل بزهکاری به منظور ارائه ی راه کارهای عملی برای مشکلات بزهکاری به یکدیگر پیوند می‌خورند.

در تمامی این سه حوزه ی نظریه، تحلیل و عمل، این دیدگاه محیطی در پایه‌هایش، چند رشته ای؛ در روش‌هایش، تجربی؛ و در رسالت خود، فایده گرا است. دیدگاه محیطی، ایده‌ها و تخصص جامعه شناسان، روان شناسان، جغرافی دانان، معماران، برنامه ریزان شهری، طراحان صنعتی، دانشمندان کامپیوتر، جمعیت شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاد دانان را مورد استفاده قرار می‌دهد. (Wortley and Mazerolle, 2008: ۲-۳)

دیدگاه‌های مرتبط با جرم‌شناسی محیطی

در جدول ذیل برخی از دیدگاه‌هایی که در مورد جرم‌شناسی محیط به بحث پرداخته‌اند به صورت خلاصه آورده شده است:

دیدگاه	نظریه پرداز	زمان	رویکردهای اصلی
اکولوژی اجتماعی شیکاگو	تحت تاثیر مکتب جامعه شناسی شیکاگو- رابرت پارک، ارنست برگس، شاو و مک کی	دهه ۱۹۲۰- ۱۹۳۰	گروههای شهری با هر پایگاه اجتماعی و قومی مانند گونه‌های گیاهی در حرکت به سوی تعادل و توازن همه مراحل اکولوژی را طی می‌کنند. تبعیت توزیع بزهکاری در مناطق مخلف شهر از یک الگوی سیستماتیک نرخ جرایم به نسبت فاصله از مرکز شهر به طور گسترده‌ای تفاوت پیدا می‌کند. بالاترین نرخ‌های جرایم در مناطقی هستند که ساختار فیزیکی به هم ریخته‌ای دارند و جمعیتشان را از دست می‌دهند. جرایم برخاسته از بی سازمانی اجتماعی هستند. (شکویی، ۱۳۶۹: ۱۰۲).
پنجره‌های شکسته	جرج کلینگ و جیمز کیو ویلسون، منتشر شده در مجله	دهه ۱۹۸۰- ۱۹۹۰	بی نظمی و اختلال، به ترس و جرایم خطرناک منجر می‌شود. بی نظمی و ترس از جرم به شدت به یکدیگر مرتبط هستند. پلیس قوانین خیابان را مورد تبادل نظر قرار می‌دهد. محله‌های مختلف، قوانین مختلفی دارند. تخلفات پرخاشگرانه و نامنظم به کاهش کنترل‌های اجتماعی منجر می‌شود.



دیدگاه	نظریه پرداز	زمان	رویکردهای اصلی
	آتلانتیک مونثلی		در مناطقی که کنترل اجتماعی کاهش یافته، این مناطق در مقابل هجوم جرایم آسیب پذیر هستند. ماهیت نقش پلیس در برقراری نظم، تقویت مکانیسم‌های کنترل غیر رسمی خود جامعه می‌باشد. مشکلات از تخلقات فردی اشخاص خیلی به نظر نمی‌آید در حالی که از گروه بزرگی از افراد متخلف حاصل می‌شود. محله‌های مختلف ظرفیت متفاوتی برای مدیریت بی‌نظمی دارند. (wortley and mazerolle,2008:253)
سفر مجرمانه	این اصطلاح برای اولین بار توسط هریس به کار گرفته شد ولی سابقه بررسی‌ها به پژوهش وایت باز می‌گردد.	بکارگیری اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ و سابقه بررسی در سال ۱۹۳۲	بر پایه دو عامل مکان و فاصله سفرهایی که مجرمین برای ارتکاب جرم انجام می‌دهند استوار است. سفرهای مجرمانه طولانی تر برای ارتکاب جرایم علیه اموال(سرقت) نسبت به سفرهای مجرمانه علیه اشخاص(قتل، ضرب و جرح) وجود رابطه معکوس بین تعداد سفرهای مجرمانه و بعد مسافت از محل زندگی مجرمین(کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۴-۸۲).
پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی	ری جفری	دهه ۱۹۷۰	طراحی مناسب و استفاده موثر از محیط انسان ساخت به منظور کاهش ترس از جرم و وقوع آن و افزایش کیفیت زندگی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد فضا در راستای پیشگیری از وقوع جرم راهبردهای اصلی: ۱- قلمرو گرایی ۲- نظارت طبیعی و غیررسمی ۳- کنترل دسترسیها ۴- مدیریت و نگهداری (Cozens,2002:132)
فضای مقاوم در برابر جرم	اسکار نیومن	دهه ۱۹۷۰	وجود رابطه قطعی میان اشکال مختلف طراحی کالبدی و الگوهای جرم فضای قابل دفاع ابزاری برای بازساخت محیطهای مسکونی در راستای تبدیل آنها به محیطهای سرزنده و قابل زیست است. وقوع بالای بزهکاری در مکان‌ها و فضاهای منزوی شده که بازرسی عمومی ضعیفی دارند. (Newman,1973: 3)
چشمان خیابان	جین جیکوبز	دهه ۱۹۶۰	وجود ارتباط نزدیک بین جرم و محیط کالبدی تمجید از خیابان‌های سرزنده و شلوغ و تامین امنیت توسط نظارت بهره برداران از فضا نقش سه عامل در ایجاد سرزندگی و افزایش امنیت: ۱- تمایز روشن و مشخص مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی ۲- امکان مراقبت بصری و دائم روی خیابان‌ها و فضاهای عمومی و تراس



دیدگاه	نظریه پرداز	زمان	رویکردهای اصلی
			ساختمان‌ها ۳- استفاده دائم از خیابان‌ها به ویژه پیاده روها (رضازاده و خبیر، ۱۳۸۹: ۵۹)
الگوی جرم	پت برانتینگهام و پل برانتینگهام	دهه ۱۹۹۰	کشف عمل متقابل بزهکاران و محیط‌های کالبدی و اجتماعی جرم نتیجه عمل متقابل مردم و حرکت در چشم انداز شهری در فضا و زمان می‌باشد. وجود چهار عنصر اصلی برای وقوع جرم در یک مکان: ۱- قانون ۲- بزهکار ۳- هدف ۴- مکان (Chung, 2005: 10)
فعالیت روزمره	فلسون و کوهن	اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰	احتمال وقوع جرم زمانی است که بزهکار و بزه دیده با هم در زمان و مکان بدون حضور یا تأثیر انواع متفاوت ناظران باشند. وجود بزهکار ضروری است و بر دو عنصر هدف مجرمانه و نبود نگهبان تأکید می‌شود. هدف بزهکاری بیشتر از بزه دیده یا قربانی بزهکاری اهمیت دارد. (فلسون و کلارک، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۱)
انتخاب منطقی	کرنیش و کلارک	دهه ۱۹۸۰	ریسک پیچیده بزهکاران در ارتکاب عمل بزهکارانه قبل از انتخاب هدف و مبنای منطقی برای انتخاب یک مکان برای رسیدن به هدف محیط به عنوان ابزاری مورد توجه قرار می‌گیرد که پیشاپیش به مجرمان کمک می‌نماید تا مکانی مناسب برای انجام جرم خود انتخاب نمایند. داشتن پیوند نزدیک با نگرش پیشگیری وضعی بزهکاری که اساس آن بر کاهش فرصت‌های بزهکاری استوار است. (chung, 2005: 11)
کانونهای جرم خیز	شرمن، گارتین و برگر	اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰	بر پایه نوعی علت شناسی مکانی جرم استوار است. ناحیه‌ای جغرافیایی که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است. رویکردهای مرتبط با کانون‌های جرم خیز: ۱- مکان‌های خاص و کوچک ۲- خیابان‌ها و معابر ۳- محله‌ها و نواحی کوچک ۴- نواحی بزرگ انواع کانون‌های جرم خیز فضایی: ۱- پراکنده ۲- خوشه ای ۳- نقطه ای انواع کانون‌های جرم خیز زمانی: ۱- پراکنده ۲- کانونی ۳- بحرانی (Ratcliffe, 2004: 10)

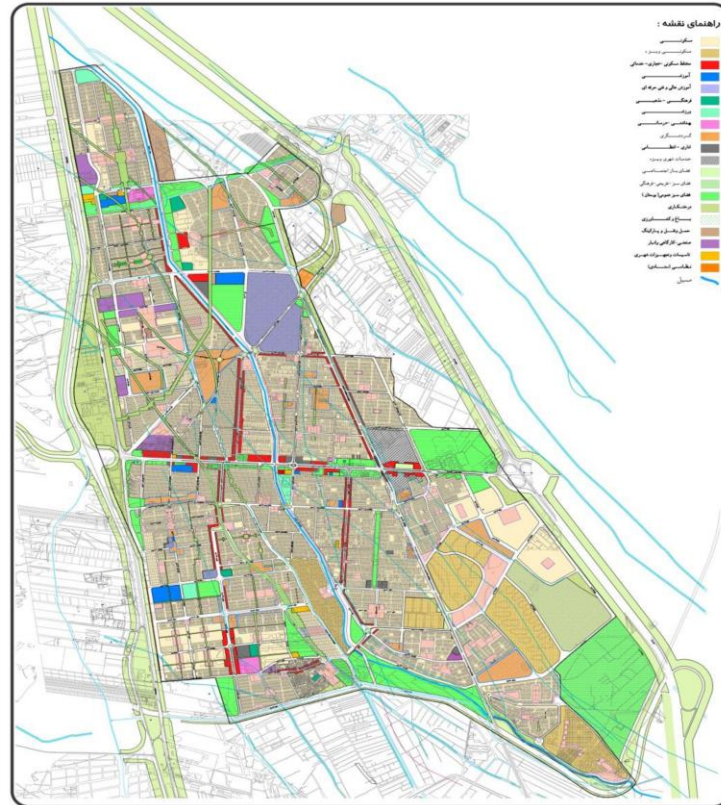


جمع بندی و نظریه مورد استفاده در پژوهش حاضر

برای انتخاب نقشه راه و هدایت پژوهش از میان نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری موجود، باید دیدگاه نظری مناسب متناسب با موضوع و مساله پژوهش انتخاب کرد. در بین نظریه‌هایی که در اینجا مورد بررسی قرار گرفت، نظریه کانونهای جرم خیز قادر است مساله پژوهش به خوبی تبیین نماید چراکه بررسی و اندازه گیری وضعیت شاخصهای محیطی در محدوده مورد مطالعه، هم می‌تواند پاسخگوی تأثیر ساختار فضایی (کاربری زمین و...) بر شکل گیری وقوع جرم باشد و هم شرایط خرد محیطی برآمده از نوع طراحی شهری را که تسهیل کننده ارتکاب جرم باشد تفسیر نماید.

کلیات و معرفی منطقه مورد بررسی

به طور کلی شهر شاهین شهر متشکل از ۲ منطقه، ۸ ناحیه و ۶۱ محله شهری است. مدل اصلی شهر بر اساس مدل شطرنجی در گذشته و شطرنجی- خطی در حال حاضر با تکیه بر حومه‌های منفصل بیرونی و بافت‌های نوساز میانی قرار دارد. شهر از یک حالت خوابگاهی صرف به شهری مسکونی- خدماتی- صنعتی مبدل گردید. کاربری‌های عمده آن مسکونی با فزونی کاربری‌های تجاری- خدماتی همراه است. (مهندسین مشاور آتک، ۱۳۹۰).



نقشه شماره ۱: نقشه کاربری اراضی شهر شاهین شهر
مأخذ: مهندسین مشاور آتک، ۱۳۹۰

تحلیل یافته‌های تحقیق

تحلیل نوع و میزان وقوع بزهکاری در شهر شاهین شهر و محدوده عطار

داده‌های مربوط به این پژوهش براساس اطلاعات مندرج در پرونده‌های کیفری کسانی که از تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱ تا ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ در محدوده قانونی شهر شاهین شهر مرتکب جرم شده و در کلانتری‌ها و واحدهای اجرایی (معاونت اطلاعات و معاونت آگاهی فرماندهی انتظامی استان) برای آنها پرونده تشکیل شده، استخراج گردیده است. در این دوره زمانی در محدوده قانونی شهر به طور کلی تعداد ۱۴۰۲ مورد سرقت به وقوع پیوسته و ۱۵۴۳ فقره کشف شده است که از این بین تعداد ۷۲۱ فقره سرقت ثبت شده در ۸ دسته اصلی طبقه بندی شدند که شامل: سرقت از منازل، مغازه، اتومبیل، موتور سیکلت، داخل خودرو، اماکن خصوصی، کیف قاپی و سرقت به عنف است.



جدول شماره ۱ : مشخصات جرایم ارتكابی و فراوانی آنها در شهر شاهین شهر در سال ۱۳۹۳

سرقته‌ها (منزل، مغازه، اماکن دولتی و خصوصی، احشام، وسایل نقلیه، کیف قاپی، جیب بری، سرقت مسلحانه و به عنف و...)	جنایی (قتل، آدم ربایی، راهزنی، تجاوز به عنف و حریق عمدی)	سایر جرایم (جعل، کلاهبرداری، شرکت‌های هرمی، نزاع و درگیری، مزاحمت، اختلاس و...)	
۱۴۰۲	۱۰	۱۸۳۷	وقوع
۱۵۴۳	۱۲	۱۸۴۲	کشف

مأخذ : نیروی انتظامی شهرستان شاهین شهر و میمه، ۱۳۹۳

بررسی توزیع فضائی محل ارتكاب جرایم بیانگر آن است که توزیع بیشتر جرائم در مرکز شهر و در بخش‌های جنوبی و شمالی بلوار امام صورت گرفته است.



نقشه شماره ۲ : توزیع نقطه ای کل جرایم ارتكابی مورد بررسی در شهر
مأخذ : نگارندگان



توزیع فضائی جرایم نشان می‌دهد در محلاتی همچون رازی، سعدی جنوبی، شهید مطهری (بهرداری)، مسرور، هسا و فاز ۱ و ۲ گلدیس نسبت به دیگر محلات شهر در وقوع جرم سرقت از فراوانی کمتری برخوردار است.

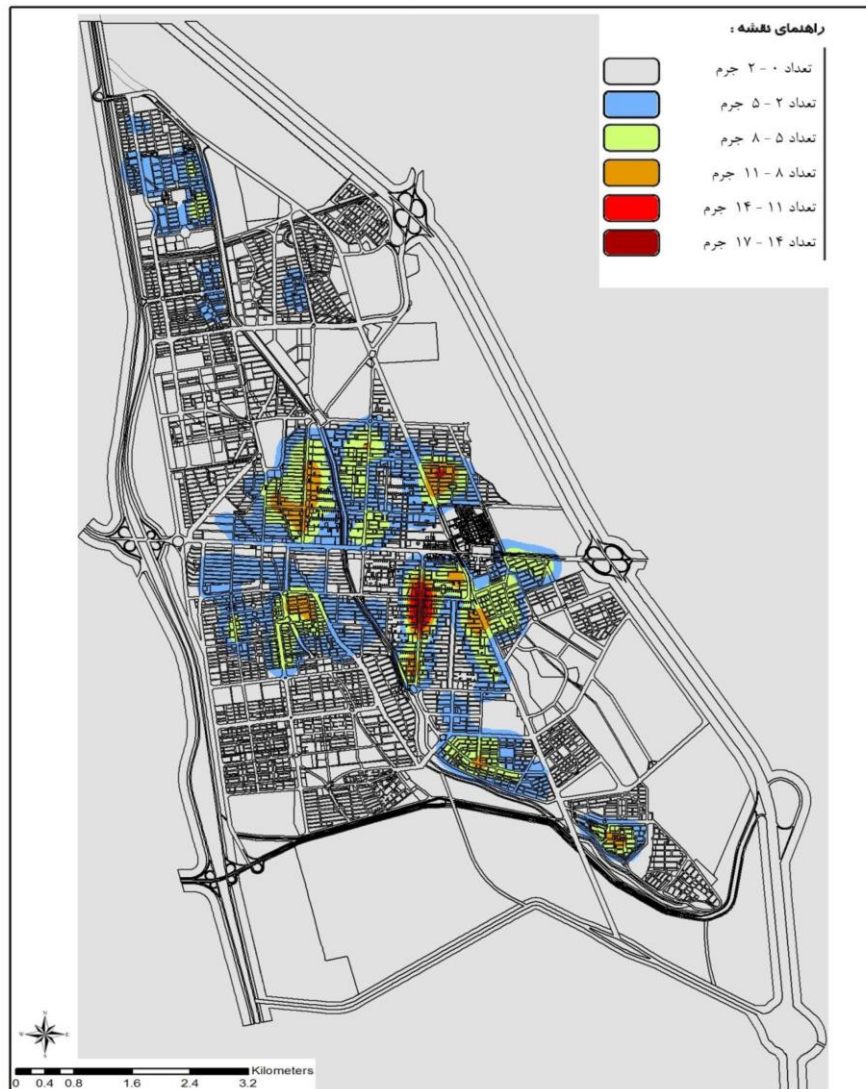
با توجه به بررسی پراکندگی نقاط جرایم هشتگانه در سطح شهر شاهین شهر با استفاده از روش تخمین تراکم کرنل همانگونه که پیش از این نیز توضیح داده شد، از تعداد جرم سرقت از جرایم ۸ گانه سرقت مطرح شده ۸۰ مورد از جرایم ارتكابی در محدوده عطار رخ داده است که به همین دلیل این محدوده برای بررسی‌های بیشتر و تحلیل‌های جزئی تر انتخاب شد. این محدوده خود شامل ۵ محله بوده که با ۴ خیابان (شهید شریفی، عطار شمالی، دکتر شریعتی و عطار جنوبی) قابل تقسیم است. البته میزان وقوع جرم در بخش مرکزی شهر نیز از یک روند افزایشی تبعیت می‌کند و در محلات شهید بهشتی (مخابرات) و فردوسی نیز این نرخ بالا قابل مشاهده است. جدول زیر نشان می‌دهد، بیشترین نوع سرقت مربوط به سرقت از مغازه با تعداد ۱۵ فقره و کمترین آن اماکن خصوصی با ۶ فقره است.

جدول شماره ۲: نوع و میزان جرایم ارتكابی در محدوده عطار و مقایسه آن با شهر شاهین شهر

محل وقوع	منزل	مغازه	اتومبیل	موتور سیکلت	داخل خودرو	اماکن خصوصی	کیف قاپی	به عنف
محدوده عطار	۹	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۶	۱۰	۱۰
شهر شاهین شهر	۹۱	۸۸	۸۷	۷۵	۹۰	۹۲	۹۹	۹۹

مأخذ: نیروی انتظامی شهرستان شاهین شهر و میمه، ۱۳۹۳

مصاحبه صورت گرفته با نیروهای قضایی و انتظامی شهر شاهین شهر نشان می‌دهد که محدوده عطار محدوده‌ای است که تعداد بالایی از جرایم سرقت و نزاع در آن به وقوع پیوسته است و نام این محدوده در کنار محلاتی مانند گلدیس، مخابرات و فردوسی در بالا بودن میزان جرایم به چشم می‌خورد.

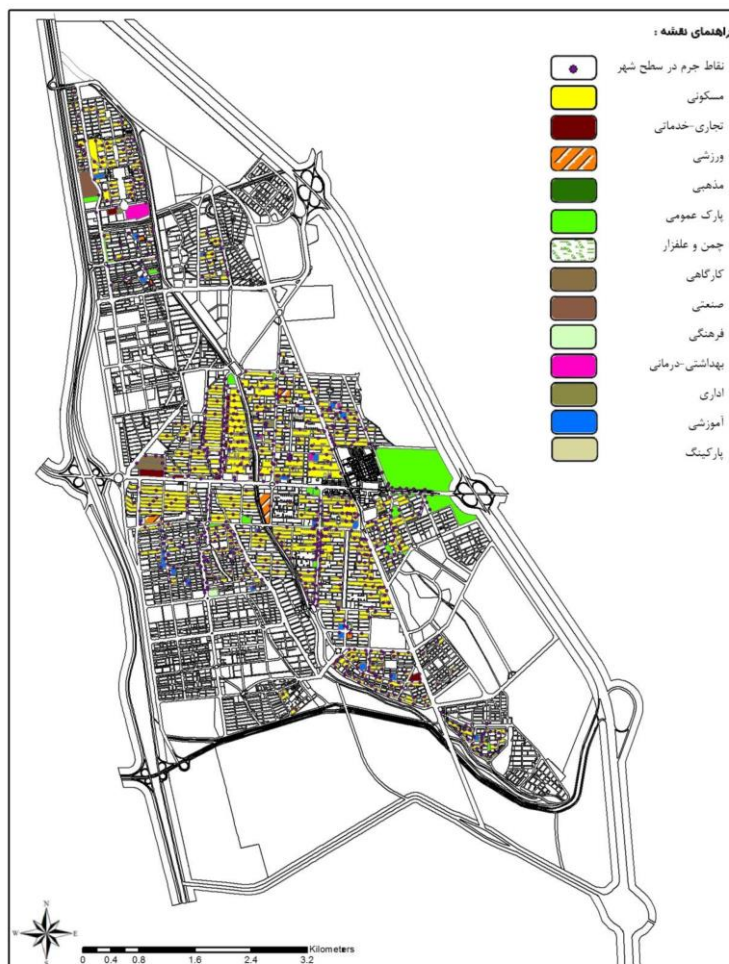


نقشه شماره ۳: توزیع فضایی کانون های جرم خیز شهر شاهین شهر با استفاده از روش تخمین تراکم کرنل
مأخذ: نگارندگان



تحلیل رابطه وقوع بزهکاری با میزان و نوع کاربری‌ها

نوع استفاده از محیط کالبدی و فیزیکی شهرها و نوع و میزان کاربری‌ها می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتکاب بزه موثر باشد و از طرفی برخی خصیصه‌های مکانی مانع و عامل بازدارنده بزهکاری می‌باشند. البته شایان ذکر است که محل وقوع جرایم که در خیابانها و معابر ثبت شده در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) با استفاده از تحلیل مجاورت یعنی نزدیکی محل وقوع هر جرم به هر کاربری به بررسی میزان وقوع جرایم در نزدیکی هر کاربری پرداخته شده است.



نقشه شماره ۴: میزان وقوع جرایم در نزدیکی هر یک از کاربری‌های سطح شهر شاهین شهر

مأخذ: نگارندگان

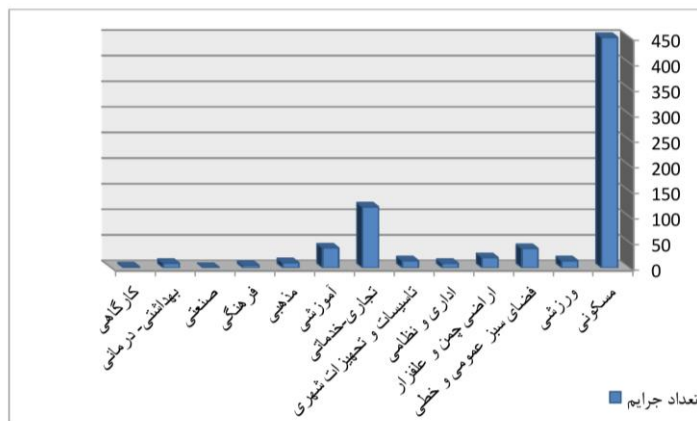


با توجه به نقشه کاربری اراضی شهر ارائه شده میتوان دریافت که میزان کاربری مسکونی بیشتر از دیگر کاربری‌هاست. این کاربری در سطح شهر در حدود ۳۰٪ از اراضی شهر را به خود اختصاص داده است. البته کاربری تجاری-خدماتی نیز از کل فضای شهری شاهین شهر ۱/۵٪ را به خود اختصاص داده است که میزان وقوع جرائم در آن بسیار بالا است. در شهر بیشترین فراوانی وقوع جرایم با ۴۵۰ فقره بزه در مجاورت کاربری مسکونی ثبت شده است. کاربری تجاری-خدماتی با ۱۱۹ فقره بزه و کاربری آموزشی با فراوانی ۳۹ فقره بزه جرایم ارتكابی در رده‌های بعدی قرار دارند. در نتیجه بررسی فراوانی وقوع جرایم ۸ گانه شهر شاهین شهر در مجاورت کاربری‌های موجود در سطح شهر به میتوان دریافت که به ترتیب اهمیت کاربری مسکونی، کاربری تجاری-خدماتی، کاربری آموزشی، فضای سبز و غیره بیشترین درصد وقوع جرم را داشته‌اند.

جدول شماره ۳ : فراوانی وقوع جرایم ۸ گانه سرقت در انواع کاربری‌های شهر شاهین شهر

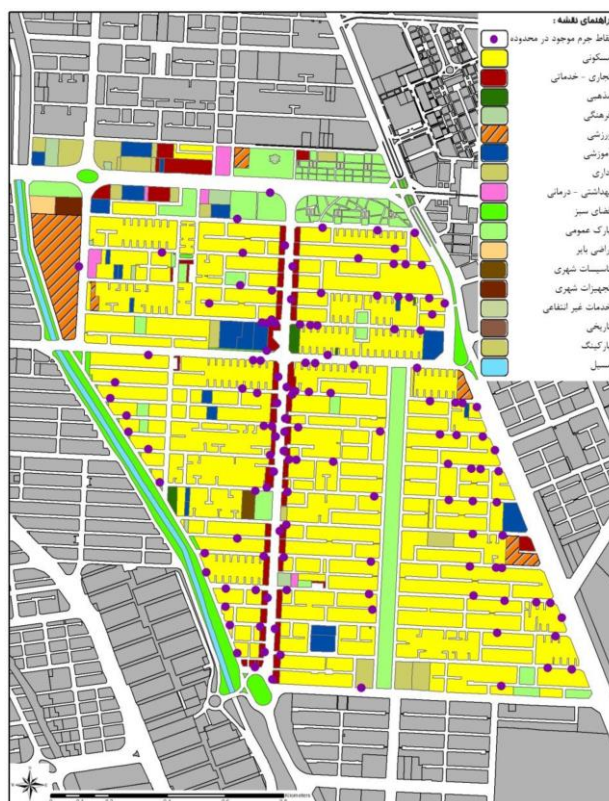
نوع کاربری	تعداد جرم	درصد
ورزشی	۱۴	۱/۹
فضای سبز عمومی و خطی	۳۸	۵/۲
اراضی چمن و علفزار	۲۰	۲/۷
اداری و نظامی	۹	۱/۲
تاسیسات و تجهیزات شهری	۱۴	۱/۹
تجاری-خدماتی	۱۱۹	۱۶/۵
آموزشی	۳۹	۵/۴
مذهبی	۱۰	۱/۳
فرهنگی	۵	۰/۶
صنعتی	۱	۰/۱
بهداشتی- درمانی	۹	۱/۲
مسکونی	۴۵۰	۶۲/۴
کارگاهی	۲	۰/۲
جمع کل	۷۲۱	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان



مأخذ: نگارندگان

نمودار شماره ۱: فراوانی وقوع جرایم ۸ گانه سرقت در انواع کاربری‌های شهر شاهین شهر



نقشه شماره ۵: کاربری اراضی محدوده عطار شهر شاهین شهر
مأخذ: نگارندگان



به نظر می رسد افزایش سهم کاربری مسکونی در این بخش باعث افزایش میزان جرایم نیز شده است. بنابراین نوع استفاده از محیط کالبدی شهرها و نحوه استفاده از زمین میتواند در ایجاد زمینه ها و شرایط ارتکاب بزه مؤثر باشد و از طرفی برخی خصیصه های مکانی دیگر مانع و عامل بازدارنده بزهکاری است.

بحث و تحلیل پیرامون پرسشنامه ها

پرسشنامه در خصوص میزان احساس امنیت، جرم و شکل کالبدی فضا بوده و با در نظر گرفتن ساکنین این محدوده اقدام به توزیع پرسشنامه شد. معرفی، توصیف و تحلیل ویژگی های پرسش شوندگان مرحله مهمی در فرآیند تحلیل است؛ ویژگی های پرسش شوندگان در ارتباط با مشخصات کلی پرسش شونده، مشخصات سکونت پرسش شونده و دیگر مشخصات وی بررسی می شود. از بین پاسخ دهندگان حدود ۶۰٪ را جوانان و کسانی تشکیل می دهند که جز جمعیت فعال شهر محسوب می شوند. ۶۰ نفر از آنان مرد و ۴۰ نفر زن، ۳۷٪ دارای تحصیلات لیسانس و ۲۸٪ از آنان شغل خود را دانشجو ذکر کرده اند. نکته قابل توجه دیگر اینکه ۷۳٪ از این افراد متولد شهر یا آبادی دیگر بوده اند. بیشترین سهم در این بین متعلق به قومیت فارس است. وابستگی خانوادگی و شرایط مناسب برای زندگی داشتن بیشترین فراوانی را در بین گزینه های انتخابی برای علت مهاجرت به خود اختصاص داده است و به دلیل قدمت کم شهر، میزان سکونت بیشتر ساکنین زیر ۲۵ سال بوده است. سپس بعد از دریافت پاسخ ها در این بخش، باید به دنبال مباحث دقیق تر از امنیت و جرم خیزی و مباحث اجتماعی، کالبدی و کاربری بود. بدین منظور اکثر سوالات به صورت جمله خبری بیان شد و از پاسخ دهندگان درخواست شد که میزان واقعیت آن را ارزیابی نمایند.



جدول شماره ۵: سوالات گزینشی از پاسخ دهندگان

ردیف	سوالات	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	درصد سطح تعیین شده
۱	کاربری هایی که در حاشیه خیابان مستقر شده اند در شب نیز فعال اند.						٪ ۲۹
۲	کاربری هایی وجود دارد که امکان تفرج و گذران اوقات فراغت را برای جوانان فراهم میکند.						٪ ۳۸
۳	فضای مناسب و امن برای بازی کودکان در محله وجود دارد.						٪ ۳۸
۴	نور پردازی تمام نقاط (پیاده رو، پارک و خیابان و...) محله در شب مناسب است.						٪ ۴۸
۵	ساختمان هایی در محله وجود دارد که ظاهر آن کثیف، مخدوش و دارای پنجره های شکسته باشد.						٪ ۴۱
۶	در محله شما ساختمان ها و مکان هایی وجود دارد که به وسیله آن آدرس دهید.						٪ ۳۸
۷	مسیرها و معابر به خوبی آشنا بوده و مسیر مورد نظر به راحتی پیدا خواهد شد.						٪ ۴۶
۸	در معابر فضاهای مخفی از دید وجود دارد که مجرم بتواند در آنجا کمین کند.						٪ ۳۴
۹	پوشش گیاهی و درختان به نحوی است که مانع از دید افراد شده و فرصت مخفی شدن را برای مجرمین فراهم کنند.						٪ ۳۰
۱۰	شما از منزل و کاسیان از مغازه ها بر راحتی قادر بر نظارت بر خیابان و کوچه ها هستید.						٪ ۴۳
۱۱	حضور پلیس و نیروی انتظامی توانسته در ایجاد امنیت شبانه روزی محله تاثیر گذار باشد.						٪ ۳۰
۱۲	از سکونت در این محله احساس رضایت و امنیت میکنید.						٪ ۴۵

ماخذ: نگارندگان



۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
احساس رضایت و امنیت از سکونت در محله	تأثیر حضور نیروی انتظامی در ایجاد امنیت شبانه روزی	نظارت معمار از منزل و مغازه ها توسط شهروندان	منع از دید شدن پوشش گیاهی و فرصت مفنی شدن مجرمین	وجود فضاهای مسیری و معمار آتشی پرده و مسیر به راحتی پیدا میشود	ساختمان ها و مکان های که به وسیله آن آدرس دهی میشود	ساختمان هایی که ظاهر آن کتیبه، مخدوش و ... باشد	نورپردازی تمام نقاط محله در شب	فضای مناسب و امن برای بازی کودکان در محله	وجود تخریبی و گرافان لولفات فراغت	فعالیت شبانه کاری های حاشیه خیابان	فعالیت شبانه کاری های حاشیه خیابان	
-۰/۹۲	-۰/۹۲	-۰/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۲۹	-۰/۵۷	-۰/۵۹	-۰/۵۲	-۰/۷۲	-۰/۷۵	-۰/۰۲	۱	PC
-۰/۰۵	-۰/۲۲	-۰/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۲۰	-۰/۵۷	-۰/۵۹	-۰/۵۲	-۰/۷۲	-۰/۷۵	-۰/۰۲	-	SIG
-۰/۲۶	-۰/۱۶	-۰/۲۶	-۰/۱۵	-۰/۲۲	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۶	PC
-	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-	-	SIG
-۰/۸۱	-۰/۷۵	-۰/۷۵	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-۰/۷۱	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-	-	SIG
-۰/۷۷	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۵	۱	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-۰/۲۲	PC
-	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-	-	SIG
-۰/۲۴	-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	۱	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-۰/۰۱	-۰/۸۸	-۰/۲۶	-۰/۲۶	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-	-	-	SIG
-۰/۰۵	-۰/۶۳	-۰/۲۵	-۰/۰۹	-۰/۱۵	-۰/۲۰	۱	-۰/۵۶	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۵۹	PC
-۰/۵۸	-۰/۱۰	-۰/۰۸	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-۰/۵۸	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۵۹	SIG
-۰/۸۲	-۰/۱۶	-۰/۲۱	-۰/۲۷	-۰/۲۵	۱	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	PC
-۰/۰۷	-۰/۸۷	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-	SIG
-۰/۸۳	-۰/۰۸	-۰/۲۱	-۰/۲۷	۱	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	PC
-۰/۴۱	-۰/۲۸	-۰/۲۸	-۰/۲۰	-	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	SIG
-۰/۱۴	-۰/۲۸	-	۱	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-۰/۲۶	-۰/۲۰	-۰/۲۵	-	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	SIG
-۰/۲۹	-۰/۲۰	۱	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-۰/۱۳	-۰/۰۴	-	-	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	SIG
-۰/۹۱	۱	-۰/۲۵	-۰/۲۸	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-۰/۰۵	-	-	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	SIG
۱	-۰/۹۱	-۰/۲۹	-۰/۱۴	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	PC
-	-	-۰/۱۳	-۰/۲۶	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-	-	-	-	SIG

※ همبستگی معنی دار در سطح ۰/۰۱

※ همبستگی معنی دار در سطح ۰/۰۵

اگر sig کمتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه رد و رابطه بین متغیرها وجود دارد.

اگر sig بیشتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه تایید و رابطه بین متغیرها وجود ندارد.

ضریب همبستگی هرچه به ۱+ نزدیک باشد رابطه قوی تر و همبستگی مستقیم بوده و هرچه به ۱- نزدیک باشد عدم همبستگی و معکوس بودن رابطه ثابت می شود.

نتایج به دست آمده از تحلیل آزمون پیرسون (همبستگی) بین متغیرهای موجود در

سوالات ذکر شده به شرح زیر بیان می شود:

بین احساس رضایت و امنیت از سکونت در محله و فعالیت شبانه کاری های حاشیه خیابان همبستگی مستقیمی وجود داشته و این نشان دهنده رابطه بین آنهاست . به صورتی که فعالیت شبانه این کاربری ها در کناره خیابان ها به نوعی احساس امنیت و رضایت را در ساکنین محله بوجود آورده است.



وجود کاربری‌های تفرجی و گذران اوقات فراغت نیز باید همراه با نور پردازی مناسب در شب باشد تا استفاده از این نوع فضا و میزان حضورپذیری را در شهروندان تقویت کند. وجود رابطه و همبستگی مستقیم بین وجود کاربری‌های تفرجی و گذران اوقات فراغت و وجود کاربری‌های تفرجی و گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد که این نوع از کاربری در سطح محله به نوعی می‌توانند جزو ساختمان‌ها و مکان‌هایی باشند که به وسیله آن آدرس دهی می‌شود. پارک عطار در محدوده مورد مطالعه می‌تواند از این نوع باشد.

رابطه معکوس بین فضای مناسب و امن برای بازی کودکان در محله و آشنا بودن مسیرها و معابر و مسیریابی راحت آنان بیان گر این مطلب است که امنیت و مناسب بودن فضا برای بازی کودکان در محله ارتباط چندانی با آشنا بودن مسیرها و معابر و مسیریابی راحت آنان ندارد.

بین نورپردازی تمام نقاط محله در شب و وجود فضاهای مخفی در معابر و کمین مجرم در آنجا رابطه معکوس وجود دارد و این بدان معنی است که وجود فضاهای ناامن و استفاده مجرمین از آنها تنها به نور پردازی آنان بستگی نداشته بلکه به طراحی آن فضا، ماهیت آن و نحوه نظارت بر آن نیز ارتباط دارد.

ساختمان‌هایی که ظاهر آن‌ها کثیف، مخدوش و دارای دیوارنویسی‌های ناهنجار هستند را نمی‌توان جزو فضاهای مخفی در معابر دانست که به نوعی کمینگاه مجرمین هستند اما احساس رضایت و امنیت از سکونت در محله را برای ساکنین و شهروندان به وجود می‌آورد.

ساختمان‌ها و مکان‌هایی که به وسیله آن‌ها آدرس دهی می‌شود را می‌توان به نوعی باعث آشنا بودن مسیرها و معابر و مسیریابی راحت آنان دانست. همچنین وجود آنها را نمی‌توان دلیلی بر نظارت مناسب معابر از منازل و مغازه‌ها توسط شهروندان دانست. زیرا نوع چیدمان توده‌ها و نوع طراحی مسیرها می‌تواند در این امر دخالت داشته باشد.

نظارت مناسب معابر از منازل و مغازه‌ها توسط شهروندان نیز نمی‌تواند حاصل از آشنا بودن مسیرها و معابر و مسیریابی راحت آنان باشد. این امر نشان دهنده رابطه معکوس بین این دو متغیر است.

حضور نیروی‌های انتظامی به نوعی امنیت شبانه روزی را در فضاهایی که مانع از دید شدن توسط پوشش گیاهی خواهد شد و فرصت مخفی شدن را برای مجرمین فراهم



می‌کند، ایجاد خواهد کرد. این امر حاصل وجود رابطه مستقیم و دارای همبستگی بین این ۲ متغیر است.

موضوع نظارت معابر از منازل و مغازه‌ها توسط شهروندان و تاثیر حضور نیروی انتظامی در ایجاد امنیت شبانه روزی را می‌توان به نوعی مکمل یکدیگر دانست که در رابطه با یکدیگر هستند ولی همبستگی چندانی با یکدیگر ندارند. همچنین نور پردازی تمام نقاط محله در شب و حضور نیروهای انتظامی در محدوده و گشت زنی آن‌ها، به نوعی در میزان احساس رضایت و امنیت ساکنین از سکونت در محله تاثیر داشته است و زمینه ساز آن است.

نتیجه گیری

مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکانهایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می‌گزینند که امنیت بیشتری برای ارتکاب بزه داشته باشد. از این رو ویژگیها و ساختار محیط به ویژه محیط‌های شهری در بروز جرایم مختلف تأثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد. بررسی مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکانها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل بوجود آورنده و تسهیل کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری بیش از پیش اهمیت یافته تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید. در واقع می‌توان گفت برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر است و می‌توان با تغییر ساختار فضا اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمانها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و بکارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری نمود. نکته مهم دیگر اینکه امروزه برخورد صرف قضایی و انتظامی با پدیده جرم و مجرم چندان جایگاهی ندارد. این در حالی است که صاحب‌نظران راهکارهای مبتنی بر شناسایی علل و عوامل ارتکاب جرم در بعد مسائل اجتماعی و محیطی را مطرح می‌کنند. برای شناسایی و تحلیل ویژگیهای این کانونها در شهر جدید شاهین شهر روش تخمین تراکم مورد استفاده قرار گرفت



و بر اساس این روش مشخص گردید، محدوده عطار مهمترین کانون جرم خیز شهر در سال مورد مطالعه بوده است. در نهایت به بررسی تأثیر ویژگی‌های کالبدی محدوده عطار در وقوع بزهکاری و احساس امنیت پرداخته شد. بررسی نوع و ترکیب کاربری اراضی شهر و محدوده مورد نظر نشان می‌دهد، بیشترین درصد مساحت به کاربری مسکونی اختصاص دارد. همچنین کاربری اقتصادی- خدماتی متنوعی در معابر اصلی محدوده موجود می‌باشد که نظارت اجتماعی را در محدوده مرکزی افزایش می‌دهد. با توجه به مطالب گفته شده به این نتیجه می‌رسیم که شاخص عملکردی- کارکردی محیط همانند دو شاخص کالبدی و رفتاری از اهمیت بالایی برخوردار است و همانطور که در شهر و محدوده عطار دیده شد، کارکردهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- خدماتی و تفریحی- ورزشی در افزایش امنیت اجتماعی نقش بسزایی دارند. بنابراین نوع و نحوه استفاده از اراضی شهری می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتکاب بزه مؤثر باشد.

پیشنهادهای

برای دستیابی به مکان‌های امن و عاری از جرم می‌توان علاوه بر مباحث بیان شده پیشنهادات زیر را نیز در دستور کار قرار داد:

افزایش نظارت طبیعی بر فضا، با حفظ حیات شبانه محیط به کمک ایجاد کاربریهای فعال در شب و رو به خیابان.

پالایش کارکردی فعالیتهای ناسازگار و افزایش نقش‌های گردشگری، پذیرایی و فرهنگی با تکیه بر هویت کالبدی به ویژه رونق بخشیدن به فضاهای شهری در ایام تعطیل و شب‌ها.

نورپردازی مناسب معابر و خیابانها، حصارکشی ساختمان‌های رها شده و اراضی متروکه، ساماندهی و توانمندسازی ساخت و سازهای کالبدی و توسعه اجتماعی در محلات شهر.

تعریض معابر مطابق با اصول و استانداردهای معماری و شهرسازی، علاوه بر تسهیل رفت و آمد در منطقه، امکان گشت زنی پلیس را فراهم خواهد آورد. گشت‌های (پیاده، موتور و خودرویی) انتظامی که خود عامل نظارتی می‌باشند، باید در مکان‌هایی که کاربری‌های مختلط در آنها وجود دارد فعال تر شده و آموزش‌های لازم در این باره به کارکنان گشتی و انتظامی داده شود.



جای دهی کیوسک‌های تلفن و روزنامه فروشی یا دکه‌های سیار در مناطق جرم خیز. همکاری تنگاتنگ نیروی انتظامی با ارگان‌ها و سازمان‌هایی نظیر شهرداری‌ها، متولیان امر شهرسازی، معماران و جامعه مهندسان شهر، نهادهای فرهنگی، N.G.O ها، سازمان برق یا سازمان بهزیستی که در مدیریت شهر دخیل هستند، می‌تواند بر موفقیت این سازمان در مدیریت پیشگیری از جرم و کاهش جرایم بیفزاید.

استفاده از دوربین‌های مدار بسته در محوطه منازل مسکونی، به ویژه در آپارتمان‌هایی که به علت تراکم بالای ساختمانی جمعیت زیادی در آنها تردد می‌کنند می‌تواند هم در پیشگیری از جرم و هم در پیگیری و دستگیری سارقان احتمالی کمک شایانی به نیروی انتظامی کند.

منابع

- رضازاده، راضیه و خبیر، سولماز، (۱۳۸۹)، بررسی رویکردهای موقعیتی پیشگیری از جرم از منظر معماران و طراحان شهری، فصلنامه آبادی، سال بیستم، شماره ۳۱ (پیاپی ۶۶).
- شکویی، حسین (۱۳۶۹)؛ جغرافیای اجتماعی شهرها، (اکولوژی اجتماعی شهر)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- فلسون، مارکوس و کلارک، رونالد. وی، (۱۳۸۹)، فرصت و بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری، ترجمه محسن کلانتری و سمیه قزلباش، چاپ دوم، انتشارات آذرکلک
- کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)؛ بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران
- مهندسین مشاور آتک، (۱۳۹۰)، طرح تفصیلی شهر شاهین شهر، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان
- نیروی انتظامی شهرستان شاهین شهر و میمه، ۱۳۹۳
- AGIS-Action safepolice(2006). Planning Urban Design and Management for Crime Prevention. European Commission-General Justice, Freedom and Security
- Chi pun chung, Edward, (2005), Use of GIS in Campus Crime Analysis: A Case Study of the University of Hong kong. For the Degree of Master of Geographic Information Systems at the University of Hong Kong
- Cozens P M,(2002), Viewpoint Sustainable Urban Development andn Crime Prevention Through Environmental Design forthe British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the21st Century, Cities, Vol. 19, No. 2, pp. 129-137
- Meagan Elizabeth Cahill (2004). Geographies of Urban Crime: An Interurban Study of Crime in Nashville .TN; Portland .OR; and Tucson .2-197.
- Newman, O.,(1973),Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design .New York :Macmillan
- Ratcliffe, Jerry H, (2004), The Hotspot Matrix: a Framework for the Spatio-Temporal Targeting of Crime Reducation, Police Practice and Research
- Wortley, Richard and Lorraine Mazerolle(2008),Environmental Criminology and Crime Analysis, Willan PUBLISHING.